کتاب دانش فنی تخصصی (تربیت کودک)

ایران استخدام

سرویس خصوصی خدمات عام المنفعه اخبار شغل و استخدام

Www.IranEstekhdam.Ir

خواننده گرامی؛ در جهت بهبود کیفیت این فایل؛ لطفاً هرگونه انتقاد و پیشنهاد خود در مورد مطالب آن
و یا گزارش مشکل را به آدرس ایمیل و یا با شماره تلفن زیر مطرح نمایید:

شماره تلفن تماس: ۰۲۱-۹۱۳۰۰۰۱۳ آدرس ایمیل: soal@iranestekhdam.ir

Www.IranEstekhdam.Ir

«لینک‌های مفید و مرتبط»

دانلود منابع آزمون استخدامی هنرآموز کودکیاری

خرید و دانلود

دانلود نمونه سوالات عمومی و تخصصی استخدام آموزش و پرورش

خرید و دانلود

بسم الله الرحمن الرحیم

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

دانش فنی تخصصی

رشتهٔ تربیت کودک

گروه بهداشت و سلامت

شاخهٔ فنی و حرفه‌ای

پایهٔ دوازدهم دورهٔ دوم متوسطه

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

نام کتاب: دانش فنی تخصصی (رشته تربیت کودک) ـ ۲۱۲۳۱۱
پدیدآورنده: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف: دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای وکاردانش
شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف: معصومه صادق، فاطمه قاسم‌زاده، فرشته مجیب، سارا فرجاد، شهربانو سرداری(هنرآموز خبره)، اکرم دهقانی (هنرآموز خبره) و سکینه راه‌پیما (اعضای شورای برنامه‌ریزی)
فرشته مجیب، سکینه راه‌پیما، اکرم دهقانی، ابوطالب سعادتی، شهربانو سرداری، معصومه صادق و سارا فرجاد (اعضای گروه تألیف) ـ حسین داودی (ویراستار پودمان‌های اول تا چهارم) و آناهیت اعتضادی و محمد مشاهری‌فرد (ویراستاران پودمان پنجم)
مدیریت آماده‌سازی هنری: ادارهٔ کلّ نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
شناسه افزوده آماده‌سازی: جواد صفری (مدیر هنری) ـ مریم کیوان (طراح جلد)ـ زهره بهشتی‌شیرازی (صفحه‌آرا)
نشانی سازمان: تهران: خیابان ایرانشهر شمالی ـ ساختمان شمارهٔ ۴ آموزش و پرورش (شهیدموسوی)
تلفن: ۹ـ۸۸۸۳۱۱۶۱، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶ ، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹
وب سایت: www.chap.sch.ir و www.irtextbook.ir
ناشر : شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران: تهران ـ کیلومتر ۱۷ جادهٔ مخصوص کرج ـ خیابان ۶۱(دارو پخش) تلفن :۵ ـ ۴۴۹۸۵۱۶۱، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۱۳۹ـ ۳۷۵۱۵
چاپخانه: شرکت چاپ ونشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»
سال انتشار و نوبت چاپ: چاپ نهم ۱۴۰۵

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به‌صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس‌برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

شابک ۲- ۳۰۸۳ - ۰۵ - ۹۶۴ - ۹۷۸ **ISBN 978 – 964 – 05 – 3083–2**



ما باید زحمت بکشیم تا در همهٔ جناح‌ها خودکفا باشیم. امکان ندارد که استقلال به‌دست بیاید، قبل از اینکه استقلال اقتصادی داشته باشیم. اگر ما بنا باشد که در اقتصاد احتیاج داشته باشیم، در چیزهای دیگر هم وابسته خواهیم شد و همین‌طور اگر در فرهنگ، ما وابستگی داشته باشیم، در اساس مسائل وابستگی پیدا می‌کنیم.

امام خمینی «قُدِّسَ سِرُّهُ»

فهرست

پودمان ۱
کاربرد روان‌شناسی در آموزش و پرورش کودک ۱

پودمان ۲
کاربرد بهداشت روانی در پیش از دبستان ۳۹

پودمان ۳
شناخت مشکلات شایع رفتاری کودکان پیش از دبستان ۷۵

پودمان ۴
به کارگیری رویکردها در آموزش و پرورش پیش از دبستان ۱۰۵

پودمان ۵
کاربرد متون تخصصی در آموزش‌های پیش از دبستان ۱۴۷

منابع و مآخذ ۱۷۳

سخنی با هنرآموزان گرامی

در راستای تحقق اهداف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران و تغییرات سریع عصر فناوری و نیازهای متغیر جامعه بشری و دنیای کار و مشاغل، برنامه درسی رشته تربیت کودک باز طراحی و بر اساس آن محتوای آموزشی نیز تألیف گردید. این درس از خوشه دروس شایستگی‌های فنی می‌باشد که در سبد درسی هنرجویان برای سال دوازدهم تدوین و تألیف شده است و مانند سایر دروس شایستگی و کارگاهی دارای ۵ پودمان می‌باشد. کتاب دانش فنی تخصصی مباحث نظری و تفکیک شده دروس کارگاهی و سایر شایستگی‌های رشته را تشکیل نمی‌دهد بلکه پیش نیازی برای شایستگی‌های لازم در سطوح بالاتر صلاحیت حرفه‌ای ـ تحصیلی می‌باشد. هدف کلی کتاب دانش فنی تخصصی آماده‌سازی هنرجویان برای ورود به مقاطع تحصیلی بالاتر و تأمین نیازهای آنان را در راستای محتوای دانش نظری است. پودمان پنجم این کتاب با عنوان «کاربرد متون تخصصی در آموزش‌های پیش از دبستان» با هدف یادگیری مادام‌العمر و توسعه شایستگی‌های هنرجویان بعد از دنیای آموزش و ورود به بازار کار، سازماندهی محتوایی شده است. این امر با آموزش و درک مطلب اطلاعات تخصصی مورد نیاز از متون علمی غیر فارسی، جداول، دستورالعمل‌ها و تجهیزات آموزشی در راستای توسعه شایستگی‌های حرفه‌ای محقق خواهد شد.

تدریس کتاب در کلاس درس به صورت تعاملی و با محوریت هنرآموز و هنرجوی فعال صورت می‌گیرد. به مانند سایر دروس هنرآموزان گرامی برای هر پودمان یک نمره در سامانه ثبت نمرات برای هر هنرجو ثبت می‌کنند. نمره قبولی در هر پودمان حداقل ۱۲ می‌باشد و نمره هر پودمان از دو بخش ارزشیابی پایانی و مستمر تشکیل می‌شود. این کتاب مانند سایر کتاب‌ها جزئی از بسته آموزشی تدارک دیده شده برای هنرجویان است. شما می‌توانید برای آشنایی بیشتر با اجزای بسته، روش‌های تدریس کتاب، شیوه ارزشیابی مبتنی بر شایستگی، مشکلات رایج در یادگیری محتوای کتاب، بودجه‌بندی زمانی، نکات آموزشی شایستگی‌های غیرفنی، آموزش ایمنی و بهداشت و دریافت راهنما و پاسخ برخی از فعالیت‌های یادگیری و تمرین‌ها به کتاب راهنمای هنرآموز این درس مراجعه کنید. در هنگام ارزشیابی استاندارد عملکرد از ملزومات کسب شایستگی می‌باشند.

کتاب دانش فنی تخصصی شامل پودمان‌هایی به شرح زیر است:

پودمان اول: کاربرد روان‌شناسی در آموزش وپرورش کودک

پودمان دوم: کاربرد بهداشت روانی در پیش از دبستان

پودمان سوم: شناخت مشکلات شایع رفتاری کودکان پیش از دبستان

پودمان چهارم: به‌کارگیری رویکردها در آموزش‌وپرورش پیش از دبستان

پودمان پنجم: کاربرد متون تخصصی در آموزش‌های پیش از دبستان

هنرآموزان گرامی در هنگام یادگیری و ارزشیابی، هنرجویان بایستی کتاب همراه هنرجو را با خود همراه داشته باشند.

دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی‌وحرفه‌ای و کاردانش

نظرسنجی کتاب درسی

سخنی با هنرجویان عزیز

شرایط در حال تغییر دنیای کار در مشاغل گوناگون، توسعه فناوری‌ها و تحقق توسعه پایدار، ما را بر آن داشت تا برنامه‌های درسی و محتوای کتاب‌های درسی را در ادامه تغییرات پایه‌های قبلی براساس نیاز کشور و مطابق با رویکرد سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران در نظام جدید آموزشی باز طراحی و تألیف کنیم. مهم‌ترین تغییر در کتاب‌ها درسی تغییر رویکرد آموزشی، آموزش و ارزشیابی مبتنی بر شایستگی است. شایستگی، توانایی انجام کار در محیط واقعی بر اساس استاندارد عملکرد تعریف شده است. توانایی شامل دانش، مهارت و نگرش می‌شود. در رشته تحصیلی ـ حرفه‌ای شما، چهار دسته شایستگی در نظر گرفته شده است:

۱ـ شایستگی‌های فنی برای جذب در بازار کار مانند: پرورش مهارت‌های رشد بدنی ـ حرکتی، کلامی، عاطفی، اجتماعی، شناختی و خلاق کودک

۲ـ شایستگی‌های غیر فنی برای پیشرفت و موفقیت در آینده مانند مسئولیت‌پذیری، نوآوری و مصرف بهینه انرژی

۳ـ شایستگی‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات مانند کار با نرم‌افزارها و انواع شبیه‌سازها

۴ـ شایستگی‌های مربوط به یادگیری مادام‌العمر مانند کسب اطلاعات از منابع دیگر

بر این اساس دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش مبتنی بر اسناد بالادستی و با مشارکت متخصصان برنامه‌ریزی درسی فنی و حرفه‌ای و خبرگان دنیای کار مجموعه اسناد برنامه درسی رشته‌های شاخه فنی و حرفه‌ای را تدوین نموده‌اند که مرجع اصلی و راهنمای تألیف برای هر یک از کتاب‌های درسی در هر رشته است.

درس دانش فنی تخصصی، از خوشه دروس شایستگی‌های فنی و شامل: کاربرد روان شناسی و بهداشت روانی در آموزش و پرورش کودک، شناخت مشکلات شایع رفتاری کودک، به‌کارگیری رویکردهای آموزشی و متون تخصصی در آموزش های پیش از دبستان می‌باشد که ویژه رشته تربیت کودک برای پایه ۱۲ تألیف شده است. کسب شایستگی‌های فنی و غیر غنی این کتاب برای موفقیت آینده شغلی و توسعه آن بر اساس جدول توسعه حرفه‌ای بسیار ضروری است. هنرجویان عزیز سعی نمایید؛ تمام شایستگی‌های آموزش داده شده در این کتاب را کسب و در فرآیند ارزشیابی به اثبات رسانید.

این کتاب نیز شامل پنج پودمان است. هنرجویان عزیز پس از طی فرایند یاددهی ـ یادگیری هر پودمان می‌توانند شایستگی‌های مربوط به آن را کسب کنند. در پودمان «کاربرد متون تخصصی درآموزش‌های پیش از دبستان» هدف توسعه شایستگی‌های حرفه‌ای شما بعد اتمام دوره تحصیلی در مقطع کنونی است تا بتوانید با درک مطالب از منابع غیر فارسی در راستای یادگیری در تمام طول عمر گام بردارید. و در دنیای متغیر و متحول کار و فناوری اطلاعات خود را به روزرسانی کنید. هنرآموز محترم شما مانند سایر دروس این خوشه برای هر پودمان یک نمره در سامانه ثبت نمرات منظور می‌نماید. نمره قبولی در هر پودمان حداقل ۱۲ می‌باشد. در صورت احراز نشدن شایستگی پس از ارزشیابی اول، فرصت جبران و ارزشیابی مجدد تا آخر سال تحصیلی وجود دارد. درکارنامه شما این درس شامل ۵ پودمان درج شده که هر پودمان از دو بخش نمره مستمر و نمره شایستگی تشکیل می‌شود و چنانچه در یکی از پودمان‌ها نمره قبولی را کسب نکردید، لازم است در همان پودمان مورد ارزشیابی قرار گیرید. همچنین این درس دارای ضریب ۴ بوده و در معدل کل شما تأثیر می‌گذارد.

درکتاب **همراه هنرجو** واژگان پرکاربرد تخصصی در رشته تحصیلی ـ حرفه‌ای شما آورده شده است. **کتاب همراه هنرجوی خود را هنگام یادگیری، آزمون و ارزشیابی حتماً همراه داشته باشید.**

فعالیت‌های یادگیری در ارتباط با شایستگی‌های غیرفنی مانند مدیریت منابع، اخلاق حرفه‌ای، حفاظت از محیط زیست و شایستگی‌های یادگیری مادام العمر و فناوری اطلاعات و ارتباطات همراه با شایستگی‌های فنی، طراحی و در کتاب درسی و بسته آموزشی ارائه شده است. شما هنرجویان عزیز کوشش نمایید این شایستگی‌ها را در کنار شایستگی‌های فنی آموزش ببینید، تجربه کنید و آنها را در انجام فعالیت‌های یادگیری به کار گیرید. امیدواریم با تلاش و کوشش شما هنرجویان عزیز و هدایت هنرآموزان گرامی، گام‌های مؤثری در جهت سربلندی و استقلال کشور و پیشرفت اجتماعی و اقتصادی و تربیت شایسته جوانان برومند میهن اسلامی برداشته شود.

دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش

پودمان ۱

کاربرد روان‌شناسی در آموزش‌وپرورش کودک



صد هزاران فضل دانی از علوم جان خود را می ندانی ای ظَلوم
قیمت هر کاله می‌دانی که چیست قیمت خود را ندانی؛ ابلهی ست
جان جمله علم‌ها این است این که بدانم من کی‌ام روی زمین

«مولوی»

هدف توانمندسازی ۱ـ ۱: علم روان‌شناسی و موضوع آن را بررسی کند.

آن شناسد مر خدای خویش را کاو شناسد نفس و جای خویش را



شکل ۱ـ علم روان‌شناسی

روان‌شناسی

گفت‌وگو کنید

فعالیت۱:

- ☐ چرا گاهی هنگام نگاه‌کردن به یک فیلم، تمرکز خود را از دست می‌دهیم ؟
- ☐ چرا به هنگام صحبت در جمع خجالت می‌کشیم؟
- ☐ چرا مطالعهٔ با فاصلهٔ زمانی، بهتر از مطالعه بدون فاصلهٔ زمانی است؟
- ☐ تماشای برنامه‌های محیط‌زیست در رسانه‌ها چه تأثیری بر کنترل و حفظ آن توسط کودکان دارد؟
- ☐ به‌نظر شما، پاسخ علمی به پرسش‌های بالا، در قلمرو کدام علم می‌گنجد؟

باتوجه به متفاوت‌بودن پاسخ‌ها در فعالیت بالا، علم روان‌شناسی به دنبال پاسخ به این مسائل است. امروزه، با وجود تغییرات بنیادی در ارزش‌ها و تعاریف، «روح و روان» به مانند گذشته، همچنان اهمیت خود را حفظ کرده است و کمتر کسی را می‌توان سراغ داشت که از «علم روان‌شناسی» بی‌نیاز باشد. این علم با همهٔ جوانب زندگی ما در ارتباط است. شیوه‌های تعامل والدین با فرزندان، شیوه‌های فرزندپروری، درمان مشکلات روانی و خانوادگی، گزینش افراد مناسب برای یک کار، تعلیم و تربیت دانش‌آموزان استثنایی و ... همه نمونه‌هایی از مسائل مربوط به روان‌شناسی است (شکل ۱).

«ویلهم وونت[1]» بنیان‌گذار و پدر روان‌شناسی در سال ۱۸۷۹ میلادی اولین آزمایشگاه روان‌شناسی را رسماً در دانشگاه «لایپزیک» آلمان تأسیس کرد.

۱ـ ویلهم وونت(Wilhem Wundt)پدر روان‌شناسی علمی

تعریف روان‌شناسی[1]: جامع‌ترین تعریف روان‌شناسی عبارت است از «علم مطالعهٔ رفتار و فرایندهای ذهنی» منظور از «**رفتار**» در روان‌شناسی، آن دسته از فعالیت‌های جاندار است که به‌وسیلهٔ جاندار دیگر یا با دستگاه‌های آزمایشگاهی قابل مشاهده و اندازه‌گیری باشد. لانه‌سازی برخی حیوانات، راه‌رفتن انسان‌ها و بسیاری حرکات دیگر نمونه‌هایی از رفتار است. منظور از «فرایندهای ذهنی» آن دسته از فعالیت‌های جاندار است که قابل مشاهدهٔ مستقیم نیست، ولی می‌توان آنها را از تأثیرشان در رفتار فرد استنباط کرد، مانند افکار، احساسات و انگیزه‌هایی که ما انسان‌ها در درونمان داریم.

نکته

علم روان‌شناسی مفاهیمی همچون ادراک، شناخت، تمرکز، توجه، احساسات، پدیده‌شناسی، انگیزه، کارکرد ذهن، شخصیت، رفتار، روابط بین فردی، خانواده و دیگر زمینه‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد.

هدف توانمندسازی ۲ـ۱: رشته‌های روان‌شناسی را با هم مقایسه کند.

رشته‌های روان‌شناسی

گفت‌وگو کنید

فعالیت۲: مربی برای آموزش‌وپرورش کودکان پیش از دبستان به چه نوع دانشی نیاز دارد؟ در مورد اهمیت آن گفت‌وگو کنید.

در این مبحث از بین رشته‌های گوناگون روان‌شناسی، چند رشتهٔ رایج آنها به اختصار معرفی می‌شود:

۱ **روان‌شناسی کودک:** این شاخه از روان‌شناسی، رفتار کودک را از مرحلهٔ **جنینی** تا آغاز دورهٔ بلوغ و نوجوانی بررسی می‌کند و به رشد و تحول بدنی، عاطفی، اجتماعی، اخلاقی و عقلی کودکان می‌پردازد (شکل ۲).





شکل ۲ـ روان‌شناسی کودک

۱ـ Psychology

۲ **روان‌شناسی کودکان استثنایی:** این رشته به مطالعهٔ ویژگی‌های جسمی، روانی، حسی، حرکتی، شناختی و اجتماعی کودکان عقب مانده ذهنی، نابینا و نیمه نابینا، ناشنوا و نیمه ناشنوا، ناسازگار، مبتلا به بیماری صرع، کودکان معلول جسمی ـ حرکتی، دانش‌آموزان مبتلا به اختلال خاص در یادگیری و کودکان و نوجوانان تیزهوش و خلاق می‌پردازد. این شاخهٔ روان‌شناسی همچنین در زمینهٔ علل مختلف معلولیت، راه‌های پیشگیری از معلولیت و اصلاح و ترمیم نارسایی‌ها و اختلالات رفتاری مباحثی را مطرح می‌کند (شکل ۳).





شکل ۳ـ کودکان استثنایی

۳ **روان‌شناسی اجتماعی:** این رشته، دربارهٔ ویژگی‌های روانی گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی از جنبه‌های گوناگون، بحث می‌کند و اثر متقابل فرد بر جامعه یا جامعه بر فرد را بررسی می‌نماید و چگونگی پیدایش دسته‌های اجتماعی را، که محصول رفتار جامعهٔ بشری است، مطالعه می‌کند.

۴ **روان‌شناسی تربیتی:** این رشته، کوشش می‌کند اصول و قوانین روان‌شناسی را در آموزش‌وپرورش به‌کار برد. در این رشته، به هدف‌های تربیتی از دیدگاه‌های گوناگون (علل تفاوت‌ها، نقش عوامل ارثی و محیطی در تربیت افراد، چگونگی یادگیری، اندیشیدن و سنجش آنها) توجه می‌شود. روان‌شناسی تربیتی، از نظر ایجاد انضباط و عادت‌های پسندیده در کودکان و نوجوانان برای مربیان و والدین بسیار کارساز است.

۵ **روان‌شناسی بالینی:** این رشته از روان‌شناسی به بررسی و تشخیص آسیب‌های روانی و رفتارهای نابهنجار و درمان آنها می‌پردازد.

در این حوزه از روان‌شناسی از تشخیص، طبقه‌بندی و درمان مشکلات هیجانی و روانی از قبیل ؛ اضطراب، افسردگی، اسکیزوفرنی[۱]، اعتیاد و... صحبت می‌شود و فعالیت‌شان بیشتر در مراکز درمانی است. این روان‌شناسان برای درمان از روش‌های غیردارویی استفاده می‌کنند و تجویز دارو برای مشکلات روانی در حوزه و صلاحیت کاری روان پزشک است.

۶ **روان‌شناسی شخصیت:** این رشته از روان‌شناسی به مطالعهٔ سازمان ادراکی، هیجانی، ارادی و بدنی افراد می‌پردازد و به چگونگی سازگاری فرد با خود و محیط توجه دارد. این رشته، با روان‌شناسی بالینی و مرضی و اجتماعی ارتباط نزدیک دارد.

۱ـ Schizophrenia

روان‌شناسی شخصیت، ضمن تعریف ویژگی‌ها و صفات انسان و عوامل مؤثر بر فرایندهای تفکر، هیجان و رفتار بهنجار و نابهنجار را تعیین می‌کند. موضوع روان‌شناسی شخصیت «تفاوت‌های فردی» است؛ موضوعی که حتی در میان دوقلوها هم صادق است.

۷ **روان‌شناسی صنعتی:** این رشته، به موضوعات مربوط به سازگاری فرد با کار، انطباق خصوصیات کاری با افراد، نحوهٔ انتخاب افراد برای مشاغل، گروه‌های کاری در صنعت، دیدگاه‌های مردم دربارهٔ چگونگی مصنوعات و مانند آنها، می‌پردازد.

۸ **روان‌شناسی مرضی:** در این شاخه از روان‌شناسی اختلالات عاطفی و رفتاری و بیماری‌های مختلف روانی مورد بررسی قرار می‌گیرد و روش‌های درمانیِ متداول در جهت حفظ بهداشت روانی ارائه می‌شود.

۹ **روان‌شناسی ورزش:** این رشته به مطالعهٔ ابعاد رفتاری، عاطفی و شناختی موقعیت‌های ورزشی و استفاده از اصول روان‌شناسی، به‌منظور بهینه‌سازی عملکرد و سلامت قهرمانان ورزشی و ورزشکاران، می‌پردازد.

۱۰ **روان‌شناسی مشاوره:** در این شاخه روان‌شناسان همان کاری را انجام می‌دهند که در روان‌شناسی بالینی انجام می‌شود. با این تفاوت که آنها با کسانی سروکار دارند که به روان درمانی نیاز ندارند. روان‌شناسان مشاور به افرادی کمک می‌کنند که در رفتارهای خود اختلال ندارند، اما در زندگی خود با مشکلاتی مواجه‌اند. تشخیص و درمان مسائلی نظیر مشکلاتِ تحصیلی، شغلی، اختلافات خانوادگی، تعارضات زناشویی در حوزهٔ کاری آنان قرار می‌گیرد. روان‌شناسان مشاور، اغلب در مدارس، دانشگاه‌ها و مؤسسات حضور دارند.

نکته

امروزه، رشته‌های تخصصی روان‌شناسی رو به گسترش است. از جمله روان‌شناسی تبلیغات، روان‌شناسی تجربی، روان‌شناسی فیزیولوژیک، روان‌شناسی پیری، روان‌شناسی انگیزه‌ها و هیجان‌ها، روان‌شناسی حیوانی و... .

گزارش تهیه کنید

فعالیت ۳: از خدمات رشته روان‌شناسی تربیتی در هنرستان خود گزارشی تهیه کنید و در کلاس ارائه دهید.

هدف توانمندسازی ۳ـ ۱: ضرورت و اهمیت روان‌شناسی کودک را بررسی کند.

ضرورت و اهمیت روان‌شناسی کودک

امام صادق علیه‌السلام از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت کرده‌اند: خداوند آن‌کس را که به فرزندش خیر رساند، می‌آمرزد.

گفت‌وگو کنید

فعالیت۴: چرا یک مربی باید اطلاعات کاملی دربارهٔ آموزش‌وپرورش کودکان کسب کند؟ در مورد دلایل آن گفت‌وگو کنید.

یکی از مهم‌ترین تحولات روان‌شناسی این است که اندیشمندان به اهمیت دوران کودکی پی بردند و کودک را نه به‌عنوان فردی دارای ویژگی‌ها و خصوصیات بزرگسالان، بلکه کودکی که در این دوران واقعاً «کودک» است و دارای مجموعه‌ای از صفات و خصائص منحصر به کودکی است، شناختند. دوران کودکی دوران کشف دنیای تازه برای کودک است و از نظر روان‌شناسان یکی از دوره‌های بحرانی رشد است. محققان در مطالعات روان‌شناسی کودک به این نتایج رسیده‌اند:

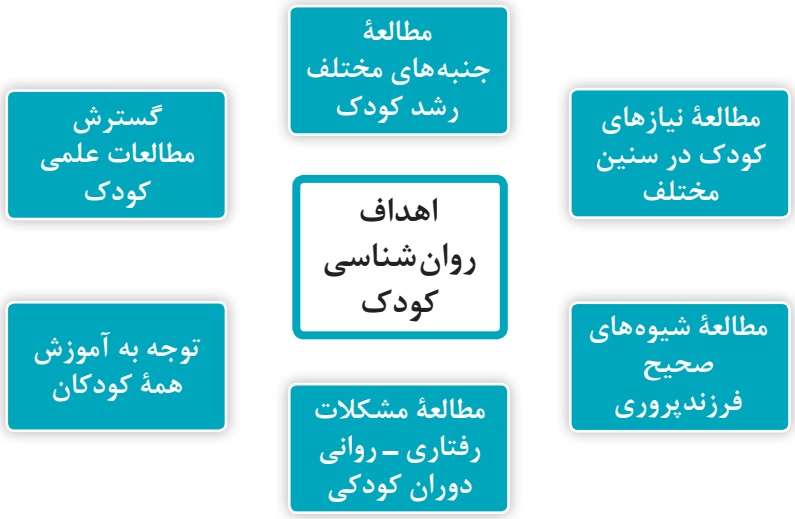
- سال‌های اولیهٔ کودکی نقش مهمی در پایه‌ریزی رشد و تحول کودکان دارد.
- در این دوران، یادگیری سریع‌تر و عمیق‌تر صورت می‌گیرد.
- توجه هماهنگ و یکپارچه به همهٔ جنبه‌های رشد کودک بسیار اهمیت دارد.
- کودکان در این دوره الگوپذیرند و از رفتارهای بزرگسالان تقلید می‌کنند.
- کودک از هر محرکی برای یادگیری بیشتر استفاده می‌کند و با سرعت زیاد رشد حسی ـ حرکتی خود را ادامه می‌دهد.
- در این دوره یادگیری و فرایندهای یادگیری مهم‌اند.
- ساختار روانی کودک ابتدا براساس احساس و ادراک است و باورها و شناخت‌های عمیق در او ایجاد نشده است.

بنابراین کودک در این دوره بسیار آسیب‌پذیر است و هر نوع رفتار فاقد ارزش تربیتی برای کودک موجب برهم‌خوردن تعادل عاطفی او و در نوجوانی یا حتی در کودکی می‌شود. به همین دلایل مطالعهٔ روان‌شناسی کودک برای مربیان کودکان پیش از دبستان، در جهت آموزش‌وپرورش صحیح و توجه به رشد همه جانبهٔ کودک، لازم و ضروری است.

هدف توانمندسازی ۴ـ۱: فهرستی از اهداف روان‌شناسی کودک را تهیه کند.

اهداف روان‌شناسی کودک

روان‌شناسی کودک، به‌عنوان یکی از زیرمجموعه‌های «روان‌شناسی رشد» با هدف نگاه دقیق و علمی به کودک و نیازهای او و یافتن شیوه‌های صحیح پرورشی و آموزشی کودک، از اولین سال‌های تأسیس روان‌شناسی علمی مورد توجه بوده است. هدف روان‌شناسی کودک مطالعهٔ موضوعات زیر و ارائهٔ راهکار است:



نمودار ۱ـ اهداف روان‌شناسی کودک

- **مطالعه جنبه‌های مختلف رشد کودک:** رشد یک فرایند چند بُعدی است که شامل رشد جسمی ـ حرکتی، کلامی، شناختی، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی[1] است. توجه به مطالعه دربارهٔ تمام این جنبه‌ها یکی از اهداف روان‌شناسی رشد است که آگاهی و شناخت متعادل و چند بُعدی در مورد کودک را در پی دارد و والدین و سایر افراد مرتبط با کودک را نیز در درک و رفتار صحیح با او، کمک می‌کند.
- **مطالعهٔ نیازهای کودک در سنین مختلف:** کودکان نیازهای متعددی دارند و در سنین مختلف یک یا چند مورد، در مقایسه با سایر نیازها، در اولویت است. برای مثال، در مرحله شیرخوارگی، نیازهای جسمانی بیشتر در اولویت قرار دارد. در حالی‌که در دوران نوجوانی (سنین بعد از دوازده سالگی) نیاز به رشد اجتماعی و عاطفی در اولویت است.
- **مطالعهٔ شیوه‌های صحیح فرزندپروری:** شیوه‌های صحیح فرزندپروری و نیز نحوهٔ تعامل و روابط مناسب با فرزندان از مهم‌ترین موضوعات برای روان‌شناسان کودک است. بیشتر پدر و مادرها فرزندپروری را کاری ساده تلقی می‌کنند و بر این باورند که هر کسی می‌تواند از عهدهٔ این امر برآید. اما فرزندپروری نیاز به آگاهی و

۱ـ برای اطلاع بیشتر به کتاب‌های تخصصی رشتهٔ تربیت کودک پایه‌های ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ مراجعه کنید.

آشنایی با نحوهٔ عملکرد و اصول آن دارد و یافته‌های تحقیقات در حوزهٔ روان‌شناسی کودک، اصول و روش‌های متعددی را متناسب با سنین مختلف نشان می‌دهند.

■ **مطالعهٔ روش‌های مواجهه با مشکلات رفتاری ـ روانی دوران کودکی:** کودکان نیز همچون بزرگسالان دچار آشفتگی‌های روانی ـ رفتاری می‌شوند و این مسئله باعث تحقیقات و مطالعات دامنه‌داری در زمینهٔ انواع این آشفتگی‌ها و تفاوت آنها با آشفتگی‌های رفتاری ـ روانی بزرگسالان و همچنین شیوه‌های درمانی این آشفتگی‌ها شده است. برخی از این اختلالات و آشفتگی‌های رفتاری ـ روانی کودکان عبارت‌اند از: اُتیسم[1]، اختلالات یادگیری، اختلالات توجه، اختلالات دفعی، اختلالات اضطرابی مانند ناخن جویدن و... .

■ **توجه به آموزش همهٔ کودکان:** روان‌شناسی کودک، راه را برای مطالعات بسیاری در زمینهٔ کودک و شناخت او باز کرد. با ایجاد مراکز آموزش پیش از دبستان، کسانی‌که در مکان‌هایی مثل مهدکودک‌ها با کودکان برخورد داشتند مطالعاتی را انجام دادند و به تجربیات ارزشمندی دست یافتند و آنها را به دیگران منتقل نمودند (شکل ۴).

عده‌ای نیز زندگی خود را به مطالعه در زمینهٔ کودکان دارای مشکل (مثل کم‌توان‌های ذهنی، محروم از پدر و مادر، معلولان و ...) اختصاص دادند و مدارس خاصی پدید آوردند. از جملهٔ این افراد می‌توان به فروبل[2] (کودکستان)، مونته سوری(مهد کودک و مدارس خاص) و .... اشاره کرد.

■ **گسترش مطالعات علمی کودک:** مطالعات در زمینهٔ رشد ذهنی کودکان (ژان پیاژه)، رشد اجتماعی(اریکسون)، رشد اخلاقی (کلبرگ)و غیر آنها انجام گرفت. این افراد هرکدام تحولات بزرگی در نحوهٔ نگاه به کودکان و نقش و جایگاه نهادها و مؤسسات تربیتی ایجاد کردند و بخصوص تربیت و آموزش را به شدت متحول ساختند.



شکل ۴ـ آموزش کودکان

جست‌وجو کنید

فعالیت۵: با جست‌وجو در منابع علمی، دربارهٔ اهداف روان‌شناسی کودک گزارشی تهیه کنید و آن را در کلاس ارائه دهید.

۱ـ Autism

۲ـ Friedrich Froebel

هدف توانمندسازی ۵ـ ۱ : نیازهای کودکان را در سنین پیش از دبستان بررسی کند.

نیازهای کودکان در سنین پیش از دبستان

گفت‌وگو کنید

فعالیت ۶: به‌نظر شما کودکان برای رشد طبیعیِ همه‌جانبه[1] و سالم به چه چیزهایی نیاز دارند؟ راجع‌به آنها در کلاس گفت‌وگو کنید.

برای پاسخ به این سؤال، از بین نیازهای متعدد کودکان، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱ **احساس امنیت:** منظور از احساس امنیت، احساسی درونی است که تعلق به فرد و داشتن جایگاه خاص را نشان می‌دهد، از جمله برخورداری از احساس عشق و دوست داشته‌شدن، خواسته‌شدن، مهم‌بودن و احترام‌داشتن در حد مطلوب.ایجاد این احساس به مهربانی والدین، مراقب، مربی و مربی‌یار بستگی دارد، زیرا در نتیجه این محبت است که کودک از خود تصوّر خوبی پیدا می‌کند و احساس مهم‌بودن و مورد اعتماد دیگران واقع‌شدن در وی تقویت می‌شود.

۲ **خودشناسی و احترام به خود:** احترام قائل‌شدن برای خود و رسیدن به تصور مثبت دربارهٔ خود از طریق افرادی مانند والدین، مربیان، بزرگ‌ترها، همسالان و محیط پیرامون خود در سال‌های رشد ساخته و پرداخته می‌شود. کودک این احساس را از طریق مقایسهٔ خود با ملاک‌ها و معیارهای مختلف آنها کسب می‌کند بنابراین یکی از مسئولیت‌های مربیان آموزش‌وپرورش بنا نهادن معیارهای صحیح و متناسب با توانمندی‌های کودکان است.

۳ **کسب تجربه‌های امیدوار کننده:** باید کودکان را در فعالیت‌ها و برنامه‌هایی که برایشان واقعی، با ارزش، مهم و جالب است شرکت داد. با درنظرگرفتن ملاک‌های مناسب و صحیح برای فعالیت‌ها، ضرورت دارد به آنها فرصت دهیم تا تجربه بیندوزند، مشاهده کنند و دانسته‌های خود را به مرحله عمل درآورند و از آنها لذّت ببرند.

۴ **نیاز به بزرگ‌ترها جهت درک بهتر تجربه‌ها:** درکِ انتظارات، خواسته‌ها و احساسات دیگران بخشی از نیازهای کودکان است و والدین و مربیان لازم است کودکان را در درک و فهم این خواسته‌ها و انتظارات کمک کنند. با یادآوری این نکته که عمل تفهیم به کودکان در ضمن آموزش و اجرای فعالیت‌های مختلف و در طی دوران رشد صورت می‌گیرد.

۵ **ارتباط با الگوهای مطلوب شخصیتی:** داشتن صداقت، مهربانی و پذیرش دیگران به‌خصوص کودکان، عشق به یادگیری و کسب دانش، احترام به خود و دیگران و در کل انسان‌بودن از ویژگی‌های شخصیتی افراد الگو است. کودکان در سنین پیش از دبستان نیاز دارند با افراد و مربیانی که دارای این صفات‌اند تماس داشته باشند، زیرا این افراد می‌توانند کودکان را به انضباط صحیح هدایت کنند.

۱ـ منظور از رشد همه جانبهٔ کودک، ابعاد رشد انسان است که به ابعاد جسمی ـ حرکتی، عاطفی، اجتماعی، شناختی، زبانی و خلاقیت طبقه‌بندی شده است. برای کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه به پودمان ۱ درس مراقبت از سلامت کودک پایهٔ ۱۰ مراجعه کنید.

نکته

کودکان در هر جامعه، علاوه بر نیازهای یاد شده ممکن است، بسته به ارزش‌ها و فرهنگ جامعه، نیازهای دیگری داشته باشند که باید در اولویت قرار گیرد. نیازهای جسمانی، عاطفی، داشتن خانواده سالم، پدر و مادر دلسوز و محیط تربیتی مناسب از مواردی است که تحقق آنها با پشتیبانی و حمایت از حقوق کودکان امکان‌پذیر خواهد بود.[1]

تمرین کنید

فعالیت۷: خلاصه‌ای از آنچه تاکنون در مورد روان‌شناسی یاد گرفته‌اید، به شکلی خلاقانه (نموداری، گزارشی، نمایشی، تصویری و ...) یادداشت کنید و آن را در کلاس ارائه دهید.

هدف توانمندسازی۶ـ۱: احساس و ادراک را تحلیل کند.

ادراک و خرد با تو اگر یار شوند　　صدگوهر ناسفته پدیدار شوند

«رضا یغمایی»

احساس و ادراک

گفت‌وگو کنید

فعالیت۸: تصور کنید در موقعیتی قرار گرفته‌اید که هیچ چیزی را نمی‌بینید، صدایی را نمی‌شنوید، قادر به لمس چیزی نیستید، نمی‌توانید چیزی را بچشید و قادر به بوکردن نیستید. در این شرایط چه واکنشی از خود نشان می‌دهید؟ برای انجام‌دادن فعالیت‌های روزانهٔ خود چگونه رفتار می‌کنید؟ در گروه‌های کلاسی نظرات خود را ارائه دهید.

شناخت و آگاهی از محیطِ پیرامون از راه حواس پنج‌گانه آغاز و سپس در مغز ثبت می‌شود. حواس پنج‌گانه شامل حس بینایی، شنوایی، لامسه، بویایی و چشایی است. هر حس دارای اندام حسی مخصوص به خود است. توان برخی اندام‌های حسی در بعضی موجودات زنده از توان انسان بیشتر است، مانند سگ که حس بویایی قوی دارد. در روان‌شناسی، برخورداری از سلامت حواس برای ایجاد رفتار مطلوب، مسئله بسیار مهمی است.[2]
احساس از گیرنده‌های حسی آغاز می‌شود. این گیرنده‌ها، سلول‌هایی در اندام حسی هستند و اندام‌های حسی بخش ویژه‌ای از دستگاه عصبی است. وقتی اندام‌های حسی اثر محرک حسی را به صورت پیام عصبی به مراکز عصبی منتقل می‌کنند، «احساس» پدید آمده است.[3]
وقتی «اثر محرک» به مغز منتقل می‌شود، در آنجا اثری از خود به جا می‌گذارد. اگر این اثر حسی با توجه به اطلاعات قبلی و آشنا تجزیه و تحلیل گردد و احساس دریافت شده، معنی شود، به آن «ادراک» می‌گویند.

۱ـ برای کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه به کتاب همراه هنرجو و کتاب پرورش مهارت‌های ارتباطی و مشارکتی پایهٔ ۱۱ مراجعه کنید.
۲ـ برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد حواس به پودمان دوم درس پرورش مهارت‌های شناختی و خلاق پایهٔ دوازدهم مراجعه کنید.
۳ـ محرک عاملی است که اندام حسی را وادار به بروز پاسخ می‌کند. پاسخ واکنش رفتاری موجود زنده در مقابل محرک است.

ادراک درست، برپایهٔ بینش، اندیشه و خرد آدمی است. اما اگر این معنی‌کردن احساس، درست نباشد موجب اختلالات روانی و رفتاری، ستیزه‌جویی و تفرقه و سوءتفاهم خواهد شد (شکل ۵).

نکته

بدون احساس، تماس خود را با واقعیت از دست می‌دهیم. برای آشنایی با دنیایی که بر حواس ما تأثیر می‌گذارد، به ادراک نیاز داریم.



شکل ۵ ــ حواس پنجگانه

گفت‌وگو کنید

فعالیت۹: در گروه‌های کلاسی، آیهٔ شریفهٔ زیر را به دقت بخوانید و به پرسش‌ها پاسخ دهید.

«وَاللهُ اَخْرَجَکُمْ مِنْ بُطُونِ اُمَّهاتِکُمْ لا تَعلَمُونَ شَیئاً وَ جَعَلَ لَکُمُ السَّمْعَ وَ الْاَبْصارَ وَ الْاَفْئِدَةَ لَعَلَّکُمْ تَشْکُرُونَ».

و خداوند شما را از شکم مادرانتان بیرون آورد در حالی که چیزی نمی‌دانستید و برای شما گوش و دیدگان و دل‌ها قرار داد تا شکرگزار باشید.

سورهٔ نحل، آیهٔ ۷۸

۱ براساس این آیهٔ شریفه، بعد از معرفت و شناخت حقایق عالم هستی، وظیفهٔ ما در مقابل خداوند به‌عنوان خالق این نعمت‌ها چیست؟

۲ شکر خداوند در مقابل نعمت‌هایی مانند چشم، گوش، زبان، دست و پا، دندان‌ها و ... چگونه است؟

۳ با جست‌وجو در تفاسیر قرآنی و منابع معتبر، در رابطه با شکرگزاری از نعمت‌های خداوند، آیات مشابه و یا اشعار مرتبط را در کلاس ارائه دهید.

هدف توانمندسازی ۷ـ۱: عوامل مؤثر براحساس و ادراک را بررسی کند.

عوامل مؤثر بر احساس

در ایجاد احساس، دو عامل مهم «محرک حسی» و «انتقال عصبی پیام‌های حسی»، تأثیر دارند:

الف)محرک حسی

ویژگی‌هایی که یک محرک دارد عامل بسیار مؤثری در ایجاد احساس است. به‌طوری که درصورت نبودن برخی از این ویژگی‌ها، احساسی به‌وجود نمی‌آید یا در صورت‌بودن محرک، احساس به‌وجود آمده متفاوت یا خفیف خواهد بود. برای مثال طول موج‌هایی که آدمی به صورت نور ادراک می‌کند بین ۳۸۰ نانومتر تا حدود ۷۸۰ نانومتر است. در مورد شنوایی انسان می‌تواند اصواتی با طول موج‌های ۲۰ تا ۲۰۰۰۰ هرتز را بشنود و خارج از این حدود را احساس نخواهد کرد. زیر و بمی و طنین که فرایند احساس را تحت تأثیر قرار می‌دهند، از ویژگی‌های دیگر حرکات شنوایی است.

ب) انتقال عصبی پیام‌های حسی

از زمانی که ویژگی یک محرکِ معین باعث تحریک گیرنده حسی می‌شود، پیام ایجاد شده در یک جریان عصبی به مغز منتقل می‌شود. عملکرد هر یک از مراحل انتقال پیام، عامل مهمی در انتقال پیام عصبی است. برای مثال نداشتن شنوایی، نقص عملکرد پردهٔ صماخ است. آسیب به این ناحیه، هرچند با عملکرد طبیعی سایر عوامل همراه باشد، احساس را دچار مشکل خواهد ساخت.[۱]

عوامل مؤثر بر ادراک: در ایجاد ادراک دو عامل زیر تأثیر دارند:

۱ **ویژگی‌های فرد:** این ویژگی‌ها شامل یادگیری‌ها، تجربه‌ها، خاطره‌های گذشته، انگیزه‌ها، آمادگی‌ها، عادات و انتظارات فرد است.

۲ **ویژگی‌های محرک و شرایط ارائهٔ آن:** نوع متن، رنگ، روابط اجزای محرک با هم و...، بر چگونگی ادراک اثر می‌گذارند.

توجه به این نکته لازم است که اندام‌های حسی طوری آفریده شده‌اند که عمل خاصی را انجام دهند و در تفسیر و تعبیر نقش ندارند. بنابراین حس‌ها خطا نمی‌کنند، امّا تفسیر حسی، یعنی ادراک که عمل مغز است، امکان دارد دچار خطا[۲] شود.

نکته

احساس، اولین گام برای ادراک است و مرحله‌ای است که اطلاعاتی را برای فرد فراهم می‌آورد تا ادراک کافی صورت بگیرد. تمامی فرایندهای شناختی اطلاعات خود را از مرحلهٔ «احساس» دریافت کرده‌اند.

گزارش تهیه کنید

فعالیت ۱۰: محرکی مانند رنگ، صدا، داغی، حرارت، بو یا مزه را در نظر بگیرید و فرایند احساس و ادراک آن را بررسی و نتیجه را گزارش دهید.

۱ـ برای کسب اطلاعات بیشتر در زمینهٔ حواس و عملکرد آنها به پودمان ۲ درس مهارت‌های شناختی و خلاق پایهٔ ۱۲مراجعه کنید.

۲ـ در ایجاد خطای ادراک عواملی مانند اطلاعات قبلی،محرومیت‌های حسی، فرهنگ و آداب و رسوم،هیجان، تلقین، استدلال و توجه تأثیر دارند.

جست‌وجو کنید

فعالیت۱۱: با جست‌وجو در منابع علمی در مورد عواملی که باعث ادراک نادرست می‌شوند، بروشوری تهیه کنید.

تفاوت احساس و ادراک

گفت‌وگو کنید

فعالیت۱۲: در گروه‌های کلاسی در مورد رابطهٔ احساس و ادراک گفت‌وگو کنید.

احساس، و ادراک به دلایل زیر با هم تفاوت دارند:

- احساس، زمینهٔ ادراک است و بدون آن ادراک رخ نمی‌دهد.
- احساس به سازمان فیزیولوژیکی انسان و اندام‌های حسی مربوط است.
- ادراک به یادگیری‌ها و تجربه‌های فرد وابسته است.
- احساس دو نفر از یک محرک، یکسان است، ولی ممکن است ادراک آن از سوی همان دو نفر متفاوت باشد.
- در انسان، احساس بدون ادراک کمتر وجود دارد (ادراک مخصوص انسان است).

تمرین کنید

فعالیت۱۳: خلاصه‌ای از آنچه را در مورد احساس و ادراک و عوامل مؤثر بر آن یاد گرفته‌اید، به شکلی خلاقانه (نموداری، گزارشی، نمایشی، تصویری،...) یادداشت کنید.

اهداف توانمندسازی ۸ـ۱: فهرستی از عوامل مؤثر در یادگیری را تهیه کند.

یادگیری کمال انسان است　　مایهٔ فکر و قدرت جان است

«محمد پارسا»

یادگیری

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: نشاط زیاد همراه با قدرت‌نمایی و گاه سرکشی در کودکان، مایهٔ فزونی عقل آنها در بزرگی است.(نهج‌الفصاحه)

گفت‌وگو کنید

فعالیت۱۴: اگر شما قدرت یادگرفتن حروف الفبا، مهارت در راه‌رفتن، حرف‌زدن و مهارت‌های دیگر را نداشتید، زندگی شما چه تغییراتی می‌کرد؟ در گروه‌های کلاسی در مورد نقش یادگیری در پیشرفت زندگی فردی و اجتماعی گفت‌وگو کنید.

یادگیری گران‌بها ترین هدیه الهی و یکی از مهم‌ترین توانمندی‌های اکتسابی انسان است که مایهٔ رشد، ترقی و کمال او به‌شمار می‌آید، تا جایی که می‌توان گفت انسان همان چیزی است که آموخته است.

تعریف یادگیری[1]: به تغییرات نسبتاً پایدار در رفتار بالقوه که در نتیجهٔ تمرین و تجربه رخ می‌دهد، **یادگیری** می‌گویند. بنابراین یادگیری همراه با «تغییر» است، به‌گونه‌ای که بعد از کسب یادگیری، فرد رفتارش به روش یا حالت جدیدی تغییر می‌یابد. انسان، در نتیجهٔ تغییرات ناشی از یادگیری، قادر می‌شود مفاهیم، اندیشهٔ درست، استدلال منطقی، فناوری‌های نوین آموزشی و آموزش الکترونیکی و سایر مهارت‌ها را در زمینه‌های علوم مختلف، فنون و هنرها، دقیق‌تر بیاموزد.

عوامل مؤثر در یادگیری

زندگی انسان در گرو یادگیری مهارت‌های مختلف است و برای اینکه بتواند خوب یاد بگیرد عوامل متعددی در یادگیری او مؤثرند. برخی از آن عوامل در نمودار زیر نشان داده شده است:



نمودار۲ـ عوامل مؤثر بر یادگیری

۱ **رشد طبیعی:** برای یادگیری هر چیزی، سن و توان ذهنی خاصی لازم است.در واقع رشد طبیعی یعنی اینکه یادگیرنده برای نوعی آموختن یا قبول مسئولیت، به آن درجه از رشد بدنی و روانی رسیده است که آمادگی دارد که کار خاصی را انجام دهد. مثلاً از لحاظ رشد عقلی هرچند بسیاری از کودکان در شش سالگی توان سوادآموزی دارند، ولی عدهٔ کمی از آنها در چهار سالگی دارای این توان هستند یا برخی کودکان هرگز نمی‌توانند خواندن و نوشتن بیاموزند چون رشد طبیعی و عقلی لازم را ندارند.

۲ **هدف:** هدف خواستهٔ دقیق و روشن و وضعیتی است که فرد می‌خواهد در آینده داشته باشد و برای رسیدن به آن، مدام ذهن خود را درگیر می‌کند. هدف همان نتیجه‌ای است که در اثر برنامه‌ریزی، تلاش و پشتکار فرد به دست می‌آید.

وقتی یادگیرنده به خوبی بداند که هدف از آموختن یک مادهٔ درسی چیست، علاقهٔ او به یادگیری افزایش می‌یابد و کوشش او دو چندان می‌شود. مشخص‌بودن هدف‌ها در هر مرکز آموزشی، سبب هماهنگی بیشتر یاددهنده و یادگیرنده می‌شود، آنان را به اجرای فعالیت‌های متنوع برمی‌انگیزد، جهت و میزان پیشرفت آنان را نشان می‌دهد، محیط آموزشی و کلاس را آموزنده و نشاط‌آور می‌سازد، سطح یادگیری یادگیرندگان را گسترش می‌دهد و یادگیری را عمیق‌تر و مؤثرتر می‌کند.

۱ـ Learning

۳ **انگیزه**[1]: میل و رغبت یادگیرنده به آموختن است. انگیزه، نیروی فعالیت یادگیرنده را افزایش می‌دهد، باعث علاقهٔ وی به یادگیری می‌شود و کوشش او را برای یادگیری بیشتر می‌کند. برای ایجاد انگیزه، لازم است مطالب و مفاهیم آموزشی براساس نیاز یادگیرندگان تنظیم شود و به آنان در برخورد با محیط کمک کند. همچنین استفاده از تشویق، رقابت، امتحان و حتی اضطراب در ایجاد انگیزه مؤثر است.

نکته

گاهی هدف‌ها را با انگیزه‌ها اشتباه می‌گیرند. هدف‌ها نتایج مطلوبی هستند که رفتار در جهت آنها هدایت می‌شود. تحقق یافتن هدف‌ها، مستلزم رفتار هدایت شده است. اما انگیزه‌ها، آن‌چنان که گفته شد، به وضعی درونی اشاره دارد تا رفتار را در جهت هدف‌ها، فعال سازد و هدایت کند. تشخیص انگیزه‌ها از هدف‌ها مفید است.

۴ **تجربیات قبلی(زمینهٔ معلوماتی)**: یادگیرنده زمانی می‌تواند مفاهیم و مسائل جدید را درک کند که از قبل، زمینه و معلومات لازم را داشته باشد. یادگیری مانند رشد فرد است. همچنان که رشد جریانی دائمی است، یعنی گذشته، حال و آیندهٔ او با هم ارتباط دارند، یادگیری نیز جریانی است که تجارِب گذشته، پایه و اساس وضع فعلی آن را تشکیل می‌دهد و آنچه کودک در آینده خواهد آموخت، باید متناسب با تجارب او در زمان حاضر باشد. همچنان که برای آموزش مفهوم عدد به کودک، ابتدا باید مفهوم طبقه‌بندی و ردیف‌کردن را یاد گیرد.

۵ **تکرار و تمرین**: ضرب‌المثل قدیمی «کار نیکوکردن از پرکردن است» بیانگر تأثیر تکرار و تمرین در یادگیری است. تأثیر تمرین و تکرار در کل فرایند یادگیری و حیطه‌های مختلف آن، به‌ویژه در حیطهٔ روانی ـ حرکتی، انکارناپذیر است. درست نوشتن فقط در نتیجهٔ تمرین و تکرار یاد گرفته می‌شود و اگر نوشتن حروف تکرار نشود، دیر یا زود به دست فراموشی سپرده خواهد شد.

کیفیت اجرای تمرین، مقدار و زمان آن نقش بسیار مهمی در تثبیت یا بی‌ثباتی رفتار یادگرفته شده دارد. آزمایش‌های متعدد نشان داده است شاگردی، موضوع یادگیری را در دو تمرین بیست‌دقیقه‌ای، زودتر از یک تمرین چهل‌دقیقه‌ای یاد می‌گیرد. تمرین و تِکرارِ بیش از اندازه نیز باعث خستگی می‌شود و یادگیری را کاهش می‌دهد.

۶ **آگاهی از نتیجه کار**: اطلاع از نتیجهٔ هر فعالیت و مشخص‌کردن هدف، برای یادگیرنده عاملی تشویقی است، باعث توجه بیشتر او به یادگیری می‌شود، خطاها را تصحیح می‌کند و پیوسته هدف نهایی مورد توجه قرار می‌گیرد. در این صورت یادگیری بهتر و مؤثرتر اتفاق می‌افتد (شکل ۶).

نکته

عوامل دیگری از جمله تشویق، تنبیه، آرامش روانی، خسته‌نبودن، طول دورهٔ یادگیری، وجود نور و گرمای مناسب، نبود عوامل مزاحم، فراهم‌بودن وسایل موردنیاز، نوع موضوع یادگیری و ... بر یادگیری تأثیر دارند.

۱ـ برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد انگیزه به قسمت بعدی همین پودمان مراجعه کنید.

گزارش تهیه کنید

فعالیت۱۵: یادگیری مهارت‌های تخصصی رشتهٔ خود را در نظر بگیرید. گزارشی از عوامل مؤثر بر یادگیری این مهارت‌ها تهیه کنید و در کلاس ارائه دهید. نتیجهٔ بررسی خود را با نظرات سایر هنرجویان مقایسه کنید.





شکل ۶ــ یادگیری کودکان

تمرین کنید

فعالیت۱۶: خلاصه‌ای از آنچه را در مورد یادگیری و عوامل مؤثر بر آن یاد گرفته‌اید، به شکلی خلاقانه (نموداری، گزارشی، نمایشی، تصویری،...) یادداشت کنید.

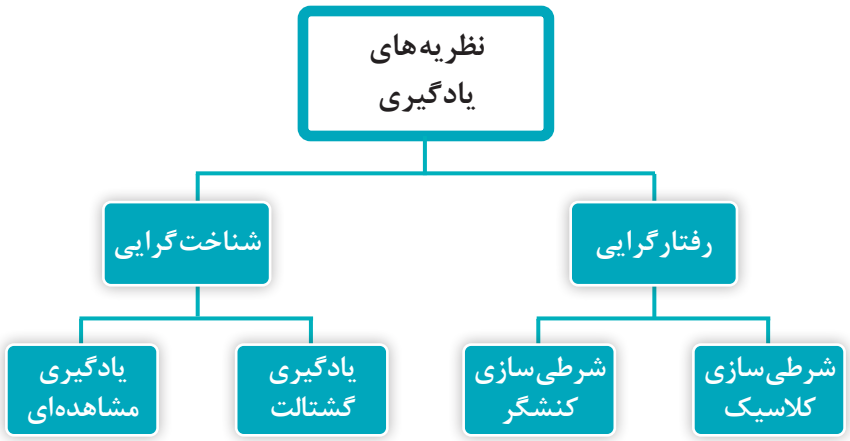
هدف توانمندسازی ۹ــ۱: نظریه‌های یادگیری را با هم مقایسه کند.

نظریه‌های یادگیری

گفت‌وگو کنید

فعالیت۱۷: در گروه‌های کلاسی در مورد سؤال زیر گفت‌وگو کنید و نظرات خود را با سایر گروه‌ها به بحث بگذارید.
تاکنون چگونه مهارت‌های مختلف مربی یاری را برای آموزش کودک، یاد گرفته‌اید؟

محققان روان‌شناسی تربیتی، یادگیری را از دیدگاه‌های گوناگون مورد بررسی قرار داده‌اند و یافته‌های آنها در تبیین پدیدهٔ یادگیری به ارائهٔ نظریه‌های مختلفی منجر شده است که به توصیف و تبیین نحوهٔ یادگیری افراد می‌پردازند. نمودار صفحه بعد مهم‌ترین نظریه‌های یادگیری را نشان می‌دهد:



نمودار ۳ـ نظریه‌های یادگیری

۱ـ نظریه رفتارگرایی[۱]

رفتارگرایی، دیدگاهی است که می‌گوید رفتار، باید به وسیلهٔ تجارب قابل‌مشاهده، تبیین شود، زیرا فرایندهای ذهنی را گرچه هر فردی می‌تواند تجربه کند، دیگران نمی‌توانند ببینند.در این نظریه، رفتار آن چیزی است که انجام می‌دهیم و مستقیماً قابل مشاهده است و افکار، احساسات و انگیزه‌ها، موضوعات مناسبی برای علم مطالعهٔ رفتار نیستند، زیرا آنها را نمی‌توان مستقیماً مشاهده کرد. نظریه‌های شرطی‌سازی کلاسیک و شرطی‌سازی کنشگر، دو نظریه مهم در این دیدگاه‌اند.

الف) نظریه‌های شرطی‌سازی کلاسیک: شرطی‌سازی نوعی یادگیری است که خود، به دو دیدگاه عمدهٔ شرطی‌سازی کلاسیک و شرطی‌سازی کنشگر تقسیم می‌شود. پایه گذار این نظریه، زیست‌شناس روسی به نام ایوان پاولف[۲] است. وی زمانی که ترشحات بزاق سگ را برای بررسی هضم غذا اندازه‌گیری می‌کرد، مشاهده کرد بزاق حیوان با دیدن ظرف غذا یا صدای بازشدن درِ آن، ترشح می‌شود. از این رو، دریافت که تداعی سگ با این محرک‌های دیداری و شنیداری با نوعی یادگیری همراه است، که نام آن را شرطی‌سازی کلاسیک گذاشت.

بنابراین، شرطی‌سازی کلاسیک نوعی یادگیری است که موجود زنده می‌آموزد چگونه محرک‌ها را با هم پیوند دهد.

ب) نظریهٔ شرطی‌سازی کنشگر: یکی دیگر از رفتارگرایان به نام بی.اف اسکینر[۳] بود که نشان داد رفتارهای شرطی و بازتابی، فقط بخش کوچکی از رفتارهای آدمی است. کار اسکینر بر رابطهٔ بین رفتار و نتایج آن مبتنی است. او می‌گوید اگر نتایج رضایت‌بخشی به دنبال یک رفتار بیاید، آن رفتار امکان بروز بیشتری می‌یابد و اگر آن نتایج رضایت‌بخش نباشد، رفتار مربوط به آن بروز پیدا نمی‌کند. همین نتایج رضایت‌بخش و غیررضایت‌بخش است که شرطی‌شدن عامل یا کنشگر، نامیده می‌شود. در آزمایش‌های اسکینر، موش‌ها و کبوترها درون محفظه‌های معروف به «جعبهٔ اسکینر» در وضعیت کنترل‌شده‌ای قرار داده می‌شدند و

۱ـ بنیان‌گذار مکتب رفتار گرایی جان. بی واتسون است. وی اعتقاد داشت روان‌شناسی برای اینکه به صورت علم درآید، به موضوعی نیاز دارد که به‌گونه‌ای با ثبات قابل اندازه‌گیری باشد و آن موضوع «رفتار» است.

۲ـ Ivan pavlov.

۳ـ Burrhus Fredric Skinner

دگرگونی‌های رفتاری آنان، که ناشی از تغییرات منظم در نتایج آن رفتارها بود، مورد مشاهده قرار می‌گرفت. نام دیگر رفتار کنشگر، رفتار فعال است؛ زیرا برخلاف رفتار پاسخگر در شرطی شدن کلاسیک، ارگانیسم در انجام دادن این‌گونه رفتار، فعال است و بر روی محیط، عمل یا کنش می‌کند. از این‌رو، اسکینر آن رفتار را کنشگر نامید. در این نظریه تقویت یا پاداش عامل یادگیری است و نیازی به تکرار ندارد.

۲ـ نظریهٔ شناخت‌گرایی

همه یادگیری‌ها را نمی‌توان با شرطی‌سازی تبیین کرد، بلکه باید به فرایندهای ذهنی، مانند ادراک، تفکر و ساخت شناختی نیز توجه شود. از این‌رو روان‌شناسان، نظریه‌های دیگری در زمینهٔ یادگیری ارائه کرده‌اند که مهم‌ترین آنها نظریهٔ شناختی است[۱]. نظریهٔ یادگیری گشتالت و نظریهٔ یادگیری مشاهده‌ای دو نظریهٔ مهم در این دیدگاه‌اند.

الف) یادگیری گشتالت: بنیان‌گذار روان‌شناسی گشتالت، دانشمند آلمانی ماکس ورتایمر[۲] است. منظور از گشتالت، شکل، انگاره یا طرح است. معنی گشتالت در این نظریه آن است که کل از اجزای تشکیل‌دهندهٔ آن بیشتر است. یعنی کل، دارای خواص یا ویژگی‌هایی است که در اجزای تشکیل‌دهندهٔ آن یافت نمی‌شود و از خیلی جهات، تعیین‌کننده خصوصیات اجزاست.

یادگیری در این رویکرد، عبارت است از بینش حاصل از درک موقعیت یادگیری به‌عنوان یک کل یکپارچه که از طریق کشف روابط میان اجزای تشکیل‌دهندهٔ موقعیت یادگیری حاصل می‌شود. مثلاً یک درخت از ریشه، شاخه، تنه و برگ تشکیل شده است. این اجزا جدا از هم دارای معنی درخت نمی‌شود، بلکه روابط این اجزا به شکل خاص است که معنی درخت را می‌سازد. سه شرط مهم یادگیری گشتالت داشتن انگیزه، توجه به محیط خود و به‌کارگیری معلومات گذشته است.

ب) یادگیری مشاهده‌ای: بنیان‌گذار این نظریه، آلبرت بندورا[۳]، روان‌شناس کانادایی است. او می‌گوید عوامل شخصی نظیر باورها، انتظارات و نگرش‌ها، رویدادهای محیطی و رفتارهای فرد با یکدیگر تأثیر متقابل دارند و هیچ یک از این سه جزء را نمی‌توان جدا از یکدیگر به‌عنوان تعیین‌کنندهٔ رفتار انسان به حساب آورد. به این معنی که رویدادهای محیطی بر رفتار تأثیر می‌گذارد، رفتار نیز محیط را تحت تأثیر قرار می‌دهد و «عوامل شخصی هم بر رفتار» اثر می‌گذارد و برعکس.

طبق این نظریه، یادگیرنده از طریق مشاهدهٔ رفتار دیگران به یادگیری می‌پردازد. وقتی یادگیرنده، رفتار شخص دیگری را مشاهده می‌کند که آن شخص برای انجام‌دادن آن رفتار، پاداش یا تقویت دریافت می‌نماید؛ آن رفتار توسط فرد مشاهده‌کننده، آموخته می‌شود. خلاصه‌ای از نظریه‌های یادگیری در جدول ۱ آورده شده است.

۱ـ منظور از شناخت در یادگیری شناختی، جریان‌های فکری و ذهنی، حاکم بر رفتار است و کمتر با رفتارهای آشکار سروکار دارد.

۲ـwertheimer.M.

۳ـ Bandura.Albert

جدول ۱ ــ نظریه‌های یادگیری

	نام نظریه	نام اندیشمند	شرح نظریه		مثال کاربردی نظریه
رفتارگرایی	شرطی سازی کلاسیک	ایوان پاولف	موجود زنده می‌آموزد چگونه محرک‌ها را با هم پیوند دهد.	هنرجویان	ترشح بزاق دهان با دیدن شیشه ترشی
				کودکان	نخوردن شربت داروئی به علت سابقه مزهٔ تلخ
	شرطی سازی کنشگر	بی.اف اسکینر	اگر انجام یک رفتار به نتایج رضایت‌بخشی منجر شود، احتمال تکرار آن رفتار بیشتر می‌شود و اگر انجام رفتاری، نتایج رضایت‌بخش نداشته باشد، احتمال تکرار آن کاهش می‌یابد.	هنرجویان	تشویق موفقیت‌های فرد و میل به تکرار آن
				کودکان	تشویق کودک به‌خاطر شعرخوانی و تکرار آن در موقعیت‌های مشابه
شناخت گرایی	یادگیری گشتالت	مارکس ورتایمر	درک کلی از موضوع و کشف روابط اجزای آن با هم، به یادگیری موضوع منجر می‌شود.	هنرجویان	اجزای یک درخت به تنهایی و ترکیب آنها در یک درخت با هم
				کودکان	درست کردن شربت آبلیمو با شکر، آب و آبلیمو و خوردن آن توسط کودک و خوردن هرکدام از اجزای شربت به تنهایی
	یادگیری مشاهده‌ای	آلبرت بندورا	یادگیری از طریق مشاهده و تقلید رفتار دیگران ایجاد می‌شود	هنرجویان	یادگیری ساخت کاردستی و عروسک از طریق مشاهده ساخت آنها توسط هنرآموز یا فیلم
				کودکان	یادگیری مهارت‌های اجتماعی مانند سلام، همدلی، ابراز وجود با دیگران از طریق نمایش و سپس اجرای آنها توسط کودک

نکته

روان‌شناسی شناختی دو تفاوت اساسی با روان‌شناسی رفتارگرایی دارد:

۱ موضوعات روان‌شناسی شناختی، فعالیت‌های ذهنی عالی، مانند ادراک، تفکر و تصمیم‌گیری است.

۲ در شناخت‌گرایی بیش از پژوهش حیوانی بر پژوهش انسانی تأکید می‌شود و موضوعاتی مانند زبان‌آموزی و خواندن از مواردی است که پژوهش انسانی آن بسیار آسان‌تر از پژوهش حیوانی است.

تمرین کنید

فعالیت۱۸: باتوجه به مهارت‌ها و درس‌هایی که خود در یک هفته فراگرفته‌اید، نظریهٔ مربوط به یادگیری هر کدام را مشخص و سپس جدول زیر را کامل کنید.

یادگیری مهارت‌ها و درس‌های من در یک هفته	
یادگیری مهارت‌ها و درس‌ها	نظریهٔ مربوط

جست‌وجو کنید

فعالیت۱۹: دربارهٔ نظریه‌های جدید یادگیری منابع علمی را جست‌وجو کنید و راجع به مهم‌ترین آنها گزارشی ارائه دهید.

تمرین کنید

فعالیت۲۰: خلاصه‌ای از آنچه را درمورد نظریه‌های یادگیری یاد گرفته‌اید، به شکلی خلاقانه (نموداری، گزارشی، نمایشی، تصویری،...) یادداشت کنید.

هدف توانمندسازی ۱۰ـ۱: انگیزه و هیجان را بررسی کند.

ز انگیزهٔ خیر رو برمتاب　　که انگیزهٔ شر رساند عذاب

«محمد پارسا»

انگیزه و هیجان

گفت‌وگو کنید

فعالیت۲۱: در گروه‌های کلاسی راجع به دلایلی که باعث شده است رشتهٔ تربیت کودک را برگزینید، گفت‌وگو کنید و دلایل خود را با دلایل سایر گروه‌ها مقایسه نمایید.

انگیزه[1]

عواملی وجود دارد که سبب می‌شود موجود زنده به رفتار خاصی یا فعالیت هدفمندی بپردازد یا از آن پرهیز کند.روان‌شناسان این عوامل را **انگیزه** می‌نامند. بنابراین، انگیزه در زندگی موجود زنده، جایگاه بسیار مهمی

۱ـ Motive

دارد. انگیزه، هنرجویی را وادار می‌کند تا ساعت‌ها به درست‌کردن کاردستی یا اجرای نمایش عروسکی بپردازد و هنرجوی دیگر را به نوشتن برنامهٔ رایانه‌ای و ساخت فیلم‌های کوتاه یا به حسابداری یا به هنر سوق می‌دهد.
تعریف انگیزه: روان‌شناسان، کلیهٔ عواملی را که موجود زنده و از جمله انسان را به فعالیتی وامی‌دارد و او را در جهت خاصی سوق می‌دهد، انگیزه می‌نامند. انگیزه، اولین عنصر تشکیل‌دهندهٔ رفتار است.

نکته

نیازها مهم‌ترین عامل ایجادکنندهٔ انگیزه‌ها هستند و شامل دو دستهٔ بزرگ «نیازهای بدنی» مانند نیاز به آب، غذا و «نیازهای روانی» مانند نیاز به احساس ارزشمندی عزت نفس، قدرت طلبی،... است.

انواع انگیزه‌ها

باتوجه به رفتارهای گوناگون انسان، انگیزه‌ها را می‌توان به دو دستهٔ کلی تقسیم کرد: (نمودار۴)



نمودار۴ـ انواع انگیزه

۱ **انگیزه‌های طبیعی:** انگیزه‌هایی هستند که از آغاز تولد، همراه آدمی بوده و به آموختن نیازی نداشته‌اند. ویژگی اساسی انگیزه‌های طبیعی، فطری و غریزی‌بودن آنهاست. انگیزه‌های طبیعی را انگیزه‌های اولیه، فیزیولوژیکی یا حیوانی نیز می‌نامند. گرسنگی، تشنگی و خوابیدن از مصادیق انگیزه‌های اولیه است.
۲ **انگیزه‌های اکتسابی:** این انگیزه‌ها، ناشی از چگونگی اثرات عوامل محیطی و اجتماعی بر رفتارهای فرد است و یادگیری در ایجاد آنها نقش اساسی دارد. این انگیزه‌ها به دو دستهٔ مهم انگیزه‌های شخصی مانند انگیزهٔ پیشرفت و انگیزهٔ کمال‌جویی و انگیزهٔ اجتماعی مانند شرکت در مراسم سنتی و دوست‌داشتن ایران، حمایت از مظلومان، جهاد در راه خدا، حمایت از کالای ایرانی و... تقسیم می‌شود.

نکته

۱ می‌توان انگیزه‌ها را به دو دستهٔ انگیزه‌های درونی و انگیزه‌های بیرونی نیز تقسیم کرد. منبع انگیزه بیرونی در پاداش و لذتِ خارج از فرد قرار دارد؛ در حالی که در انگیزهٔ درونی، منبع لذت در خود تکلیف است.
۲ انگیزه و انگیزش، غالباً به‌صورت مترادف به‌کار می‌روند، در عین حال می‌توان گفت انگیزه «عاملی درونی است که موجب رفتار فرد می‌شود» و «انگیزش حالت روانی انسان است که او را در جهت خاصی تجهیز و به انجام‌دادن رفتارهایی مشخص وادار می‌کند.». بنابراین، انگیزه، عاملی درونی است که انسان را به حرکت وامی‌دارد و انگیزش، حالتی است که در اثر دخالت انگیزه به انسان دست می‌دهد.

تمرین کنید

فعالیت ۲۲: فهرستی از رفتارهای روزانهٔ خود را تهیه کنید. انگیزه‌های مختلف آنها را نیز در جدول زیر مشخص کنید.

رفتار	نوع انگیزه(طبیعی،اکتسابی)

گفت‌وگو کنید

فعالیت۲۳: گزارشی در مورد تفاوت انگیزه‌های هنرجویانی که در انجام‌دادن فعالیت‌های خود، بیشتر تلاش می‌کنند بنویسید و راجع به دلایل خود با سایر هنرجویان گفت‌وگو کنید.

هیجان[۱]

گفت‌وگو کنید

فعالیت ۲۴: تصور کنید در حالی که برای درس پرورش مهارت‌های شناختی در کارگاه به فعالیتی مشغول هستید، به شما اطلاع می‌دهند که در جشنوارهٔ قصه‌گویی رتبهٔ برتر را کسب کرده‌اید. واکنش شما در این موقعیت چگونه است؟ واکنش خود را با واکنش هم گروه‌های خود مقایسه کنید.

انسان‌ها در برابر اتفاقات زندگی و دریافت اخبار و اطلاعات، دارای پاسخ‌های متفاوت‌اند، مانند زمانی که در یک مسابقه برنده می‌شوند یا به علت از دست‌دادن یک عزیز آرامش خود را از دست می‌دهند. این پاسخ‌ها را در روان‌شناسی«هیجان» می‌گویند.

تعریف هیجان: واکنش ناموزون، شدید و ناگهانی فرد را، به یک موقعیت غیرمنتظره که معمولاً همراه با یک حالت عاطفی خوشایند یا ناخوشایند است، هیجان می‌گویند. هیجان‌ها(احساسات و عواطف)، مهم‌ترین بخش شخصیت انسان است و به صورت طبیعی در همه انسان‌ها وجود دارد. احساسات به دو صورت مثبت(خوشایند) مانند شادی، محبت، امید و منفی (ناخوشایند) مانند غم، خشم، ترس بروز می‌کند.

روان‌شناسان در تعریف هیجان بر سه مؤلفهٔ اصلی یعنی تغییرات در چهره، مغز و بدن، فرایندهای شناختی مانند ادراک و تفسیر رویدادها و تأثیرات فرهنگی که بر ابراز هیجان تأثیر دارند، تأکید می‌کنند (شکل ۷).[۲]

۱ـ Emotion

۲ـ برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد هیجان به کتاب پرورش مهارت‌های کلامی پایهٔ ۱۱ و پرورش مهارت‌های عاطفی ـ اجتماعی در پایهٔ ۱۲ مراجعه کنید.

نکته

در روان‌شناسی، هیجان‌ها چه مثبت و چه منفی اگر در حد متعادلی باشند برای فرد مشکلی ایجاد نمی‌کنند اما اگر از حد تعادل کمتر یا بیشتر باشند مشکلاتی را برای فرد ایجاد می‌کنند. بنابراین هیجان را می‌توان ریشهٔ بسیاری از اختلال‌های روانی فرد یا تضمین‌کنندهٔ بهداشت و سلامت روانیِ او دانست. مثلاً ترس متعادل، باعث فرار از خطر و حفظ جان می‌شود و ترس نامتعادل، باعث ابتلای فرد به برخی بیماری‌های روانی خواهد شد.



شکل ۷ـ هیجانات

تمرین کنید

فعالیت ۲۵: با مشاهدهٔ رفتار اطرافیان خود، فهرستی از رفتارهای هیجانی آنها را تهیه، و خوشایند و ناخوشایند بودنشان را مشخص کنید.

تمرین کنید

فعالیت ۲۶: قصه‌ای با موضوع آموزش ابراز هیجان در موقعیت‌های مختلف برای کودک پنج ساله بنویسید[1] و به‌صورت نمایش اجرا کنید.

تمرین کنید

فعالیت ۲۷: خلاصه‌ای از آنچه را در مورد انگیزه و هیجان یاد گرفته‌اید به شکلی خلاقانه (نموداری، گزارشی، نمایشی، تصویری،...) یادداشت کنید.

۱ـ برای کسب اطلاعات در مورد قصه‌نویسی، به پودمان ۴ کتاب پرورش مهارت‌های کلامی پایهٔ ۱۱ مراجعه کنید.

هدف توانمندسازی ۱۱ـ۱: عوامل مؤثر در شخصیت را تحلیل کند.

اگر این درنده خویی ز طبیعتت بمیرد　　همه عمر زنده باشی به روان آدمیت

«سعدی»

شخصیت[۱]

گفت‌وگو کنید

فعالیت۲۸: در گروه‌های کلاسی راجع به سؤالات زیر گفت‌وگو کنید و نظرات خود را با هم بسنجید. به چه دلیل عده‌ای موفق و عده‌ای ناموفق‌اند؟ چرا عده‌ای دچار فشار روانی می‌شوند و بقیه مشکلی ندارند؟ چرا برداشت افراد از امور متفاوت است؟

شخصیت، مجموعه‌ای از ویژگی‌های ظاهری و غیرظاهری رفتار یک فرد است که ثبات و جلوهٔ بیشتری دارد و تا حدی قابل پیش‌بینی است و باعث تمایز افراد از یکدیگر می‌شود. شخصیت بیانگر آن دسته از ویژگی‌های فرد است که الگوهای ثابت فکری، عاطفی و رفتاریِ او را شامل می‌شود.[۲]

بنابراین هر فرد شخصیت خود را دارد، زیرا هر فرد ترکیبی از صفات و ویژگی‌هاست که به طور پایدار و به صورت رفتارهایی بارز جلوه می‌کند. مانند فردی که همواره خنده‌رو یا مهربان است و گاهی ترش‌رو و سنگدل می‌شود. خنده‌رویی و مهربانی در چنین فردی از صفات شخصیتی اوست.[۳]

عوامل مؤثر در شکل‌گیری شخصیت

شخصیت هر فرد حاصل تأثیر متقابل عوامل ژنتیکی و وراثتی، محیطی (فرهنگ، یادگیری، والدین، تجربهٔ گروهی و تجارب شخصی،...) و تصورات فردی است.

۱ **عامل ژنتیکی و وراثتی:** این عوامل از طریق ارث منتقل می‌شوند. از مهم‌ترین عوامل ارثیِ مؤثر بر شخصیت می‌توان به عملکرد دستگاه عصبی و غدد، شکل ظاهری و اندام‌های بدن و جنسیت اشاره کرد. هزاران ژن برای ساختن سازمان بدنی فرد از طریق سلول‌های جنسی پدر و مادر در محیط قبل از تولد در برابر هم قرار می‌گیرند.

۲ **عامل محیطی:** عوامل محیطی عواملی هستند که بعد از تولد، فرد را احاطه می‌کنند. این عوامل با اثرگذاری در یادگیری‌ها و دستگاه عصبی فرد، در شکل‌گیری شخصیت وی مؤثرند. از مهم‌ترین این عوامل می‌توان به فرهنگ و آداب و رسوم فرد و جامعه، روش تربیتی خانواده، مدرسه، گروه همتایان، اقوام و دوستان، تعلیم و تربیت و اجتماع وسیعی که فرد در آن زندگی می‌کند، اشاره کرد.

۱ـ Personality

۲ـ از شخصیت تعاریف زیادی شده است. این تعریف‌ها غلط یا درست نیستند، بلکه در میزان هدایت انسان‌ها به شناخت جنبه‌های مختلف با یکدیگر تفاوت دارند.

۳ـ واژه شخصیت، از کلمهٔ پرسونا گرفته شده است و به معنی نقاب یا ماسکی است که در یونان و روم قدیم، بازیگران تئاتر بر چهره می‌گذاشتند. در حال حاضر، تعریف واحدی از شخصیت که مورد توافق همگان باشد وجود ندارد. اما می‌توانیم بگوییم که «شخصیت عبارت است از الگوی نسبتاً پایدار صفات، گرایش‌ها، یا ویژگی‌هایی که تا اندازه‌ای به رفتار افراد دوام می‌بخشد.»

رویدادهای اجتماعی مهم (مثبت و منفی) مانند استقلال کشور، دفاع مقدس و...، یا مشکلات و رکودهای اقتصادی می‌توانند انتخاب‌های زندگی ما را متفاوت کنند و بر شکل‌گیری شخصیت تأثیر بگذارند.

۳ **تصورات فردی:** تجارب کودکانی که حتی در یک خانواده پرورش می‌یابند با هم متفاوت است، زیرا هر یک در معرض تجربه‌های اجتماعی متفاوت و برداشت‌های شخصی قرار می‌گیرند. هر کودک با داشتن ساختمانِ وراثتی و محیط تربیتی متفاوت، دارای مجموعه‌ای از تجربه‌های منحصر به فردی است که کودک دیگر عیناً از آن برخوردار نیست. بنابراین شخصیت هر فرد نتیجهٔ تعامل دو عاملِ وراثت و محیط است.

جست‌وجو کنید

فعالیت۲۹: در مورد تفاوت نقش شخصیت‌ها در خانواده یا همسالان، نمایش گروهی در کلاس ارائه دهید.

هدف توانمندسازی ۱۲ـ۱: هوش را تحلیل کند.

گر مراقب باشی و هشیارِ خویش — هر زمان بینی رضای کار خویش

«محمد پارسا»

هوش[۱]

گفت‌وگو کنید

فعالیت۳۰: در گروه‌های کلاسی راجع به نقش هوش در یادگیری و حل مسائل روزانهٔ خود گفت‌وگو کنید.

هوش ارزنده‌ترین نیروی روانی انسان و قابلیتی کم‌نظیر است که موجب اعتبار زیاد انسان در مقایسه با دیگر موجودات زنده است.

تعریف هوش: از هوش تعاریف گوناگونی شده است. در یکی از کامل‌ترین آنها، هوش را میزان درستی و توانمندی ادراک شخص از محیط تعریف کرده‌اند. در سال‌های اخیر نوع دیگری از هوش به نام هوش عاطفی یا هوش هیجانی[۲] مورد توجه روان‌شناسان قرار گرفته است.

هوش هیجانی عبارت است از«آگاهی فرد نسبت به عواطف خود، مدیریت عواطف خود، برانگیختن خود، شناسایی عواطف دیگران و تنظیم روابط با دیگران»[۳]. بنابراین هوش هیجانی توانایی شناخت و درک عواطف خود و دیگران، ابراز وجود و بیان درست آنها و کنترل و تنظیم آنهاست.

بررسی‌های روان‌شناختی نشان داده است که هوش ذهنی و هیجانی در تضاد با یکدیگر قرار ندارند و کاربرد درست آنها به سلامت جسمی و روانی فرد کمک می‌کند. برخی روان‌شناسان معتقدند هوش عاطفی

۱ـ Intelligence(IQ)

۲ـ Emotional Intelligence(EQ)

۳ـ این تعریف از کتاب دانیل گلمن(Daniel Golman) به نام هوش هیجانی گرفته شده است.

از بخش‌های عزت نفس، خودآگاهی عاطفی، جرئت‌ورزی، تحمل استرس، کنترل تکانه، واقعیت آزمایی، انعطاف‌پذیری، حل مسئله، همدلی و روابط بین فردی تشکیل شده است.[1]
هوش ذهنی از توانمندی‌های گوناگونی مانند حافظه، ادراک، استدلال، مهارت‌های کلامی، توان عددی،... تشکیل شده است.

جست‌وجو کنید

فعالیت۳۱: در گروه‌های کلاسی راجع به نقش هوش ذهنی و هوش عاطفی در موفقیت و سلامت روانی فرد از منابع علمی جست‌وجو کنید و نتیجه را در کلاس به‌صورت بروشور ارائه دهید.

هدف توانمندسازی ۱۳ـ۱: فهرستی از عوامل مؤثر بر هوش را تهیه کند.

عوامل مؤثر بر هوش

در میزان هوش فرد (ذهنی و هیجانی) دو دسته از عوامل (ارثی و محیطی) تأثیر دارند:

۱ـ عوامل ارثی

همان‌طور که در قسمت شخصیت گفته شد، منظور از عوامل ارثی، ویژگی‌هایی مانند ساختمان مغز، دستگاه عصبی و حواس است، که از طریق ژن‌ها از والدین به فرزندان منتقل می‌شود. وزن و اندازهٔ مغز در هنگام تولد، میزان چین خوردگی‌های سطح مغز، میزان نرمی و انعطاف‌پذیری مغز و چگونگی رشد مغز، در این دسته از عوامل قرار می‌گیرند.

۲ـ عوامل محیطی

روان‌شناسان به تأثیر عوامل محیطی در رشد مغز توجه خاصی دارند. منظور از محیط شامل محیط قبل از تولد (دوران بارداری مادر)، هنگام تولد و بعد از تولد است.
قبل از تولد: در محیط قبل از تولد عواملی مانند ضربه و آسیب‌های فیزیکی به جنین، کمبود تغذیه‌ای مادر، مصرف داروها، کشیدن سیگار، رادیولوژی و سونوگرافی و هیجان‌های مادر مانند ترس و اضطراب بر میزان هوش کودک تأثیرگذار است.
هنگام تولد: چگونگی تولد، اثر مهمی بر سلامت عمومی و عصبی کودک دارد. عواملی مانند نوع تولد(طبیعی، سزارین)، نرسیدن اکسیژن لازم به جنین، پاره‌شدن رگ‌های مغز، زایمان‌های زودرس و زایمان‌های دیررس بر میزان هوش کودک تأثیرات سوء دارد.
محیط پس از تولد: این محیط بیشترین تأثیر را در توان هوشی کودک دارد و شامل عوامل متعددی از جمله تعلیم و تربیت خانواده، آب و هوا، تغذیه، وضع اقتصادی و اجتماعی، دین و فرهنگ جامعه، آداب و رسوم، مؤسسات آموزشی، رسانه‌های گروهی،... است.

۱ـ R.Bar.On

کودکی که با استفاده از امکانات محیطی، بیشترین بهره را از زمینهٔ ارثی خود می‌برد، موفق‌تر از کودک دیگری است که دچار محرومیت‌های محیطی و آموزشی شده است.

نکته

هر نوع استعدادی در محیط‌های مناسب‌تر، پیشرفت بیشتری به دست می‌آورد.

تمرین کنید

فعالیت ۳۲: جدول زیر را باتوجه به عوامل مؤثر بر هوش تکمیل کنید.

عوامل ارثی	عوامل محیطی

گزارش تهیه کنید

فعالیت ۳۳: با مطالعه در تاریخچهٔ زندگی یکی از نوابغ، عوامل مؤثر بر هوش این افراد را بررسی کنید و گزارش آن را در کلاس ارائه دهید.

نکته

امروزه اغلب متخصصان بر این نکته توافق دارند که محیط و وراثت در همکاری و ارتباط متقابل، نقش مهمی در رشد هوش دارند. بنابراین غنی‌سازی محیط کودکان با بهره‌گیری از توانمندی‌های ارثی‌شان می‌تواند استعدادهای هوشی آنها را شکوفا کند و پرورش دهد و موجب پیشرفت تحصیلی و موفقیت‌های فردی آنان شود.

هدف توانمندسازی ۱۴ـ ۱: ویژگی‌های گروه‌های هوشی را با هم مقایسه کند.

ویژگی‌های گروه‌های هوشی

گفت‌وگو کنید

فعالیت ۳۴: در گروه‌های کلاسی:
الف) در مورد دلایل تفاوت عملکرد هنرجویان در درس‌های مختلف گفت‌وگو کنید.
ب) بر اساس پاسخ‌های خود، در مورد ویژگی‌های هوشی افراد گفت‌وگو کنید.

تفاوت استعدادهای ذهنی انسان‌ها بسیار زیاد است.برخی می‌توانند اجزای یک ساعت شکسته را جدا کنند و آنها را دوباره طوری پهلوی یکدیگر قرار دهند که بهتر از اول کار کند. برخی دیگر به دشواری می‌توانند یک ساعت را جمع کنند اما می‌توانند طوری آن را نقاشی کنند که طبیعی‌تر از ساعت دست شما به نظر برسد.
روان‌شناسان افراد را از نظر هوش ذهنی به سه دستهٔ کلی تقسیم می‌کنند:

۱ گروه تیزهوش؛
۲ گروه بهنجار؛
۳ گروه کم‌توان ذهنی.

۱ـ گروه تیزهوش

شامل کودکانی است که به تشخیص متخصصان روان‌شناسی، توانایی‌های برجسته‌ای دارند و قادرند امور خود را در سطح عالی انجام دهند.
برخی از این ویژگی‌های کودکان تیزهوش به شرح زیر است:

الف) ویژگی‌های شناختی

- حافظه قوی؛
- تعمیم‌پذیری مفاهیم در سطح بالا؛
- قدرت فوق‌العادهٔ پردازش اطلاعات؛
- ارزیابی خود و دیگران؛
- تنوع در علایق و کنجکاوی زیاد؛
- رشد زبانی و کلامی در سطحی بالا؛
- راحتی در یادگیری سریع اطلاعات تازه.

ب) ویژگی‌های عاطفی

- حساسیت به هیجان‌های دیگران؛
- شوخ طبعی تیزهوشانه؛
- آرمان‌گرایی و عدالت‌دوستی؛
- قضاوت اخلاقی در سطحی عالی؛
- رشد کنترل درونی.

ج) ویژگی‌های اجتماعی

- داشتن انگیزهٔ خودشکوفایی
- داشتن ظرفیت اجتماعی و عاطفی برای درک مسائل اجتماعی و ارائهٔ راه‌حل.

گزارش تهیه کنید

فعالیت۳۵: با مطالعه اطرافیان تیزهوش خود، گزارشی از ویژگی‌های رفتاری و موفقیت‌های آنها تهیه کنید و در کلاس ارائه دهید.

جست‌وجو کنید

فعالیت۳۶: با جست‌وجو در منابع علمی، فهرستی از افراد تیزهوش را که برای ایران افتخارات علمی، تحقیقی و ...کسب کرده‌اند جمع‌آوری کنید. با مطالعهٔ تاریخچهٔ زندگی فردی و علمی و اجتماعی دو فرد از این گروه، ویژگی‌های آنها را بررسی کنید و گزارش آن را در کلاس ارائه دهید.

۲ـ گروه بهنجار

اکثر افراد هر جامعه را گروه بهنجار تشکیل می‌دهند. هوش‌بهر این گروه بین ۱۰۹ـ۹۰مشخص گردیده است. بیشتر فعالیت‌های عادی جامعه بر دوش این گروه است. بسیاری از آنها تحصیلات دبیرستانی را به اتمام می‌رسانند و شمار کمی از آنها به دانشگاه راه می‌یابند.

نکته

کودکان دیرآموز[1]: این گروه بین گروه بهنجار و کم‌توان ذهنی قرار دارد. بهرهٔ هوشی آنها بین ۹۰ـ۷۱ است. از نظر تحصیلی و یادگیری مطالب ضعیف‌اند. ویژگی بارز این گروه این است که دیر می‌آموزند و زود فراموش می‌کنند. بیشتر آنها به فعالیت‌های غیرحرفه‌ای اشتغال دارند.

۳ـ کم‌توان ذهنی

این گروه از کودکان از نظر سرعت عملکرد و توانایی ذهنی، نسبت به گروه سنی خود ضعیف‌تر عمل می‌کنند. کم‌توانی ذهنی وضعیت و حالت ذهنیِ خاصی است که در اثر شرایط مختلف قبل از تولد یا هنگام تولد یا بعد از تولد ایجاد می‌شود. کم‌توان ذهنی مانند دست و پایی است که خوب کار نمی‌کند. روان‌شناسان،افرادی را جزء این گروه طبقه‌بندی می‌کنند که ضریب هوشی کمتر از ۷۰داشته باشند.

در جدیدترین راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی، واژهٔ عقب‌ماندگی ذهنی به کم‌توان ذهنی یا ناتوانیِ ذهنی تغییر نام داده شده است. ویژگی اصلی ناتوانی ذهنی وجود نقص‌هایی در توانایی‌های شناختی (مثلاً حل مسئله، برنامه‌ریزی، استدلال و قضاوت) و عملکرد سازگارانه است. معیارهای تشخیصی هم بر اهمیت توانایی‌های شناختی و هم بر عملکرد شناختی تأکید دارد.

نکته

همهٔ مربیان قبول دارند که کودکان، چه کم‌توان ذهنی و چه تیزهوش، باید متناسب با توانایی‌های خود آموزش ببینند.

افراد کم‌توان ذهنی براساس شدت ناتوانی آنها در زمینهٔ فعالیت‌های اجتماعی و عملی به سه گروه زیر تقسیم می‌شوند:

۱ **کم‌توان‌ذهنی آموزش‌پذیر**[2]: بهرهٔ هوشی این گروه ۷۰ـ۵۵ است و نمی‌توانند از برنامه‌های آموزشیِ کلاس‌های معمولی بهرهٔ لازم ببرند. آنها حداقلی از اطلاعات عمومی، خواندن، نوشتن، حساب‌کردن و مهارت‌های شغلی را یاد می‌گیرند. با مشاوره می‌توانند در ادارهٔ زندگی خود به خودکفایی اقتصادی و اجتماعی برسند.

۲ **کم‌توان ذهنی تربیت‌پذیر**[3]: این گروه با داشتن بهرهٔ هوشی ۵۵ـ۴۰بیشتر در مؤسسات و مراکز غیرآموزشی نگهداری می‌شوند.این گروه به دلیل داشتن مشخصات بدنی از همان دوران نوزادی شناسایی

۱ـ مرزی ۲ـ کودن ۳ـ کالیو

می‌شوند و در کسب مهارت‌های کلامی و بدنی بسیار ضعیف‌اند. این گروه توان ادارهٔ زندگیِ مستقل ندارند و فاقد خودکفایی اقتصادی و اجتماعی لازم هستند.

۳ کم‌توان ذهنی حمایت‌پذیر[1]: این گروه به علت عقب‌ماندگی شدید ذهنی و بدنی قادر به یادگیری در امور مربوط به خود نیستند و نمی‌توانند با محیط انطباق و سازگاری داشته باشند. همچنین توان خودکفایی در امور اقتصادی و اجتماعی را ندارند. آنها به علت بهره هوشی پایین (زیر ۴۰) نیاز شدید به حمایت دارند و بدون کمک دیگران قادر به ادامهٔ زندگی نیستند.

تمرین کنید

فعالیت ۳۷: ویژگی‌های گروه‌های مختلف کم‌توان ذهنی را با هم مقایسه کنید.

تمرین کنید

فعالیت ۳۸: اگر در اطرافیان خود یک نفر کم‌توان ذهنی می‌شناسید:

- ☐ ویژگی رفتاری او را بررسی و فهرست کنید.
- ☐ فهرست خود را با ویژگی‌های گروه‌های کم‌توان ذهنی مقایسه کنید.
- ☐ گروه او را مشخص کنید.

آموزش فراگیر[2]

آموزش فراگیر به عنوان فرایندی تعریف می‌شود که در آن دانش‌آموزان از هر سن و جنس با هر توانایی و محدودیتی که دارند، بدون توجه به زبان، مذهب، پیشینهٔ اجتماعی، یا بیماری‌های خاص، در مدارس پذیرفته می‌شوند. یعنی براساس این برنامه، جامعه‌ای آزاد از نظر آموزشی در مدارس تشکیل می‌شود.

در آموزش تلفیقی دانش‌آموز استثنایی در مدارس عادی با همکاری معلم‌های رابط، که از سوی کارشناسان آموزش‌وپرورش استثنایی تعیین می‌شوند، به تحصیل می‌پردازند.

دانش‌آموزی که برای آموزش تلفیقی درنظر گرفته می‌شود، فردی است که محدودیت‌های جسمانی یا ذهنی یا هردو را دارد، اما درجهٔ معلولیت او در حد خفیف است، بنابراین می‌تواند با استفاده از وسایل کمک آموزشی و توان‌بخشی و با راهنمایی معلم رابط در مدارس عادی تحصیل کند (شکل ۸).



شکل ۸ـ آموزش فراگیر

۱ـ کانا یا کم‌هوش‌ترین ناتوانان ذهنی

۲ـ برای اطلاع بیشتر به کتاب پرورش مهارت‌های اجتماعی ـ عاطفی کودک پایهٔ ۱۲ مراجعه کنید.

هوش چندگانه انسان

گفت‌وگو کنید

فعالیت۳۹: در مورد ضرب‌المثل«هر کسی را بهر کاری ساختند» گفت‌وگو کنید و در مورد منظور اصلی آن با سایر گروه‌های کلاسی گفت‌وگو کنید.

از بین نظریه‌های مختلف هوش، نظریهٔ هوش چندگانه «هاوارد گاردنر»[1] (۱۹۹۳)، حائز اهمیت است. به عقیدهٔ گاردنر همهٔ انسان‌ها دارای انواع مختلفی از هوش هستند. طبق نظریهٔ او، برای به دست‌آوردن تمام قابلیت‌ها و استعدادهای یک فرد، نباید تنها به بررسی ضریب هوشی پرداخت بلکه انواع هوش‌های دیگر او مثل هوش کلامی، هوش منطقی ـ ریاضی، هوش فضایی، هوش بدنی ـ حرکتی، هوش موسیقیایی، هوش میان فردی، هوش درون فردی، و هوش طبیعت‌گرانه نیز باید درنظر گرفته شود (شکل ۹).



شکل ۹ـ هوش چندگانه گاردنر

هوش کلامی[2]: این نوع هوش یعنی توانایی استفاده از کلمات و زبان که یادگیرنده‌های آن مهارت‌های شنیداری تکامل یافته‌ای دارند و معمولاً سخنوران برجسته‌ای هستند. آنها به جای تصاویر، با کلمات فکر می‌کنند.
مهارت‌های آنها عبارت‌اند از: گوش‌دادن، حرف‌زدن، قصه‌گویی، توضیح‌دادن، تدریس، استفاده از طنز، یادآوری اطلاعات و تحلیل کاربرد زبان.
شغل‌های مناسب برای آنها عبارت‌اند از: مبلغ دینی، شاعر، روزنامه‌نگار، نویسنده، معلم، وکیل، سیاستمدار، مترجم

۱ـ Howard Gardner
۲ـ Verbal ـ Linguistic Intelligence

هوش منطقی ـ ریاضی[1]: این نوع هوش توانایی استفاده از استدلال، منطق و اعداد است که یادگیرنده‌های آن به صورت مفهومی با استفاده از الگوهای عددی و منطقی فکر می‌کنند و از این طریق بین اطلاعات مختلف رابطه برقرار می‌کنند. آنها همواره در مورد دنیای اطرافشان کنجکاو هستند، سؤال‌های زیادی می‌پرسند و دوست دارند آزمایش کنند.

مهارت‌های آنها عبارت‌اند از: مسئله حل‌کردن، تقسیم‌بندی و طبقه‌بندی اطلاعات، کارکردن با مفاهیم انتزاعی برای درک رابطه‌شان با یکدیگر، به‌کاربردن زنجیره طولانی از استدلال‌ها برای پیشرفت، انجام آزمایش‌های کنترل شده، سؤال وکنجکاوی در پدیده‌های طبیعی، انجام محاسبات پیچیده ریاضی، کارکردن با شکل‌های هندسی.

شغل‌های مناسب برای آنها عبارت‌اند از: دانشمند، مهندس، برنامه‌نویس کامپیوتر، پژوهشگر، حسابدار، ریاضی‌دان.

هوش تصویری ـ فضایی[2]: این نوع هوش یعنی توانایی قدرت تشخیص تصویری و فضایی، که یادگیرنده‌های آن گرایش دارند با تصاویر فکر کنند. آنان برای به‌دست‌آوردن اطلاعات،نیاز دارند یک تصویر ذهنی واضح ایجاد کنند و آنها از نگاه‌کردن به نقشه‌ها، نمودارها، تصاویر، ویدئو و فیلم خوششان می‌آید.

مهارت‌های آنها عبارت‌اند از: ساختن پازل، خواندن، نوشتن، درک نمودارها و شکل‌ها، حس جهت‌شناسی خوب، طراحی، نقاشی، ساختن استعاره‌ها و تمثیل‌های تصویری (احتمالاً از طریق هنرهای تجسمی)، دستکاری‌کردن تصاویر، ساختن، تعمیرکردن و طراحی وسایل عملی، تفسیر تصاویر دیداری.

شغل‌های مناسب برای آنها عبارت‌اند از: دریانورد، مجسمه‌ساز، هنرمند تجسمی، مخترع، کاشف، معمار، طراح داخلی، مکانیک، مهندس.

هوش بدنی ـ حرکتی[3]: این نوع هوش یعنی توانایی کنترل ماهرانه حرکات بدن،که یادگیرنده‌های آن خودشان را از طریق حرکت بیان می‌کنند. آنها درک خوبی از حس تعادل و هماهنگی دست و چشم دارند (به‌عنوان مثال در بازی با توپ، یا استفاده از تیرهای تعادل مهارت دارند) آنها از طریق تعامل با فضای اطرافشان قادر به یادآوری و فراوری اطلاعات هستند.

مهارت‌های آنها عبارت‌اند از: هماهنگی بدنی، ورزش، استفاده از زبان بدن، صنایع دستی، هنرپیشگی، تقلید حرکات، استفاده از دست‌هایشان برای ساختن یا خلق‌کردن، ابراز احساسات از طریق بدن و حرکات موزون.

شغل‌های مناسب برای آنها عبارت‌اند از: ورزشکار، معلم تربیت‌بدنی، هنرپیشه، آتش‌نشان، صنعتگر.

هوش موسیقیایی[4]: این نوع هوش یعنی توانایی تولید و درک موسیقی که یادگیرنده‌های آن متمایل به موسیقی با استفاده از صداها، ریتم‌ها و الگوهای موسیقی هستند. آنها بلافاصله چه با تعریف و چه با انتقاد، به موسیقی عکس‌العمل نشان می‌دهند. خیلی از این یادگیرنده‌ها بسیار به صداهای محیطی (مانند صدای زنگ، صدای جیرجیرک و چکه‌کردن شیرهای آب) حساس هستند.

مهارت‌های آنها عبارت‌اند از: آواز خواندن، سوت‌زدن، نواختن آلات موسیقی، تشخیص الگوهای آهنگین، آهنگ‌سازی، به یادآوردن ملودی‌ها، درک ساختار و ریتم موسیقی.

شغل‌های مناسب برای آنها عبارت‌اند از: موسیقی‌دان، خواننده، آهنگساز.

۱ـ Logical ـ Mathematical Intelligence

۲ـ Visual ـ Spatial Intelligence

۳ـ Bodily ـ Kinesthetic Intelligence

۴ـ Musical Intelligence

هوش درون فردی[۱]: این نوع هوش یعنی توانایی درک خود و آگاه‌بودن از حالت درونی خود که یادگیرنده‌های آن سعی می‌کنند احساسات درونی، رؤیاها، روابط با دیگران و نقاط ضعف و قوت خود را درک کنند.
مهارت‌های آنها عبارت‌اند از: تشخیص نقاط ضعف و قوت خود، درک و بررسی خود، آگاهی از احساسات درونی، تمایلات و رؤیاها، ارزیابی الگوهای فکری خود، باخود استدلال و فکرکردن، درک نقش خود در روابط با دیگران.
شغل‌های مناسب برای آنها عبارت‌اند از: پژوهشگر، نظریه‌پرداز، فیلسوف.
هوش میان فردی[۲]: این نوع هوش یعنی توانایی ارتباط برقرارکردن و فهم دیگران که یادگیرنده‌های آن سعی می‌کنند چیزها را از نقطه‌نظر آدم‌های دیگر ببینند تا بفهمند آنها چگونه می‌اندیشند و احساس می‌کنند. آنها معمولاً توانایی خارق‌العاده‌ای در درک احساسات، مقاصد و انگیزه‌ها دارند. آنها سازمان‌دهنده‌های خیلی خوبی هستند و معمولاً سعی می‌کنند که در گروه آرامش را برقرار کنند و همکاری را تشویق کنند. آنها هم از مهارت‌های کلامی (مانند حرف‌زدن) و هم مهارت‌های غیرکلامی (مانند تماس چشمی، زبان بدن) استفاده می‌کنند تا با دیگران ارتباط برقرار کنند.
مهارت‌های آنها عبارت‌اند از: دیدن مسائل از نقطه‌نظر دیگران، گوش‌کردن، همدلی، درک احساسات دیگران، مشورت و همکاری با گروه، توجه به خلق‌وخو، انگیزه‌ها و نیت‌های افراد، رابطه برقرارکردن چه از طریق کلامی چه غیرکلامی، اعتمادسازی، حل و فصل آرام درگیری‌ها، برقراری روابط مثبت با دیگر مردم.
شغل‌های مناسب برای آنها عبارت‌اند از : مشاور، فروشنده، سیاستمدار، تاجر.
هوش طبیعت‌گرا[۳]: این هوش آخرین نوع هوشی است که گاردنر در نظریهٔ خود به هفت نوع قبلی افزوده است. کسانی که دارای هوش طبیعت‌گرا هستند، با طبیعت سازگاری بیشتری دارند و معمولاً به کشف محیط، یادگیری دربارهٔ موجودات و یافتن الگوها و روابط از طبیعت علاقه‌مندند. این افراد به سرعت از جزئی‌ترین تغییرات در محیطشان آگاه می‌شوند.
مهارت‌های آنها عبارت‌اند از: علاقه‌مند به موضوعاتی از قبیل گیاه‌شناسی، زیست‌شناسی و جانورشناسی، مهارت در رده‌بندی و فهرست‌بندی اطلاعات، لذت‌بردن از باغبانی، کشف طبیعت، پیاده‌روی و چادرزدن در طبیعت، زیست‌شناس.
شغل‌های مناسب برای آنها عبارت‌اند از: حفاظت از محیط‌زیست، باغبان و مزرعه‌دار.

۱_ Intrapersonal Intelligence
۲_ Interpersonal Intelligence
۳_ Naturalistic Intelligence

راهبردهای کلی آموزشی مربوط به تقویت ۸ نوع هوش گاردنر در جدول زیر آمده است:

جدول ۲ـ راهبردهای کلی آموزشی مربوط به تقویت هشت هوش گاردنر
(به نقل از سانتراک۱ ۲۰۰ ص ۱۸۷)

نوع هوش	راهبردهای آموزشی
مهارت‌های کلامی	ـ برای کودکان کتاب بخوانید و از آنها بخواهید برای شما کتاب بخوانند و خلاصه کنند. ـ با کودکان و هنرجویان از کتابخانه و کتاب‌فروشی‌ها بازدید کرده و از آنها بخواهید نشریات علمی را نگهداری کنند. ـ در رابطه با نویسندگان کتاب‌ها با هنرجویان گفت‌وگو کنید.
مهارت‌های ریاضی	ـ بازی‌های فکری و فعالیت‌های ریاضی ترتیب دهید. ـ با هنرجویان اردوهای کوتاه برای بازدید از آزمایشگاه‌های کامپیوتری و نمایشگاه‌های الکترونیکی ترتیب دهید.
مهارت‌های تصویری ـ فضایی	ـ وسایل خلاقانه را برای استفاده کودکان و هنرجویان فراهم کنید. ـ نمایشگاه‌های هنری از آثار دستی کودکان و هنرجویان ترتیب دهید. ـ از کودکان و هنرجویان بخواهید براساس تصورات و تجربیات گذشته، تصویر و نقشه بکشند.
مهارت‌های بدنی ـ حرکتی	ـ فرصت‌هایی برای فعالیت‌های نرمشی، ورزشی و بازی ترتیب داده و آنها را به مسابقات ورزشی ببرید.
مهارت‌های موسیقیایی	ـ فرصت‌هایی برای استفادهٔ کودکان و هنرجویان از آلات موسیقی فراهم کرده و آنها را به شعرخوانی تشویق کنید.
مهارت‌های میان فردی	ـ به احساسات کودکان گوش دهید و با حساسیت به آنها بازخورد دهید.
مهارت‌های درون فردی	ـ کودکان و هنرجویان را تشویق کرده تا سرگرمی‌ها و علایقی برای خود داشته باشند. ـ آنها را به‌خاطر تصویرسازی ذهنی تشویق کرده و بخواهید نظرات و تجاربشان را مکتوب کنند.
مهارت‌های طبیعت‌گرایانه	ـ هنرجویان را به موزهٔ آثار طبیعی برده و در کلاس نیز یک هستهٔ طبیعت‌گرایانه یادگیری ایجاد کنند. ـ فعالیت‌های اردویی ـ صحرایی مانند پیاده‌روی در طبیعت و یا پرورش کاشت یک درخت را ترتیب دهید. ـ از آنها بخواهید تا مجموعه‌ای از گیاهان و حیوانات منطقه خودشان را تهیه و طبقه‌بندی کنند.

تمرین کنید

فعالیت ۴۰:

۱ جدول زیر را باتوجه به ویژگی هوش‌های گاردنر کامل کنید.

هوش	ویژگی‌ها
هوش کلامی	
هوش تصویری ـ فضایی	
هوش منطقی ـ ریاضی	
هوش بدنی ـ حرکتی	
هوش موسیقیایی	
هوش درون فردی	
هوش میان فردی	
هوش طبیعت‌گرا	

۲ در گروه‌های کلاسی، هوش‌های چندگانه یکدیگر را مشخص کنید.

تمرین کنید

فعالیت۴۱: خلاصه‌ای از آنچه در مورد کاربرد روان‌شناسی در آموزش و پرورش کودک در این پودمان یاد گرفته‌اید به شکلی خلاقانه (نموداری، گزارشی، نمایشی، تصویری، ...) یادداشت کنید.

تمرین کنید

۱ رشته‌های روان‌شناسی را با هم مقایسه کنید.
۲ فهرستی از اهداف روان‌شناسی کودک تهیه کنید.
۳ باتوجه به نظریه‌های یادگیری، چند روش کاربردی برای تدریس مطالب به کودکان تهیه کنید.
۴ تأثیر انگیزه و هیجان را در بروز رفتارهای کودکان بررسی کنید.
۵ فهرستی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری شخصیت را تهیه کنید.
۶ فهرستی از عوامل مؤثر بر هوش کودکان را تهیه کنید.
۷ انواع ویژگی گروه‌های هوشی کودکان را با هم مقایسه کنید.
۸ ویژگی انواع کم‌توان‌های ذهنی را بررسی کنید.
۹ فعالیت‌هایی برای پرورش هوش چندگانه کودکان طراحی کنید.

خودارزیابی پایانی پودمان ۱				
واحدیادگیری: کاربرد روان‌شناسی در آموزش و پرورش کودک				
این کاربرگ برای ارزیابی دانش و مهارت شما در زمینهٔ کاربرد روان‌شناسی در آموزش‌وپرورش کودک تهیه شده است. در هر سؤال بیشترین امتیاز سه و کمترین امتیاز یک است. بر این اساس خود را ارزیابی کنید و به خود امتیاز دهید.				
ردیف	**موارد**	**۳**	**۲**	**۱**
۱	تا چه حد می‌توانید تعریفی از روان‌شناسی و موضوع آن ارائه دهید؟			
۲	تا چه حد می‌توانید فهرستی از اهداف روان‌شناسی کودک را بنویسید؟			
۳	تا چه حد می‌توانید نقش انگیزه و هیجان را در رفتار کودکان بررسی کنید؟			
۴	تا چه حد می‌توانید فهرستی از عوامل مؤثر در شخصیت را تهیه کنید؟			
۵	تا چه حد می‌توانید انواع هوش را بررسی کنید؟			
۶	تا چه حد می‌توانید ویژگی انواع گروه‌های هوشی را با هم مقایسه کنید؟			

ارزشیابی پودمان ۱

عنوان پودمان۱	تکالیف عملکردی (شایستگی‌ها)	استاندارد عملکرد (کیفیت)	نتایج	استاندارد (شاخص‌ها، داوری، نمره‌دهی)	نمره
کاربرد روان‌شناسی در آموزش‌وپرورش کودک	تحلیل روان‌شناسی کودک	کاربرد روان‌شناسی در آموزش‌و پرورش کودک براساس منابع معتبر علمی و آموزشی سازمان بهزیستی و آموزش‌وپرورش پیش از دبستان	بالاتر از حد انتظار	ـ به‌کارگیری اهداف روان‌شناسی کودک در آموزش کودک ـ تحلیل رفتار کودک با استفاده از ویژگی‌های رفتار کودک با روش‌های خلاق ـ مقایسه نظریه‌های یادگیری کودکان ـ طبقه‌بندی هوش کودکان با استفاده از ویژگی‌ها برای آموزش	۳
			در حد انتظار	ـ به‌کارگیری اهداف روان‌شناسی کودک در آموزش کودک ـ تحلیل رفتار کودک ـ طبقه‌بندی هوش کودکان با استفاده از ویژگی‌ها برای آموزش	۲
	تحلیل رفتار کودک		پایین‌تر از انتظار	توانایی انجام دادن یکی از شایستگی‌ها	۱
نمرهٔ مستمر از ۵					
نمرهٔ شایستگی پودمان از ۳					
نمرهٔ پودمان از ۲۰					

پودمان ۲

کاربرد بهداشت روانی در پیش از دبستان



سالم و شاد زیستن حق طبیعی کودک و یک هدیه الهی است.

هدف توانمندسازی ۱ـ۲: بهداشت روانی را تحلیل کند.

بهداشت روانی

گفت‌وگو کنید

فعالیت ۱: وقتی شما دچار دندان درد می‌شوید به دندان پزشک مراجعه می‌کنید. حال تصور کنید در اثر موقعیتی که برای شما اتفاق افتاده است، مضطرب شده‌اید. برای درمان آن، چه اقداماتی انجام می‌دهید؟ در گروه‌های کلاسی در این مورد گفت‌وگو کنید.

تأمین بهداشت روانی به سادگیِ بهداشت جسمانی نیست، زیرا عواملی که بیماری‌های جسمانی را ایجاد می‌کنند تقریباً شناخته شده‌اند. به ویژه راه‌های پیشگیری و درمان بیماری‌های عفونی و تب‌زا، برای پزشکان کار ساده‌ای است. ولی در مورد بیماری‌های روانی هنوز وضع به این روشنی نیست زیرا در ایجاد و بروز بیماری‌های روانی عوامل متعددی دخالت دارند. حتی در مورد برخی از بیماری‌های روانی زمینهٔ ابتلای به آنها قبل از تولد، یا در دوران اولیهٔ زندگی بعد از تولد ایجاد می‌شود. همچنین فضا و جوّ روانیِ حاکم در خانواده و نحوهٔ برخورد والدین با فرزندان در این خصوص، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

تعریف بهداشت روانی: از نظر سازمان جهانی بهداشت[1]، بهداشت روانی عبارت است از «قابلیت ارتباط موزون و هماهنگ با دیگران، تغییر اصلاح محیط فردی و اجتماعی، حل تضادها و تمایلات شخصی به‌طور منطقی، عادلانه و مناسب» (شکل ۱).



شکل ۱ـ بهداشت روانی

اهداف بهداشت روانی

هدف اصلی بهداشت روانی، دستیابی به سلامت روان است. بهداشت روانی از طریق پیشگیری[2] امکان‌پذیر است، با این توضیح که در درجهٔ اول به پیشگیری از وقوع مشکلات رفتاری و وقوع بیماری می‌پردازد و در

۱ـ WHO

۲ـ برای کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه به کتاب مراقبت از سلامت کودک پایه دهم مراجعه شود.

درجه دوم به تشخیص به موقع مشکلات رفتاری و بیماری‌های روانی، اقدام فوری برای درمان آنها و در نهایت به یاری فرد می‌پردازد تا از توانمندی‌های باقی‌ماندهٔ وی استفادهٔ حداکثر حاصل شود.
بهداشت روانی برای دستیابی به هدف اصلی خود، در سه حوزهٔ آموزشی، درمانی و پژوهشی، فعالیت می‌کند. (نمودار ۱)



نمودار ۱ــ حوزه‌های فعالیت بهداشت روانی

حوزه آموزشی: در این حوزه، بهداشت روانی از طریق آموزش‌های رسمی و غیررسمی، افراد را به‌طور عمومی و فردی، هدایت می‌کند و راه‌های پیشگیری از اختلالات را به آنها آموزش می‌دهد. بهداشت روانی را می‌توان به‌صورت انفرادی نیز آموزش داد. از طریق کتاب‌های درسی برای دانش‌آموزان و دانشجویان و تمامی کسانی که به نحوی در اجتماعات آموزشی شرکت می‌کنند نیز می‌توان، رهنمودهای مهم را در جهت پیشگیری مطرح کرد. نقش رسانه‌های گروهی نیز در ارتقای علم و آگاهی مردم در زمینهٔ بهداشت روانی مهم است. برنامه‌های آموزشی مرتبط با بهداشت روانی، که از طریق روزنامه‌ها، مجلات، رادیو و تلویزیون در اختیار مردم قرار می‌گیرد، از جملهٔ این فعالیت‌هاست.
حوزهٔ پژوهشی: بهداشت روانی از طریق به کارگیری نیروهای متخصص پژوهشگر، چه در زمینهٔ علت‌یابی مشکلات روانی و رفتاری و چه در زمینه تشخیص اختلالات و همچنین درمان آنها به پژوهش و تحقیق می‌پردازد.
پژوهش‌هایی که در زمینهٔ سبب‌شناسی انجام می‌پذیرد می‌تواند راه‌های پیشگیری را برای محققان روشن سازد. مثلاً اگر در یک امر پژوهشی، یافته‌های تحقیق نشان دادند که سخت‌گیری‌های افراطی والدین باعث وارد آمدن فشار بر کودکان می‌شود و آنها را به طرف اختلالات عادتی سوق می‌دهد، این روش تربیت از طرف متخصصان روشی نامناسب اعلام خواهد شد.
همین‌طور یافتن راه‌حل‌های مناسب برای از بین بردن پاره‌ای از مشکلات کودکان، که از طریق کارهای پژوهشی انجام گرفته باشد، می‌تواند والدین و به‌طور کلّی تمامی افرادی را که با کودکان سروکار دارند، راهنمایی کند.
حوزهٔ درمانی: هدف از درمان، بهبود اختلال و بیماری است. درمان نه تنها به رفع علامت‌های بیماری می‌پردازد بلکه به بیمار کمک می‌کند تا به زندگی، خانواده و کار خود برگردد و از تبعات بیماری‌ای که ممکن است برای او و خانواده اش به وجود آید و لطمات فردی و اجتماعی در پی داشته باشد، جلوگیری کند. در درمان بیماری‌های روانی باید هم به مسائل جسمانی و هم به مسائل روانی بیمار توجه شود تا بتوان تأثیر منفی آنها را به حداقل رساند یا به‌طور کلّی از بین برد.

جست‌وجو کنید

فعالیت ۲: در گروه‌های کلاسی در مورد یکی از حوزه‌های فعالیت بهداشت روانی جست‌وجو کنید و نتیجه را در کلاس گزارش دهید.

هدف توانمندسازی ۲ـ۲: اصول بهداشت روانی را بررسی کند.

اصول بهداشت روانی

گفت‌وگو کنید

فعالیت ۳: برای رسیدن به سلامت روان، چه رفتارهایی باید انجام شود؟ در گروه‌های کلاسی در این مورد گفت‌وگو کنید و نتیجه را در کلاس ارائه دهید.

همان‌طور که گفته شد، هدف اصلی بهداشت روانی، دستیابی به سلامت روان است. برای رسیدن به این هدف رعایت اصول زیر، که در نمودار ۲ آمده است، حائز اهمیّت است.



نمودار ۲ـ اصول بهداشت روانی

۱ **احترام فرد به شخصیت خود و دیگران:** یکی از اصول بهداشت روانی، این است که افراد خود را دوست داشته باشند و به شخصیت خود احترام بگذارند. برعکس اگر افرادی از خود متنفرند و برای خود ارزشی قائل نیستند، نشان غیرعادی بودن آنهاست. انسان سالم باید خود را چنان‌که هست دوست داشته باشد و بپذیرد و البته درصدد رشد خود نیز برآید. تنها در صورتی که فرد خود را دوست داشته باشد و به خود احترام بگذارد، قادر خواهد بود که دیگران را نیز دوست بدارد و به آنها احترام بگذارد. افرادی که مرتب دیگران را تحقیر می‌کنند و آنان را دوست ندارند، در واقع خود را دوست ندارند (شکل ۲).



شکل ۲ـ احترام به خود و دیگران

۲ **شناخت محدودیت و توانایی‌ها در خود و افراد دیگر:** هر فرد سالم باید محدودیت‌های جسمی و روانی خود و دیگران را بشناسد و بپذیرد. او ضمن اینکه توانایی‌های خود را می‌شناسد و از آنها بهره می‌گیرد، سعی می‌کند تا محدودیت‌های خود را، خالی از هرگونه تعصبی بشناسد و درصدد رفع آنها در حد امکان برآید. مثلاً اگر شخصی اعتماد به نفس کمتری دارد، می‌تواند با کشف استعدادها و توانمندی‌های خود آنها را رشد دهد و درصدد کسب موفقیّت برآید.

البته فردی که دارای محدودیت‌های جسمانی است باید واقعیت وجود خود را قبول کند و زندگی عادی خود را ادامه دهد. همهٔ افراد دارای محدودیت‌هایی هستند که با شناخت هرچه بهتر آنها می‌توانند در جهت رفع، کاهش، جبران یا پذیرش آنها اقدام نمایند.

۳ **پی بردن به علل رفتار:** هر رفتاری تابع علتی است و هیچ رفتاری خودبه‌خود و بی‌علت صورت نمی‌پذیرد. مثلاً فردی که دچار ترس‌های بی‌مورد است، اگرچه علت آن از نظر خود فرد پنهان است ولی می‌تواند عللی همچون یادگیری، تجربیاتِ ترسناک در گذشته یا تقلید داشته باشد. یا فردی که رفتار پرخاشگرانه دارد، این رفتار می‌تواند عللی همچون ناکامی، یادگیری، تقلید یا نبودن تعادل هورمونی در بدن داشته باشد.

۴ **توجه به تمامیت وجود هر فرد:** رفتار هر فرد تابع وضعیت جسمانی و روانی اوست. مسائل جسمی بر روان انسان و مسائل روانی بر جسم او تأثیر می‌گذارد. مثلاً زمانی که انسان دچار درد جسمانی می‌شود، نمی‌تواند بشّاش و با نشاط باشد و همچنین زمانی که دچار خستگی روانی می‌شود نمی‌تواند اعمال جسمانی را به خوبی اجرا کند. متخصصان و مربیان نباید تنها یک بعد وجودی کودکان را مورد توجه قرار دهند بلکه توجه هم‌زمان به جنبه‌های جسمانی، عاطفی، عقلانی، روانی و اجتماعیِ آنها ضروری است.

۵ **شناسایی نیازها و انگیزه‌های مسبب رفتار انسان:** بهداشت روانی بر این اصل استوار است که نیازهای هر فرد در هر مقطع سنّی باید شناخته شود و به موقع ارضا گردد. نیازهای افراد بشر به دو دستهٔ نیازهای جسمانی و نیازهای روانی تقسیم می‌شود. نیازهای جسمانی شامل احتیاج به غذا، آب و استراحت است. نیازهای روانی مانند نیاز به امنیّت روانی، نیاز به پیشرفت، نیاز به محبت، نیاز به مورد تأیید قرار گرفتن و... انسان دائماً تحت تأثیر این نیازهاست و رفتارش بر اساس ارضای نیازهایش یا محرومیت از آنها تبیین می‌گردد (شکل ۳).



شکل ۳ــ شناسایی نیازهای کودک

تمرین کنید

فعالیت ۴: رفتارهای یک روز خود را یادداشت کنید. سپس با استفاده از اصول بهداشت روانی، جدول زیر را کامل نمایید.

اصول بهداشت روانی	رفتارهای من
احترام فرد به شخصیت خود و دیگران	
شناخت محدودیت و توانایی‌ها در خود و افراد دیگر	
پی بردن به علل رفتار	
توجه به تمامیت وجود هر فرد	
شناسایی نیازها و انگیزه‌های مسبب رفتار انسان	

هدف توانمندسازی ۳ـ۲: ملاک‌های رفتار غیرعادی کودکان را بررسی کند.

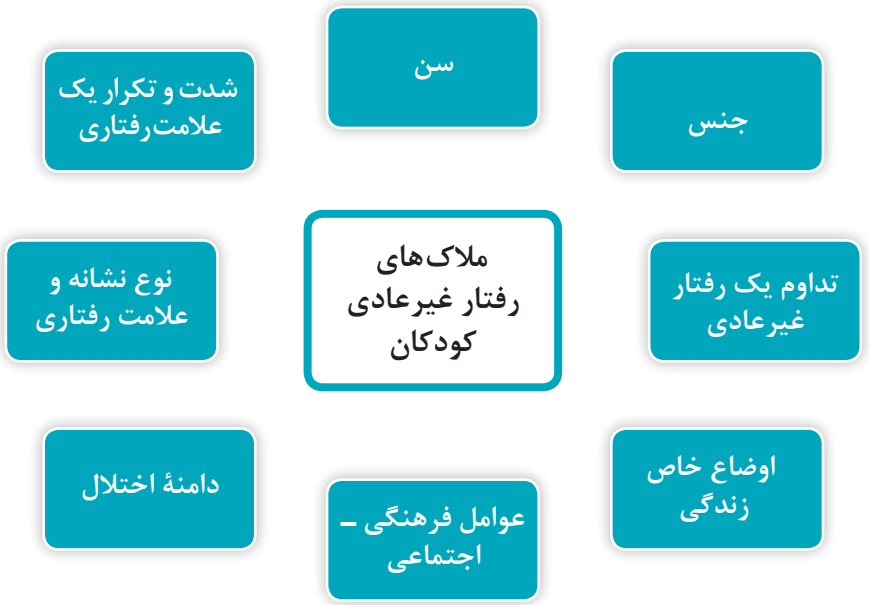
ملاک‌های رفتار غیرعادی در کودکان طبیعی

گفت‌وگو کنید

فعالیت ۵: در گروه‌های کلاسی در مورد سؤالات زیر گفت‌وگو کنید و نتیجه را در کلاس ارائه دهید:
الف) در چه شرایطی رفتار کودک، غیرعادی محسوب می‌شود؟
ب) رفتار غیرعادی چه ویژگی‌هایی دارد؟

«غیرعادی بودن» (نابهنجار بودن) کودک ممکن است در فعالیت‌های ذهنی، عقلانی، عاطفی، اجتماعی، ادراکی، انگیزشی، حسی و حرکتی، تفاوت‌هایی را در مقایسه با کودکان عادی (بهنجار) نشان دهد.
از آنجا که کودکان در حال رشدند رفتار غیرعادی آنها، انحراف از رشد طبیعی محسوب می‌گردد. برای قضاوت دربارهٔ اینکه رفتار یک کودک منطبق با شرایط و وضعیت رشدی اوست یا خیر، ملاک‌هایی را باید درنظر داشت. در نمودار ۳ برخی از این ملاک‌ها نشان داده شده است:

۱ **سن:** رفتار هرکودک با توجّه به سن او تبیین می‌شود. بعضی از رفتارهای کودک برای سن خودش طبیعی است در حالی که اگر این رفتار را با رفتار کودکان بزرگ‌تر مقایسه کنیم، ممکن است غیرطبیعی تلقی شود. بسیاری از کودکان تا پنج سالگی گهگاه ممکن است رفتارهایی مانند بهانه‌جویی از خود نشان دهند که طبیعی جلوه نماید. ولی بعد از پنج سالگی آن رفتارها از بین می‌رود و فقط در صورتی که ادامه پیدا کند و پایدار باقی‌بماند، غیرطبیعی محسوب می‌گردد.



نمودار ۳ـ ملاک‌های رفتار غیرعادی در کودکان

۲ **جنس:** در دوران کودکی، به خصوص در دوران اولیهٔ کودکی، ممکن است بعضی از دختران رفتارهای پسرانه و بعضی از پسران رفتارهای دخترانه از خود بروز دهند که این رفتارها پایدار نیست. بسیار نادر است مواردی که یک پسر تمام خصوصیات دخترانه یا یک دختر تمام خصوصیات پسرانه را از خود نشان دهد. این مسائل زمانی مهم تلقی می‌شود که اولاً تکرار گردد، ثانیاً با ملاک‌های دیگر رفتارهای غیرعادی کودکان همراه شود.

۳ **تداوم یک رفتار غیرعادی:** اگر یک رفتار غیرعادی برای ماه‌ها و سال‌ها در کودک ادامه یابد، لازم است به آن اهمیت داده شود، مانند کودکی که علامت‌های ترس و پرخاشگری را از خود کمتر ظاهر می‌سازد. در غیر این صورت، یعنی زمانی که یک رفتار برای مدت بسیار کوتاهی ظاهر شود و سپس از بین برود غیرعادی محسوب نمی‌گردد.

۴ **اوضاع خاص زندگی:** تغییرات و نوسانات عاطفی و رفتاری موقّت، در بین کودکان کاملاً عادی و شایع است. بسیاری از کودکان در وضعیت خاص زندگی خود رفتارهای غیرعادی یا غیرمناسب با وضعیت رشد خود نشان می‌دهند، که بعد از مدتی برطرف می‌گردد. چنانچه این رفتارها را با شرایط زندگی فرد بسنجیم خیلی غیرطبیعی به نظر نمی‌رسند. مثلاً اغلب کودکان در شروع مدرسه کمی اضطراب دارند. این اضطراب غیرطبیعی نیست. یا اینکه بسیاری از کودکان پس از به دنیا آمدن خواهر یا برادر کوچک‌ترشان، رفتارهای بازگشتی[۱] از خود بروز می‌دهند. این نوع رفتارها، نابهنجار تلقی نمی‌گردد.

۵ **مجموعه عوامل فرهنگی اجتماعی:** رفتار کودک به‌طور مطلق عادی یا غیرعادی نیست، بلکه این رفتار براساس معیارهای فرهنگی، اجتماعی و محیطی‌ای که در آن زندگی می‌کند، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. از آنجا که ملاک‌ها و ارزش‌های اجتماعی تعیین‌کنندهٔ رفتار طبیعی و غیرطبیعی نیز هستند و با توجه به اینکه

۱ـ منظور از رفتارهای بازگشتی رفتارهایی است که مناسب سن فعلی‌شان نیست بلکه متعلق به سنین پایین‌تر است، مانند تمایل به شیرخوردن در شیشه برای کودک پنج ساله.

ارزش‌های اجتماعی در جوامع مختلف ممکن است متفاوت باشند (مانند نحوهٔ پوشش و آداب غذا خوردن)، رفتارهایی در یک جامعه و فرهنگ، طبیعی و در جامعه و فرهنگ دیگر، غیرطبیعی تلقی می‌شوند.

۶ **دامنهٔ اختلال:** همیشه مجموعهٔ علائم و نشانه‌های غیرعادی، در مقایسه با علامت و نشانه واحد، اهمّیت بیشتری دارد. در بین کودکان، علامت واحد از مجموعه چند علامت شایع‌تر است. معمولاً رفتارهای نابهنجار یا بیماری‌های روانیِ دارای چند علامت، دامنه وسیع‌تری را در برمی‌گیرد. مثلاً کم‌اشتهایی یا کم‌خوابی به تنهایی نمی‌تواند معرّف یک اختلال روانی باشد، مگر اینکه با علامت‌های دیگر نیز همراه شود.

۷ **نوع نشانه یا علامت رفتاری:** ماهیت و نوع علامت و نشانه، تا اندازه‌ای تعیین‌کنندهٔ آن است. تحقیقات نشان داده است بعضی از نشانه‌های دیده شده در بین کودکان، علامتِ نوعی اختلال روانشناختی در کودک است. در حالی که بعضی از رفتارهای دیگر چنین وخامتی ندارند. مثلاً ناخن جویدن در کودکان یک عادت غلط است که در هنگام هیجان شکل می‌گیرد و وخامت کمتری دارد ولی ارتباط نداشتن با هم‌سالان و یا داشتن ارتباط آشفته و مختل با دیگران یا داشتن توهم و هذیان، حاکی از یک اختلال روانی عمیق است.

۸ **شدت و تکرار یک علامت رفتاری:** یک رفتار غیرعادی هر چه بیشتر تکرار شود و هرچه شدیدتر باشد، حاکی از عمق بیشتر آن رفتار نابهنجار است. رفتارهایی که کمتر بروز می‌کنند، با وجود اینکه اهمیت دارند، ولی وخامت‌شان کمتر است.

نکته

رفتارهای نابهنجار، غیرعادی و بیمارگونه، ضمن ایجاد محدودیّت‌های اجتماعی، در رشد عادی کودک نیز مداخله می‌کند. همچنین در ارتباط متقابل کودک با دیگران تأثیر می‌گذارد. در عین حال، کودک از حالات خود نیز رنج می‌برد (شکل ۴).



شکل ۴ــ کودک با رفتارهای غیرعادی

تمرین کنید

فعالیت ۶: ضمن بررسی رفتارهای کودکانه زیر، مشخص کنید هر رفتار با کدام ملاک، غیرعادی محسوب می‌شود؟

رفتار کودک	نوع ملاک
دختر پنج ساله‌ای که لباس پسرانه می‌پوشد.	
کودک سه ساله‌ای که بی‌اشتها و کم‌خواب است	
کودک چهار ساله‌ای که مرتب بهانه می‌گیرد.	
کودکی که در مهدکودک، کودکان دیگر را کتک می‌زند (پدر و مادر این کودک نیز از هم جدا شده‌اند.)	
کودکی که با خانواده‌اش به تازگی به شهر جدیدی منتقل شده است و در استفاده از مهارت‌های اجتماعی مشکل دارد.	

گزارش تهیه کنید

فعالیت ۷: رفتارهای یک هفته خود را در موقعیت‌های مختلف یادداشت و آنها را با توجه به اصول بهداشت روانی طبقه‌بندی کنید و گزارش دهید.

هدف توانمندسازی ۴ـ۲: عملکرد بهداشت روانی را تحلیل کند.

عملکرد بهداشت روانی

عملکرد بهداشت روانی در سه زمینهٔ «پیشگیری»، «درمان» و «توان‌بخشی» صورت می‌گیرد.

الف) پیشگیری

پیشگیری در سه سطح صورت می‌گیرد:

۱ **پیشگیری سطح اوّل:** هدف، پرداختن به کلّیهٔ اقداماتی است که از بروز مشکلات روانی و رفتاری جلوگیری به عمل می‌آورد. مانند یکسانی رفتار مربی با کودکان برای پیشگیری از بروز احساسات منفی که منجر به رفتارهای مشکل‌دار در کودکان خواهد شد.

۲ **پیشگیری سطح دوم:** هدف این است که در صورت بروز اختلال یا مشکل، این اختلال فوراً مشخّص و شناخته شود تا با اقدامات لازم، این مشکلات وخیم‌تر نشود و شدت پیدا نکند. مانند کودکی که از انجام فعالیت‌های گروهی خودداری می‌کند و مربی برای تشویق او به فعالیت‌های گروهی از او به‌عنوان دستیار مربی استفاده می‌کند.

۳ **پیشگیری سطح سوم نهایی:** هدف این است که اقداماتی به عمل آید تا در ضمن آن، نه تنها اختلال بازگشت نداشته باشد، بلکه تمامی کمک‌ها به فرد داده شود تا او بتواند از توانایی‌های باقی‌مانده‌اش حداکثر استفاده را ببرد. مانند بارز کردن سایر توانایی‌های کودک برای افزایش اعتماد به نفس و شرکت در فعالیت‌های گروهی در مثال قبل.

ب) درمان

بیماری‌ها و مشکلات روانی نیز، همچون بیماری‌های جسمانی دارای، انواع مختلفی است و هر بیماری درمان خاصی دارد که براساس نوع آن و تحت ضوابط خاصی اجرا می‌گردد. انواع درمان بیماری‌های روانی شامل دارو درمانی، روان‌درمانی و محیط درمانی است:

۱ **دارو درمانی:** استفاده از دارو برای بیماری‌ها و مشکلاتی مانند افسردگی شدید، که شدت و وخامت بیشتری دارند، در این روش انجام می‌شود.

۲ **روان درمانی:** در این روش با آموزش شیوهٔ جدید زندگی کردن، بیماری‌ها و مشکلات روانی بهبود می‌یابد. برخی از این روش‌ها عبارت‌اند از :

- **رفتار درمانی:** با ارائه توصیه‌های مستقیم، به بیمار می‌آموزند که چگونه عادات غلط بیمارگونهٔ خود را کنار بگذارد و عادات جدید را جانشین آنها کند.
- **روان‌کاوی:** در این روش درمانی، با پی بردن به ضمیر ناخودآگاه فرد و باز گرداندن او به دوران کودکی‌اش به علت بیماری وی پی می‌برند.
- **شناخت درمانی:** براساس این روش، باید طرز تفکر جدیدی را به افراد بیمار آموخت، چنانچه این بیماران بیاموزند که چگونه تفکر نمایند (تفکر منطقی ـ مثبت)، دچار افسردگی نمی‌شوند.
- **بازی درمانی:** گاهی‌اوقات، بعضی از کودکان مسئله‌دار نمی‌توانند به راحتی احساسات و عقاید خود را بیان کنند. در این روش به کودک فرصت داده می‌شود که اولاً به‌صورت آزاد بازی کند. ثانیاً، ضمن بازی، تضادهای عاطفی خود را به راحتی بروز دهد. کودکان ضمن بازی ممکن است صحبت کنند و احساسات و عقاید خود را ابراز نمایند و یا عکس‌العمل‌های رفتاری خود را دربارهٔ اسباب‌بازی‌ها نشان دهند (شکل ۵).



شکل۵ـ بازی درمانی

■ **گروه درمانی:** برخی از کودکان مسائلی دارند که در جمع بهتر حل می‌شود. بعضی از رفتارهای نابهنجار کودکان، که در بین کودکان ابراز می‌شود و از طرف گروه مورد تأیید قرار نمی‌گیرد، در جمع اصلاح می‌شود.

۳ **محیط درمانی:** با تغییر محیط زندگیِ فرد بیمار، به درمان او می‌پردازند.

گزارش تهیه کنید

فعالیت ۸: ضمن بازدید از یک مرکز پیش از دبستان، در مورد برنامه‌های پیشگیری و توان‌بخشی بهداشت روانی کودکان گزارشی تهیه کنید.

هدف توانمندسازی ۵ـ۲: نقش دین در پیشگیری از بیماری‌های روانی را تحلیل کند.

نقش دین در پیشگیری از بیماری‌های روانی



شکل ۶ـ دین درمانی

گفت‌وگو کنید

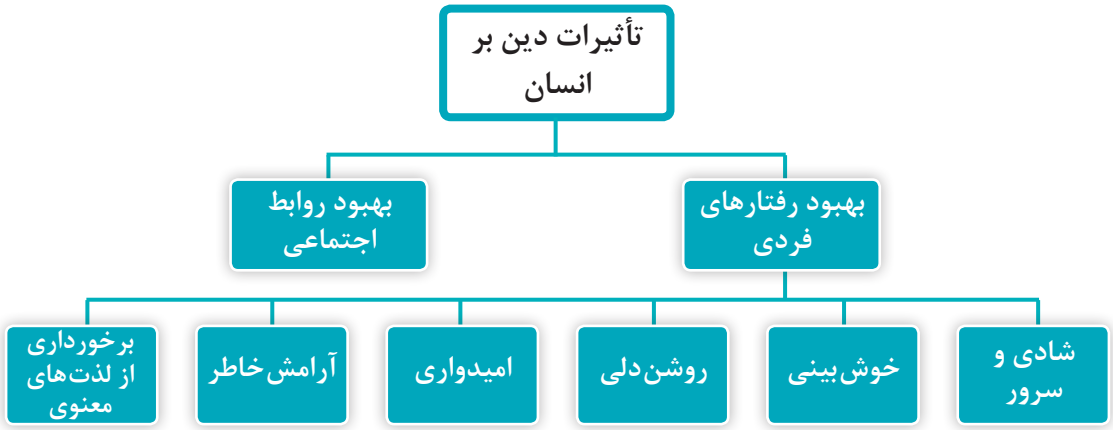
فعالیت ۹: در گروه‌های کلاسی راجع به تجربه‌های خود در حل مشکلات از طریق بهره‌گیری از آیات قرآن و ادعیه، و شرکت در مراسم مذهبی گفت‌وگو کنید.

دین قدیمی‌ترین وسیلهٔ دفاع و حمایت بشر در تمام ابعاد زندگی محسوب می‌شود و اهمیت آن در بهداشت روانی و تعلیم و تربیت ثابت شده است. بسیاری از علما و فلاسفه اعتقاد دارند تنها چیزی که می‌تواند خواهش‌های نفسانی را تعدیل و مهار کند، قدرت و نیروی ایمان و معتقدات دینی است. همچنین افراد متدین از مشکلات و حوادثِ پیش‌رو نمی‌هراسند و با اراده‌ای قوی و شجاعت زیاد صبر و شکیبایی و تحمل را پیشه

می‌کنند و عالمانه و مؤمنانه به حل مشکل می‌پردازند. افراد در دوران نوجوانی دارای تمایلات دینی هستند و با این گرایش به تخفیف تضادها و ناراحتی‌های درونیِ خود می‌پردازند.
حضرت علی ﷺ فرموده‌اند: «شخص با ایمان همچون کوه استوار است و تندباد حوادث او را تکان نخواهد داد».
هرچه ایمان افراد قوی‌تر و محکم‌تر باشد در مقابل بیماری‌های روانی مصون‌تر هستند.

تأثیرات دین بر انسان

نمودار زیر انواع تأثیرات دین بر انسان را نشان می‌دهد:



نمودار ۴ــ تأثیرات دین بر انسان

۱ــ بهبود رفتارهای فردی: دین می‌تواند از نظر فردی تأثیرات زیر را در انسان ایجاد کند:

- **شادی و سرور:** یکی از تأثیرات دین ایجاد شادی و سرور بر انسان است. بررسی‌های علمی نشان می‌دهد که شادی در سلامت جسمی و روانی انسان نقش مؤثری دارد.
- **خوش‌بینی:** انسانِ خوش بین نسبت به محیط پیرامون خود نگرش مثبت دارد و این نگاه مثبت به زندگی، موفقیت فرد را افزایش می‌دهد.
- **روشن‌دلی:** جهان در نظر فرد با ایمان پوچ و تاریک نیست بلکه ایمان، فضای روح او را روشنایی می‌بخشد، به‌طوری که در سایه نور حق و حقیقت زندگی خواهد کرد و دچار مشکل روانی نخواهد شد.
- **امیدواری:** فرد با ایمان معتقد است که تلاش نیکو و پسندیدهٔ او بی‌نتیجه نخواهد ماند و نتیجهٔ خوب در اثر تلاش خوب به دست می‌آید و خداوند افراد شایسته و ناشایست را یکسان نمی‌نگرد. از این‌رو، با امیدواری و اطمینان به تلاش و حرکت می‌پردازد. اصولاً داشتن حس امیدواری، روحیهٔ استقامت، بردباری و مقاومت را در انسان تقویت می‌نماید.
- **آرامش خاطر:** انسان فطرتاً در جست‌وجوی آرامش است. این آرامش درونی زمانی به وجود می‌آید که انسان در درونش دچار تضاد نباشد و به عبارت دیگر، تکلیفش با خود روشن باشد. یکی از ویژگی‌های فرد مؤمن این است که از آرامش‌خاطر برخوردار است و شک و تردید و اضطراب را از خود دور می‌سازد. افراد

باایمان با خویشتن‌داری و رعایت حد و مرزهای شرعی، بین ابعاد گوناگون شخصیت خود وحدت ایجاد می‌کنند و به آرامش خاطری که لازمهٔ تأمین بهداشت روانی است نائل می‌آیند.

■ **برخورداری از لذت‌های معنوی:** ایمان دینی افراد را از لذت‌های معنوی، که به مراتب قوی‌تر و دیرپای‌تر از لذت‌های مادی است برخوردار می‌سازد. مثلاً برای فرد با ایمان هیچ لذتی بالاتر از عبادت و پرستش خداوند نیست. همچنین پرداختن به کارهای خیریه و خداپسندانه که جنبهٔ عبادی دارد، لذت معنوی فرد را مضاعف می‌گرداند. وقتی افراد از خود و عملکردشان رضایت داشته باشند، خودشان را دوست دارند و برای خود ارزش و احترام قائل‌اند. چنین افرادی احساس خود کم‌بینی نمی‌کنند و این خود ظرفیت و مقاومت روانی آنها را ارتقا می‌بخشد.

۲ـ بهبود روابط اجتماعی: انسان، طبیعتاً اجتماعی خلق شده است و ارتباط برقرار نمودن با دیگران جزو نیازهای او محسوب می‌شود. غرایز اجتماعی انسان، به گفتهٔ استاد مرتضی مطهری، به‌صورت یک سلسله «تقاضا» در باطن انسان وجود دارد که تعلیم و تربیت در رشد و شکوفایی و پرورش آنها نقش بسزایی دارد (شکل ۷).



شکل ۷ ـ اثر دین در بهبود روابط

گزارش تهیه کنید

فعالیت ۱۰: در گفت‌وگو با افراد مذهبی در مورد تأثیرات دین بر انسان، گزارشی تهیه کنید و آن را در کلاس ارائه دهید.

دین درمانی[1]

امروزه بسیاری از متخصصان دریافته‌اند که دین در پیشگیری از مشکلات روانی و درمان بیماری‌های روانی مؤثر است. در جهان اسلام، به‌ویژه در کشور ایران اسلامی، در پرتو دستورات مذهبی و با استمداد از قرآن کریم، روش‌های مناسبی برای تسکین و درمان مشکلات روانی معرفی شده است که برخی از آنها عبارت‌اند از:

۱ **درمان از طریق ذکر و یاد خدا:** یکی از بهترین روش‌های درمان، ذکر و یاد خداست. زیرا ذکر، قلب‌ها را جلا می‌دهد و ترس و نگرانی را می‌زداید و احساس امنیت درونی را در فرد به وجود می‌آورد. به عبارت دیگر، ذکر خداوند ترس را به امنیت، دشمنی را به محبت و اضطراب را به آرامش تبدیل می‌نماید.

۱ـ دین درمانی، شاخه‌ای از روان درمانی است.

فردی که با ذکر و یاد خدا زندگی خود را می‌گذراند، در تمامی اعمالش خدا را ناظر می‌بیند و برای رضایت او به کارهای خیرخواهانه و عام‌المنفعه می‌پردازد، در نتیجه بُعد معنوی او تقویت می‌گردد. برای مثال، فرد افسرده که یأس و ناامیدی سراپای وجودش را فراگرفته است، تصور می‌کند هیچکس او را درک نمی‌کند اما همین فرد، آن‌گاه که به خدا روی آورد احساس آرامش می‌کند و همواره خداوند را با خود همراه می‌داند و دیگر تنها نخواهد بود. خداوند متعال در قرآن‌کریم فرموده است: «پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم».[1] یا رسول گرامی اسلام ﷺ فرموده است: «ذکر و یاد خدا شفابخش دل‌هاست».[2]

۲ خواندن قرآن و دعا: خداوند می‌فرماید: «و نازل می‌نماییم در قرآن آنچه شفای دل و موجب رحمت الهی برای مؤمنین است و به ستمکاران جز زیان نمی‌افزاید».[3] بنابراین، چنانچه نفس انسان اسیر هوی و هوس‌های مادی گردد دچار بیماری‌ای می‌شود که درمانش از طریق قرآن امکان‌پذیر است.

قرآن‌کریم به سبب شفا بودنش، روان آدمی را از مرض‌ها و انحرافات پاک می‌کند و فضایل را در صفحهٔ دل وی جایگزین می‌نماید و به سبب رحمت بودنش، صحت و استقامت را به او باز می‌گرداند. پس قرآن برای انسان هم شفا و هم رحمت محسوب می‌گردد.

جست‌وجو کنید

فعالیت ۱۱: با جست‌وجو در منابع معتبر علمی دینی، بروشوری با عنوان تأثیرات خواندن قرآن بر انسان و شرایط اجابت دعا تهیه کنید.

۳ توبه کردن: در بعضی از بیماری‌های روانی دیده می‌شود که بیمار نسبت به اعمال گذشتهٔ خود احساس گناه می‌کند و خود را خطاکار می‌داند. گاهی نیز در درون خود احساس می‌کند که مستوجب مجازات و تنبیه است. مثلاً فرد افسرده مرتباً به گذشتهٔ خود می‌نگرد و در تفسیر وقایع گذشته، خود را مقصر می‌داند. همچنین فرد وسواسی به‌طور ناخودآگاه خود را آلوده و گناهکار احساس می‌نماید و با انجام کارهای وسواسی و تکراری به نوعی خود را مبرّا می‌سازد. گروه دیگری از بیماران هستند که اعمالی خلاف شرع و عرف مرتکب شده‌اند و از کردهٔ خود پشیمان‌اند و به اضطراب و نگرانی شدید دچار شده‌اند.

در چنین مواردی فرد باید با توسل به توبه و بازگشت به خداوند، احساس تطهیر روانی کند و خود را از شرّ اضطراب، نگرانی و گناه برهاند. خداوند در قرآن‌کریم می‌فرماید «جز این نیست که توبه و بازگشت به سوی خدا، شامل کسانی است که در عین ناآگاهی و نادانی و غفلت، گرفتار اعمال بد و نامطلوب می‌شوند»[4]. توبه به معنی ندامت و پشیمانی است و فرد گناهکار به وسیلهٔ توبه به سوی خداوند بازمی‌گردد، از خطا و گناه دور می‌شود و بر هوای نفسانی خود چیره می‌شود. در این صورت با ظرفیت روانی بالاتر و عزمی راسخ‌تر در جهت خودسازی گام‌های مؤثر برمی‌دارد و خود را درمان می‌کند.

۴ درمان از طریق اضداد: در این روش، درمانگران از بیمار می‌خواهند که خود را از لذات و بهره‌های مخرب دنیوی رها سازد و از جرم‌ها و گناهان خود توبه کند و هیچ ترسی را جز ترس از خداوند به خود راه ندهد و

۱ـ فَاذْکُرُونی اَذکُرْکُم، سورهٔ بقره، آیهٔ ۱۴۸

۲ـ ذِکرِ اللهُ شفاءُ القُلوب

۳ـ و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین و لا یزیدالظالمین الاخسارا، سورهٔ بنی‌اسرائیل، آیهٔ ۲

۴ـ انما التوبة علی الله للذین یعملون السوء بجهالة ثم یتوبون من قریب فاولئک یتوب الله علیهم و کان الله علیما حکیما، سورهٔ نساء، آیهٔ ۲۲

با الهام از قرآن‌کریم و روش‌هایی که ائمهٔ اطهار علیهم‌السلام فرموده‌اند، در ایجاد محیط مطلوب، گرم و صمیمی، که تمامی‌نیازهای فرد برطرف گردد، سعی کند. بیماران، علاوه بر مصرف داروهای اعصاب، لازم است با توکّل به خداوند متعال و با اعتماد و اطمینان به درمانگر خویش، به درمان خود بپردازند.

نکته

به کمک دارودرمانی، روان درمانی و محیط درمانی می‌توان به بیماران روانی کمک نمود و روش بهتر و تطبیق یافته‌تری را در زندگی به آنها آموخت. موارد زیر، از شرایطی است که باعث تسهیل درمان بیماری‌های روانی می‌گردد:

۱ مدت زیادی از شروع بیماری نگذشته باشد.
۲ شخصیت بیمار، قبل از ابتلا نسبتاً سالم و ثابت بوده باشد.
۳ انگیزهٔ قوی برای بهبود داشته باشد.
۴ فعالیت و کوشش فرد برای برطرف نمودن بیماری زیاد باشد.
۵ عوامل بیرونی بیشتر از عوامل درونی در ایجاد بیماری تأثیر داشته باشند.

گفت‌وگو کنید

فعالیت ۱۲: با توجه به اینکه نماز بهترین مصداق یاد خداست و یاد خدا نیز موجب آرامش دل‌هاست. آیا این آرامش در هنگام نماز برای شما محقق می‌شود؟ تجارب خود را با هم‌کلاسی‌ها بیان و به اشتراک بگذارید.

ج) توان‌بخشی

هدف توان بخشی توانا ساختن فردی است که برای رسیدن به یک سطح ذهنی، جسمی، اجتماعی و کارکردی اختلال یا مشکل دارد. به عبارت دیگر، ضمن اقدام در از بین بردن اختلالات روانی، رفتاری و شخصیتی، توانمندی‌های از دست رفته فرد به وی بازگردانده می‌شود تا بتواند به‌طور مفید و مؤثّر به زندگی فردی، اجتماعی و خانوادگی خود ادامه دهد و به محیط اجتماعی و شغلی خود بازگردد و حالت تطبیق یافته‌تر از قبل، داشته باشد.

مددکاران اجتماعی در توان‌بخشی، نقش مهمی ایفا می‌کنند. به‌طور مثال باید به خانهٔ این بیماران بروند و از نزدیک وضعیّت و امکانات خانوادگی آنها را مشاهده کنند و از کلیهٔ نیازمندی‌های خانواده مطلع شوند. شواهد نشان داده است هرگاه آموزش‌های درست و کمک‌های لازم در اختیار خانواده‌های این افراد قرار گیرد، بیماران سریع‌تر بهبود می‌یابند و سازگاری آنها با جامعه بهتر و بیشتر خواهد شد.

جست‌وجو کنید

فعالیت ۱۳: در گروه‌های کلاسی، راجع‌به عملکرد توان بخشی در سطح جامعه و اقدامات متخصصانی که این خدمت را ارائه می‌دهند، در منابع علمی جست‌وجو کنید و نتیجه را به‌صورت یک نوشته (بروشور) ارائه دهید.

هدف توانمندسازی ۶ـ۲: عوامل مؤثر بر سازگاری کودکان را بررسی کند.

سازگاری

تعریف: سازگاری عبارت است از ایجاد تعادل و هماهنگی در رفتار خود با محیط، به گونه‌ای که ضمن حفظ تعادل روانی، در ارتباط با تغییرات و دگرگونی‌های محیط خویش نیز به تطابقی مفید و سازنده دست یابیم.

نکته

تعادل و هماهنگی با محیط در حالت کلی «تطابق»[۱] نامیده می‌شود.

پیاژه روان‌شناس سوئیسی، سازگاری را شامل دو فرایند می‌داند:

۱ **برون سازی**[۲] یعنی تغییر شرایط محیطی برای ایجاد سازگاری و تعادل روانی.

۲ **درون سازی**[۳] یعنی تغییر اندیشه و رفتار خود برای ایجاد تطابق با شرایط پیش آمده.

برای مثال، دانش‌آموزی که در امتحان نمرهٔ خوبی نگرفته است، با بررسی علت آن، یا باید رفتار خود را تغییر دهد و با برنامه‌ریزی مناسب، افت درسی خود را جبران کند یا با همکاری والدین و با ایجاد آرامش در خانواده، زمینه برای درس خواندن او آماده شود.

انسان‌ها در برابر فشارهای روانی و مشکلات، واکنش‌ها و عکس‌العمل‌های متفاوتی از خود نشان می‌دهند زیرا میزان تاب‌آوری شان یکسان نیست. بعضی مقاومت بالاتر و بعضی مقاومت پایین‌تری دارند. «آستانه تاب‌آوری» و همچنین «زمینهٔ» افراد با یکدیگر تفاوت دارد و عوامل مؤثر در مقاومت افراد نیز از این دو موضوع، یعنی «آستانهٔ تاب‌آوری» و «زمینه» ناشی می‌شود.

درجهٔ شدت تحریک لازم را برای تحریک‌پذیری افراد «آستانهٔ تاب‌آوری» می‌نامند. به مجموعهٔ عوامل ارثی، مادرزادی، محیطی و اجتماعی «زمینه» گفته می‌شود. به همین دلیل است که برخی افراد در مقابل پاره‌ای از مسائل دارای عکس‌العمل شدیدند، در حالی که بعضی دیگر در مقابل همان مسائل، عکس‌العمل حادّی از خود نشان نمی‌دهند. چنانچه فرد زمینهٔ متزلزلی داشته باشد مقاومتش در برابر مشکلات پایین می‌آید و بیش از پیش در معرض ابتلا به اختلالات رفتاری قرار می‌گیرد.

تمرین کنید

فعالیت ۱۴: در گروه‌های کلاسی، نمونه‌ای از سازگاری را، که از دو فرایند درون‌سازی و برون‌سازی حاصل شده است، ارائه دهید.

۱ـ Adaptation

۲ـ Accommodation

۳ـ Assimilation

عوامل مؤثر در سازگاری

گفت‌وگو کنید

فعالیت ۱۵: در گروه‌های کلاسی در مورد یک تجربه خود مانند «جا گذاشتن کلید یا تکالیف درسی خود در منزل» گفت‌وگو کنید و نتیجه را در کلاس ارائه دهید.

در طول زندگی، «سازگاری» تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار می‌گیرد. این عوامل عبارت‌اند از:

۱ ناکامی[۱]

۲ تعارض[۲]

۳ فشار روانی (استرس)[۳]

۱ـ ناکامی: زمانی که انسان به موانعی برخورد کند که رسیدن او را به هدف غیرممکن سازد، دچار حالت «ناکامی» می‌گردد. مثلاً دانش‌آموزی که نتواند در کنکور موفق شود، دچار ناکامی می‌شود. گاهی‌اوقات این موانع «درونی» و در پاره‌ای موارد «بیرونی» است؛ عوامل درونی مانند ترس، اضطراب و... و عوامل بیرونی مانند استرس‌های محیطی، مرگ عزیزان، فقر و... . افراد در مقابل ناکامی واکنش‌های متفاوتی نشان می‌دهند، از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- برخی دچار خشم و پرخاشگری می‌شوند. جهت‌گیری این خشم گاهی به طرف بیرون است و نسبت به افراد نشان داده می‌شود و گاه متوجه درون خود فرد است. در چنین مواردی فرد دچار حالت افسردگی می‌شود.
- بعضی افراد در مقابل ناکامی تسلیم می‌شوند.
- بعضی با موانع مقابله می‌کنند.
- بعضی دیگر موانع را دور می‌زنند.
- بعضی مدتی از مبارزهٔ با موانع کناره می‌گیرند و در موقعیت مناسب، تلاش خود را برای رسیدن به هدف آغاز می‌کنند.
- بعضی هدف خود را تغییر می‌دهند و هدف‌های قابل دسترسی را جایگزین می‌کنند.
- بعضی دیگر کوشش می‌کنند تا راه حلی منطقی برای رفع مشکل خود بیابند و این بهترین روش ممکن برای رفع مانع و ناکامی است.

گزارش تهیه کنید

فعالیت ۱۶: یکی از ناکامی‌هایی را که تجربه کرده‌اید، در نظر بگیرید. عوامل درونی و بیرونی آن را مشخص کنید و گزارش آن را ارائه دهید.

۲ـ تعارض: در این حالت، شخص بین دو هدف یا دو انگیزه یا یک هدف مشترک، به‌طور هم‌زمان و با شدت یکسان، قرار می‌گیرد. در این صورت ناچار باید یکی از آن دو را انتخاب نماید، به‌طوری که انتخاب هر یک، محرومیت از دیگری را در پی دارد.

تعارض انواع مختلفی دارد که شامل : تعارض مثبت ـ منفی (جاذب ـ دافع)، تعارض مثبت ـ مثبت (جاذب ـ جاذب) و تعارض منفی ـ منفی (دافع ـ دافع) است.

۱ـ Failure ۲ـ Conflict

۳ـ Stress

تعارض مثبت ـ منفی: یکی از دو انگیزه بار مثبت و دیگری بار منفی دارد و شخص در حالتی قرار می‌گیرد که رسیدن به یک هدف از یکسو برایش خوشایند و مطلوب است و از طرف دیگر ناخوشایند و نامطلوب. تعارض بین تمایلات درونی و اخلاقیات، غالباً شامل تعارض مثبت و منفی در فرد می‌شود. برای مثال، شخصی دوست دارد کاری را انجام دهد و برایش هم لذّت دارد. در عین حال می‌داند که اقدام به آن بار منفی نیز به همراه خواهد داشت. مثلاً دختری لباسی را بسیار دوست دارد و به خرید آن متمایل است ولی از طرف دیگر نگران وضع اقتصادی خانوادهٔ خویش است و می خواهد از خرید آن لباس اجتناب ورزد. این‌گونه تعارضات اگر بسیار شدّت گیرد خود زمینه‌ای برای ایجاد اختلالات روانی می‌شود.

تعارض مثبت ـ مثبت: گاهی فرد بین دو انگیزه که هر دو مثبت است و برای فرد منفعتی را در پی دارد، مجبور به انتخاب یکی است. از این‌رو دچار تعارض می‌گردد. مثلاً شخصی ممکن است در انتخاب بین دو هدف یکی رفتن به دانشگاه و دیگری اشتغال به کار مورد علاقه خود در حال حاضر و کسب درآمد، دچار تعارض گردد. این نوع تصمیمات معمولاً آگاهانه انجام می‌پذیرد و نقش آن در ایجاد اختلال روانی زیاد نیست.

تعارض منفی ـ منفی: این‌گونه تعارض، بین دو انگیزه منفی صورت می‌گیرد. یعنی شخص مجبور به انتخاب یکی از بین دو انگیزهٔ منفی است. دو هدف که هر کدام به نوعی برای فرد، نامطلوب و مضرّ است و او باید سعی کند که گزینهٔ کم‌ضرر را انتخاب نماید. مثلاً شخصی مجبور است بین بیکاری یا شغل کم‌درآمد و نامطلوب یکی را برگزیند. یا فردی که دچار ترس از دندان‌پزشکی است یا باید مداوای دندان پزشکی را، هرچند دردآور باشد، تحمل نماید یا اینکه ناراحتی‌های ناشی از درد دندان را بپذیرد. افرادی که بین دو انگیزهٔ منفی قرار می‌گیرند دائم بین انتخاب یکی از آن دو تردید دارند و دچار حالت بلاتکلیفی می‌شوند.

نکته

به‌طور کلی، در مواردی که فرد دچار تعارض می‌شود، بهترین روش این است که او را به تصمیم‌گیری تشویق کنیم تا از تردید و نگرانی رها شود. برای این کار، باید زیان‌ها و فواید هر یک از انگیزه‌ها را مورد بررسی قرار دهد تا بتواند به‌صورت درست تصمیم‌گیری کند. برای مثال، دانش‌آموزی که در انتخاب بین دو رشتهٔ تحصیلی (تعارض مثبت مثبت) دچار تعارض می‌شود، باید امتیازات و محدودیت‌های هر رشته را مشخص سازد و با توجه به علایق خود، رشته‌ای را، که امتیازات بیشتری دارد، برگزیند و اگر احساس کند به تنهایی نمی‌تواند انتخاب کند، از یک فرد آگاه و مشاور کمک بگیرد. در مورد ضرورت مشاوره، امام علی علیه‌السلام می‌فرمایند: «پیش از تصمیم‌گیری مشورت کن و پیش از عمل بیندیش».

تمرین کنید

فعالیت ۱۷: با توجه به انواع تعارض و استفاده از تجربه‌های خود، جدول زیر را کامل کنید.

نوع تعارض	تجربه من	ارتباط با اختلال	راه حل رفع تعارض
تعارض مثبت ـ منفی			
تعارض مثبت ـ مثبت			
تعارض منفی ـ منفی			

تمرین کنید

فعالیت ۱۸: به گروه‌های پنج و شش نفری تقسیم شوید و هر گروه یکی از انواع تعارض را با بیان مثال از زندگی فردی، مورد بررسی قرار دهید و نتیجه را در کلاس ارائه دهید.

فشار روانی (استرس): هرگاه انسان در راه رسیدن به هدف خود دچار مانع شود یا امنیت روانی او به خطر افتد، از حالت تعادل روانی خارج می‌شود و دچار فشار روانی می‌گردد. اصطلاحاً گفته می‌شود که فرد دچار «استرس» شده است. به عاملی که ایجاد فشار نموده است «عامل فشارزا» می‌گویند. بسیاری از دانشمندان و محققان بر این اعتقادند که تمامی بیماری‌های موجود در انسان، اعم از جسمانی و روانی از جهاتی با استرس ارتباط دارند(شکل ۸).



شکل ۸ ـ استرس در کودکان

انواع استرس: استرس‌ها را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود:

۱ـ استرس‌های قابل پیشگیری مانند شکست تحصیلی؛

۲ـ استرس‌های غیرقابل پیشگیری مانند مرگ عزیزان.

نکته

آنچه بیشتر از وجود عوامل استرس‌زا در زندگی اهمیت دارد، نحوهٔ برخورد افراد با عوامل استرس‌زاست. تحقیقات انجام شده، نشان می‌دهد که بعضی از گروه‌ها سالم‌تر زندگی کرده و طول عمر بیشتری داشته‌اند. از آن جمله‌اند گروه‌های مذهبی و کسانی که دارای اعتقادات قوی دینی هستند. همچنین کسانی که در زندگی موفقیت‌هایی داشته‌اند و این موفقیت‌ها در آنها رضایت شخصی ایجاد کرده است.

تمرین کنید

فعالیت ۱۹: برای انواع استرس، با توجه به تجربیات فردی خود، نمونه‌هایی را در قالب «استرس من» به‌صورت داستان در کلاس ارائه دهید.

هدف توانمندسازی ۷ـ۲: نقش تاب‌آوری در پیشگیری از اختلالات روانی را بررسی کند.

عوامل مؤثر در تاب‌آوری

امروزه اعتقاد بر این است که بعضی از استرس‌ها و فشارهای روانی را می‌توان پیشگیری کرد. مثلاً با برنامه‌ریزی صحیح می‌توان از شکست تحصیلی جلوگیری نمود. البته پاره‌ای از استرس‌ها مانند مرگ عزیزان و دوستان را نمی‌توان از محیط دور نمود و اجتناب‌ناپذیر است و باید مقاوم‌سازی صورت گیرد و کودکان محکم و مقاوم تربیت شوند تا در برابر فشارها و مشکلات دچار از هم‌پاشیدگی نشوند. روش‌هایی در خانواده و اجتماع باید وجود داشته باشد تا افراد با توسل به آنها خود را مقاوم سازند. همچنین عواملی باید در شخص وجود داشته باشد تا بتواند در مقابل مشکلات و استرس‌ها مقاومت کند یعنی موجب افزایش تاب‌آوری فرد شود و به اختلالات روانی مبتلا نگردد. عوامل مؤثر در تاب‌آوری عبارت‌اند از:

۱ ایمان به خدا و داشتن اعتقادات دینی قوی؛
۲ تسلط داشتن بر زندگی خود، ضمن رعایت معیارهای اخلاقی و اجتماعی؛
۳ حمایت‌های خانوادگی و اجتماعی؛
۴ انعطاف‌پذیری؛
۵ استفاده از نظریات و تجربیات مفید دیگران؛
۶ امیدواری؛
۷ هدفمند بودن؛
۸ داشتن اوقات‌فراغت مناسب؛
۹ فعال بودن و کار کردن.

نکته

نقش خانواده در شکل‌گیری احساس امنیت در افراد بسیار مهم است. خانواده‌هایی که با هم بودن، دوستی و صمیمیت، اساس آنها را تشکیل می‌دهد، از عوامل مهم مصون‌سازی افراد در برابر فشارها و ناملایمات محسوب می‌شوند.

جست‌وجو کنید

فعالیت ۲۰: اگر به دلیل ناکامی یا تعارض در زندگی فردی دچار فشار روانی شدید، برای پیشگیری از اختلالات روانی و مقاومت در برابر آن، از چه عواملی کمک می‌گیرد. در این مورد تحقیق کنید و نتیجه را به‌صورت یک گزارش در کلاس ارائه دهید.

بیشتر بدانید

مکانیزم‌های دفاعی

زمانی که انسان در مقابل محرومیت‌ها و ناکامی‌ها قرار می‌گیرد معمولاً در مقابل آنها عکس‌العمل‌هایی مانند پرخاشگری، حمله، ترس، فرار و پیداکردن راه‌حل منطقی از خود نشان می‌دهد. گاهی هیچ‌یک از این راه‌حل‌ها ممکن نیست و فرد فقط یک پاسخ احساسی و نه منطقی نسبت به موقعیت ناکام‌کننده نشان می‌دهد. این پاسخ احساسی «مکانیزم دفاعی» نامیده می‌شود.

تعریف: مکانیزم دفاعی پاسخ‌هایی هستند در جهت ارضای غیرمستقیم احتیاجات یا کاستن اضطراب، که به‌طور ناخودآگاه صورت می‌پذیرند. این مکانیزم‌ها انسان را به‌طور موقت در مقابل محیط نامساعد حفاظت می‌کنند.

انواع مکانیزم‌های دفاعی

برخی مکانیزم‌های دفاعی در نمودار زیر نشان داده شده است:



نمودار ۵ــ مکانیزم‌های دفاعی

۱ **فرافکنی**[۱]: مکانیزم دفاعی فرافکنی یا برون‌فکنی عبارت است از نادیده گرفتن بعضی خصوصیات، حالات، صفات و تمایلات نامطلوب در خود و نسبت دادن آنها به دیگران. مثلاً نوجوانی که پدر خود را دوست ندارد، می‌گوید که پدر مرا دوست ندارد. در واقع می‌توان گفت، شخص با نسبت دادن احساسات درونی خود به دیگران خود را از داشتن آن احساسات منفی مبرّا می‌سازد.

۲ **انکار**[۲]: نوعی مکانیزم دفاعی است که در آن شخص به‌طور ناخودآگاه سعی در انکار واقعیت نامطلوب موجود دارد و می‌کوشد موقعیّت نامساعد و وضعیتی را که باعث ناراحتی و اضطراب خود شده است به‌طور کلی انکار نماید. انکار، به معنی نفی واقعیت نامطلوب درونی یا بیرونی است. مثلاً فردی که از خشم خود نگران است و نمی‌تواند آن را تحمل یا قبول کند، وجود خشم را منکر می‌شود. انکار، ممکن است مربوط به واقعیت بیرون نیز باشد. مثلاً وقتی که فرد، عزیزی را در اثر مرگ از دست داده است و می‌گوید «او نمرده است، او زنده است». انکار، کوششی است برای کاستن تأثیر عوامل آزاردهندهٔ گذشته، حال و آینده است.

۳ **بازگشت**[۳]: بازگشت یا رجعت، به معنای عقب‌نشینی از مشکلات زندگی و بازگشت به مراحل اولیه و ساده‌تر رفتار است یا متوسل شدن به رفتارهایی که فرد در گذشته داشته است. چنین فردی معتقد است که قادر به حل مشکلات موجود نیست و چون دوران کودکی خود را موفق‌تر و شاداب‌تر می‌داند، به آن

۱ـ Projection
۲ـ Denial
۳ـ Regression

دوران رجوع می‌کند و رفتار و طرز تفکری را در پیش می‌گیرد که مربوط به دوران گذشتهٔ خودِ اوست. مثلاً کودکی که پس از به دنیا آمدن خواهر یا برادرش دچار شب ادراری می‌شود. یا اینکه دوست دارد او هم مانند نوزاد از شیشه شیر بخورد.

۴ **جابه‌جایی**[۱]: جابه‌جایی عبارت است از تغییر جهت یک احساس از یک موضوع ناراحت‌کننده، به یک موضوع امن و قابل‌قبول. زمانی که فردِ ناراحت شده در یک موقعیت اضطراب‌آور قرار می‌گیرد و نمی‌تواند احساس خود را در آن موقعیت تخلیه نماید، این احساس در او باقی می‌ماند و در جای دیگر وقتی فرصتی را برای تخلیه مناسب می‌بیند آن احساس را از خود بروز می‌دهد. مثلاً کودکی که تحت فشار و ظلم خانواده قرار گرفته است، به خواهران، برادران یا کودکان کوچک‌تر زور می‌گوید و به آنها ظلم می‌کند و آنها را تحت شکنجه و آزار قرار می‌دهد. غالباً احساسی که در جابه‌جایی وجود دارد عناد و خشم است و این احساس عناد و خشم یا در واکنش‌های ظاهری شخص، یا در تخیل، طرز فکر و برخورد عاطفی فرد با دیگران پدید می‌آید.

۵ **دلیل‌تراشی**[۲]: هرگاه فردی در زندگی به خواسته، آرزو و هدف خود نرسد و از این بابت احساس ناراحتی کند، ممکن است برای تخفیف و کاهش اضطراب خود به بهانه‌جویی دست بزند و دلایل غیرمنطقی را منطقی جلوه دهد و به این طریق در خود آرامشی ایجاد نماید. مصداق این ضرب‌المثل معروف فارسی است که می‌گوید «گربه دستش به گوشت نمی‌رسد می‌گوید بو می‌دهد». گاهی‌اوقات شخص به آرزوی خود نرسیده و با شکست مواجه شده است، ولی نتیجهٔ آن را شیرین جلوه می‌دهد. مثلاً گاهی دانش‌آموزی که به دانشگاه راه نمی‌یابد، می گوید «دانشگاه هم به دانشجو چیزی نمی‌آموزد». یا پسری که از دختری خواستگاری می‌کند و جواب رد می‌شنود. می‌گوید «در اصل آن دختر به درد زندگی با من نمی‌خورد». به‌طور خلاصه افراد سعی می‌کنند با دلیل تراشی شکست و ناکامی‌های خود را درنظر خود و دیگران موجّه جلوه دهند.

۶ **تصعید**[۳]: گاهی، فرد برای ارضای خواسته‌های برآورده نشده‌اش، به راه‌های اجتماع‌پسند و معقول روی می‌آورد. جبران مثبت محرومیت‌های شدید زندگی به کمک اعمال اجتماع‌پسند را «تصعید» می‌نامند، مثلاً گاهی شخص محرومیت کشیده قسمت زیادی از وقت خود را صرف پیشرفت و کسب موفقیت می‌کند تا از فشارهای روانی گذشتهٔ خود فرار کند. این فرد می‌تواند با چنین کاری از هیجان و تنش روانی خود بکاهد و از راه فعالیت‌های مطلوب و مثبت برای سازگاری و جبران محرومیت‌ها اقدام کند، یا اینکه به خلق آثار هنری بپردازد.

بسیاری از افراد بزرگ و برجسته، به منظور جبران کمبودهای جسمی و روانی خود با پشت کار و با استفاده از هوش و توانمندی ذهنی خود توانسته‌اند بشریت را از مصیبت‌ها و بلاهای عظیم رهایی بخشند. گاهی تصعید را مکانیزم دفاعی محرومیت‌ها تلقی نمی‌کنند بلکه گفته می‌شود که افراد بالغ و باهوش این روش مطلوب را برمی‌گزینند و به آن عمل می‌کنند.

بهترین روش پاسخ‌دهی به فشارهای روانی و مشکلات زندگی آن است که به آنها پاسخی منطقی دهیم. گاهی‌اوقات به دلیل شرایط محیطی خاص و یا برآورده نشدن نیازهای فردی، تعادل و آرامش روانی فرد

۱ـ Displacement

۲ـ Rationalization

۳ـ Sublimation

دستخوش تغییراتی می‌گردد، به طوری که قادر به ارائه پاسخ‌های منطقی نیست و از مکانیزم‌های دفاعی استفاده می‌کند. باید توجه داشت که افراط در استفاده از این مکانیزم ها افراد را از حالت عادی و طبیعی و از واقعیات زندگی دور می‌کند.

هدف توانمندسازی ۸ـ۲: رهنمودهای کلی در بهداشت روانی کودکان را تحلیل کند.

رهنمودهای کلی در بهداشت روانی کودکان

اساس و شالودهٔ بهداشت روانی کودک در خانواده بنا نهاده می‌شود. در این راستا عواملی چند دخالت دارند که از میان آنها به احساس امنیت و شیوه‌های مختلف رفتاری والدین اشاره می‌گردد.

الف) احساس امنیت: یکی از مهم‌ترین عوامل در تأمین سلامت روان کودک، احساس امنیت است که طی مراحل زیر به وجود می‌آید:

۱ ایجاد یک محیط آرام و گرم و صمیمی از این طریق که والدین برای یکدیگر احترام و ارزش قائل شوند و روش‌های تربیتی هماهنگ داشته باشند.

۲ تأمین نیازهای جسمی و روانی کودک در دوران مختلف رشد، که باید به موقع و به‌طور مناسب ارضا گردد. در غیر این صورت یک تصوّر منفی از خود و دیگران در کودک ایجاد می‌شود و نسبت به محیط پیرامون خود دچار بی‌اعتمادی و احتمالاً بدبینی خواهد شد.

۳ داشتن روش‌های ثابت برای تشویق و تنبیه کودک. چنانچه والدین، کودک را زمانی برای یک عمل، تنبیه و زمانی دیگر او را برای همان عمل، تشویق کنند، کودک دچار حالت بلاتکلیفی خواهد شد. اگر چه او از لحاظ عاطفی به والدین خود وابسته است ولی قادر نیست رفتار والدین خود را پیش‌بینی کند و این امر باعث تضاد و تعارض و اضطراب خواهد شد.

ب) شیوه‌های مختلف رفتاری: شیوه‌های مختلف رفتاری والدین با کودکان، که به اَشکال زیر مشاهده می‌شود از عوامل مؤثر در بهداشت روانی کودکان است:

۱ بعضی از والدین در روش‌های فرزند پروری خود بیشتر متوسل به پاداش می‌شوند و برای یادگیری رفتار درست کودکان، کمتر قاطعیت نشان می‌دهند. این کودکان در چنین شرایطی پرتوقع و خودخواه می‌شوند لازم به یادآوری است که نیازهای کودکان از بدو تولد تا پایان یک سالگی باید فوری برآورده شود و هرچه در این دوره از زندگی (بدو تولد تا یک سالگی) به او توجه شود ایجاد اشکال نخواهد کرد.

۲ بعضی از والدین نسبت به فرزند خود بیشتر از روش خشونت استفاده می‌کنند و ابراز مهر و محبت‌شان به وی کمتر است. این‌گونه فرزندان دچار حالت اضطراب و ترس خواهند شد.

۳ بعضی از والدین ابراز محبت‌شان کم و خشم و کینه‌شان زیاد است. این والدین برای کودک هم منبع عشق و علاقه و هم منبع خشم و ترس تلقی می‌شوند. احساس گناه و اضطراب در این کودکان نیز زیاد خواهد بود. زیرا همیشه درصدد کسب همان مقدار ناچیز محبت‌اند و چنانچه نتوانند آن را به‌دست آورند متزلزل می‌شوند و اضطراب به آنان روی خواهد آورد. این وضعیّت در به وجود آوردن حالت عصبی در کودک بسیار تأثیرگذار است.

نکته

بهترین نوع رابطه بین والدین و فرزندان، محبت غیرمشروط، همراه با قاطعیت در رفتار است. منظور از محبت غیرمشروط این است که کودکان را همیشه و در هر شرایطی، دوست بداریم و به آنان محبت کنیم. منظور از قاطعیت این است که در برابر رفتارهای نادرست کودکان، بدون خشونت، راهنمایی‌های لازم را به کار ببندیم و تسلیم خواسته‌های غیرمنطقی آنان نشویم (شکل ۹).



شکل ۹ ـ فرزندپروری

جست‌وجو کنید

فعالیت ۲۱: در گروه‌های کلاسی در مورد نکتهٔ بالا تحقیق و کارت تاشویی با عنوان «روش‌های تربیت کودک در سن پیش از دبستان» تهیه کنید.

هدف توانمندساز ۹ـ۲ : نقش مراکز پیش از دبستان را در بهداشت روانی بررسی کند.

نقش مراکز پیش از دبستان در بهداشت روانی کودک

گفت‌وگو کنید

فعالیت ۲۲: در گروه‌های کلاسی راجع‌به نقش مؤثر مربی، مربی‌یار و مراقب در تأمین بهداشت روانی کودکان گفت‌وگو کنید.

کودک هرچه بزرگ‌تر می‌شود، دنیای اجتماعی او وسیع‌تر می‌شود. با ورود کودک به مراکز پیش از دبستان، عوامل مهمی چون «مربیان، مسئولان، برنامه‌ریزان آموزشی و تفریحی، دوستان، همسالان و فضای حاکم در آن مرکز»، شخصیت، رفتار، عواطف، یادگیری و رشد او را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این مراکز، باید جایگزینی

برای خانواده کودک باشند و در به وجود آوردن فضای شبه خانواده تلاش کنند. نقش این مراکز در نمودار زیر نشان داده شده است:



نمودار ۶: نقش مراکز پیش از دبستان در بهداشت روانی کودک

۱ **نقش مراکز پیش از دبستان در رشد جسمانی:** رشد جسمانی و کسب مهارت در انجام فعالیت‌های عضلانی، یک جنبه مهم از رشد است که در مراکز پیش از دبستان از طریق بازی‌ها و انجام فعالیت‌های مختلف مانند نقاشی، کاردستی، ... تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

۲ **نقش مراکز پیش از دبستان در رشد شناختی:** رشد مفاهیم ذهنی کودکان در این دوران تحت تأثیر انگیزه‌های محیطی قرار می‌گیرد. چنانچه خانواده فاقد چنین انگیزه‌هایی باشد، مرکز پیش از دبستان می‌تواند با فراهم آوردن امکانات لازم (برنامه‌های آموزشی و تفریحی) به رشد شناختی کودکان کمک نماید.

۳ **نقش مراکز پیش از دبستان در رشد اجتماعی:** در مرکز پیش‌از دبستان کودک با گروه هم‌سن‌وسال خود آشنا می‌شود. طرز برخورد با گروه هم‌سن را یاد می‌گیرد و آموخته‌های قبلی‌اش (در منزل) تقویت یا کاسته می‌شود و یا از بین می‌رود. اولین تجربه اجتماعی کودک در مرکز پیش از دبستان پدید می‌آید. کودک در مرکز پیش از دبستان روش سازگاری جدید با محیط را می‌آموزد و بسیاری از مهارت‌های اجتماعی را از طریق دادوستد با دیگران یاد می‌گیرد.

کودک در فعالیت‌های دسته جمعی می‌آموزد که چگونه از این فعالیت‌ها لذت ببرد. وی به معنای بسیاری از مفاهیم دست می‌یابد، مفهوم اشتراک و درک احساسات دیگران را در جمع می‌آموزد، به پیامد رفتارهای خود پی می‌برد، از الگوهای رفتاری مربیان و همسالان تقلید می‌کند و بسیاری از مفاهیم را از طریق بازی‌ها (مانند بازی‌های تخیلی، نمایشی) و آموزش‌های غیررسمی‌فرا می‌گیرد.

یافته‌های تحقیقی نشان داده است که کودکان مهد رفته، فعال‌تر و اجتماعی‌تر از کودکان مهد نرفته هستند. مرکز پیش از دبستانی که دارای شرایط مطلوب است، می‌تواند رفتارهای نامطلوب و در عین حال ناپسند کودک را از بین ببرد. چنانچه در مرکز فعالیت‌هایی در حد توان کودکان طراحی شود و مسئولیت‌هایی در این باره به کودک داده شود و در پایان تشویق شوند، اعتماد به نفس آنها بالا می‌رود و علاقه‌مندی آنها به محیط یادگیری بیشتر می‌شود و سازگاری اجتماعی بیشتری در آنها به وجود می‌آید (شکل ۱۰).

۴ **نقش مراکز پیش از دبستان در رشد کلامی:** وجود یک محیط پر از قصه‌خوانی، شعرخوانی و ارتباط کلامی بین مربیان و همسالان می‌تواند در غنی شدن خزانهٔ لغات کودکان مؤثر باشد. بخشی از رشد کلامی

کودک از طریق تقلید و فرضیه‌آزمایی حاصل می‌شود.

۵ **نقش مراکز پیش از دبستان در رشد عاطفی:** مراکز پیش از دبستان برای کودک، به لحاظ عاطفی، نقش خانواده را ایفا می‌کنند. هر چند نسبت به خانواده بار عاطفی کمتری دارند. بهتر است کودکان زیر سه سال در محیط خانواده بزرگ شوند تا از نظر عاطفی تأمین شوند. با اینکه هیجانات کودک، مانند ترس و خشم در شش ماهگی، جدا از عوامل محیطی بروز می‌کند، اما عوامل محیطی در تقویت یا تضعیف هیجانات نقش مهمی دارند. مربیان لازم است به کودکان بیاموزند که به طریق اجتماع‌پسند، هیجانات خود را بروز دهند تا در محیط به سازگاری عاطفی برسند.





شکل ۱۰ ــ نقش مراکز پیش از دبستان در رشد اجتماعی کودک

گزارش تهیه کنید

فعالیت ۲۳: ضمن بازدید از یک مرکز پیش از دبستان، گزارشی دربارهٔ نقش مرکز بر رشدِ همه جانبهٔ کودک و نمونه فعالیت‌های انجام شدهٔ در این زمینه، تهیه کنید و آن را در کلاس ارائه دهید.

هدف توانمندساز ۱۰ــ۲: اهمیت نقش مربی در مراکز پیش از دبستان را در بهداشت روانی کودک بررسی کند.

اهمیت نقش مربی در مراکز پیش از دبستان

آنچه در مراکز پیش از دبستان اهمیت دارد، مسئله امنیت روانی کودکان است. برآورده ساختن امنیت روانی کودکان در درجهٔ اول به رفتار مربی و در درجهٔ دوم به جوّ و فضای روانی حاکم در مرکز بستگی دارد. مربیان می‌توانند در به وجود آوردن استقلال و اعتماد به نفس در کودکان مؤثر باشند و نقش آنها در تقویت یا تضعیف رفتار کودکان بسیار مهم است. مثلاً اگر رفتار پرخاشگرانهٔ کودک را نادیده بگیرند و رفتارهای مثبت آنها را تشویق کنند، رفتار منفی او به تدریج از بین خواهد رفت. مربیان با رعایت رفتارهای زیر می‌توانند به بهداشت

روانی کودکان در مراکز پیش از دبستان کمک کنند:

۱ در کار با کودک، ضمن داشتن تخصص لازم، به وظایف خود کاملاً آگاه باشند.
۲ همیشه خوش‌رو باشند و لبخند بزنند تا اعتماد به نفس کودک تقویت شود.
۳ همهٔ فعالیت‌ها و تجهیزات باید از قبل برنامه‌ریزی شود و دقیقاً بدانند چه فعالیت‌هایی را اجرا خواهند کرد.
۴ هر روز صبح، همراه با سلام به کودک، نام او را ببرند و در پایان روز کودک را مطمئن سازند که فردا روز خوبی را با یکدیگر خواهند داشت.
۵ کودک را در حین انجام دادن همهٔ فعالیت‌های آموزشی تحت نظر قرار دهند.
۶ در اجرای فعالیت‌ها به کودک کمک کنند ولی به جای او انجام ندهند.
۷ به تفاوت‌های فردی کودکان توجه کنند و آنها را در ارتباط با کودکان در نظر بگیرند.
۸ شیوه‌های تشویق و تنبیه ثابتی را نسبت به کودکان اعمال کنند. تشویق و تنبیه متناسب با فعالیت کودکان باشد و بلافاصله صورت گیرد.
۹ به کودک بفهمانند برای چه عملی تشویق یا تنبیه (آگاه کردن) می‌شود.
۱۰ مهربان، علاقه‌مند به کار، آگاه و منصف باشند و از قضاوت‌های عجولانه و یک‌طرفه پرهیز کنند.
۱۱ اگر کودکی به هر علت (بیماری، اضطراب، ...) بعد از مدتی به مرکز آمد، از او به گرمی استقبال کنند.
۱۲ با همکاران خود و با والدین کودکان همکاری نزدیک و صمیمانه داشته باشند تا کودک احساس آرامش کند.
۱۳ از اجرای قوانین خشک و مقررات سخت پرهیز کنند و به کودکان آزادی عمل مناسب دهند.

تمرین کنید

فعالیت ۲۴: در نقش یک مربی، نمایشی را با هم‌کلاسی‌های خود تنظیم و رفتارهای مناسب یک مربی با کودکان را تمرین کنید.

جست‌وجو کنید

فعالیت ۲۵: راجع‌به نقش مراکز پیش از دبستان و مربی آنها در بهداشت روانی کودک به منابع علمی مراجعه کنید و نتیجه را به‌صورت روزنامهٔ دیواری ارائه دهید.

هدف توانمندساز ۱۱ـ۲: نقش مهارت‌های زندگی را در بهداشت روانی بررسی کند.

نقش مهارت‌های زندگی در بهداشت روانی

تعریف: مهارت‌های زندگی توانمندی‌هایی هستند که فرد را برای رویارویی با مشکلات و حل آنها، سازگاری بیشتر با خود و با دیگران و دستیابی به زندگی بهتر، آماده می‌سازد. با توجه به این تعریف، نقش مهارت‌های زندگی در تأمین بهداشت روانی مشخص می‌شود زیرا هر دو دارای یک هدف کلی مشترک‌اند و آن دستیابی به سلامت در همهٔ ابعاد آن (جسمی، روانی و اجتماعی) است (شکل ۱۱).




شکل ۱۱ ــ مهارت‌های زندگی

اهداف مهارت‌های زندگی

مهارت‌های زندگی، هدف‌های زیر را مورد توجه قرار می‌دهد:

۱ **پیشگیری از مشکلات و آسیب‌های روانی اجتماعی:** بسیاری از آسیب‌ها و مشکلات روانی اجتماعی مانند اعتیاد، خشونت، بزهکاری، خودکشی، افسردگی و... ناشی از کمبود توانمندی‌های افراد در مقابله با مشکلات زندگی است. آموزش مهارت‌های زندگی در پیشگیری از این مشکلات و آسیب‌ها، به افراد یاری می‌رساند.

برای کودکان و نوجوانان، نقش مهارت‌های زندگی در پیشگیری از مشکلات، از اهمیت بیشتری برخوردار است. آموزش این مهارت‌ها، خصوصیاتی مانند اعتماد به نفس، هویتی‌یابی، مسئولیت‌پذیری و... را در آنان تقویت می‌کند. عملکرد تحصیلی را بهبود می‌بخشد و از افت درسی، پیشگیری می‌کند و ارتباطات بین فردی نوجوانان را با همسالان و با خانواده به‌صورت مناسب و مؤثری برقرار می‌سازد.

۲ **تأمین بهداشت و سلامت فرد:** مهارت‌های زندگی، روش مناسبی برای دستیابی به بهداشت و سلامت جسمی، روانی و اجتماعی است. آموزش این مهارت‌ها به کودکان و نوجوانان کمک می‌کند تا در مراقبت از جسم خود و پرهیز از رفتارهایی که به آن آسیب می‌رساند. (مانندکم‌خوابی،کم‌تحرکی، تغذیه نامناسب و...) بکوشند و شیوه‌های مقابله با اضطراب، ترس و افسردگی را بیاموزند. همچنین در اجرای وظایف خود در مدرسه، خانواده و جامعه، تا حد امکان، مشارکت داشته باشند.

۳ **کمک به تغییر و اصلاح رفتارهای فرد:** مهارت‌های زندگی، علاوه بر نقش پیشگیری، درکاهش و درمان مشکلات رفتاری، مؤثر است و به فرد در تغییر و بهبود این رفتارها کمک می‌کند. برای مثال، کودک یا نوجوانی که شیوه‌های درست برقراری ارتباط با همسالان خود را نمی‌داند و در دوستی‌یابی دچار مشکل می‌شود، می‌تواند با آگاهی از روش‌های ارتباط مؤثر و مناسب، مشکل ارتباطی خود راکاهش دهد. یا دانش‌آموزی که در برابر هر مشکل دچار اضطراب و پریشانی می‌شود، می‌تواند با آگاهی از شیوه‌های حل مسئله و کاربرد آنها در زندگی، اضطراب خود را کاهش دهد و در حل مشکلات خود، توانمند گردد.

روش‌های آموزش مهارت‌های زندگی

آموزش مهارت‌های زندگی در صورتی می‌تواند موفقیت‌آمیز باشد که با روش مناسب اجرا شود. این روش مبتنی بر رویکرد فعال است و به شکل عملی و مشارکتی اجرا می‌شود. روش‌هایی که در آموزش مهارت‌های

زندگی به کار برده می‌شود، به شرح زیرند:

۱ **بارش فکری:**[۱] در این روش موضوعی مطرح می‌شود و همهٔ دانش‌آموزان نظرات و پیشنهادهای خود را بیان می‌کنند، بدون اینکه به درستی یا نادرستی آنها توجه شود. هدف از این روش، بیان بیشترین ایده‌ها و نظرات است. این نظرات بعداً جمع‌بندی می‌شود. مثال: برای موفقیت در امتحان، چه بایدکرد؟

برای اینکه بارش فکری[۲] به اندازهٔ کافی ثمربخش باشد باید قوانین و مقررات چهارگانهٔ این جلسات از سوی تمامی افراد به خوبی درک شود و به آنها عمل کنند. این چهار قانون شامل موارد زیر است:

الف) انتقاد ممنوع است: وقتی ایده یا فکری مطرح می‌شود افراد نباید انتقاد کنند و اصل تعویق قضاوت در اینجا باید به کار گرفته شود زیرا انتقاد از ایده‌ها، مانع از ارائهٔ اندیشه‌های نو و خلاق می‌شود.

ب) چرخش آزاد با استقبال روبه‌رو می‌شود: هرچه ایده‌ها خارج از ذهن‌تر و جسورانه‌تر باشد بهتر است و از ایده‌های متفاوت و بکر بیشتر استقبال می‌شود.

ج) کمیّت بیشتر بهتر است: هرچه تعداد ایده‌ها بیشتر باشد، احتمال ظهور ایده‌های مفید بیشتر است و ارائهٔ هرچه بیشتر افکار موجب می‌گردد راه‌حل‌های بیشتری طرح شود و دامنه انتخاب وسیع‌تر گردد. در نتیجه کمیّت بیشتر، کیفیت را به دنبال خواهد داشت.

د) ترکیب و اصلاح ایده‌ها مهم است: شرکت‌کنندگان، علاوه بر ایفای سهم خود، باید پیشنهاد کنند که چگونه می‌توان ایده‌های دیگران را به ایده‌های بهتری تبدیل نمود.

گفت‌وگو کنید

فعالیت ۲۶: با استفاده از روش بارش فکری، در کلاس به سؤال زیر پاسخ دهید و دربارهٔ پاسخ‌های مطرح شده گفت‌وگو کنید:

چگونه می‌توان شادی را در خود و دیگران تقویت کرد؟

۲ **فعالیت گروهی:** در این روش، کودکان و نوجوانان در گروه‌های کوچک پنج تا شش نفره دربارهٔ موضوعی بحث و گفت‌وگو می‌کنند و در پایان، نظرات گروه را در کلاس ارائه می‌دهند. مثال: برای اوقات‌فراغت خود یک برنامه تنظیم کنید.

۳ **پرسش و پاسخ:** در این روش، موضوعی مطرح می‌شود و کودکان و نوجوانان در مورد آن، به پرسش و پاسخ می‌پردازند. پرسش و پاسخ هم از طرف کودکان و نوجوانان و هم مربیان، مطرح می‌شود.

۴ **ایفای نقش:** در ایفای نقش یا نمایش، موضوعی انتخاب می‌شود و دانش‌آموزان آن را به‌صورت نمایش اجرا می‌کنند. مثال: چگونه می‌توانید در برابر پیشنهادهای نادرست دوستان خود «نه» بگویید.

۵ **روش‌های انفرادی:** این روش‌ها به‌صورت نوشتاری، تصویری، کلامی و... صورت می‌گیرد. **تصویری** مانند کشیدن نقاشی دربارهٔ یک موضوع، **نوشتاری** مانند نوشتن یک موضوع مثلاً راه‌های کاهش خشم و **کلامی** مانند بیان یک موضوع به‌صورت شفاهی.

۱ـ Brain Storming

۲ـ برای اصطلاح بارش فکری اصطلاحات دیگری نظیر «تحریک مغزی»، «یورش فکری» و «طوفان ذهن» به کار برده‌اند.

نکته

مهارت‌های زندگی، با یادگیری مطلب حاصل نمی‌شود بلکه با تمرین و تکرار در آن زمینه، به دست می‌آید. به این منظور، برای هر قسمت از مطالب، تمرین‌هایی باید پیش‌بینی شود تا کودکان و نوجوانان آنها را اجرا کنند و نتایج آنها را مورد بحث و گفت‌وگو قرار دهند.

انواع مهارت‌های زندگی

مهارت‌های زندگی مهارت‌هایی هستند که آموزش آنها برای همهٔ افراد صرف‌نظر از سن، جنس و موقعیتی که دارند، ضروری است. مهم‌ترین این مهارت‌ها عبارت‌اند از:

- مهارت خودآگاهی یا شناخت خود
- مهارت حل مسئله و تصمیم‌گیری
- مهارت برقراری ارتباط مؤثر
- مهارت انواع تفکر (خلاق و انتقادی)
- مهارت انتخاب و دستیابی به اهداف خود
- مهارت همدلی
- مهارت شناخت ارزش‌ها (فردی، خانوادگی و اجتماعی)
- مهارت شناخت حقوق و وظایف شهروندی

توضیحات بیشتری در مورد دو مهارت شناخت خود و حل مسئله با توجه به اهمیت آن ارائه می‌گردد:

۱ـ مهارت خودآگاهی (شناخت خود)

خودآگاهی یعنی شناخت خود به منظور ایجاد تغییرات لازم در آن. شناخت خود در مهارت‌های زندگی، شامل بخش‌های شناخت افکار، شناخت هیجان‌ها و شناخت رفتار است:

الف) شناخت افکار: تفکر یعنی توانایی شناخت و درک محیط پیرامون خود. همه چیز، از جمله هیجان‌ها و رفتارهای انسان، از افکار او ناشی می‌شود. مثلاً نوجوانی که فکر می‌کند پدر و مادرش بین او و برادرش تبعیض قائل می‌شود، از پدر و مادرش رنجیده خاطر می‌شود و چنین احساسی باعث می‌گردد که رفتار او با پدر و مادرش، گرم و صمیمانه نباشد.

افکار ⟵ هیجانات ⟵ رفتار

شناخت افکار شامل این موارد است: شناخت افکار مثبت خود و روش‌های تقویت آن (مثبت‌اندیشی)، شناخت افکار منفی خود و روش‌های کاهش آنها، شناخت توانمندی‌های خود و تقویت آنها، شناخت نقاط ضعف خود و کاهش آنها، شناخت و پذیرش تفاوت‌های فردی، ایجاد خودپندارهٔ مثبت در خود و توانایی خودارزیابی.

گفت‌وگو کنید

فعالیت ۲۷: خود را آن‌گونه که هستید توصیف کنید و در صورت تمایل آن را درکلاس ارائه دهید و درباره‌اش گفت‌وگو کنید.

تمرین کنید

فعالیت ۲۸:

۱ در گروه کلاسی، فهرستی از افکار مثبت و منفی خود تهیه کنید. گروه‌های دیگر هم فهرستی از افکار مثبت و منفی خود تهیه کنند. سپس آنها را با هم مقایسه کنید.

۲ با فردی که شما را می‌شناسد (مانند پدر، مادر، خواهر، برادر، دوست) مصاحبه کنید و مهم‌ترین خصوصیات مثبت و منفی خود را از آنان بپرسید. آن‌گاه سه خصوصیت خود را با نظر آنها مقایسه و تفاوت‌ها را یادداشت کنید. در صورت زیاد بودن تفاوت‌ها، علت‌یابی کنید و در صورت تمایل، نتیجه را در کلاس ارائه دهید.

ب) شناخت هیجانات: همان‌طور که در فصل اول گفته شد، هیجانات حالت‌هایی هستندکه به‌صورت طبیعی در همهٔ انسان‌ها وجود دارد. با توجه به تفاوت‌های فردی، میزان و نوع هیجانات، در افراد متفاوت است. احساسات، به عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌های شخصیت، در بهداشت و سلامت روانی انسان نقش مؤثری دارد. هیجانات، چه مثبت و چه منفی، اگر در حد متعادلی باشند، مشکلی برای فرد ایجاد نمی‌کنند اما اگر از حد تعادل، خارج شوند (کمتر یا بیشتر)، به ویژه احساسات منفی، ایجاد مشکل می‌کنند.

شناخت احساسات شامل این موارد است: شناخت احساسات مثبت یا منفی خود و راه‌های تقویت یا کاهش آنها، شناخت راه‌های بیان درست احساسات خود، کنترل احساسات و شناخت احساسات دیگران.

برای بیان درست احساسات خود، باید به نکات زیر توجه کرد:

- بیان احساسات به گونه‌ای باشدکه به خود فرد، آسیب نرساند. مثلاً هنگام عصبانیت، خود را نزند، یا خشم خود را سرکوب نکند و... و یا در زمان شادی، جیغ و فریاد نکشد و...
- بیان احساسات، سبب آسیب رساندن به دیگران نشود. برای مثال وقتی عصبی می‌شود، دیگران را نزند، توهین نکند و... یا وقتی شاد می‌شود، با فریادهای خود، مزاحم دیگران نشود و...
- بیان احساسات، موجب تخریب اشیا نگردد. برخی افراد، ناراحتی خود را با تخریب و شکستن اشیا نشان می‌دهند، مثل خراب کردن میز و نیمکت مدرسه، خط کشیدن روی دیوار، ماشین و... تخریب وسایل بعد از مسابقهٔ فوتبال و...

نکته

۱ وقتی فرد احساسات خود را بشناسد و آنها را به درستی بیان کند، در واقع توانسته است آنها را کنترل نماید. هرکس می‌تواند با تمرین، احساسات خود را کنترل کند. گفتن جملاتی مانند «دست من نیست»، «نمی‌توانم» و... نشانهٔ کمبود شناخت و آگاهی است، نه ناتوانی درکنترل احساسات خود.

۲ برای کنترل احساسات، نکاتی را باید رعایت کرد، از جمله: برخورداری از خواب و استراحت کافی؛ پرداختن به ورزش و داشتن تحرک کافی؛ برخورداری از اوقات‌فراغت مناسب؛ برنامه‌ریزی برای اجرای فعالیت‌های روزانه و درس خواندن؛ تکیه کردن بر توانایی خود برای شناخت و بیان درست وکنترل احساسات.

تمرین کنید

فعالیت ۲۹:

۱ با استفاده از فهرستی از هیجانات مثبت و منفی، که هنرآموز در اختیارتان قرار داده است، نظر خود را در مورد میزان هیجانات خود، در سه حد «زیاد، متوسط و کم» درجه‌بندی کنید و در صورت تمایل نتیجه را در کلاس ارائه دهید. هنرآموز، به جمع‌بندی نظرات شما می‌پردازد و بیشترین هیجانات مثبت و منفی را مشخص می‌کند. در گروه‌های کلاسی، راجع‌به نتایج به دست آمده گفت‌وگو کنید.

۲ در گروه‌های پنج یا شش نفره، هر گروه یکی از احساسات مثبت یا منفی مثلاً محبت، یا ترس را انتخاب کنید و نحوهٔ بیان درست آن را نمایش دهید. در مورد نتیجهٔ آن گفت‌وگو کنید.

ج) شناخت رفتارهای خود: از نظر روان‌شناسی، رفتار شامل هر نوع واکنشی است که انسان به‌صورت بیرونی یا درونی از خود نشان می‌دهد. واکنش‌های درونی، مانند تفکر، احساس و واکنش‌های بیرونی، مانند حرف زدن، راه رفتن و... است.

از دیدگاه روان‌شناسی، رفتارها را می‌توان در چهار گروه طبقه‌بندی کرد:

۱ **رفتارهای قاطع:** منظور رفتارهایی است که به‌صورت شفاف و روشن، بدون خشونت و توهین، همراه با موقعیت‌سنجی، اجرا می‌شود. برای مثال اگر کسی به نوجوانی پیشنهاد انجام کاری کند که درست نباشد، قاطعانه به او جواب رد می‌دهد. به جز رفتارهای قاطع، سایر رفتارها، دارای پیامدهای منفی هستند و برای فرد و دیگران، ایجاد مشکل می‌کنند.

۲ **رفتارهای پرخاشگرانه:** ابراز خشم به روش نادرست را پرخاشگری می‌گویند. این رفتارها، با پرخاشگری کلامی مانند تهدید، فریاد، دشنام و... یا پرخاشگری فیزیکی مانند درگیر شدن، کتک زدن و... همراه است.

۳ **رفتارهای انفعالی:** منظور از این رفتارها، واکنش‌هایی است که فرد به‌صورت سکوت، بی‌توجهی، بی‌تفاوتی و... از خود نشان می‌دهد. مانند مادری که در مقابل رفتارهای نادرست فرزند خود، سکوت می‌کند.

۴ **رفتارهای پرخاشگرانه ـ انفعالی:** این رفتارها با پرخاشگریِ کلامی به‌صورت زخم زبان، تمسخر، طعنه و کنایه، متلک گفتن و... نشان داده می‌شود.

تمرین کنید

فعالیت ۳۰: با روش ایفای نقش در گروه‌های کلاسی، هر گروه دربارهٔ یکی از انواع رفتارها، نمایش‌نامهٔ کوتاهی تنظیم و آن را در کلاس اجرا کنید.

گفت‌وگو کنید

فعالیت ۳۱:

۱ خاطرات و تجربیاتی را که از صحنه‌های خشم والدین، معلمان، دوستان و... دارید، در کلاس بازگو کنید و بگویید اگر خود به جای آنان بودید، چه می‌کردید؟

۲ در گروه‌های کلاسی، هر گروه، موقعیتی را که سبب خشم افراد می‌شود، طرح‌ریزی کنید. مثلاً درس نخواندن هنرجویان برای والدین، دروغ‌گویی و... سپس روش‌هایی را برای کنترل خشم در لحظهٔ اوج آن، پیشنهاد کنید و آنها را در کلاس ارائه دهید و در موردشان گفت‌وگو کنید.

۲ـ مهارت حل مسئله[1] و تصمیم‌گیری

تعریف مسئله: مسئله یا مشکل، موضوع یا موقعیتی است که از روند زندگی عادی و روزانه، فراتر می‌رود. برای مثال نوجوانی که هر روز با اتومبیل پدر خود به آموزشگاه می‌رود. به دلیل سفرکاری یک ماههٔ پدرش مشکل وسیله پیدا می‌کند. در این صورت او باید مشکل رفتن به آموزشگاه را با استفاده از امکانات دیگر، حل کند. مشکل امری نسبی است و به موقعیت‌ها و تفاوت‌های فردی بستگی دارد. ممکن است موضوعی برای فردی مشکل و برای فرد دیگر غیر مشکل باشد یا شدت آن متفاوت باشد. مثلاً امتحان، برخی از هنرجویان را به شدت مضطرب می‌کند، در حالی که برای بعضی از آنان، امری عادی به حساب می‌آید (شکل ۱۲).



شکل ۱۲ ـ حل مسئله

نکات مهم در مهارت حل مسئله

در آموزش مهارت حل مسئله به نکات زیر باید توجه کرد:

۱ **پذیرش مشکل در زندگی:** وجود مشکلات در زندگی، امری اجتناب‌ناپذیر است و همه با آن روبه‌رو بوده و آن را تجربه کرده‌اند. بنابراین، پذیرش مشکل در زندگی، اولین گام برای حل آن است.

۲ **قابل حل بودن مشکلات:** هرمشکل، راه‌حل‌هایی دارد و برای دستیابی به آنها باید تغییرات مناسبی را در خود یا در محیط زندگی خویش، ایجادکرد. برای مثال اگر فردی در انتخاب دوست مشکل دارد، باید رفتارهای خود را تغییر دهد.

۳ **آموختنی بودن راه‌حل‌ها:** راه‌های حل مشکلات، آموختنی است و آموزش مهارت‌های زندگی، یکی از این راه‌حل‌هاست. نوجوانانی که آموزش مهارت‌های زندگی را گذرانده‌اند، بهتر می‌توانند از مشکلات خود بکاهند.

۴ **همگانی بودن توانایی یادگیری راه‌حل‌ها:** همهٔ انسان‌ها، توانایی یادگیری و کاربرد راه‌حل‌های مشکلات زندگی را دارند. برخی از نوجوانان فکر می‌کنند قادر به حل مشکلات خود نیستند. این یک باور نادرست است.

۱ـ برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد مهارت حل مسئله به کتاب پرورش مهارت‌های شناختی و خلاق پایه ۱۲ مراجعه کنید.

تمرین کنید



فعالیت ۳۲:

۱ در گروه‌های کلاسی خود فهرستی از مسائلی را که تاکنون با آنها روبه‌رو شده‌اید، تهیه کنید و در صورت تمایل آن را در کلاس ارائه دهید سپس آن را با فهرست گروه‌های دیگر مقایسه و جمع‌بندی کنید.

۲ تجربیات خود را در زمینهٔ حل مسائل‌تان تنظیم کنید و در صورت تمایل آنها را در کلاس ارائه دهید.

تمرین کنید

۱ بهداشت روانی و عملکرد آن را تحلیل کنید.

۲ نقش دین در بهداشت روانی را بررسی کنید.

۳ فهرستی از حوزه‌های فعالیت بهداشت روانی را تهیه کنید.

۴ اصول بهداشت روانی را طبقه‌بندی کنید.

۵ ملاک‌های رفتار غیرعادی در کودکان را بررسی کنید.

۶ سازگاری و فرایندهای آن را تحلیل کنید.

۷ عوامل مؤثر بر سازگاری را بررسی کنید.

۸ در برابر فشارهای روانی فهرستی از عوامل مؤثر در مقاومت روانی تهیه کنید.

۹ برای تأمین بهداشت روانی کودک راهکار ارائه کنید.

۱۰ نقش مراکز پیش از دبستان را در بهداشت روانی کودکان بررسی کنید.

۱۱ نقش مربی پیش از دبستان را در بهداشت روانی کودکان بررسی کنید.

۱۲ روش‌های آموزش مهارت‌های زندگی را بررسی کنید.

۱۳ با طراحی یک فعالیت آموزشی، مهارت خودآگاهی را به کودکان آموزش دهید.

۱۴ با طراحی یک فعالیت آموزشی، مهارت حل مسئله را به کودکان آموزش دهید.

خودارزیابی پایانی پودمان ۲				
واحدیادگیری: کاربرد بهداشت روانی در پیش از دبستان				
این کاربرگ برای ارزیابی دانش و مهارت شما در مورد کاربرد بهداشت روانی در پیش از دبستان تهیه شده است. در هر سؤال بیشترین امتیاز سه و کمترین امتیاز یک است. بر این اساس خود را ارزیابی کنید و به خود امتیاز دهید.				
ردیف	**موارد**	**۳**	**۲**	**۱**
۱	تا چه حد می‌توانید تعریفی از بهداشت روانی و عملکرد آن را ارائه دهید؟			
۲	تا چه حد می‌توانید فهرستی از حوزه‌های فعالیت بهداشت روانی را تهیه کنید؟			
۳	تا چه حد می‌توانید اصول بهداشت روانی را طبقه‌بندی کنید؟			
۴	تا چه حد می‌توانید ملاک‌های رفتار غیرعادی در کودکان را بررسی کنید؟			
۵	تا چه حد می‌توانید نقش دین را در بهداشت روانی کودکان بررسی کنید؟			
۶	تا چه حد می‌توانید سازگاری و فرایندهای آن را تحلیل کنید؟			
۷	تا چه حد می‌توانید عوامل مؤثر بر سازگاری را بررسی کنید؟			
۸	تا چه حد می‌توانید فهرستی از عوامل مؤثر در مقاومت روانی در برابر فشارهای روانی تهیه کنید؟			
۹	تا چه حد می‌توانید برای تأمین بهداشت روانی کودک راهکار ارائه کنید؟			
۱۰	تا چه حد می‌توانید نقش مراکز پیش از دبستان را در بهداشت روانی کودکان بررسی کنید؟			
۱۱	تا چه حد می‌توانید نقش مربی پیش از دبستان را در بهداشت روانی کودکان بررسی کنید؟			
۱۲	تا چه حد می‌توانید نقش آموزش مهارت‌های زندگی را در بهداشت روانی کودکان بررسی کنید؟			

ارزشیابی پودمان ۲

عنوان پودمان ۲	تکالیف عملکردی (شایستگی ها)	استاندارد عملکرد (کیفیت)	نتایج	استاندارد (شاخص‌ها، داوری، نمره‌دهی)	نمره
کاربرد بهداشت روانی در دورهٔ کودکی	تحلیل عملکرد بهداشت روانی در پیش از دبستان	توسعهٔ شناخت بهداشت روانی در دورهٔ کودکی بر اساس منابع معتبر علمی‌و آموزشی سازمان بهزیستی و آموزش و پرورش پیش از دبستان	بالاتر از حد انتظار	ـ طراحی فعالیت آموزشی در مراکز پیش از دبستان بر اساس بهداشت روانی کودکان با شیوه‌های خلاق ـ طراحی فعالیت‌هایی برای آموزش مهارت‌های زندگی جهت سلامت روانی کودک با شیوه‌های خلاق ـ طراحی فعالیت‌هایی با موضوع تأثیر دین بر سلامت روانی کودکان با شیوه‌های خلاق	۳
			در حد انتظار	ـ طراحی فعالیت‌هایی برای آموزش مهارت‌های زندگی جهت سلامت روانی کودک ـ طراحی فعالیت‌هایی با موضوع تأثیر دین بر سلامت روانی کودکان	۲
	به‌کارگیری اصول بهداشت روانی در آموزش و پرورش پیش از دبستان		پایین‌تر از انتظار	توانایی انجام دادن یکی از شایستگی‌ها	۱
نمره مستمر از ۵					
نمره شایستگی پودمان از ۳					
نمره پودمان از ۲۰					

پودمان ۳

شناخت مشکلات شایع رفتاری کودکان پیش از دبستان



هیچ کودکی نیست که مشکلی نداشته باشد و هیچ مشکلی نیست که مربوط به بزرگ‌ترها نباشد.

هدف توانمندسازی ۱ـ۳: رفتار مربی را توضیح دهد.

بررسی رفتار مربی

تمرین کنید



فعالیت۱: به دو نفر از معلمان خود بیندیشید. معلم نخست، کسی است که او را دوست داشته و از او بسیار آموخته‌اید و از کلاسش لذت برده‌اید (معلم الف). معلم دوم، کسی است که او را دوست نداشته، از او کمتر آموخته و از کلاسش لذت نبرده‌اید (معلم ب).

ویژگی‌های دو معلم را بدون مبالغه، به‌طور خلاصه توصیف کنید.

معلم الف)

معلم ب)

حال این توصیفات و ویژگی‌ها را در جدول زیر وارد کنید و سپس بگویید شما دوست دارید چگونه معلمی باشید؟

	معلم الف	معلم ب
۱	سخت‌گیر است	سخت‌گیر نیست
۲	شوخ طبع است	خشن است
۳	منظم است	نامنظم است
۴	مرتب است	نامرتب است
۵	خلاق است	بدون خلاقیت است
۶	فضای کلاس او گرم و صمیمی است	فضای کلاس او سرد و بی‌روح است
۷	صمیمی و مهربان است	نسبت به شاگردان بی‌تفاوت است
۸	به فعالیت کلاسی اهمیت می‌دهد	نسبت به فعالیت‌های کلاس بی‌تفاوت است
۹	تدریس او کسل‌کننده نیست	تدریس او خسته‌کننده است.
۱۰		
۱۱		
۱۲		

با توجه به اینکه شما در آینده در مراکز پیش از دبستان مشغول به‌کار خواهید شد، فکر می‌کنید چگونه مربی‌ای خواهید شد؟

■ یک مربی سخت‌گیر که کودکان را با توسل به اطاعت از خواسته‌هایش، مجبور به فراگیری می‌کند، هر گونه پیشنهاد یا ابتکاری را رد می‌کند، برای جلب توجه کودکان به همکاری، پاداش، تنبیه و فشار به آنها روی می‌آورد.

آیا به نظر شما با این روش‌ها، تعدادی از کودکان با نافرمانی، لجاجت و امتناع از یادگیری در مقابل شما مقاومت نخواهند کرد و بد و بدتر نمی‌شوند؟ و یا گروهی بر اثر ترس، ضمن رعایت نظم و قوانین شما خوب و خوب‌تر خواهند شد؟

■ یا یک مربی آسان‌گیر که به کودکان آزادی می‌دهد و انجام دادن هر گونه عملی را برایشان امکان‌پذیر می‌داند.

در این حالت نیز ممکن است به سبب چشم پوشی از اشتباهات، دچار مشکل شوید، زیرا توجه شما به تفاوت‌های فردی از بین می‌رود و ناخواسته به علت بی‌توجهی شما به علاقه‌مندی کودکان یا نبود امکانات، هر گونه که می‌خواهند رفتار می‌کنند و شما در پایان روز، در سر و صدای کلاس و کودکان غرق می‌شوید.

هر چند سر و صدا نشان‌دهنده ارتباط کلامی کودکان است. اما در پایان روز با یک کلاس در هم ریخته و با وسایلی شکسته و.... روبه‌رو می‌شوید، بدون ارزشیابی از کارتان، ضمن اینکه مشکلات رفتاری کودکان بستر مناسبی برای رشد پیدا می‌کنند و در چنین روندی کودکان هرگز از آموختن لذت نمی‌برند و برای خود و اطرافیان تلاش نمی‌کنند. در این صورت میل به همکاری کاهش می‌یابد، خلاقیت از بین می‌رود و رشد اجتماعی و عاطفی کودکان نیز مسیر طبیعی خود را طی نخواهد کرد.

باید به یاد داشته باشید که جایگاه مربی، در زندگی کودکان بسیار حساس است. در واقع پس از والدین، مربی تنها فردی است که علائق کودک را به سمت اهداف آموزشی و پرورشی هدایت می‌کند و مسئول ایجاد شرایطی است که در آن رفتارها و اکتسابات کودک از رشدی مداوم برخوردار گردند.

مربی، علاوه بر جلب توجه و همکاری کودکان لازم است با استفاده از لحن دوستانه و ارائهٔ پیشنهادها و راهنمایی‌های مؤثر، مشوقی برای بحث، گفت‌وگو و تصمیم‌گیری باشد و جوّ مناسبی برای فراگیری و رشد همه جانبهٔ کودکان فراهم کند تا آنان بتوانند با فراز و نشیب‌های زندگی به خوبی رو به رو شوند.

هدف توانمندسازی ۲ـ۳: ویژگی‌های مربی برای آموزش به کودکان را بررسی کند.

ویژگی‌های مربی برای آموزش به کودکان

کار با کودکان نیاز به شکیبایی و صبر دارد. هیچ چیز بیش از تلاش و صرف زمان، برای حل مشکلاتی که اصلاً تحت کنترل شما نیست، انرژی شما را تحلیل نمی‌برد و وقتی خسته هستید طبیعی است که بیشتر از روزهای عادی عکس العمل نامناسب نشان دهید. سه خطر که مداوم بهداشت روانی مربی را تهدید می‌کند عبارت‌اند از:

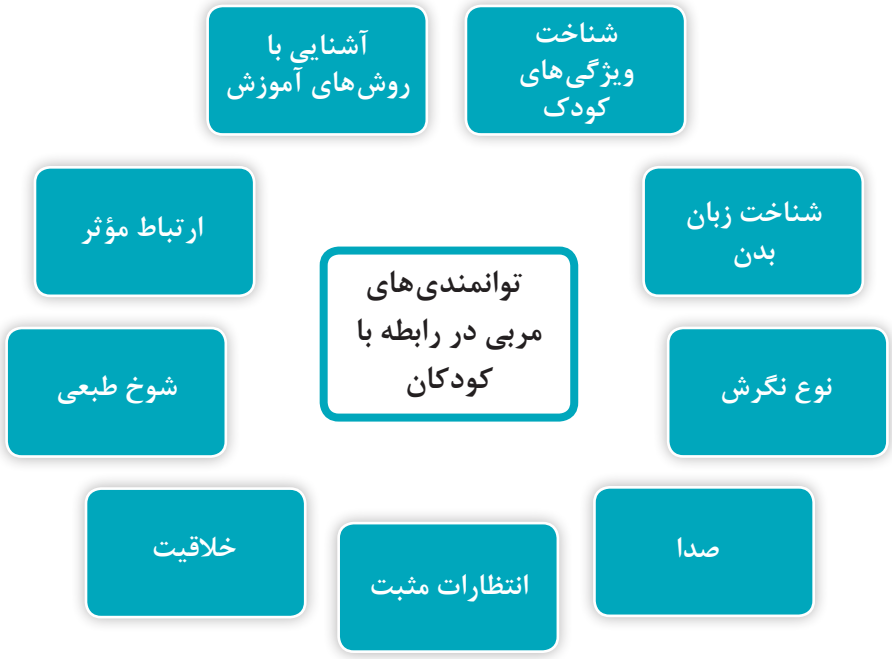
۱ داشتن اضطرابِ بیش از اندازه و نگرانی از موفق نشدن؛

۲ بی‌حوصلگی و دلسرد شدن از انجام دادن وظایف؛

۳ از دست دادن انگیزه و بی‌علاقگی به کار و همکاران.

پیش از شروع کار، علاوه بر چیدمان فضا، به تفاوت‌های فردی و رشد همه جانبهٔ کودک توجه کنید و به یاد داشته باشید که کودکان با توانایی‌هایی در سطوح مختلف به مهد کودک می‌آیند. عده‌ای با استعداد، بعضی دیرآموز و عده‌ای دارای مشکلات جسمانیِ خاص‌اند. اما در هر حال پیش از شروع کار، توجه همه را با چنین جملاتی جلب کنید: «خوب بیایید شروع کنیم» یا «همه چیزها را کنار بگذارید می‌خواهیم کتاب بخوانیم». غیر از سلام و آشنایی با اسم تک تک کودکان، به آنها بفهمانید که چقدر در همکاری با شما نقش دارند. هرگز مشکلات شخصی خود را به کلاس نیاورید.

در هر حال توانمندی‌های مربی در رابطهٔ با کودکان، به‌خصوص کودکانی که مشکل رفتاری دارند، به خود شما بر می‌گردد، زیرا نمی‌توان محیط‌زیست، مسائل خانوادگی و... را تغییر داد. در نتیجه باید به نکاتی که در نمودار زیر آمده است، توجه داشت:



نمودار ۱ ــ توانمندی‌های مربی در رابطه با کودکان

■ **شناخت ویژگی‌های کودک:** طبیعی است که برای کار با کودک، قبل از هر چیز باید ویژگی‌های رشد همه جانبهٔ کودک را بشناسید و بدانید آنها شبیه هم نیستند و لازم است به تفاوت‌های فردی آنان توجه کنید.

■ **شناخت زبان بدن**[۱]: هنگام کار با کودکان، به‌خصوص کودکانی که مشکلات رفتاری دارند، باید مراقب حرکات خود باشید. زبان تن ابزار پرقدرتی است. گاه بدون استفاده از کلام می‌توان با زبان بدن مفاهیمی را ابراز کرد: «خسته‌ام»، «عصبانی هستم»، «تهدید با انگشتان دست» و «تمسخر» با استفاده از حرکات صورت، جدی شدن خطوط صورت و غیره ... . تماس چشمی را فراموش نکنید.

---

۱ ـ body language

■ **نوع نگرش**: وقتی با موقعیت‌های خاصی روبه‌رو می‌شوید، ممکن است عکس‌العمل شما نشان‌دهندهٔ ناتوانی شما باشد. در نتیجه، نه فقط خود شما احساس ناتوانی می‌کنید، بلکه این ناتوانی را منتقل می‌کنید: «من از پس این بچه بر نمی‌آیم».
به جای تمرکز بر ناتوانی، بر توانایی‌هایتان تمرکز کنید. این شما هستید که نگرش خود را باید اصلاح کنید، زیرا در غیر این صورت از انرژی شما کاسته می‌شود و کودک خیلی زود متوجه ناتوانی شما خواهد شد.

نکته

به یاد داشته باشید از واژهٔ «ما» به جای «من» استفاده کنید. مانند امروز ما می‌خواهیم نقاشی کنیم.

■ **صدا:** لحن و کیفیت صدا عامل مهمی در فعالیت‌های آموزشی شماست. صدای بلند (داد زدن) هرگز کارایی ندارد و کودک تنها به‌صوت، حرکات لب و صورت شما توجه می‌کند. سعی کنید صدایتان را پایین بیاورید و آرام و صمیمی باشید. صدای محکم با فریاد فرق دارد. تُن صدا پیام را می‌رساند، همان پیامی که قصدش را دارید. صحبت‌کردن با نرمش، با لحنی محکم و همدلانه خیلی بیشتر مؤثر است.
■ **انتظارات مثبت:** متأسفانه گاهی با پیش فرض‌های قبلی با کودک روبه‌رو می‌شوید. مثلاً به ما گفته‌اند این کودک لجوج است (یا برچسب‌های دیگر....). در صورتی که هرگز نباید با پیش داوری با کودک برخورد کنید و باید اصل بر این باشد که این کودک می‌تواند و چنین نیست که می‌گویند.
تأیید توانایی کودک به معنای این نیست که آنها حتماً گزینه‌های صحیح را انتخاب کنند بلکه این بدین معناست که کودک می‌تواند کار درست را انجام دهد. گاهی کودکان از اینکه با شما درگیر شوند لذت می‌برند. با حفظ آرامش و احترام به او توانمندی‌های کودک را بارز کنید. وقت برای فکر کردن به کودک بدهید و بلافاصله بعد از پرسش او را در دادن پاسخ نگران نکنید.
■ **خلاقیت:** خلاقیت یکی از ابزارهای حل مشکل است که به شما امکان می‌دهد تا راه‌های متفاوتی را امتحان کنید. به خصوص در مورد کودکانی که راه‌های انضباطی متداول را نمی‌پذیرند. شما به جای پاداش‌های متداول باید خلاقیت داشته باشید؛ مثلاً دادن حق انتخاب یا حتی همکاری با شما.
تمام سعی شما باید بر روی نقاط قدرت کودک متمرکز باشد و از علائق او بهره بگیرید. فراموش نکنید کودکانی که مشکلات رفتاری دارند بسیار خلاق‌اند.
■ **شوخ طبعی:** گاهی شوخ طبعی شما یک نوع ابزار قدرت است. شوخ طبعی می‌تواند به کودک بفهماند که دوستش دارید، در ضمن به داشتن قدرت خود مطمئن می‌شوید. شوخی‌ها نباید با تمسخر و یا کوچک‌کردن کودک همراه باشد. شوخ طبعی به معنای ریشخند یا مداخلاتی که باعث خجالت کودک می‌شود، نیست.
■ **ارتباط مؤثر:** کودکان نیز مانند بزرگسالان دوست دارند مقبول واقع شوند. بنابراین بگذارید کودکان متوجه شوند که شما تا چه حد صادق‌اید و در مورد آنها نظر منفی ندارید. تقویت روابط مثبت نیاز به تلاش و زمان دارد و کودکان خیلی زود متوجه صداقت و بی‌صداقتی می‌شوند و رفتارهای ساختگی را دوست ندارند. به قول کارل راجرز[1] تنها راه مؤثر، توجه مثبت بی‌قید و شرط است.

۱ـ KARL RAJERS روان‌شناس آمریکایی

■ **آشنایی با روش‌های آموزش:** شما باید با توجه به محتوای آموزش و سن کودک، روش آموزشی خاص آن را انتخاب کنید.

گفت‌وگو کنید



فعالیت ۲: به عنوان یک مربی، برای اینکه بتوانید با توجه به تفاوت‌های فردی کودکان، در هنگام اجرای فعالیت‌های آموزشی برخورد مناسبی داشته باشید چه توانمندی‌هایی لازم است کسب کنید؟

تمرین کنید



فعالیت ۳: با مراجعه به فعالیت ۱ یکبار دیگر به همان صورت، ویژگی‌های خودتان، سپس ویژگی معلم آرمانی‌تان را بنویسید و در جدول یادداشت کنید.

ویژگی‌های منِ مربی:

ویژگی‌های معلمِ آرمانیِ من:

پس از یادداشت‌کردن صفات معلم‌ها در جدول زیر، آن ویژگی را که مربوط به خودتان است، با دایره از بین ۱ تا ۷ و آنچه را که معلم آرمانی شما دارد با علامت ضربدر در جدول زیر مشخص کنید. این جدول به شما می‌گوید که با معلم آرمانی چقدر فاصله دارید.

	منِ مربی	رتبه‌بندی	معلمِ آرمانی
۱	خلاقیت داشتن	۱ ۲ ③ ۴ ۵ ✗۶ ۷	خلاقیت داشتن
۲	مهربان بودن	۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷	مهربان بودن
۳	توجه به لباس	۱ ✗۲ ۳ ۴ ⑤ ۶ ۷	خوش پوش بودن
۴			

تمرین کنید



فعالیت ۴: خودتان را با توجه به موارد فوق محک بزنید؛ فکر می‌کنید تا رسیدن به یک مربی مطلوب (ایده آل) چقدر فاصله دارید؟ گزارش آن را در کلاس ارائه دهید.

هدف توانمندسازی ۳ـ۳: اثر تشویق و تنبیه بر رفتار کودکان را تحلیل کند.

اثر تشویق و تنبیه بر رفتار کودکان

در کتاب‌های لغت در مقابل کلمهٔ «انضباط»، معانی متعددی چون نظم داشتن، آراستگی، نظم و ترتیب، پیروی کامل و سامان‌پذیری بیان شده است.

شاید در مسائل تربیتی زیباترین و کارآمدترین معنا برای این کلمهٔ تکراری، که مقالات بسیاری درباره‌اش نوشته شده است و خواهد شد، لغت «سامان‌پذیری» باشد. زیرا بیش از آنکه بخواهیم رفتار کودکی را به کلی تغییر دهیم و از او فرد دیگری بسازیم، هدف این است که اصلاح رفتار کنیم و رفتار او را سامان دهیم.

اغلب والدین و مربیان برای این «سامان‌دهی» راهکارهای گوناگونی به‌کار می‌گیرند، از جمله اخطار، تهدید، منع‌کردن و استفاده از تقویت‌کننده‌های رفتاری (مثل تشویق و مذاکره و ...).

با وجود تنوع و گوناگونی برخوردها، برای تشویق کودک به ادامهٔ همکاری سه‌راه زیر قابل بررسی است:

۱ کودک را تنبیه می‌کنیم.

۲ کودک را می‌ستاییم.

۳ تشریح می‌کنیم که چه می‌کرد بهتر بود؟

تنبیه

تنبیه، چه به‌صورت بدنی و چه خشونت کلامی و بدزبانی از جمله روش‌هایی است که مربیان و والدین برمی‌گزینند. از جمله فریاد زدن، کودک را جلوی دیگران سرزنش کردن، او را از فعالیت مورد علاقه محروم کردن. بی‌شک این مجموعه راهکارها نمی‌تواند تضمینی برای کنترل و اصلاح رفتار کودک باشد و چه بسا بزرگ‌ترها بعداً از کار خود نیز ناراحت می‌شوند و به دلجویی کودک می‌پردازند. علاوه بر این کودکان نیز یاد می‌گیرند که از همین روش در برخورد با دیگران استفاده کنند (شکل ۱).

از این رو تنبیه صِرفاً باعث تسلیم موقت کودک است و نتیجهٔ مثبتی ندارد و به یادگیری کمک نمی‌کند و تأثیری در اصلاح رفتار او ندارد. از طرف دیگر، چون کودکان اعتماد به نفس کمی دارند، هر برخوردی باعث سردرگمی آنها می‌شود و حالت تدافعی را در آنها افزایش می‌دهد و در نهایت دلسرد یا تسلیم می‌شوند.



شکل ۱ـ تنبیه

در سیستم آموزشی امروز، نتیجهٔ پاداش و تنبیه را زیان بخش می‌دانند، چرا که به مرور کودک می‌آموزد که پاداش حق اوست و برای هر کاری پاداش می‌خواهد و در قبال کار بد، تنبیه می‌شود و این نهایت کاری است که برای او اِعمال می‌گردد! در حالی که نه خوب بودن به پاداش (رشوه) نیاز دارد و نه بد بودن با تنبیه تبرئه می‌شود. وحشت از تنبیه صرفاً عامل باز دارندهٔ رفتارهای نادرست، برای مدتی محدود است.

یک مربی آگاه به جای تنبیه از پیامدهای منطقی استفاده می‌کند و از این طریق به کودک فرصت تجربه می‌دهد، تا بدین‌وسیله متوجه نتایج کارش شود و یاد بگیرد.

در این راستا به نکاتی چند باید توجه داشت:

- مقصود از تنبیه به توافق رسیدن است نه برنده شدن؛
- وظیفهٔ مربیان راهنمایی است نه بر عهده گرفتن مسئولیت کار کودک؛
- هرگز نباید از قدرت بزرگسالی (به عنوان مربی) برای مجبور کردن کودک استفاده کرد؛
- توجه به آهنگ و لحن صدا بسیار اهمیت دارد. (حرف‌های شما هنگام خشم و با صدای بلند مؤثر نیست. بیان یک جمله با حالت عصبی یا با آرامش، معنا و اثر آن را تغییر می‌دهد)؛
- وقتی اشتباه کردید حتماً عذرخواهی کنید و هرگز به علت کار یک کودک، کودکان دیگر را توبیخ نکنید؛
- هرگز کودک را به انتخاب یک الگوی رفتاری خاص مجبور نکنید.
- تنها باید رفتارهای مناسب را تقویت کنید.

نکته

از توجیهات نادرست پرهیز کنید، مثلاً کودک سلام نمی‌کند و ما به حمایت از او می‌گوییم سلام کرد شما نشنیدید.

تشویق

ستودن یا تشویق کودک، که معمولاً با کلمات محبت‌آمیز و دادن جایزه یا وعدهٔ جایزه همراه است، شاید در کوتاه‌مدت ثمربخش باشد، اما در اثر تکرار، واژه‌ها معنای واقعی خود را از دست می‌دهند و گرفتن پاداش هدف نهایی می‌شود، که آن هم به مرور بی‌رنگ می‌گردد. گاهی تشویق و تحسین به یک معنا توصیف می‌شود، در حالی که اندکی با هم تفاوت دارند (شکل ۲).







شکل ۲ ــ تشویق

همهٔ کودکان نیاز به تشویق دارند و زمانی که مرتکب اشتباه شوند این نیاز بیشتر می‌شود. بنابراین تشویق‌کردن کودک و چگونگی آن، نیاز به شناخت و تمرین دارد. به عنوان مثال افتادن ظرف شیرینی از دست کودک، به‌هنگام پذیرایی از مهمان می‌تواند باعث نگرانی او شود شما می‌توانید با گفتن جمله «نگران نباش، بیا تا با کمک همدیگر شیرینی‌ها را جمع کنیم» به تقویت اعتماد به نفس و افزایش مسئولیت‌پذیری کودک کمک کنید.
در حالی که تعداد محدودی از کودکان برای سوق داده شدن به سمت کارها و رفتار مطلوب به «تحسین» نیاز دارند. در این گروه، لذتی که پس از اجرای کار درست به‌دست می‌آید، همان پاداش است. در واقع تحسین باعث می‌شود که کودک به جای یافتن راه حل مطلوب برای حل مشکل، افکارش را متوجه این موضوع کند که دیگران چه می‌اندیشند و این نوع اندیشیدن به ایجاد هدف خیالی (مورد تحسین قرار گرفتن) به جای هدف واقعی (مثمر ثمر بودن) منجر می‌شود.
تحسین حتی گاهی دلسردکننده می‌شود آنگاه که فرد رضایتی کسب نکند و بالأخره تحسین مثل جایزه‌ای است برای فرد تا توجه وی را به خودش معطوف کند.
بنابراین، تشویق به کودک اطمینان می‌دهد که رفتار او را پذیرفته‌ایم و به این ترتیب جرئت و شهامت او را برای اجرای کار تقویت کرده‌ایم. در تشویق تنها گفتار تشویق‌کننده مهم نیست بلکه نحوهٔ گفتار و اعمال است که از اهمیت خاصی برخوردار می‌شود.
کودکان باید به مناسبت انجام دادن کاری که از آنها انتظار نمی‌رود تشویق شوند و برای بعضی نکات مثبتی که از خود نشان داده‌اند. هر چند پیشرفت آنها کمتر از حد انتظار باشد با تشویق شما پیشرفت خود را احساس می‌کنند و به تلاش خود ادامه خواهند داد.
بعضی از مربیان به جای تشویق یا تنبیه، خود را نسبت به کودک بی‌تفاوت نشان می‌دهند. گویی کودک وجود ندارد یا اصلاً کاری انجام نداده است. این بی‌تفاوتی می‌تواند به معنای توجه نکردن به موجودیت کودک باشد که بسیار زیان‌آورتر از تنبیه است و کارآیی بسیار کمی خواهد داشت. کودک اعتماد به نفس خود را از دست می‌دهد و گمان می‌کند که اصلاً دیده نمی‌شود.
بنابراین در تنبیه یا تشویق کودک لازم است موارد زیر رعایت شود:

- به جای تکیه بر نقاط ضعف، به نقاط مثبت توجه کنید و اورا به‌صورت کل در نظر بگیرید.
- به کودک نشان دهید که به او اعتماد دارید. این اعتماد باید صادقانه باشد.
- اشتباهات را شکست تلقی نکنید. شکست می‌تواند محرکی برای دستیابی به موقعیت جدید باشد.
- ترغیب و تحریک کودک برای رقابت، غالباً عامل تشویق‌کنندهٔ خوبی نیست زیرا توجه وی معطوف به برنده شدن است. به جای اینکه در جهت همکاری و مشارکت باشد.
- تشویق باید به‌گونه‌ای باشد که باور کودک را نسبت به خودش تقویت کند. تنها کسانی قادر به تشویق کودک‌اند که او را همان‌گونه که هست قبول داشته باشند.
- تشویق، انگیزه و محرک تلاش برای احساس مشارکت است و باعث می‌شود که فرد از توانایی خود برای مقابله با مشکلات آگاه شود.
- تماس چشمی را فراموش نکنید، به خصوص اگر با حرکات غیر کلامی همراه شود.
- عباراتی چون «تو می‌توانی» «کار تو بسیار خوب است» «بیا با هم این کار را انجام دهیم» «من مطمئن هستم» و.... از جمله مواردی است که می‌تواند در راستای تشویق باشد.
- نسبت به رفتارهای کودکان بی‌تفاوتی از خود نشان ندهید.

گفت‌وگو کنید

فعالیت۵: همه قصهٔ پند آموز[1] زاغک و روباه را شنیده یا خوانده‌اید. جملات روباه تحسین بود یا تشویق؟ در این مورد گفت‌وگو کنید.



شکل ۳ ـ قصه زاغک و روباه

در نهایت کودک باید احساس کند که به کلاس تعلق دارد و مربی و افراد خانواده دوستش دارند و نباید با سرزنش، تهدید، خواهش و تمنا، دشنام و تنبیه و چراها و طراحی قوانین من در آوردی و اگرها و بایدها (اشتباهات متداول) او را دلسرد کرد، در حالی که، با توجه به نکات مثبت (جرئت‌دادن، بارز کردن صفات مثبت، خود را کنترل کردن، الگو شدن و صحبت‌کردن واضح و صمیمی) می‌توان راه را برای بهتر شدن کودک هموار ساخت.

آماده‌کردن محیط شاد برای یادگیری

مربی برای ایجاد یک محیط شاد بهتر است موارد زیر را رعایت کند:

- قبل از شروع کار در کلاس، طرح درس منظمی را آماده کند.
- وسایل و ابزار کار را بررسی کند و در دسترس قرار دهد. توجه به نکات ایمنی ضروری است(شکل ۴).
- در برنامه‌ریزی برای کلاس به غیر از توجه به برنامهٔ روزانه، در برنامه‌های هفتگی فعالیت‌های گوناگون را بگنجاند.

۱ـ Fable

- رفتار و گفتارش توأم با مهربانی و ثَبات باشد.
- برای یادگیری بهتر، کودکان را به گفت‌وگوی گروهی و مشارکت دعوت کند.



شکل ۴ ـ نمایی از کلاس

نکته

در گفت‌وگوی گروهی سه هدف دنبال می‌شود:

۱ هنر گوش‌دادن را می‌آموزد و یاد می‌گیرد چگونه شنوندهٔ خوبی باشد.

۲ کمک می‌کند تا خود و دیگران را بهتر درک کند.

۳ برای کمک به یکدیگر ایجاد انگیزه می‌کند.

کودکی که نتواند افکار و تمایلات خود را با دیگران تقسیم کند، کودکی تنهاست و دائماً حالت تدافعی دارد. او نگران و مضطرب است، لذا از هر گونه مشارکتی دوری می‌کند.

چند توصیه به مربیان:

- به همهٔ کودکان توجه کنید و به گفته‌هایشان گوش دهید.
- برای جلوگیری از هر نوع تبعیض در بین کودکان، منصف باشید و برای پیشرفت کار به نکات مثبت تکیه کنید.
- بین رفتار کودک و خود او تفاوت قایل شوید. رفتار کودک را توضیح دهید اما هرگز خود او را طرد نکنید.
- مسئولیت را بین کودکان تقسیم کنید و آنها را به جمع‌آوری آشغال و نظافت کلاس ترغیب نمایید.
- هرگز فضای کلاس را از عکس و پوستر پر نکنید و همیشه در تغییر این فضا، متناسب با موضوع یادگیری، نوآوری داشته باشید.
- خلاق باشید.

تمرین کنید

فعالیت ۶ : به نظر شما یک کلاس آموزشی چگونه می‌تواند به یک محیط یادگیری شاد تبدیل شود؟ نظرات خود و دوستانتان را جمع‌بندی کرده و گزارش آن را در کلاس ارائه دهید.

هدف توانمندسازی ۴ـ۳: گام‌های اصلاح رفتار کودکان را به‌کار بندد.

لارنس استینبرگ[۱] روان شناس کودک در نتیجهٔ مطالعات و تحقیقات بیست‌و پنج ساله‌اش نشان داده که بهترین راهکار برای نیل به تغییر رفتار کودک می‌تواند درپنج گام طبق جدول زیر صورت گیرد[۲]:

جدول ۱ـ پنج گام تغییر رفتار کودک

گام اول: تشخیص	فرزند شما کج رفتاری بارزی را انجام می‌دهد.	تشخیص رفتار کودک
گام دوم: توصیف	شرح و توضیح علت برخوردی که دارید.	شرح علت رفتار شما
گام سوم: جایگزینی	پیشنهاد، نوعِ دیگر از رفتار که مورد قبول است.	پیشنهاد شما
گام چهارم: نوع تنبیه	راهی که شما برای کنترل رفتار بر می‌گزینید.	نوع برخورد شما
گام پنجم: انتظارات شما	انتظارات شما برای تکرار در دفعات بعد.	انتظار شما برای بعد

استینبرگ معتقد است «ما نیاز داریم که با آرامش و سرعت از این گام‌ها عبور کنیم و به کودک فرصت جروبحث ندهیم. از همه مهم‌تر اینکه برای اصلاح رفتار کودکان باید از همین حالا شروع کرد و کمتر آن را به فردا موکول نمود».

با طرح چند نمونه می‌توانید این گام‌ها را طبق جدول زیر تمرین کنید: یعنی تشخیص می‌دهید، شرح می‌دهید. جایگزین می‌کنید، تنبیه می‌کنید و بالاخره انتظار دارید.

جدول ۲ـ نمونهٔ راهکار برای پنج گام اصلاح رفتار کودک

طرح مسئله:	به کودک چهار ساله‌تان بارها و بارها گفته‌اید نباید با نق زدن و گریه و زاری چیزی را درخواست کند. حالا او قبل از ناهار با نق‌زدن و گریه از شما شکلات می‌خواهد.	پسر شش سالهٔ شما روی مبل نشسته، است و با ماژیک نقاشی می‌کند. او رویهٔ مبل را رِنگی کرده است، در صورتی که قبلاً به او گفته بودید روی مبل نقاشی نکشد.	کودک نه سالهٔ شما با کفش گِلی وارد منزل شده و کف راهرو را گِلی کرده است. در صورتی که قبل از ورود به منزل از او پرسیده بودید «ته کفشت گِلی نیست؟»
گام اول شناخت	وقتی چیزی را می‌خواهی لطفاً نق نزن و گریه هم نکن	به تو گفتم برای نقاشی، روی مبل نشین، مبل رنگی می‌شود.	بارها به تو گفتم قبل از ورود به منزل ته کفشت را تمیز کن چون راهرو گِلی می‌شود.
گام دوم توصیف	رفتار شما اخلاق مرا خراب می‌کند (مرا عصبانی می‌کند).	رنگ ماژیک، قابل شستن نیست و پاک نمی‌شود.	همین الان تمام راهرو را تمیز کرده بودم. حالا دوباره باید تمیز کنم.

۱- Dr. Larence Stienberg

۲ـ Ten Basic Principles of Good Parenting, May 2006. Bysimon & schus

گام سوم جایگزینی	وقتی گرسنه‌ای و نزدیک ناهار خوردن است می‌توانی یک هویج بخوری یا یک خیار.	اگر دوست داری نقاشی کنی، لطفاً این کار را روی میز آشپزخانه انجام بده.	پادری پشت در بود. اگر هم نمی‌توانستی ته کفش را تمیز کنی کفش را در می‌آوردی.
گام چهارم تعیین نوع تنبیه	تصمیم دارم چهاردقیقه به تو مهلت بدهم که بنشینی و آرام شوی، هر وقت مهلت تو تمام شد دیگر گریه هم باید تمام شود.	ماژیک‌ها را به من بده امروز و فردا اجازه نقاشی نداری.	حالا یک پارچه بردار و علاوه بر کفشت، زمین راهرو را هم تمیز کن.
گام پنجم انتظارات شما	مطمئن هستم دفعهٔ دیگر اگر بگویم قبل از ناهار نباید شکلات بخوری دیگر گریه و زاری نمی‌کنی.	این‌دفعه فراموش کرده بودی اما مهم این است که دیگر فراموش نکنی که مبل جای نقاشی نیست.	معمولاً در مورد سایر رفتارهایت همیشه خوب هستی. سعی کن این مورد را در آینده فراموش نکنی.

نکته

به‌یاد داشته باشید که از این سطوح باید با آرامش و سرعت عبور کرد و فرصت جر و بحث نداد. از حالا و امروز (اینجا و اکنون) شروع کنید و کمتر آن را به فردا موکول کنید. «نام کودک امروز است».

هدف توانمندسازی ۵ـ۳: دنیای امروز کودکان را بررسی کند.

شناخت دنیای امروز کودکان

گفت‌وگو کنید

فعالیت ۷: به نظر شما کودکان امروز با زمانی که شما کودک بودید چه تفاوتی دارند؟ در مورد چرایی این تفاوت‌ها و ویژگی‌های کودکان امروز گفت‌وگو کنید.

کودکان امروز در دنیایی متفاوت زندگی می‌کنند. آنها روزانه با موقعیت‌های گوناگونی روبه‌رو می‌شوند و در معرض رویدادهای مختلفی قرار می‌گیرند و لذا در آنها احساس نا امنی ایجاد می‌شود. این موقعیت‌ها شامل موارد زیر است:

- **سر و صدا و محرک‌ها:** کودکان، اغلب اوقات خود را در مقابل رسانه‌ها سپری می‌کنند در نتیجه فرصت اندکی برای رؤیاپردازی و تخیل دارند، چون رسانه این کار را برای آنها انجام می‌دهد و این چنین سکوت و آرامش را از آنها گرفته است.
- **مسمومیت‌های محیط زیست:** آلودگی محیط‌زیست، موادی که می‌خورند، هوایی که نفس می‌کشند، آبی که می‌نوشند همه و همه می‌تواند سلامت جثهٔ کوچک آنها را بیش از بزرگسالان تهدید کند، حتی امروزه نوع مواد غذایی مصرفی و تنقلات نیز برای آنها مشکل آفرین شده است.
- **خشونت:** استفاده از فیلم‌ها و دیدن برنامه‌ها و تبلیغات جنگ و خونریزی، قتل و خشونت هر لحظه آنها را در معرض رفتارهای خشونت‌آمیز قرار می‌دهد و این در حالی است که آنها توانایی تجزیه و تحلیل را ندارند. تکرار این برنامه‌ها و دیدن و شنیدن مداوم آنها، در واقع دعوتی برای اجرای آنهاست.

■ **پیامدهای متضاد:** تبلیغات وسیع رسانه‌ها، برخورد با انسان‌های بد و خوب، رفتارهای درست و نادرست، والدین عصبی و خسته، مکالمات بی ادبانهٔ بزرگسالان و قهرمانان سریال‌ها و حتی کارتون‌ها برای کودکان ارزش‌های اخلاقی گمراه‌کننده‌ای در پی‌دارند. در حالی که در گذشته الگوهای خانوادگی تعیین‌کننده بود.

■ **مشکلات خانوادگی:** امروز بیش از پیش کودکان در معرض مشکلات خانوادگی (طلاق، مرگ، تک والدها) قرار دارند که به نوبهٔ خود آسیب‌های متعددی را ایجاد می‌کند. در نتیجه کودکان امروز کمتر می‌آموزند که چگونه سرگرم شوند و چگونه بر بال خیال پرواز کنند. آنها حتی مهارت حل مشکل و برقراری ارتباط با دیگران را نیاموخته‌اند. آنها ساعت‌ها در مقابل تلویزیون یک یادگیرندهٔ منفعل هستند و فرصتی برای نوآوری به آنها داده نشده است.

کودکان در زمینه‌های زیر با بلاتکلیفی روبه‌رو هستند:

- ✓ چگونه مشکلی را حل کنند؟
- ✓ چگونه ارتباط برقرار کنند؟
- ✓ چگونه می‌توانند اشتباهات خود را رفع کنند؟
- ✓ چگونه دوست پیدا کنند؟
- ✓ چگونه هدف خود را تعیین کنند؟
- ✓ چگونه بازی کنند؟
- ✓ چگونه برهیجانات خود غلبه کنند؟

بنابراین بسیار طبیعی است که قرار گرفتن بیش از حد کودک در مقابل این مسائل، بستر مشکلات رفتاری را فراهم و در نتیجه به کودک آسیب می‌زند.

تمرین کنید

فعالیت ۸: از بین پویانمایی‌هایی که امروزه از تلویزیون پخش می‌شود مواردی را پیدا کنید که قهرمان آنها با مشکلاتی برخورد داشته و چگونه آن را حل کرده است. گزارش آن را در کلاس ارائه دهید.

هدف توانمندسازی ۶ ـ ۳: تأثیر مسائل دنیای امروز را بر رفتار کودکان تحلیل کند.

تأثیر مسائل دنیای امروز بر رفتار کودکان

گفت‌وگو کنید

فعالیت ۹: کودک امروز چه امتیازات مثبت و منفی نسبت به کودکان دیروز دارد؟ در گروه‌های کلاسی با یکدیگر گفت‌وگو کنید.

در برخورد با مسائل دنیای امروز، کودک رفتارهای متفاوتی از خود بروز می‌دهد از جمله:

■ **نشان دادن عکس‌العمل‌های نامناسب:** در صورتی که بین احساس کودک و توانایی اندیشه‌اش، تعامل مناسب وجود نداشته باشد، در مقابل هر مسئله و محرکی حتی محرکات ناچیز، عکس‌العمل شدید نشان

می‌دهد، به‌طوری که گاه اصلاً قابل پیش‌بینی نیست و برای خود او نیز واکنشی است که از آن بی‌خبر است. زیرا قادر به پردازش آن نیست، مانند گریه‌کردن یا امتناع از چیزی که اصلاً وجود ندارد و به‌قول بزرگ‌ترها ارزشش را ندارد.

■ **قطع رابطه:** کودکی که دچار آسیب‌های روانی می‌شود، طبیعی است برای غلبه‌کردن بر مشکل به دنبال ساده‌ترین راه یعنی قطع رابطه با آسیب و دور نگاه داشتن خود از آن است. گاه حواس پرتی یا استفاده از رؤیاهای بیداری و تمرکز نداشتن نیز می‌تواند او را از مشکل دور کند. قطع رابطه در حد افراط گاهی برای او یک وسیله دفاعی تلقی می‌شود.

■ **پردازش شناختی ناکارآمد:** کودک نمی‌تواند به علت ناتوانی در پردازش اطلاعات تصمیم‌گیری‌های درست داشته باشد. پس به جای تصمیم‌گیری و اقدام براساس شناخت، عملی که انجام می‌دهد بیشتر براساس هیجان است، مانند «براساس چه فکری، این کار را کردی؟» کودک یا جواب نمی‌دهد یا شانه بالا می‌اندازد یا می‌گوید «نمی‌دانم». در هر سه مورد او حقیقت را بیان می‌کند. او یاد گرفته است که جواب آنها دردسر ایجاد می‌کند، پس می‌گوید «نمی‌دانم». بنابراین این چه کاری بود که انجام دادی بهتر است از چرا این کار را انجام دادی.

در مورد بزرگسالان نیز بسیار اتفاق افتاده است که در هنگام ناراحتی یا عصبانیت، بدون فکر کاری انجام دهند، در حالی که دوست داشتند پاسخی مناسب برای ارائه داشته باشند. اما کودک قادر به چنین کاری نیست.

■ **بیش احساسی:** وقتی نتوانیم بین اندیشه و احساسمان تعامل داشته باشیم، گاه حساسیتی هیجانی و عاطفی بیش از اندازه پیدا می‌کنیم. کودکان نه تنها در مقابل محرکات عاطفی (مثلاً چرا دوستت را زدی؟) حتی با نور، صدا، تماس، موسیقی، رنگ، قرار گرفتن در مکان بسته یا آنچه آنها را به یاد آسیب بیندازد، بیش از حد احساسی برخورد می‌کنند.

هدف توانمندسازی ۷ـ۳: ویژگی‌های کودکان بدقِلق[1] را تحلیل کند.

ویژگی‌های کودکان بدقِلق

گفت‌وگو کنید

فعالیت ۱۰: در بازدیدهایی که از مرکز پیش از دبستان داشته‌اید، تجربهٔ خود را از رفتارهای کودکی که با دیگران سازگاری نداشته، در کلاس ارائه دهید.

دیدگاه کودکان امروز با دیدگاه کودکان دیروز تفاوت فاحش دارد. لذا باید با شناخت ویژگی‌هایشان با آنها رفتار کرد. ویژگی‌های کودکان بدقِلق عبارت‌اند از:

■ **درکی از آینده ندارند، زیرا نمی‌توانند انتزاعی بیندیشند (همین لحظه و همین مکان):** در صورتی که اکثر انضباط‌های سنتی براساس درک کودک از عواقب رفتارش است. کودکان امروز در پاسخ به اینکه در آینده چه‌کاره خواهند شد، معمولاً به آنچه در لحظه برایشان ملموس است فکر می‌کنند.

۱ـ منظور از کودک بد قِلق، کودکی است که هنوز نمی‌دانیم چگونه باید با او رفتار کنیم.

■ **در کنترل رفتار درونی مهارت ندارند**[1]: کنترل این رفتار (خویشتن‌داری) مهارتی است که باید آموخته شود. کودک از کجا بیاموزد؟ فرهنگ استکباری حاکم بر رسانه‌های غربی و استعماری همواره بر خشونت، زیاده‌خواهی، قتل، غارت و... تأکید دارد، در حالی که خویشتن‌داری الگو می‌خواهد و زمان و تداوم، که در اختیار کودکان امروز نیست.

■ **در کنترل نیازها و خواسته‌ها ضعیف اند:** کنترل نیازها نتیجهٔ تعلیم و بلوغ است. وقتی کودک از نظر رشد دچار وقفه شود، مستعد عمل‌کردن بدون تفکر است. بزرگسالان متوجه این وقفهٔ رشد کودکان نیستند و از آنها انتظار دارند که خواست‌های درونی خود را کنترل کنند. در حالی که بر آوردن آنها ممکن نیست، زیرا کنترل این غرایز توانایی می‌خواهد.

■ **به روش‌های انضباطی سنتی بی‌اعتنا هستند:** اکثر روش‌های سنتی معطوف به شناخت کودک در آینده است. در حالی که کودک قادر به درک آیندهٔ تصویر شدهٔ بزرگسالان نیست: «اگر خوب غذا نخوری، خوب رشد نخواهی کرد و یا اگر برای یادگیری تلاش نکنی، در آینده موفق نخواهی شد». اِعمال چنین روش‌هایی به کودکی که در اینجا و اکنون زندگی می‌کند هدر دادن وقت است و مربی را بیشتر دلسرد می‌کند.

■ **در مقابل زور و تهدید عکس‌العمل منفی شدید نشان می‌دهند:** ترساندن کودک نتیجهٔ عکس دارد. واژه‌ها و حرکات تهدیدکننده باعث می‌شود او خود را در جنگ مهلکی حس کند و عکس‌العمل شدید نشان دهد (خشم، طفره رفتن، رفتار تدافعی). بسیاری از کودکان بدقِلِق اکثر اوقات عمیقاً افسرده، ناامید و مأیوس‌اند و در چنین حالتی تنبیه بی‌فایده است.

■ **به راحتی مات و مبهوت می‌شوند:** این کودکان در شرایط آسیب‌زا، از این ویژگی به عنوان یک مکانیزم دفاعی (کنار آمدن) استفاده می‌کنند. این حالتِ مات و مبهوت را خود انتخاب نمی‌کنند. بلکه این حالت در صورت فشار و تهدید، خود به‌خود اتفاق می‌افتد و مجبور کردن آنها برای خروج از آن نتیجهٔ عکس دارد.

■ **قادر نیستند احساسات و افکار خود را به روشنی بیان کنند:** وقفهٔ در رشد، بر کسب مهارت گفتاری اثر می‌گذارد و مهارت کلامی ناقص می‌شود. این در مورد بزرگسالانی که نمی‌توانند احساسات واقعی خود را بروز دهند نیز صادق است. ما اغلب، سکوت کودکان را به اشتباه، اعتماد نکردن آنها به بزرگسال یا بی‌میلی در



شکل ۵ــ کودک بدقِلِق

۱- internalized behavior

بیان احساسات واقعی تلقی می‌کنیم، که بیشتر اوقات غلط است. آنها قادر به تشخیص احساس خود نیستند تا بتوانند آن را برای دیگران توصیف کنند.

■ **از نظر جسمانی همیشه بی‌قرار یا سست و بی‌حرکت‌اند:** بعضی از آنها نمی‌توانند آرام بگیرند و همیشه آمادهٔ ستیزند. آنها حس پایدار مواجهه با خطر را اغلب به‌طور ناخودآگاه احساس می‌کنند و بر اثر این احساس تهدید، دائم از نظر هیجانی بی‌اعتنا و از لحاظ جسمانی بی‌تحرک، پر تحرک و بی‌قرار می‌شوند، مدام حرکت می‌کنند و به اصطلاح در یکجا بند نمی‌شوند.

هدف توانمندسازی ۸ـ۳: اصول کار با کودکان بدقِلِق را به کار ببندد.

اصول کار با کودکان بدقِلِق

اصول کار با کودکان بدقِلِق شامل موارد زیر است:

۱ به دنبال پاسخ باشید. عکس‌العمل نشان ندهید.

طراحی پاسخی مؤثر، قبل از بروز رفتار مبتنی بر بدقِلِقی (خشم، نومیدی، دلسردی، انرژی‌گیری)

۲ شما نمی‌توانید کودک را مجبور به رفتار درست کنید.

به تنبیه بی اعتنا هستند و به محدودیت توانایی شما برای مجبورکردنشان آگاه‌اند.

۳ رفتار، پیامد نیازها و احساسات است.

پس باید به آنها توجه کرد وگرنه رفتار تغییر نمی‌کند. آنها به ندرت از احساسات و نیازهایشان آگاه‌اند. اما اگر تکرار می‌کنند شما باید نیازهایش را بشناسید.

۴ اگر پاسخ برگزیدهٔ شما مهارتی را تعلیم ندهد، مؤثر نخواهد بود.

این کودکان، در انتخاب درست ناتوان‌اند، زیرا مهارتش را ندارند. پاسخ شما باید به‌گونه‌ای طراحی شود که مهارتی را به آنها تعلیم دهد (آموزش محور).

۵ آنچه را که می‌خواهید انجام دهند بگویید، نه آنچه را نباید انجام دهند.

برای دستیابی به اهداف آموزشی ونیز حفظ ایمنی باید بدانند چه معیارهایی از آنان را قبول دارید و چرا باید همهٔ این معیارها را بپذیرند. مانند اینکه به آنها بگویید «باید زمان ترک کلاس، میزها را مرتب کنید». چرا باید این چنین باشند، هدف شماست.

۶ اگر رفتاری در محیط کار ناپسند است، در کلاس آن را مردود بشمارید.

کودکان باید برای زندگی آماده شوند نه برای فقط کلاس و محیط آموزشی. آنها باید مهارت خویشتن‌داری و معیارهای ارتباطات فردی را بیاموزند، در غیر این‌صورت توانایی برخورد با مسائل زندگی را ندارند.

۷ کودکان مجبور نیستند راهکارهای شما را دوست داشته باشند.

کودکان باید احساسات خود را آزادانه بیان کنند اما باید توجه داشته باشند که نمی‌توانند هر چه را می‌خواهند انجام دهند.

۸ کودکان ناچار نیستند دوستتان داشته باشند.

روابط دوستانه مهم است و رفتار احترام آمیزِ دو جانبه الزامی است. اما لازمه‌اش دوست داشتن، همیشگی نیست.

۹ اگر طالب احترام هستید محترمانه رفتار کنید.
به صِرف بزرگسالی نباید با کودکان با احترام رفتار نکرد.
اگر کاری را تا به امروز انجام می‌دادید، تکرار کنید؛ همان نتیجه قبلی تکرار می‌شود.
۱۰ تغییر رفتار دیگران مشکل است. شما باید تغییر کنید.
۱۱ خنده را هرگز فراموش نکنید.

تمرین کنید

فعالیت۱۱: در بازدید از یک مرکز پیش از دبستان، اصول کار مربی با یک کودک بدقِلِق را مشاهده کنید و گزارش آن را در کلاس ارائه دهید.

هدف توانمندسازی ۹ـ۳: مشکلات رفتاری کودکان را توضیح دهد.

مشکلات رفتاری کودکان

گفت‌وگو کنید

فعالیت ۱۲: رفتار کودکی را که در برابر هر درخواستی نق می‌زند و بهانه می‌گیرد در نظر بگیرید. چه عواملی می‌تواند در بروز این رفتار تأثیر داشته باشد؟ راجع به آنها در گروه‌های کلاسی گفت‌وگو کنید و فهرستی از آنها ارائه دهید.

مشکلات رفتاری کودکان ناشی از عوامل وراثتی و محیطی است. در این قسمت به مشکلات محیطی ایجاد شده در مراکز پیش از دبستان که فراوانی بیشتری دارند، اشاره می‌شود.
قرار گرفتن بیش از حد کودکان در مقابل این عوامل بر رفتار آنها اثر می‌گذارد و به مشکلات رفتاری کودک منجر می‌گردد. با شناخت بهتر این کودکان می‌توان جهت اصلاح رفتارشان برنامه‌ریزی کرد. هر چند تغییر رفتار به تنهایی کافی نیست و باید در تغییر انگیزهٔ کودک نیز تلاش کنیم. این مسئله در مورد کودکان، به ویژه پیش‌دبستانی‌ها، حتی تا ده سالگی به‌آسانی امکان‌پذیر است و مؤثر خواهد بود.
طبق نظر دریکوز[۱]، پس از مشاهدهٔ صدها کودک ناسازگار، علت ناسازگاری (رفتار نادرست) آنها می‌تواند در چهار زمینهٔ زیر متمرکز شود که به ترتیب اهمیت عبارت‌اند از:
الف) جلب توجه؛
ب) قدرت نمایی؛
ج) انتقام‌جویی؛
د) ناتوانی یا بی‌کفایتی.
کودک بد رفتار، برای تأمین اهداف خود به رفتاری هدفدار دست می‌زند. اگر موفق نشد، شیوه دیگری بر می‌گزیند. آیا مربی می‌تواند «هدف» را از «رفتار» کودک تشخیص دهد؟

۱ـ Rodolf Dreikurs

تمرین کنید

فعالیت ۱۳: با تصور مربی یک مرکز پیش از دبستان بودن به سؤالات زیرچه پاسخی می‌دهید؟

۱ احساس شما از کودکی که رفتار نادرستی از وی سر می‌زند، چیست؟

۲ واکنش شما در برابر رفتار مشکل آفرین کودک چیست؟

۳ برخورد کودک نسبت به تلاش اصلاح گرایانهٔ شما چگونه است؟

۴ آیا شما علت بد رفتاری را تشخیص می‌دهید؟

نکته

به یاد داشته باشیدکه تنها راه حذف رفتار نادرست شناخت اهداف کودک، نیست و هرگز نباید خود کودک را تحت عناوین زورگو، ناتوان، پرخاشگر و... طبقه‌بندی کنید. در نهایت مربی آگاه می‌تواند با جلب توجه و همکاری سایر کودکان مأیوس‌ترین کودک را با تعلقی که نسبت به گروه احساس می‌کند، به تغییر رفتار دعوت کند.

هدف توانمندسازی ۱۰ـ۳: مشکلات رفتاری کودکان جلب توجه‌کننده را تحلیل و اصلاح کند.

الف) کودک جلب‌توجه کننده





شکل ۶ـ کودک جلب توجه‌کننده

«مریم کوچولو برای چهارمین بار، موقع نقاشی مدادش را به زمین می‌اندازد. او این کار را بارها و بارها انجام می‌دهد و مربی از حرکت او همیشه ناراحت است.»

آیا او می‌خواهد جلب توجه کند؟ وقتی شما مطمئن شدید که کار او جلب توجه است می‌توانید از روش‌های اصلاح‌کنندهٔ زیر استفاده کنید:

- باید حرکات تعمدی او (به زمین انداختن مداد) را نادیده بگیرید و در فرصت‌های مناسب‌تر دربارهٔ آن صحبت کنید.

■ در مواقع دیگر از کودک به سبب همکاری‌هایی که می‌کند تعریف کنید و نشان دهید که به او توجه دارید. البته این تعاریف نباید در زمانی باشد که او سعی درجلب توجه دارد.
■ باید به تدریج به او نشان دهید که به عنوان عضوی از گروه مورد احترام است. در این صورت او دیگر لزومی نمی‌بیند که کار بدش را تکرار کند.
«نادر سعی می‌کند در جمع، روش‌های جامعه پسندی را از خود نشان دهد، حرکات خنده‌آوری داشته باشد و جملات طنزی بگوید، به‌طوری که گاه بسیار مورد رضایت بزرگسالان قرار می‌گیرد.»
آیا این رفتارها نابه‌هنجار[1] است؟ ظاهراً این رفتارها از نوع مشکل رفتاری نیستند. اما وقتی درست فکر کنید متوجه می‌شوید که هدف او یادگیری و همکاری نیست. او فقط می‌خواهد به هر قیمت جلب توجه کند و به مرور این رفتارها ایجاد مزاحمت می‌کند.
در واقع منطق اشتباه کودک این است که به هر قیمت جلب توجه کند و چون موفق نمی‌شود به رفتاری غیرمعمول روی می‌آورد. او، به تدریج با خنداندن اقدام به جلب توجه دیگران می‌کند، حتی اگر به قیمت آزردن دیگران باشد. در نمایش خلاق، به این کودکان می‌توان نقش رهبری داد یا در سرگرمی‌ها، به آنان نقش مجری برنامه داده شود.

کودک آزاردهنده

«پرو یز دوست دارد با پنهان‌کردن وسایل دوستش یا پرتاب‌کردن آن به سمت دیگر اتاق یا به‌طرف همبازی‌ها به او آزار برساند.»
او هم یک کودک است که برای جلب توجه، دست به رفتار آزاردهنده می‌زند. بنابراین این گروه از کودکان، تحت عنوان «آزار دهنده‌ها»[2]، می‌توانند با رفتارهای خود دیگران را اذیت کنند.
گاهی کودکان، که به نظر ما بسیار خوب‌اند و گفتارهای هوشمندانه دارند و به نظر می‌رسد برای پذیرش جامعه رفتارهای مفید انجام می‌دهند، چنانچه نتوانند توجه دیگران را به خود جلب کنند، مأیوس می‌شوند و به گروه آزاردهنده می‌پیوندند.

کودک مخرب و آزار دهنده

بارزترین این گروه زورگویانی هستند که برای کسب امتیاز اجتماعی و مادی از دیگران[3] آگاهانه به آزار، تهدید، استهزا و ترساندن روی می‌آورند.
زورگویی از این گروه در محیط‌های آموزشی و در خارج از آن سر می‌زند و دامنهٔ آن از مهد کودک تا پایان تحصیلات ادامه دارد[4].
تحقیقات[5] نشان داده است از هر چهار کودک یک کودک زورگویی می‌کند یا قربانی زورگویی است. میزان آن در پسران سه برابر دختران است و مدت زورگویی‌ها با توجه به شدت و کاستی آن متغیر است و گاهی حدود یک سال طول می‌کشد.

۱ـ misbehavior
۲ـ nuisance
۳ ـ Bulling
۴ ـ Bolton and underwood۱۹۹۲
۵ـ۱۹۹۱ الیوت




شکل ۷ ــ کودک زورگو

معمولاً کودک زورگو در درس ضعیف است و محبوبیت وی در بین معلمان کم است و ریشهٔ این رفتار را می‌توان حتی در خانواده جست‌وجو کرد.
قربانیان این گروه افرادی نا ایمن و مضطرب‌اند. آنها از نظر جسمانی و سنی پایین‌تر از زورگویان‌اند و پیوند عاطفی و وابستگی بیشتری با خانواده دارند. لذا در محیط و در گروه بیشتر احساس تنهایی می‌کنند[1].
این کودکان با سؤالات پی‌درپی، یا تنبلی یا حتی خجالتی نشان دادن خود، ترجیح می‌دهند تنبیه شوند یا مورد تمسخر قرار گیرند. دامنهٔ این رفتار گاهی چنان گسترده می‌شود که به صورت مشکل در تغذیه، لکنت، سرپیچی از انجام‌دادن یک فعالیت نیز نشان داده می‌شود.
در اینجا مربی دائماً مواظب کودک مخرب است که به خود لطمه نزند و او را نصیحت می‌کند. در نتیجه چنین کودکی به هدفش رسیده است، زیرا توجه و وقت مربی را به خود جلب کرده است. او در جست‌وجوی اثبات موقعیت یا گرفتن تأییدی است که تقریباً در بین کودکان پیش دبستانی عمومیت دارد.

روش‌های اصلاحی مربی

- به او و رفتارش بی‌اعتنایی ظاهری شود. در موارد دیگر نیز زیر نظر باشد.
- زمانی که او با انجام کار نادرست توجه شما را می‌خواهد، به او توجه نکنید.
- ناراحتی خود را نشان ندهید.
- تنبیه کردن، نصیحت و اعتراض خود یک نوع توجه است.
- تشویق کودک به مشارکت و همکاری باعث می‌شود که او به تدریج جایگاه خود را در گروه پیدا کند.
- در مورد زورگویان حتماً با سایر مربیان و مشاورین صحبت کنید و مراقبت‌ها را افزایش دهید.

تمرین کنید

فعالیت ۱۴: رفتارهای یک کودک مخرّب و آزار دهنده را در قالب یک داستان نوشته و در کلاس ارائه دهید. سپس روش‌های اصلاحی را به کمک سایر دوستانتان مطرح و جمع‌بندی کنید.

۱ـ Totum. Herbert

هدف توانمندسازی ۱۱ـ۳: مشکلات رفتاری کودک قدرت طلب را تحلیل و اصلاح کند.

ب) کودک قدرت طلب

«کیوان، می‌توانی تعدادی از وسایل ساختمان‌سازی را به دوستت بدهی؟» نمی‌توانم چون هنوز به آنها احتیاج دارم، «تو خیلی وسیله داری، می‌توانی چند تا را به دوستت بدهی». نه نمی‌دهم!



شکل ۸ ـ کودک قدرت‌طلب

کودکان سرکش[1] غالباً مخالفت می‌کنند، حتی دروغ می‌گویند و جنجال آفرین هستند. آنها از انجام دادن هر کاری سر باز می‌زنند و میل دارند همه چیز در اختیارشان باشد.

رئیس‌بازی کودکان قدرت طلب یا سرکش، شبیه آزاردهنده‌های مخرب است با میزانی شدیدتر برای جلب توجه‌کردن. سرزنش آنها و خواهش از آنها باعث شدت عمل در رفتارهایشان می‌شود. گاهی او با سرباززدن از اجرای کاری، یا ناقص انجام دادن آن، نافرمانی خود را نشان می‌دهد. این مسئله گاه تا حدی پیش می‌رود که دچار فراموشی می‌شود یا با لجبازی همکاری نداشتنش را ادامه می‌دهد.

نکته

معمولاً در قبال چنین کودکانی شما موقعیت خود را در خطر می‌بینید. اما به یاد داشته باشید هر نوع غلبه بر کودک، پیروزی را برای کودک به ارمغان می‌آورد. پس به سادگی به او بگویید «این هم نظری است» سپس کار درست خودتان را ادامه دهید.

روش‌های اصلاحی مربی

- با کودک مبارزه نکنید و دلسرد نشوید و خویشتن دار باشید.
- خود را از درگیری با او دور نگاه دارید و به او احترام بگذارید.
- جاه طلبی اش را در مسیر مفید دیگری به جریان بیندازید، به کودک متقاضی بگویید «وسایل ساختمان‌سازی جدیدی رسیده است، آنها را با هم بررسی کنیم».
- می‌توانیم او را برای کمک به کودکان دیگر موظف نماییم.
- به او، تا حدی که سوء استفاده نکند، مسئولیت بدهید تا احساس اعتبار کند (مثل هدایت کودکان برای رفتن به ناهارخوری).
- به جای تهدید از او درخواست کمک کنید. درخواست کمک مؤثرتر از تهدید است، (مثلاً دستم به آن نمی‌رسد به من کمک کن).

۱ـ rebel

- از قدرت نمایی‌های او برای شرکت در مسابقات استفاده کنید.
- او را تحریک نکنید و بی‌توجه از کنارش بگذرید.
- با محبت، برخورد قاطع و به‌جا (به موقع)، به او کمک کنید به جایگاه خودش برسد.

هدف توانمندسازی ۱۲ـ۳: مشکلات رفتاری کودکان انتقام جو را تحلیل و اصلاح کند.

ج) کودک انتقام جو





شکل ۹ـ کودک انتقام جو

«کودکی از انجام دادن تکالیفش سرپیچی می‌کند. او باید یک نقاشی را رنگ‌آمیزی کند، در صورتی که تمام کاغذ را خط خطی و پاره می‌کند. او به همه کس بی‌اعتناست. در عین حال کاردستی دیگران را نیز خراب می‌کند. یا همسایگان گزارش دادند کودکی آجری را از پنجره به درون خانه شان پرتاب کرده است یا ساختمان چوبی‌ای را که دوستانش ساعت‌ها برای ساختش وقت صرف کرده بودند، خراب کرده است.»

وقتی کودک احساس کند که نتوانسته است از راه قدرت‌طلبی موفقیتی به‌دست آورد، راه دیگری را برای انتقام گرفتن برمی‌گزیند. او فکر می‌کند که دیگران سد راه او شده‌اند و احتمال می‌دهد با آزار دیگران به هدف خود برسد. تصورش نیز این است که دیگران در مورد او منصف نبوده‌اند، به همین جهت او را طرد کرده‌اند و دیگر دوستش ندارند. بی‌اعتمادی چنان در او شدت می‌یابد که عذر و بهانهٔ دیگران برایش بی‌اثر است. لذا تند و خشن می‌شود و آزار و اذیت را پیشه می‌کند و تنها زمانی احساس پیروزی می‌کند که بتواند مقابله به مثل نماید.

چنین کودکی چنان که اصلاح نشود به سمت کارهای پرخطر پیش می‌رود و سر دستهٔ گروه‌هایی چون خود می‌شود (دزدی، خرابکاری، شکستن شیشه‌ها و....). گاهی هم ممکن است با پرتاب سنگ و لگد زدن به هم‌کلاسی‌ها، بزرگ‌ترها و حتی حیوانات اهلی آسیب برساند، آنها را گاز بگیرد و حتی به آنها چنگ بزند و وقتی در کاری با شکست روبه‌رو شود به سرعت نقشهٔ دیگری را، که با شدت عمل بیشتری همراه است، دنبال می‌کند.

طرح چراها و انتظار پاسخ از او روش مناسبی نیست. زیرا چه بسا او در سطحی از آگاهی باشد که نتواند دلیل کارش را ابراز کند.

روش‌های اصلاحی مربی

- فریاد و تنبیه هیچ کدام اثر بخش نیست و هر دو باعث سرکشی بیشتر می‌شود.
- به کودک تفهیم کنید که با تغییر رفتار است که می‌تواند مورد توجه قرار گیرد و محبت همسالان را دریافت کند. (گرچه درک این مسئله، مشکل و گاه غیر ممکن است).
- از همکاری و همراهی گروه همسالان استفاده کنید.
- به یاد داشته باشید که چنین کودکی در نهایت مأیوس است بنابراین باید او را با محبت و همدلی آرام کنید.
- هرگز به کودک نگویید ناراحت شده‌اید.
- کاری را که انتظار ندارد انجام دهید.
- به او تفهیم کنید که دوستش دارید و از تشویق‌های گروهی استفاده نمایید.
- با خشم و عصبانیت با او سخن نگویید، زیرا هرگز به حرف‌های شما گوش نمی‌دهد.
- بهتر است گاهی او را تنها بگذارید، زیرا وقتی متوجه شد تماشاگری ندارد آرام خواهد شد.
- بهتر است با یک مشاور صحبت کنید.

گزارش تهیه کنید

فعالیت ۱۵: در بازدید از یک مرکز پیش از دبستان کودکی که به زور وسایل دیگران را می‌گیرد را مشاهده کنید. ویژگی‌های رفتاری او، همچنین روش‌های برخورد مربی با او یا رفتارهای مشابه آن را در قالب یک گزارش در کلاس ارائه دهید.

هدف توانمندسازی ۱۳ـ۳: مشکلات رفتاری کودک ناتوان را تحلیل و اصلاح کند.

کودک ناتوان

«عزیزم می توانی حیوانات قصه‌ای را که برایت تعریف کردم بکشی» یا «نقاشی‌ای که دوست‌داری بکش». نه نمی‌توانم!

گروهی از کودکان با ابراز ناتوانی، می‌توانند منِ خود را پنهان کنند. این ناتوانی گاهی واقعی است (نمی‌تواند نقاشی کند یا با قیچی شکلی را ببرد) و گاه فقط ابراز ناتوانی است و در چنین حالتی ترجیح می‌دهد کاری نکند، زیرا راحت طلب است یا از اینکه مقایسه شود می‌ترسد و احساس حقارت می‌کند یا بدین‌وسیله توجه شما را بیشتر به خود جلب می‌کند.



شکل ۱۰ـ کودک خجالتی

به یاد داشته باشید که این گروه کودکان خود را بی‌دفاع نشان می‌دهند و دوست دارند دیگران به آنها کمک کنند و این حالت مرتب بیشتر و بیشتر می‌شود و چنانچه از این طریق نتوانند رضایت خاطر به‌دست آورند، مأیوس می‌شوند و روش غیر مفید دیگری را انتخاب می‌کنند.
با توجه به عزت نفس[1] بسیار ضعیفی که این کودکان دارند، احساس می‌کنند با این روش، خود را در پس این ناتوانی‌ها بیشتر پنهان کنند و مورد ارزیابی نیز قرار نگیرند.
طبیعی است که او به ندرت در فعالیت سایر کودکان شرکت می‌کند، ضمن اینکه دیگران نیز درخواستی از آنها نخواهند کرد. اغلب این کودکان بسیار توانا هستند، اما نقش یک ابله یا ناتوان را بر دیگر نقش‌ها ترجیح می‌دهند.

روش‌های اصلاحی مربی

- کودک را به حال خود بگذارید و برای وادار کردنش به انجام کاری تلاش نکنید.
- هرگز او را سرزنش نکنید. حتی وقتی مرتکب اشتباه می‌شود به تشویق و دلگرمی نیاز دارد، او را مأیوس نکنید.
- امیدتان را از دست ندهید و او را کنار نگذارید تا حس حقارتش بیشتر نشود.
- ویژگی‌های مثبت او را بارز کنید و نگذارید منفعل شود.
- نوع فعالیت را تغییر دهید تا توانمندی‌هایش بارز شود.
- وقتی او علاقه به کاری را نشان می‌دهد به او فرصت صحبت بدهید.

گزارش تهیه کنید

فعالیت ۱۶: در بازدید از یک مرکز پیش از دبستان، کودکی که دوست ندارد فعالیتی را انجام دهد، مشاهده کنید و ویژگی‌های رفتاری او و روش‌های برخورد مربی با او را در قالب یک گزارش تهیه و در کلاس ارائه دهید.

هدف توانمندسازی ۱۴ـ۳: نکات قابل توجه مربیان در رابطه با کودکان مشکل‌دار را بررسی کند.

نکات قابل توجه مربیان در خصوص کودکان مشکل‌دار

برای اینکه به عنوان یک مربی بتوانید برخورد مناسبی با کودکان مشکل‌دار داشته باشید، توصیه‌های زیر می‌تواند کمک کننده باشد:

- خونسردی خود را در تمام مدت حفظ کنید.
- نفس عمیق بکشید. تغییر در تنفس باعث تغییر در تفکر می‌شود.
- زمانی را برای فکر کردن به خودتان اختصاص دهید.

۱ـ self - esteem

- مقتدر باشید نه مستبد.
- آینده را برایش خلق کنید.
- توانایی انتخاب‌های صحیح آنها را تأیید کنید.
- آرام و با ثبات باشید.
- فرد را از رفتارش متمایز کنید.
- جلساتی را برای صحبت با والدین برنامه‌ریزی کنید.

برای برگزاری این جلسات به نکات زیر توجه کنید:

✓ قبل از بروز مشکلات، با والدین صحبت کنید. تفاهم بین مربی و والدین به آنها اطمینان می‌دهد که شما نسبت به کودکان متعهد هستید.

✓ آغاز جلسات را با صحبت‌هایی مانند گزارشی از وضعیت مهد شروع کنید و به بررسی اهدافی بپردازید که گمان می‌کنید با آنها موافق‌اند.

✓ همیشه گفت‌وگو را از توانایی‌های کودک شروع کنید.

✓ به صحبت‌های والدین به دقت گوش کنید و به بازخوردهای آنها توجه داشته باشید. این بازخوردها راهگشای خوبی برای شماست.

✓ در استفاده از کلمات دقت کنید و از جملاتی چون «فرزند شما حواس پرت است»، «دقت ندارد»، «مشکل آفرین است و...»، خودداری کنید.

✓ همیشه خونسرد باشید و از انتقاد آنها دلخور نشوید و حالت تدافعی به خود نگیرید.

نکته

لازم است دربارهٔ خود توضیحاتی بدهید اما دفاع از خود همه چیز را خراب می‌کند. دفاع از خود گاه آنها را به خشم می‌آورد. در صورتی که توضیحات سبب می‌شود شما را درک کنند.

✓ به آنها اطمینان بدهید که می‌خواهید مشکل را حل کنید:« ما هردو می‌خواهیم که ... اما باید به گونه‌ای مشکل را حل کنیم».

✓ نگرانی‌ها را بهتر است با فاعل «من» شروع کنید:«من فکر می‌کنم که خشونت یا بی توجهی کودک... روزبه روز بهتر می‌شود».

✓ خونسرد باشید و با آرامش راه خود را ادامه دهید و هرگز مضطرب نشوید.

✓ مشورت با سایر همکاران را فراموش نکنید.

جست‌وجو کنید

فعالیت ۱۷: درخصوص روش‌های برخورد مربی با کودکانِ مشکل‌دار در منابع علمی‌جست و جو کنید و یک نوشته (بروشور) ارائه دهید.

تمرین کنید

فعالیت ۱۸: با جست‌وجو در منابع علمی، تصاویری از کودکان مشکل‌دار تهیه کنید و به‌صورت پوستر در کلاس نمایش دهید.

تمرین کنید

۱ رفتار مربی را تحلیل کنید.
۲ فهرستی از توانمندی‌های یک مربی را در جهت حل مشکل کودکان تهیه کنید.
۳ یک محیط یادگیری شاد را برای کودکان طراحی کنید.
۴ بهترین راهکار برای رسیدن به اصلاح رفتار کودکان را بررسی کنید.
۵ دنیای کودکان امروز را تحلیل کنید.
۶ تأثیر مسائل دنیای امروز را بر رفتار کودکان تحلیل کنید.
۷ عوامل ایجادکنندهٔ مشکلات رفتاری کودکان را بررسی کنید.
۸ چند موقعیت (داستانک) در زمینه مشکلات رفتاری کودکان طراحی کنید.
۹ برای مشکلات رفتاری کودکان (بدقِلِق، آزاردهنده، قدرت طلب و...) روش‌های اصلاحی ارائه دهید.
۱۰ نکات کلی را در برخورد با مشکلات رفتاری کودکان، ارائه دهید.

خودارزیابی پایانی پودمان ۳				
واحدیادگیری: شناخت مشکلات کودکان در پیش از دبستان				
این کاربرگ برای ارزیابی دانش و مهارت شما در زمینهٔ شناخت مشکلات کودکان در پیش از دبستان تهیه شده است.در هر سؤال بیشترین امتیاز سه و کمترین امتیاز یک است. بر این اساس خود را ارزیابی کنید و به خود امتیاز دهید.				
ردیف	**موارد**	**۳**	**۲**	**۱**
۱	تا چه حد می‌توانید رفتار مربی را تحلیل کنید.			
۲	تا چه حد می‌توانید فهرستی از توانمندی‌های یک مربی در جهت حل مشکلات کودکان تهیه کنید.			
۳	تا چه حد می‌توانید برای کودکان محیط یادگیری شاد طراحی کنید.			
۴	تا چه حد می‌توانید بهترین راهکار را برای رسیدن به ساماندهی رفتار کودکان بررسی کنید.			
۵	تا چه حد می‌توانید دنیای کودکان امروز را تحلیل کنید.			
۶	تا چه حد می‌توانید تأثیر مسائل دنیای امروز را بر رفتار کودکان تحلیل کنید.			
۷	تا چه حد می‌توانید عوامل ایجادکنندهٔ مشکلات رفتاری کودکان را بررسی کنید.			
۸	تا چه حد می‌توانید برای مشکلات رفتاری کودکان روش‌های اصلاحی ارائه دهید.			

ارزشیابی پودمان ۳

عنوان پودمان ۳	تکالیف عملکردی (شایستگی‌ها)	استاندارد عملکرد (کیفیت)	نتایج	استاندارد (شاخص‌ها، داوری، نمره‌دهی)	نمره
شناخت مشکلات شایع رفتاری کودک در دورهٔ پیش از دبستان	تحلیل مشکلات رفتاری کودکان	توسعهٔ شناخت مشکلات شایع رفتاری در کودکان پیش از دبستان براساس منابع معتبر علمی و آموزشی سازمان بهزیستی و آموزش و پرورش پیش از دبستان	بالاتر از حد انتظار	ـ توانایی تحلیل مشکلات رفتاری کودکان ـ به‌کارگیری روش‌های برخورد با مشکلات رفتاری کودکان به روش خلاق ـ ارجاع کودکان به مشاوره‌های تخصصی	۳
			در حد انتظار	ـ به‌کارگیری روش‌های برخورد با مشکلات رفتاری کودکان ـارجاع کودکان به مشاوره‌های تخصصی	۲
	به‌کارگیری روش‌های برخورد با مشکلات رفتاری کودکان		پایین‌تر از انتظار	توانایی انجام دادن یکی از شایستگی‌ها	۱
نمرهٔ مستمر از ۵					
نمرهٔ شایستگی پودمان از ۳					
نمرهٔ پودمان از ۲۰					

پودمان ۴

به کارگیری رویکردها در آموزش و پرورش پیش از دبستان



در آموزش کودکان مهم‌تر از محتوای آموزش، روش آموزش است.

مقدمه

در گذشته کودک را به عنوان فردی در مقیاس کوچک‌تر از بزرگسال در نظر می‌گرفتند و مسئله نیازها و تفاوت‌های فردی او با بزرگ‌ترها بسیار دور از ذهن بود. کودکان خردسال در این دوران قربانی بسیاری از ضعف‌ها شده و مورد بهره‌برداری‌ها، استثمارها و سوء استفاده‌های مختلف جسمی و روانی قرار می‌گرفتند.

با ظهور ادیان و روشن شدن افکار مردم، تحول عمیقی در نگرش‌ها نسبت به انسان و کودک ایجاد شد. رهبران دینی و مربیان بزرگ تربیتی، در طول تاریخ، از کودک و قابلیت‌های انسان در طول دوره حیاتش دفاع کرده و با آوردن عقاید و افکار تازه، پشتیبان مراقبت بهتر از کودک و جلوگیری از بهره‌کشی و استثمار آنها در محیط زندگی، جامعه و محیط‌های کار بوده‌اند.

ظهور افکار نوین و بشر دوستانه از جانب این بزرگان، باعث کشف و شناسایی بسیاری از قابلیت‌ها به‌ویژه توانایی‌های ذهنی کودک شده است. دیدگاه‌های مذهبی و عقیدتی و نگرش‌های اخلاقی در جوامع، نقطه آغاز دگرگونی تفکر نسبت به انسان و سرنوشت او در طول دوره حیاتش بوده است. شریعت انسان ساز اسلام وتوجه به کودک و سرنوشت او، نیز باب تازه‌ای را در بسیاری از کشورها گشود و آگاهی‌های تازه‌ای پدید آورد. همان‌گونه که در آیات مقدس قرآن کریم ذکر شده است، انسان از همان آغاز پیدایش نطفه، دارای ارزش و جایگاه خاصی است. نحوه شکل‌گیری، مراحل رشد و تداوم حیاتش به خاطر رسیدن به هدف والای هستی و دستیابی به کمال است. به همین جهت، نگرش اسلام و تعلیم و تربیت اسلامی، رسانیدن انسان به نقطه اوج و دستیابی به حیات طیبه می‌باشد.

روش‌های تربیتی اسلام از نگرش عمیق درباره انسان سرچشمه می‌گیرد و مهم‌ترین نقش را در تربیت کودک دارد . به احترام، مهربانی، آزادی و مساوات در مورد کودکان بسیار تأکید دارد و به صورت های مختلف در آیات، احادیث و روایات در این زمینه سفارش فراوان شده است. روش برخورد پیامبر اکرم ﷺ با امام حسن علیه‌السلام، امام‌حسین علیه‌السلام و دختر گرامیش فاطمه علیهاالسلام، نمونه و الگوی با ارزشی در این رابطه است. توجه خاص این دیدگاه برای پی‌ریزی شخصیتی مستحکم در طول حیات انسان، نمونه نگرش سالم نسبت به کودک و توانایی‌هایش می‌باشد.

امروزه، روش‌های تربیتی و آموزشی برای کودکان در دوره پیش از دبستان، متأثر از دیدگاه‌های مذهبی، علمی، تربیتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در بسیاری از کشورها است. تحقیقات علمی و تربیتی گوناگون باعث شده است که نیازها، توانایی ها و ویژگی‌های کودک بیشتر و بهتر شناخته شود و افراد علاقه‌مند بسیاری وجود دارند که در مورد آموزش و پرورش کودک، شغل، رفاه و سرنوشت آینده او، مطالعه و فعالیت می‌کنند. در این زمینه برنامه‌های آموزشی و پرورشی گوناگونی برای کودکان طراحی و تدوین می‌شود. این رویکردها به مربی کودک در تنظیم و تصمیم‌گیری در مورد برنامه‌های آموزشی کمک کرده و جهت‌گیری فعالیت‌های او را مشخص می‌سازد. در این پودمان به بررسی برخی از رویکردهای آموزشی پیش از دبستان و نظرات اندیشمندانی که این حوزه را تحت تأثیر قرار داده‌اند پرداخته می‌شود.

لازم به یادآوری است که آموزش و پرورش پیش از دبستان در ایران، به‌صورت تلفیقی از این رویکردها است.

هدف توانمندسازی۱ـ۴: اصول رویکرد[۱] آموزشی مونته‌سوری را بیان کند.

مونته‌سوری[۲]

ماریا مونته‌سوری در ۳۱ اوت ۱۸۷۰م. در ایتالیا به دنیا آمد. در شش سالگی برای تحصیلات ابتدایی وارد یک مدرسهٔ دولتی شد. پس از اتمام مدرسه، در سال ۱۸۹۰ قصد داشت در رشتهٔ پزشکی ادامهٔ تحصیل دهد اما با مخالفت پدرش روبه‌رو شد چرا که دانشکده‌های پزشکی در آن دوران کاملاً مردانه بود. از این‌رو وارد دانشگاه رم شد و دوسال بعد در رشتهٔ ریاضیات، فیزیک و علوم طبیعی موفق به‌دریافت دیپلم گردید. سپس در سال ۱۸۹۶وارد دانشگاه پزشکی در دانشگاه رم شد و در تاریخ ۱۰ ژوئیهٔ ۱۸۹۶ اولین پزشک زن ایتالیا شناخته شد (شکل ۱).



شکل ۱ـ ماریا مونته سوری

او پس از دریافت مدرک پزشکی، به مدت دو سال در کلینیک روان‌پزشکی دانشگاه رم، به‌عنوان مسئول مراقبت از کودکان معلول ذهنی مشغول به فعالیت شد. تجربهٔ کاری و مشاهدهٔ نیازِ این کودکان به بازی، مونته‌سوری را به تحقیق در زمینهٔ امکان آموزش به آنها سوق داد. وی پس از موفقیت در آموزش خواندن به کودکان دارای ناتوانی، به این نتیجه رسید که کودکان از مداخلات آموزشی ویژه در دوران اولیهٔ کودکی نفع می‌برند.[۳]

اصول رویکرد مونته‌سوری

ماریا مونته‌سوری آموزش خود را بر پنج اصل اساسی بنا نهاد (نمودار۱):



نمودار۱ـ اصول رویکرد مونته سوری

۱- approach
۲- Montessori

۳ـ به فصل یک کتاب دانش فنی پایه دهم مراجعه کنید.

■ **احترام به کودک.** کودکان نیاز دارند آزاد باشند تا فعالیت‌هایی را که به آن‌ها مشغول می‌شوند، انتخاب کنند. نیازهای فردی کودکان باید مورد توجه و احترام قرار گیرد.
■ **داشتن ذهن جاذب**[1]. کودکان ذهنی جاذب دارند و با زندگی کردن، انجام دادن و دست‌ورزی با اشیا و وسایل، یاد می‌گیرند.
■ **دوره‌های حساس رشد.** کودکان دوره‌های حساسی دارند که بهترین سال‌ها برای یادگیری است. مربیان باید دقت کنند و این دوره‌ها را تشخیص دهند.
■ **داشتن محیط از پیش آماده شده.** کودکان در محیط‌های از پیش آماده شده؛[2] یعنی جایی که در آن به بزرگ‌ترها زیاد متکی نباشند، بهتر یاد می‌گیرند.
■ **خودآموزی.** در محیطی که از پیش آماده شده باشد، کودکان خودشان به آموزش خویش می‌پردازند (نمودار ۱).

گفت‌وگو کنید

فعالیت ۱: به تجربه‌های آموزشی دورهٔ خردسالی خود بیندیشید؛ آیا شما تجربه‌ای را به‌خاطر می‌آورید که تأییدکنندهٔ اصول مونته‌سوری باشد؟ در گروه‌های کلاسی، با یکدیگر گفت‌وگو کنید و نتیجه را در کلاس ارائه دهید.

هدف توانمندسازی ۲ـ۴: برنامهٔ گروه‌های سنی (تولد تا پنج سال) را بر مبنای رویکرد مونته‌سوری شرح دهد.

برنامه گروه‌های سنی در رویکرد مونته سوری

گفت‌وگو کنید

فعالیت ۲: به نظر شما یک محیط مشوق برای سنین مختلف کودکان، از جمله کودکان شیرخوار، نوپا، پیش‌دبستانی، چه مشخصاتی دارد؟ راجع به آنها در گروه‌های کلاسی گفت و گو کنید و نتیجه را در کلاس ارائه دهید.

بیشتر مدارس مونته سوری خدمات خود را به کودکان سه تا پنج سال ارائه می‌کنند. هرچند مدارسی نیز وجود دارد که کودکان نوپا و نیز کودکان شش تا نه سال و نه تا دوازده سال را در برمی‌گیرد. ماریا مونته سوری معتقد بود که سه سال نخست زندگی برای رشد و تحول سالم، حیاتی است. آنچه در این سال‌ها رخ می‌دهد روند کل زندگی را مشخص می‌کند.
یکی از اصول مونته سوری احترام گذاشتن به کودک بود. این اصل به‌طور کامل در محیط‌های مونته‌سوری دیده می‌شود. برنامهٔ گروه‌های سنی در این رویکرد شامل موارد زیر است:
کودکان شیرخوار: کودکان شیرخوار نیاز دارند که در محیط خود احساس امنیت کنند. معمولاً پیش از این

۱-Absorbent mind

۲ـ منظور محیطی است که با توجه به وسایل موردنظر مونته‌سوری آماده شده است.

که والد، کودک شیرخوار خود را در محیط مونته سوری بگذارد، مفصل از محیط بازدید می‌کند. در این بازدید بین خانه و محیط جدید ارتباطی برقرار می‌گردد. در جریان این بازدید، مربی و والد یکدیگر را و همچنین کودک شیرخوار و برخوردش را مشاهده می‌کنند. مربی سعی می‌کند بفهمد که والد چگونه به نشانه‌های کودک شیرخوار پاسخ می‌دهد و والد نیز تعامل مربی با کودک شیرخوار را مشاهده می‌کند.

این ملاقات اولیه به انتقال کودک شیرخوار از آغوش والدین پرورش‌دهنده به محیط مونته‌سوری کمک می‌کند. وقتی کودک به مرکز سپرده می‌شود، مربی او را مورد مشاهده قرار می‌دهد و فعالیت‌های مناسبی را برای کودک در نظر می‌گیرد و مجدداً پاسخ کودک شیرخوار را مشاهده می‌کند. در مراکز مونته سوری، کودکان شیرخوار از امور روزمره، محیط آرام و مواد و وسایل محدود برای جلوگیری از تحریک بیش از حد، لذت می‌برند.

کودکان نوپا: محیط مونته سوری برای کودکان نوپا، به‌گونه‌ای شبیه محیط پیش از دبستان است. این محیط دارای فضاهایی برای یادگیری حسی، هنر و رشد زبان است. مواد و وسایل موجود در محیط، همانند محیط کودکان شیرخوار، پراکنده و متفرق است.

وسایل در رویکرد مونته سوری ویژگی «خود ـ تصحیح گر[1]» دارد، به‌طوری که کودک در کار با آنها متوجه می‌شود که موفق هست یا نه. برای مثال، اگر وسیله‌ای به نام پله‌های رنگی به ترتیب مناسب قرار نگرفته باشد، شبیه پله به نظر نخواهد رسید. مواد و وسایل در مدارس مونته سوری برای کودکان نوپا به گونه‌ای ترتیب داده شده است که کودکان با مشاهدهٔ آنها توالی در فعالیت‌ها را یاد می‌گیرند.

به این ترتیب آن‌ها خودشان وسایل را از قفسه بر می‌دارند، با آنها بازی می‌کنند و سپس به جای خودشان برمی‌گردانند. در ابتدا ممکن است کودکان نوپا نتوانند همهٔ فعالیت‌ها را انجام دهند ولی با راهنمایی حمایت کنندهٔ مربی، آن‌ها یاد می‌گیرند همهٔ فعالیت‌ها را تکمیل کنند.

در محیط‌های مونته‌سوری، کودکان نوپا از انجام دادن فعالیت‌های روزمره لذّت می‌برند. مربیان نیز با احترام با آن‌ها برخورد می‌کنند و به کودکان، آنچه را که اجازه دارند و می‌توانند انجام دهند، یادآور می‌شوند (به‌جای گوشزد کردن آنچه که اجازه ندارند یا نمی‌توانند انجام دهند).

کودکان پیش‌دبستانی: کودکان پیش‌دبستانی درحالی به رشد خود ادامه می‌دهند که هر روز مهارت‌ها و توانایی‌های جدیدی از خود نشان می‌دهند. آن‌ها هر چیزی را که دیروز نمی‌توانستند انجام دهند ممکن است امروز انجام دهند. کودکان پیش از دبستان در یک محیط حمایتگر، جایی که مربیان پذیرا و مهربان و در عین حال جدی هستند، حس مثبتی از خود نشان خواهند داد و تعاملشان با دیگران از نظر اجتماعی، به طور روزافزونی مناسب‌تر خواهد شد.

آن‌ها به دوستی و بازی گروهی علاقه‌مند می‌شوند. حمایت گرم بزرگسالان آنها را در بهتر یادگرفتن کمک می‌کند. ساختار فعالیت روزانه و نوع آن برای سلامت روانی و جسمی کودکان پیش‌دبستان اهمیت دارد. این کودکان، مانند کودکان نوپا، به آزادی در محیط نیاز دارند و می‌توانند نسبت به کودکان نوپا انتخاب‌های بیشتری داشته باشند.

برای مثال، کودکان سه تا پنج ساله می‌توانند یک فعالیت را از بین بازی با مکعب، نقاشی کردن، گوش کردن به یک داستان انتخاب کنند. داشتن حق انتخاب و بازی کردن با دیگران اعتماد به نفس آنها را بیشتر می‌کند. کودکان پیش از دبستان می‌توانند مسئولیت بیشتری در کلاس داشته باشند. آنها می‌توانند اسباب بازی‌ها را

---

۱ - Self-correcting

تمیز کنند و آن‌ها را در مکان‌های مناسب خود قرار دهند. همچنین وسایل آموزشی یا خوراکی را آماده کنند و خیلی چیزهای دیگر. مسئولیت‌پذیری، اعتماد به نفس و احساس شایستگی را به دنبال می‌آورد.

تمرین کنید

فعالیت ۳: در بازدید از یک مهد کودک، برنامهٔ آموزشی کودکان شیرخوار و نوپا را بررسی کنید. چه پیشنهادی برای پیشرفت برنامه‌های مراقبت از کودک شیرخوار و نوپا می‌توانید ارائه دهید؟ آن را در کلاس گزارش دهید.

تلفیق گروه سنی متفاوت درکلاس‌های آموزشی مونته سوری

کلاس‌های مونته‌سوری شامل همه گروه‌های سنی است (۳ـ۶ سال، ۶ـ۱۲ سال، ۱۲ـ۱۵ سال). این تفاوت سنی حس تعلق به اجتماع و گروه را در آنان ایجاد می‌کند. کودکان با این تلفیق فرصت می‌یابند به یکدیگر کمک کنند. در عین‌حال کودکان کوچک، کودکان بزرگ تر را الگوی خود قرار می‌دهند و از تجربیات آنان استفاده می‌کنند.

کودکان بزرگ هم خود را در مقابل کودکان کوچک‌تر مسئول احساس می‌کنند. همچنین کودکان از یکدیگر می‌آموزند. کودکان دارای نیازهای ویژه، فرصت تعامل با افراد بیشتری را به دست می‌آورند. بنابراین انگیزه‌های آنها تقویت می‌شود و مهارت‌هایشان توسعه می‌یابد.

گاهی از این کودکان انتظار می‌رود تا برای کودکان دیگر نقش مربی آنها را بازی کنند. کودکان ممکن است سال‌ها در یک کلاس، با مربی واحد و با دوستان خود بمانند. در نتیجه مربی فرصت می‌یابد سطح رشدی آنها، شیوهٔ یادگیریشان و سیستم‌های حمایتی خانواده هایشان را از نزدیک بشناسد. همچنین در کلاس گروه‌های با سنین متفاوت به لوازم آموزشی بسیار متفاوتی نیاز است. این منابع و لوازم برای استفاده همهٔ کودکان است.

نقش مربیان در رویکرد مونته‌سوری

مربیان رویکرد مونته سوری معتقدند:

- کودکان باید فعالانه در فعالیت‌های خودانگیخته مشغول شوند.
- کودکان به انتخاب آزادانه نیاز دارند.
- کودکان به محرک‌های حسی حساس‌اند.
- تجارب یادگیری بر اساس نیازهای کودکان است.

مربیان از طریق مشاهدهٔ دقیق، محیطی فراهم می‌سازند که علایق کودکان را در برمی‌گیرد، حواس آن‌ها را تحریک می‌کند و فعالانه، آن‌ها را با مواد و وسایل جذاب مشغول می‌سازد.

کودکان در مراکز مونته سوری تشویق می‌شوند، ضمن اینکه خود، فعالیت‌هایشان را برگزینند، با سرعت خاص خودشان نیز حرکت کنند. نقش مربی این است که یادگیری را به‌طور غیر مستقیم هدایت کند و این کار را با فراهم ساختن محیط و سپس مشاهدهٔ کودکان در محیط انجام دهد. کار مربیان به‌صورت مداوم است و همان‌طور که کودکان را مشاهده می‌کنند، به دنبال ایجاد محیطی هستند که نیاز به رشد و تحول آن‌ها را تأمین کنند. همچنین کودکان را با مواد و وسایل آشنا می‌کنند و در هنگام کار با این وسایل آن‌ها را مورد مشاهده قرار دهند.

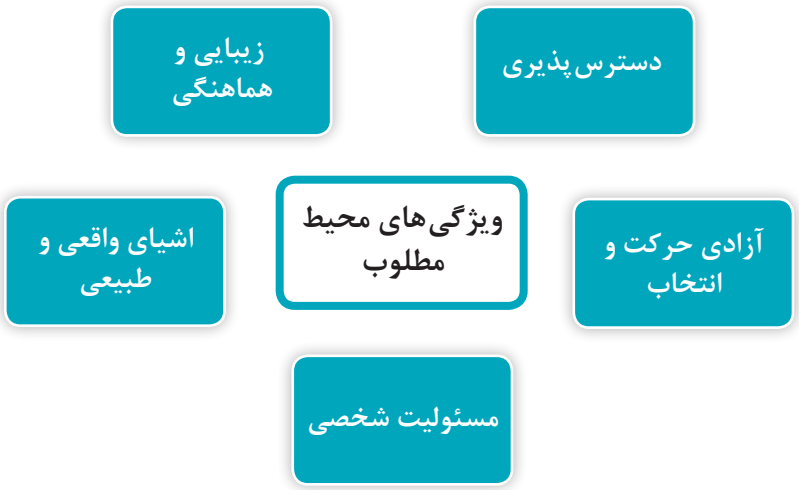
گفت‌وگو کنید

فعالیت ۴: تصور کنید مربی مهدکودک هستید و می‌خواهید محیطی را فراهم سازید که کودکان آزادانه دست به انتخاب بزنند. به‌عنوان یک مربی برای آماده کردن محیط چه کارهایی را می‌توانید انجام دهید؟ در گروه کلاسی گفت‌وگو کنید و نتایج را در کلاس ارائه دهید.

هدف توانمندسازی ۳ـ۴: محیط یادگیری رویکردهای آموزشی مونته‌سوری را توضیح دهد.

محیط مطلوب در رویکرد مونته‌سوری

محیط باید برای کودکان بسیار امن باشد.محیط های مطلوب دارای ویژگی‌هایی است که در نمودار ۲ نشان داده شده است:



نمودار ۲ـ ویژگی های محیط مطلوب

■ **دسترس‌پذیری و قابلیت استفاده.** مواد و وسایل با نظمی‌خاص مرتب شده‌اند. هر فعالیت در یک سینی یا سبد، همراه با مواد کامل و در دسترس و به شکلی مستقل ارائه می‌شود. هنگامی که کودک فعالیتی را از قفسه انتخاب می‌کند، تمامی‌مواد لازم برای اجرای آن فعالیت را دارد. در دسترس قرار گرفتن تمام مواد، به‌منظور حفظ تمرکز و جلوگیری از حواس‌پرتی کودک است (شکل۲).



شکل۲ ـ دسترسی و قابلیت استفاده از مواد

■ **آزادی حرکت و انتخاب**. کودکان زمانی می‌توانند انتخاب درستی داشته باشند که فرصت حرکت در کلاس و پیدا کردن آنچه نیاز درونی آنها را برآورده می‌کند، به آنها داده شود.

■ **مسئولیت شخصی**.آزادی در مهدکودک به کودک اجازه نمی‌دهد که هرکاری را دوست دارد انجام بدهد. این نظر وجود دارد که آزادی، مسئولیت شخصی به‌همراه می‌آورد. به‌همین دلیل مربی از کودکان انتظار دارد منافع جمعی گروه را درنظر بگیرند و از انجام دادن فعالیت‌هایی که به خودشان و دیگران آسیب می‌رساند خودداری کنند یا زمانی که کودک کوچک تری نیازمند کمک است، کمک به او باید در اولویت باشد.

■ **اشیای واقعی و طبیعی**. مواد موجود در قفسه‌ها به‌جای مدل‌های تصویری دوبعدی،مدل های واقعی و سه بعدی هستند.یعنی اگر ما درباره صدف و گیاهان یا عینک حرف می‌زنیم این اشیا در کلاس وجود دارد و مربی باید اطمینان پیدا کند که کلاس نمودی از طبیعت است، برای نمونه گل های تازه در کلاس قرار دهد.

■ **زیبایی و هماهنگی**. محیط باید خوشایند باشد تا کودک را به فعالیت وا دارد. مواد و فعالیت ها باید کودک را جلب کنند به همین سبب،دیگر تزیینات کلاس باید ساده باشد تا حواس کودک را پرت نکند. هماهنگی کلاس نیز با سازماندهی کلاس و ایجاد فضای آرام و هدفمندی که کودکان در آن فعالیت‌های خود را انجام می‌دهند تحقق می‌یابد (شکل ۳).



شکل۳ـ یک مرکز مونته سوری

نکته

کودکان می‌توانند فعالیتی را که انتخاب کرده‌اند در زمان کم یا در زمان زیاد انجام دهند. بسیاری از کودکان بارها فعالیت ثابتی را در یک روز واحد یا در روزهای بعد تکرار می‌کنند. این نیاز، جزء جدایی ناپذیر آزادی در کلاس‌های مونته‌سوری است. از جمله آزاد گذاشتن کودک در فعالیت، نباید مزاحم کودکی شد که بر فعالیت برگزیده خود تمرکز کرده است. نباید فراموش کنیم کودکی که برای انجام دادن آزاد است برای انجام ندادن نیز آزاد است. کودکانی هستند که بیشتر مایل‌اند چیزی را با نگاه کردن به دیگران یاد بگیرند.

تمرین کنید

فعالیت۵: با استفاده از اطلاعات این بخش، ویژگی‌های یک محیط یادگیری مناسب برای کودکان سه تا پنج سال را فهرست کنید. مطمئن شوید که سن کودکان با محیط موردنظر شما تناسب داشته باشد. سپس نتیجه را در کلاس ارائه دهید و با نتایج سایر دوستان مقایسه کنید.

مواد و وسایل در رویکرد مونته سوری

جالب‌ترین ویژگی رویکرد مونته‌سوری ابزارهای آن است که عمدتاً از چوب ساخته می‌شود و بیشترین یادگیری را از طریق حواس میسر می‌سازد. رنگ، بافت و کیفیت هنرمندانهٔ این ابزارها چشم نواز و کار کردن با آنها خوشایند است. ابزارها خود اصلاحی‌اند و برای کودک فقط یک کارکرد دارند زیرا بلافاصله متوجه می‌شود که در کار با آنها موفق است یا نه.

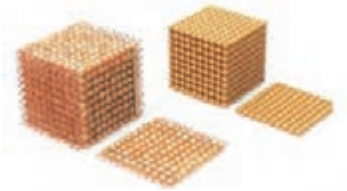
ابزار از ساده به پیچیده به‌کودک عرضه می‌شود و کارهای یادگیری مرحله‌ای صورت می‌گیرد. کارها چه تمیز کردن میز باشد، چه کار با میله‌های اعداد و چه پوشیدن لباس، همه در زندگی کودک کاربرد دارند.

در جدول ۱ نمونه‌هایی از وسایل و مواد مورد استفاده در رویکرد مونته‌سوری برای سنین کودکستان و پیش از دبستان معرفی شده است. این وسایل برای تقویت یادگیری از طریق حواس و به‌منظور رشد استقلال یادگیرندگان طراحی شده‌اند.

جدول ۱ــ نمونه‌هایی از مواد و وسایل مورد استفادهٔ رویکرد مونته سوری

نام	توصیف	شکل وسایل
پرورش حواس		
پله‌های رنگی	ده قطعه چوبی، که از لحاظ ضخامت متفاوت‌اند و وقتی در یک ردیف قرار می‌گیرند، شبیه یک پلکان می‌شوند. بنابراین کودکان مهارت تشخیص بینایی خود را رشد می‌دهند.	
میله‌های رنگی	ده میلهٔ قرمز، که از لحاظ طول با هم متفاوت و هر کدام، یک سانتی‌متر از میلهٔ قبلی بلندترند. به این طریق مهارت تشخیص بصری در کودکان رشد می‌کند.	
کوزه‌های رایحه‌دار	کوزه‌هایی که از شیشهٔ غیر شفاف ساخته شده و با مواد و وسایل پر شده‌اند. کودکان نمی‌توانند درون کوزه‌ها را ببینند ولی می‌توانند برای چینش آن‌ها از حس بویایی استفاده کنند.	

نام	توصیف	شکل وسایل
جعبه های صدا	فعالیت هایی برای پرورش حس شنوایی	
جعبهٔ پارچه‌ای	کودکان از حس لامسهٔ خود برای جفت کردن پارچه‌هایی که شبیه هم‌اند استفاده می‌کنند.	
قالب‌های استوانه‌ای	این استوانه‌ها از لحاظ قطر و ارتفاع برای تشخیص بینایی متفاوت‌اند و دستهٔ بالای آنها توانایی گرفتن مداد را در کودکان رشد می‌دهد.	
استوانه‌های با دسته و بدون دسته	کودکان هم با استوانه‌های دسته‌دار و هم بدون دسته کار می‌کنند.	
ریاضیات		
نرده های اعداد	نردهٔ اعداد، به رنگ قرمز و آبی و تعدادشان ده تاست. هدف از آن آموزش کمیت های ۱ تا ۱۰ است.	

نام	توصیف	شکل وسایل
جعبه های میله	دو جعبه که جمعاً دارای ده قسمت شماره گذاری شده از ۰ تا ۹ است، با یک سبد، ۴۵ میله و هشت عدد کش.	
روش دهدهی	دانه های طلایی، میلهٔ ده دانه‌ای، مربع صد دانه‌ای و مکعب هزار دانه‌ای (جهت آشنا کردن کودکان با دسته بندی های مختلف)	
جنبه های فرهنگی زندگی		
میز طبیعت	روی میز طبیعت،صنایع دستی کشورها و شهرها ...	
جهان	کرهٔ جغرافیا، ظروف خاک، انواع سنگ‌ها، نقشهٔ جهان و پرچم‌ها...	
زبان و سوادآموزی		
نوشتن	وسایل نوشتن، حروف‌های سنباده‌ای به شیوه‌های چند حسی، سینی شن	

نکته

ابزارهای مورد استفاده در رویکرد مونته‌سوری، که عمدتاً از چوب ساخته می‌شوند، بیشترین یادگیری را از طریق حواس میسر می‌سازد. ابزارها خود تصحیح گرند و کودک بلافاصله متوجه می‌شود که در کار با آنها موفق است یا نه. ابزار از ساده به پیچیده به کودک عرضه می‌شود.

تمرین کنید

فعالیت ۶: معمولاً فعالیت‌های انتخابی کودکان در مهدکودک در طول روز، مکعب‌ها و دست‌ورزی، کتاب‌خوانی و گوش کردن، نوشتن و بازی‌های نمایشی است. با توجه به حوزه های یادگیری در رویکرد مونته سوری، از یک مهدکودک بازدید کنید و فهرستی از وسایل و موادی را که به تفکیک در هر زمینهٔ یادگیری می‌توان به‌کار برد، تهیه کنید و آن را در کلاس ارائه دهید.

هدف توانمند سازی ۴ـ۴: برنامه درسی مونته سوری را براساس حوزه‌های یادگیری تهیه کند.

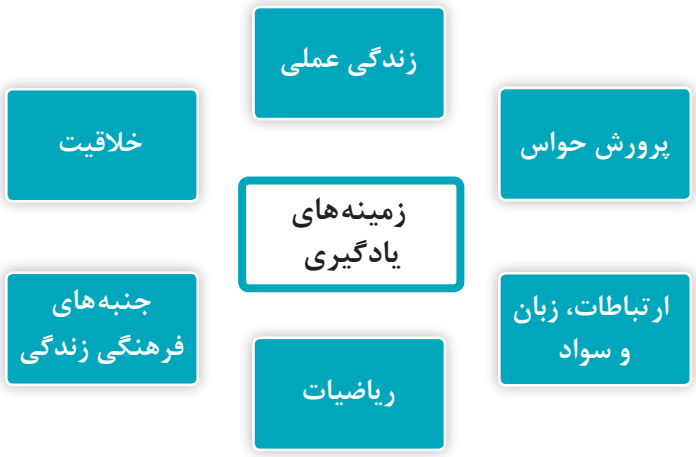
برنامهٔ آموزشی مونته سوری برای دوره پیش از دبستان

مونته‌سوری رویکردی سازمان یافته برای یادگیری ایجاد کرد؛ رویکردی که با آشنا کردن کودک با زندگی عملی و پرورش حسی آغاز می‌شود. این دو حوزهٔ یادگیری،پایه و بنیان ریاضیات و نوشتن را تشکیل می‌دهند. فعالیت های فرهنگی و خلاق نیز بخشی از زندگی روزمره در کلاس های مونته سوری است و آنچه را کودکان در دیگر حوزه‌ها می‌آموزند، کامل می کند.

برنامهٔ کار کودکان، با توجه به نیازهای فردی هر کودک، تنظیم شده و زمینه‌های یادگیری به شکل گسترده‌ای با ساختار فیزیکی کلاس در ارتباط است. در بسیاری از کلاس‌های مونته‌سوری برای گروه سنی سه تا پنج ساله‌ها فعالیت‌های زیر، انجام می‌شود (نمودار۳):

- زندگی عملی؛
- پرورش حواس؛
- ارتباطات،زبان و سواد؛
- ریاضیات؛
- جنبه های فرهنگی زندگی؛
- خلاقیت.

الف) زندگی عملی: هدف از تمرین زندگی عملی، ایجاد پیوند میان خانواده و محیط تازهٔ کلاس مونته‌سوری است. این هدف با دادن تمرین و فعالیت هایی که کودکان در محیط خانه با آنها آشنا هستند، مانند ریختن چای، گردگیری، لباس پوشیدن، جارو کردن، تلفن جواب دادن و ... تحقق پیدا می کند (جدول۲).



نمودار ۳ـ زمینه‌های یادگیری

جدول ۲ـ سه بخش فعالیت های عملی زندگی

ردیف	فعالیت های زندگی عملی	نمونه
۱	تمرین برای پرورش حرکت	ریختن چای،تا کردن،نخ کردن
۲	تمرین برای مراقبت از محیط	جارو کردن، مراقبت از گیاهان
۳	تمرین برای مراقبت از خود	دست شستن، درخواست کمک

تمرین کنید

فعالیت ۷: با توجه به‌فرهنگ خانواده‌ها، به‌نظر شما چه فعالیت‌هایی در برنامهٔ کلاسی کودکان جهت ایجاد پیوند بین «خانه» و «مهدکودک» می‌توان طراحی کرد. راجع به آنها در گروه‌های کلاسی گفت‌وگو کنید و نتیجه را در کلاس ارائه دهید.

ب) پرورش حواس: ابزارهایی که مونته‌سوری تهیه و تکمیل کرده است نشان‌دهندهٔ فعالیت‌های مربوط به پرورش حواس است. هدف اصلی این فعالیت‌ها کمک به کودک برای سازمان‌دهی و طبقه‌بندی برداشت‌هایش از محیط است. به‌عبارت دیگر هدف این است که کودک از طریق حواس محیط اطراف خود را بشناسد.

ج) ارتباطات، زبان و سواد: آشنا کردن کودکان با خواندن و نوشتن در کلاس درس مونته‌سوری به این دلیل امکان‌پذیر می‌شود که بنیان این کلاس بر پایهٔ زندگی عملی و حوزه‌های حسی کلاس است. افزون براین، در دسترس‌بودن کتاب و افزایش آواشناسی کودک از طریق بازی تحقق یافته است.

د) ریاضیات: کودک در محیط حسی کلاس با مفاهیم مقدماتی ریاضی، از جمله تطبیق و مرتب‌سازی و هندسه آشنا می‌شود. کودکان به سبب کاربرد روزانهٔ شمارش و عددها از این موضوع (مانند شمارش پله) شناخت بهتری دارند.





شکل ۴ـ تطبیق اعداد و شکل‌ها

ه) جنبه‌های فرهنگی زندگی: این بخش از کلاس، که کمترین مواد اولیه را می‌طلبد، به کودکان و مربیان فرصت می‌دهد تا موضوعات مورد علاقهٔ خود را در زمینه جغرافیا و تاریخ بررسی کنند. فعالیت‌های این حوزه باید برپایهٔ تجربه‌های واقعی باشد و مشاهده، پژوهش و بررسی موضوعاتی مانند درختان، جانوران و ... را برای کودکان امکان‌پذیر سازد.

و) خلاقیت: این بخش از کلاس مونته‌سوری، بر اهمیت ابراز وجود تأکید دارد و نیاز کودکان را برای شرکت کردن در فعالیت‌های هنری، مهارتی، موسیقیایی، حرکتی و بازی‌های اجتماعی ـ نمایشی، که خودشان انتخاب و آغاز کرده‌اند، برجسته می‌سازد. برای نمونه، یک مهدکودک مجهز مونته‌سوری دارای بخشی در کلاس است که در آن کودکان آزادانه به‌تمامی‌مواد لازم برای نقاشی دسترسی دارند. همچنین این فرصت به کودکان داده می‌شود که با استفاده از وسایل مرغوب مانند مدادشمعی، مداد رنگی و ماژیک نقاشی کنند.

نگاهی به کلاس[1]

جینی بیش از بیست سال است که مربی رویکرد مونته سوری است. او مدرک لیسانس خود را در آموزش و پرورش ابتدایی گرفت و سپس دورهٔ آموزش مونته سوری را گذراند و به دنبال آن دورهٔ کارورزی یک ساله‌ای را با یک مربی دوره دیدهٔ مونته سوری پشت‌سر گذاشت.

فعالیت‌های مدرسهٔ جینی منعکس‌کنندهٔ دیدگاه ماریا مونته‌سوری درخصوص نقش مربی در برآوردن نیازهای تحولی کودکان و رشد آنهاست. مربیان در مدرسهٔ جینی کودکان را مشاهده می‌کنند، درنتیجه می‌توانند محیطی برایشان فراهم سازند که رشد آن‌ها را برانگیزد. کودکان در این مدرسه به‌شیوه و سرعت خودشان با مواد و وسایل حسی موجود کار می‌کنند و مربیان کارشان را پی‌می‌گیرند.

امروز دو مربی اصلی و دو کمک مربی، علاوه بر جینی، با گروهی متشکل از هفده کودک با سنین مختلف (دو و نیم تا پنج سال) کار می‌کنند. کودکان در زمان فعالیت آزاد هستند. سه دختر کوچک به ساختن قطعات و مکعب‌ها مشغول‌اند. کودک دیگر پشت کامپیوتر است. در حالی که کودک دیگری نیز با کارت‌های تصویری بازی می‌کند. یک مربی با گروهی از کودکان «تمرکز بر زمین» را بازی می‌کند و

۱ـ بخش «نگاهی به کلاس» شما را با یک روز معمولی در مهدکودک در هر رویکرد آشنا می‌کند.

چند پسر شکل‌هایی را می‌بُرند و آن‌ها را تزیین می‌کنند.
سه کودک درون یک چادر (شبیه خیمهٔ سرخ پوستان) به کتاب‌ها نگاه می‌کنند. به محض این که آن‌ها احساس کنند تمایل به غذا دارند، فعالیت خود را برای رفتن به طرف میز غذا و خوردن پرتقال، هویج و کلوچه، کنار می‌گذارند. در زمان فعالیت آزاد، اغلب مربیان روی تخته‌های یادداشت، اطلاعات مشاهده‌ای را ثبت می‌کنند.
تصویر بزرگی از زندگی افراد بومی‌در دیوار نصب شده، با لباس‌های بومی‌مختلف، که منعکس‌کنندهٔ تنوع فرهنگی است. انتخاب خیمه به منزلهٔ کلاس و محل خواندن نیز بیانگر همین موضوع است. این انتخاب به‌منظور طرح پرسش‌های کودکان درخصوص زندگی بومیان در چادرهاست.
کودکان در این‌باره داستان‌هایی مربوط به آنها را می‌شنوند. جینی مطابق با اصول مونته سوری، به دنبال تقویت رشد کودکان است. به این‌صورت که علایق کودکان را پیگیری می‌کند و به‌همین منظور، منابعی جهت یادگیری بیشتر درخصوص زندگی بومی‌جمع‌آوری کرده است.
کودکان به دنبال یک ساعت بازی با انتخاب آزاد، در گروه بزرگی دورهم جمع می‌شوند و به‌مدت پانزده دقیقه به فعالیت‌های زبان و تحرک می‌پردازند. گروه دیگر کاوش و بررسی (مثلاً بررسی برگ‌ها در پاییز) و بازی در فضای بیرون را برمی‌گزینند. فعالیت‌های این گروه از زمان انتخاب آزاد، کوتاه‌تر است، در زمان انتخاب آزاد، کودکان فعالیت خود را انتخاب می‌کنند و با سرعتی که دلخواهشان است، پیش می‌روند.

هدف توانمند سازی ۵ ـ ۴: تاریخچه رویکرد «های اسکوپ» را بیان کند.

گفت‌وگو کنید

فعالیت۸: آیا تا به‌حال از یک مرکز پیش از دبستان که روش آموزشی «های اسکوپ» معرفی کرده است، بازدید کرده‌اید؟ تجربه خودتان را در کلاس ارائه دهید.

برنامهٔ «های اسکوپ»[۱]

high در لغت به‌معنای بالاترین نقطهٔ توجه یا میزان کامیابی فردی و scope به معنی دامنهٔ تجربه‌ای که می‌توانیم در زمینهٔ دستیابی به سطح بالای آموزش و توانایی فراهم کنیم. اما این عبارت، در معنای آموزشی، رویکرد یادگیری فعال و پویایی‌ست که در آن، کودکان شیوهٔ آموزش و یافته‌های خود را براساس تعامل با دنیای اطراف بنا می‌کنند.



شکل۵ ـ دیوید ویکارت

۱ - High Scope

شکل‌گیری رویکرد «های اسکوپ»

در راستای بهبود وضعیت کودکان محروم، رویکرد تربیتی های‌اسکوپ در اوایل دهۀ شصت میلادی در شهر ایپسیلانتی[۱]، واقع در ایالت میشیگان آمریکا، شکل گرفت. در این سال دکتر دیوید ویکارت[۲] از دپارتمان روان شناسی و تعلیم و تربیت دانشگاه میشیگان این پرسش را مطرح کرد که اگر بخواهیم الگویی را برای رشد کودکان درنظر بگیریم تا براساس آن جریان‌های آموزشی را تنظیم کنیم، از چه الگویی باید بهره برد؟ تمرکز ویکارت در این موضوع او را قادر ساخت تا با شناسایی یک الگوی رشد، برنامه‌های آموزشی خود را سازمان‌دهی کند. به این ترتیب نظریۀ پیاژه مبنا و فلسفۀ کاری دکتر ویکارت شد.

توجه به الگوی رشد برای او پیش از هرچیز پرداختن به این فرایند بود که بتواند در هر دوره توانایی های کودک را شناسایی کند، سپس با مشخص کردن انتظاراتی که از هر کودک باید داشت، مهارت‌های کودک را ارتقا دهد. الگوی رشد تحولی پیاژه بیش از هرالگویی این سه بخش (توانایی‌ها، انتظارات و مهارت‌ها) را مشخص کرد. به این ترتیب روش ویکارت، که بعدها «های اسکوپ» نامیده شد، براساس چنین نظریه‌ای شکل گرفت و کار خود را پیش برد.

دکتر ویکارت و گروهش به گسترش این رویکرد ادامه دادند و سپس بنیاد پژوهشی آموزشیِ «های‌اسکوپ» را در سال ۱۹۷۰ در پاسخ به برنامۀ مبارزه با فقر، تأسیس کردند. این بنیاد از آموزش دورۀ خردسالی حمایت کرد. مأموریت این بنیاد بررسی و تدارک آموزش با کیفیت برای کودکان خردسالی بود که در فقر زندگی می‌کردند.

دولت به‌عنوان بخشی از برنامۀ مبارزه با فقر، در «طرح پیش‌دبستان پری[۳]» که طرحی پژوهشی بود، سرمایه‌گذاری کرد. مسئولیت این پروژه که بر عهدۀ ویکارت بود، بررسی تأثیر تجارب دورۀ پیش‌دبستانی را بر پیشرفت‌های بعدی برعهده گرفت. نتایج، مبیّن آن بود که رفتن به پیش‌دبستانی تفاوت در پیشرفت تحصیلی را درپی دارد.

این رویکرد هم‌اکنون در بیش از بیست کشور جهان به‌صورت فعال و رسمی، درحال اجراست، از جمله در کشورهایی مانند مکزیک، فنلاند، سنگاپور و هلند. همچنین مواد درسی این روش به‌زبان‌های عربی، چینی، پرتغالی، اسپانیایی، هلندی، فنلاندی و نروژی ترجمه شده است. این روش طوری طراحی گردیده است که تمامی‌فرهنگ‌ها را در تمامی‌زمینه‌ها، حتی در مسائل اقتصادی دربر می‌گیرد. (ویکارت، ۱۹۹۳). دیوید ویکارت در دسامبر سال ۲۰۰۳ درگذشت.

جست‌وجو کنید

فعالیت۹: در مورد ویژگی‌های شناختی کودکان از دیدگاه پیاژه به منابع علمی‌مراجعه کنید و خلاصه‌ای از یافته‌های خود را در کلاس گزارش دهید.

---

۱ - Ypsilanti

۲ - David weikart

۳-Perry Preschool Project

هدف توانمندسازی ۶ ـ۴: اصول رویکرد «های اسکوپ» را بیان کند.

اصول اساسی در رویکرد «های اسکوپ»

اصول اساسی رویکرد «های اسکوپ» عبارت‌اند از (نمودار۴):



نمودار۴ـ اصول رویکرد «های‌اسکوپ»

کودکان، یادگیرندگانی فعال. در رویکرد «های‌اسکوپ»، تجاربی برای کودکان طراحی می‌شود که تفکر مستقل، ابتکار عمل و خلاقیت آنان را ترغیب می‌کند. وقتی کودکان می‌توانند براساس ایده‌های شخصی عمل کنند، مواد را آزادانه مورد استفاده قرار دهند و تصوراتشان را بیازمایند، توانایی‌هایشان به‌سرعت توسعه می‌یابد. کودکان این توانایی‌ها را هر روز در برنامهٔ روزانه و در خانه مورد استفاده قرار می‌دهند.

علایق کودکان محور برنامهٔ درسی. علایق و انتخابهای کودکان، در قلب برنامه‌های «های‌اسکوپ» قرار دارد. در «های‌اسکوپ»، برای کودکان تنوعی از مواد (کتاب‌ها، اسباب‌بازی، مواد هنری، اشیا و امکانات) و تجارب فراهم می‌شود که مبتنی بر علایق آنان است.

مربیان تسهیل گران یادگیری. مربیان با پرسش‌های «باز ـ پاسخی» که مطرح می‌کنند، تسهیل‌کنندگان یادگیری هستند و تجربه‌های یادگیری عملی را تدارک می‌بینند.

گفت‌وگو کنید

فعالیت ۱۰: با درنظر گرفتن اصول اساسی رویکرد «های اسکوپ»، محیط یادگیری چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟ راجع به آنها در گروه‌های کلاسی گفت وگو کنید و نتیجه را در کلاس ارائه دهید.

نقش و ویژگی‌های مربیان در رویکرد «های اسکوپ»

- مربیان در «های اسکوپ»، حداقل باید مدرک تحصیلی لیسانس، در رشتهٔ آموزش کودکان یا رشته‌های مشابه داشته باشند.
- مربیان نیز به اندازهٔ بچه‌ها باید فعال و پویا باشند، زیرا این نوع آموزش، آموزش با بازخوردهای متقابل است. در این نوع آموزش همهٔ مؤلفه‌های مراحل یادگیری ـ یاددهی دو طرفه است.
- در این شیوه، مربی کنترل مشارکتی را سرلوحهٔ کار خود قرار می‌دهد، بر نقاط قوت بچه‌ها بیشتر تمرکز

می‌کند و می‌کوشد با برجسته کردن آن‌ها روحیه و اعتماد به نفس بچه‌ها را بالاتر ببرد.

- مربی از راه‌های مختلف با بچه‌ها ارتباط برقرار می‌کند و آن‌ها را در اجرای عقاید و طرح‌هایشان کمک می‌کند و به آن‌ها در رفع مشکلات‌شان یاری می رساند.
- مربی به‌جای نظارت بر فعالیت بچه‌ها، در برنامه‌هایشان شریک می‌شود و نقش یک همکار یا همکلاسی و گاهی اوقات نقش یک همبازی را ایفا می‌کند.
- مربیان این کلاس‌ها، به نظرات بچه‌ها احترام می‌گذارند و برنامه‌های ابتکاری، حس استقلال طلبی، خلاقیت و نو آوری‌های آنان را مورد توجه ویژه قرار می‌دهند و به توسعهٔ ذهنیِ هدفدار آن‌ها کمک می‌کنند. در این شیوه، مربی با تنظیم یک برنامهٔ روزانهٔ مشخص، ضمن اینکه فعالیت بچه‌ها را کنترل می‌کند، باعث می‌شود تا بچه‌ها برنامه‌های بعدی را حدس بزنند.

هدف توانمندسازی ۷ـ۴: محیط یادگیریِ رویکرد«های اسکوپ» (فضا، امکانات، تجهیزات و ...) را توضیح دهد.



شکل ۶ ـ محیط یادگیری «های اسکوپ»

محیط یادگیری فعال در رویکرد «های اسکوپ»

در محیط «های اسکوپ» (شکل ۶) با فراهم کردن پنج عامل، روند یادگیری فعال کودکان تسهیل می‌شود:

مواد: اشیای واقعی (ظروف/ جعبه/ کاغذ...)، مواد طبیعی (سنگ / برگ/ شاخه/...)، ابزار (برس/ گیره/ لوله/ چکش/...) وسایل بازی (لگو/ دکمه/ مهره/..) و مواد بازیافتی از جمله این مواد است.

دست‌ورزی: به کودکان فرصت داده می‌شود که به هر شکلی که دوست دارند با مواد کار کنند.

انتخاب: به کودکان اجازهٔ انتخاب مواد و چگونگی استفاده از آنها داده می‌شود.

زبان: کودک صرفاً دربارهٔ آنچه انجام داده یا درحال انجام دادن آن است حرف می‌زند.
پشتیبانی از جانب بزرگسالان: گفت و گوی بزرگسالان با کودکان دربارهٔ آنچه انجام می‌دهند، بازی کردن با کودکان و کمک به آنها در حل مشکلاتشان نمونه‌هایی از این پشتیبانی است.
در شیوهٔ آموزشی «های‌اسکوپ»، برنامهٔ کلاس، فضای کلاس و محیط وسایل و تجهیزات طوری انتخاب و طراحی می‌شود که بچه‌ها به‌طور خودکار به‌سمت یادگیری فعال و با نشاط حرکت کنند.
مهدکودک در شیوهٔ آموزشی «های‌اسکوپ» به چندین بخش تقسیم می‌شود، از جمله: محیط کتاب‌خوانی، محیط بازی، محیط هنری و محیط آموزشی. جالب این‌که هرکدام از این بخش‌ها باز به چند قسمت تقسیم می‌شوند. هر بخش نامی‌دارد که هم توصیف کننده وسایل آن است و هم برای کودکان جذابیت دارد مثلاً بخش آب و خاک، بخش ساختمان‌سازی و بخش موسیقی و حرکت.
هر بخش نیز با استفاده از وسایلی مانند قفسه‌های کوتاه، مبلمان و حتی نرده‌ها چیده می‌شود. بخش‌های دیگری نیز در فضای باز برای دوچرخه‌سواری، دویدن، حفاری و ... اختصاص یافته است.

چیدمان وسایل کلاس

طراحی و سازمان‌دهی خوب محیط یادگیری و تجهیز آن به مواد و ابزار آموزشی جذاب، با هدف تسهیل در اجرای فعالیت‌ها و بازی‌ها، پیشرفت کودکان را در تمام زمینه‌های رشد تقویت می‌کند. برای هر برنامهٔ مناسب برای رشد (فرقی نمی‌کند که یک برنامهٔ نیم‌روزه در محیط مدرسهٔ ابتدایی یا در فضای کوچک یا در یک مرکز نوساز مدرن درجهٔ یک با اتاق‌های جادار و مجهز باشد)، به چیدمان فضای آموزشی مخصوص کودکان خردسال، نیاز است و باید از اصول اولیه و راهبردهایی استفاده شود که مشوّق کودکان در کاوش، خلاقیت و یادگیری پویا باشد (شکل۷).



شکل ۷ــ چیدمان کلاس در رویکرد «های اسکوپ»

نکته

کودکانی که در برنامه‌های «های اسکوپ» شرکت می‌کنند، به طور طبیعی به انواع گوناگون بازی و فعالیت می‌پردازند. آنها با استفاده از ساختن، نقش بازی کردن، وانمود کردن، خلق کردن، موسیقی، خواندن، نوشتن، جنب‌وجوش و نقاشی به فعالیت می‌پردازند. به منظور تشویق کودکان به انواع بازی‌های گوناگون و یادگیری، که به‌طور طبیعی صورت می‌گیرد، باید «مراکز رغبت» را به‌گونه‌ای طراحی کرد که پاسخ‌گوی علایق و فعالیت‌های آنان باشد. برای مثال بخش شن و آب، پژوهش در حس لامسه را می‌پرورد، بخش آجر چوبی با فضای زیاد، میل کودکان را به ساخت‌وساز چیزهای مختلف برمی‌انگیزد. اسم برای مراکز رغبت[1]، به‌گونه‌ای انتخاب شود که برای کودکان مفهوم، و به راحتی برایشان قابل شناسایی باشد. اسم هر مرکز را در تابلوی راهنما برجسته نشان دهید و وقتی با کودکان از یک بخش صحبت می‌کنید حتماً اسم آن بخش را بگویید. (مراکز رغبت)

هدف توانمندسازی ۸ ـ ۴: برنامه آموزشی «های اسکوپ» را توضیح دهد.

برنامهٔ آموزشی رویکرد «های اسکوپ»

هدف از فعالیت‌ها و برنامهٔ درسی این رویکرد، رسیدن به یادگیری فعال است. مشارکت فعالانه و تعامل اجتماعی کودکان مهم است. یادگیری فعال در این برنامه بر تجارب کلیدی[2] تأکید دارد و رشد هیجانی ـ اجتماعی، جسمانی و شناختی را مورد توجه قرار می‌دهد. این رویکرد کودکان را در ده حوزهٔ آموزشی زیر فعال می‌سازد:

- نمایش خلاق؛
- زبان و سواد؛
- ابتکار و ارتباطات اجتماعی؛
- حرکت؛
- موسیقی؛
- طبقه‌بندی کردن؛
- شمارش؛
- ردیف کردن؛
- فضا؛
- زمان.

فعالیت‌های کودک ـ محور

ویژگی اساسی این برنامه، فعالیت‌های کودک ـ محور است. در این برنامه، کودکان در گروه‌های کوچک سازمان‌دهی می‌شوند تا با افراد و مواد و وسایل تعامل داشته باشند. نقش مربیان در محیط یادگیری

۱ـ جهت اطلاع بیشتر به دانش فنی پایه سال دهم مراجعه شود.

۲- Key Experiences

کودک محور، مهم است چرا که آن‌ها با ترتیب دادن حیطه‌های مورد علاقه، مهیا ساختن فعالیت‌های در دسترس و صحبت کردن با کودکان برای بسط افکارشان، یادگیری را تسهیل می‌کنند. مثلاً کودکان در قسمت خانه‌سازی تصمیم می‌گیرند که چه چیزی بسازند و چگونه آن را اجرا کنند.
مربیان با مهیا ساختن مواد کافی جهت تشویق تفکر خلاق، فرایند کار را تسهیل می‌کنند، به کودکان کمک می‌دهند که در مورد تصمیم‌شان گفت‌وگو کنند و آن‌ها را در معرض «پرسش‌های باز پاسخ» قرار می‌دهند (مانند تو فکر می‌کنی اگر به‌جای قطعات کوچک، از قطعات بزرگ برای ساختن استفاده کنی چه اتفاقی می‌افتد؟).
بسیاری از فعالیت‌های کودک محور در این برنامه فرایند «برنامه‌ریزی کن ـ انجام بده ـ مرور کن[1]»، را که توسط بنیان‌گذاران این برنامه رشد و توسعه یافته است، دنبال می‌کنند. مربیان هر گام از این فرایند را برای مشاهده و سنجش کودکان بر حسب تجارب کلیدی خاص مورد توجه قرار می‌دهند:

- **برنامه‌ریزی**. کودکان ابتدا برنامه‌ریزی می‌کنند که با چه ابزاری می‌خواهند کار کنند، چه کاری می‌خواهند انجام دهند و چه کسی همکارشان خواهد بود (این کار را می‌توان به صورت رسمی‌یا غیررسمی‌در گروه‌های کوچک انجام داد). هنگامی‌که آن‌ها برنامهٔ کاری خود را مشخص کردند، مربی برنامه را ثبت می‌کند و به کودکان کمک می‌دهد تا کار را شروع کنند.
- **انجام دادن**. کودکان فعالیت‌های پیش‌بینی شده را انجام می‌دهند. مربیان نیز در بین‌شان حرکت می‌کنند و به آنها در انجام فعالیت‌ها کمک می‌نمایند.
- **مرور کردن**. کودکان در گروه‌های کوچک قرار می‌گیرند و با کمک مربی، راجع به کاری که انجام داده‌اند و میزان شباهت یا تفاوتش با آنچه برنامه‌ریزی شده است، گفت‌وگو می‌کنند. البته پر واضح است که موضوعات، بسته به گروه‌های سنی کودکان، متفاوت خواهد بود.

فعالیت‌های معلم ـ محور

مربیان، فعالیت‌ها را از قبل طراحی و هنگام اجرا و بازی کودکان را هدایت می‌کنند. آنها نیز در سرودخوانی و تحرک کمک می‌کنند و به آن‌ها یادآور می‌شوند که اگر خبر خاصی دارند با دوستان خود در میان بگذارند (مثلاً تولد یک خواهر تازه). سنجش، از طریق مشاهده و با توجه به تجارب کلیدی انجام می‌شود.

تمرین کنید

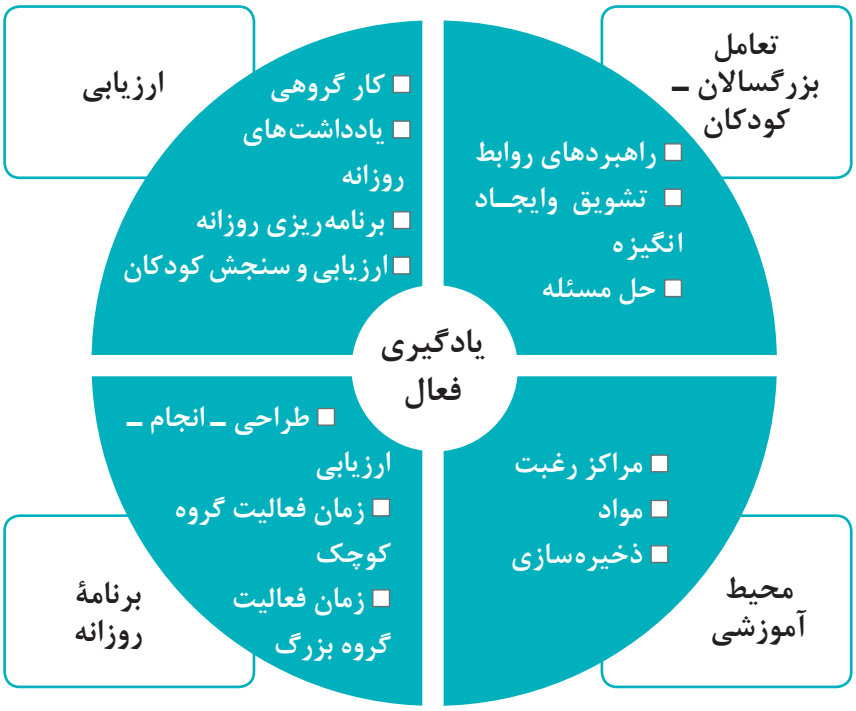
فعالیت ۱۱: به تجربهٔ آموزشی دورهٔ خردسالی خود بیندیشید و به پرسش‌های زیر پاسخ دهید:
مربیان دوران کودکی شما دربارهٔ نحوهٔ یادگیری کودکان چه نظری داشتند؟
خلاصه‌ای از نظرات مربیان خود را در این زمینه ارائه دهید.
روش آموزش کدام مربی متمایز از مربیان دیگر بود؟
روش مربیان خود را با این رویکرد مقایسه کنید.

۱- Plan-do-review

هدف توانمندسازی ۹ـ۴: عناصر اصلی رویکرد «های‌اسکوپ» را برای آموزش دوران اولیهٔ کودکی تعیین کند.

عناصر اصلی رویکرد «های‌اسکوپ» برای آموزش دوران اولیهٔ کودکی

عناصر اصلی رویکرد «های‌اسکوپ » در نمودار ۵ نشان داده شده است:



نمودار ۵ـ چرخه یادگیری در رویکرد «های اسکوپ»

۱ یادگیری فعال

برنامهٔ آموزشی «های‌اسکوپ» بر یادگیری مشارکتی فعال تأکید دارد. یادگیری فعال به این معنی است که کودکان با مردم، اشیاء، رویدادها و ایده‌ها، تجربهٔ مستقیم و تماس نزدیک دارند. علایق و انتخاب‌های کودکان در قلب برنامه‌های «های‌اسکوپ» قرار می‌گیرد. آن‌ها ضمن داشتن تعامل با دنیا و انسان‌های دیگر، خودشان دانش خود را می‌سازند. در محیط یادگیری فعال، مربیان با ابزار گوناگون و پرورش تعاملات، تفکر کودکان را گسترش می‌دهند و کودک را در تقویت فکری، جسمی، اجتماعی و عاطفی کمک می‌کنند (شکل۸).



شکل ۸ ـ یادگیری فعال کودک در محیط «های اسکوپ»

۲ محیط آموزشی

کلاسِ مدرسهٔ «های‌اسکوپ» به صورت کاملاً مشخص به بخش‌های علایق تقسیم می‌شود، که معمولاً عبارت‌اند از بخش‌های خانه، هنر، مکعب‌ها، اسباب بازی و بخش‌های دیگری که بازتاب دهندهٔ علایق کودکان است. در اینجا، کودکان قادرند مستقلاً، هم به تمام این تسهیلات دسترسی داشته باشند و هم در قبال استفاده از این بخش‌ها مسئولیت‌هایی را بپذیرند.

۳ برنامه روزانه

کلاس‌های «های‌اسکوپ» از اقدامات پی‌درپی و پیش‌بینی شده‌ای به نام روال روزانه پیروی می‌کنند، که شامل این موارد می‌شود: برنامه‌ریزی، اجرا، بازبینی، تشکیل گروه‌های کوچک و گروه‌های بزرگ، بیرون رفتن، انتقال (تحویل گرفتن و تحویل دادن کودک) و تغذیه و استراحت.

۴ تعامل بین کودک ـ بزرگسال

یکی از اصول برنامهٔ آموزشی «های‌اسکوپ» کنترل اشتراکی میان بزرگسالان و کودکان است. در کلاس «های‌اسکوپ»، بزرگسالان علاوه بر این‌که کنترل را با کودکان به اشتراک می‌گذارند، در بازی آنها شرکت می‌کنند و با آنها مانند شریک خود سخن می‌گویند. همچنین به توانمندی کودکان توجه دارند و از آنها حمایت می‌کنند و مشوق آنها در حل مشکلاتشان هستند.

۵ ارزیابی

در برنامهٔ «های‌اسکوپ»، مربی رفتارها، تجارب و علایق کودکان را مرتباً یادداشت می‌کند. سپس بر مبنای یادداشت‌ها رشد هر کودک را اندازه می‌گیرد. آنگاه بر اساس این مشاهدات مستقیم و دقیق، برای رشد و تحول کودکان برنامهٔ ترغیبی طراحی می‌کند. همچنین در دیدار با اولیا، برای کمک به آنان در فهم بهتر رشد کودکان و گسترش یادگیری‌ها در خانه یادداشت‌های مرتبط با کودکان را در اختیار آنان قرار می‌دهد.

تمرین کنید

فعالیت ۱۲: اگر به‌عنوان یک مربی در مهدکودک بخواهید این رویکرد را برای اولین بار اجرا کنید، به چه اقداماتی می‌پردازید؟ راجع به آنها در گروه‌های کلاسی بحث کنید و نتیجه را در کلاس ارائه دهید.

ارزیابی کودکان در برنامهٔ «های‌اسکوپ»: ارزشیابی برنامه‌های آموزشی توسط مربیان اقدامی‌دائمی‌و مستمر است. با این که برای ارزیابی برنامه‌ها ابزارهای مختلفی طراحی شده است، اما از دید برنامه ریزان آموزشی مشاهده، مهم‌ترین و معتبرترین ابزار ارزشیابی است. مربیان با مشاهدات جامع، رشد کودکان را ارزشیابی می‌کنند.

آنها گزارش‌های روزانهٔ خود را همراه با شرح گفتار و کردار کودکان ثبت و ضبط و سپس تحلیل و ارزیابی می‌کنند. مربیان چندین بار در سال، ضمن مرور این گزارش‌ها و با استفاده از ابزار ارزشیابی، که مبتنی بر زمینه‌های اصلی رشد است، به هر کودک امتیاز می‌دهند. این امتیازها مربی را در طراحی فرصت‌های آموزشیِ متناسب رشد کمک می‌کند و می‌توان آن‌ها را برای تشریح پیشرفت کودکان به‌کار برد.

نگاهی به کلاس

ایزابل و ماریا، مربیان یکی از مراکز «های اسکوپ» در شهرند. کلاس ایزابل، دارای پنج بخش یادگیری (شامل بازی با مکعب‌ها، نمایش، هنر، نوشتن و بخش کتاب) و یک بخش شنیداری مجزاست. شش میز گرد نیز وجود دارد، با فضایی برای نشستن چهار کودک آن. هر میز دارای وسایل مشترکی است (مثلاً مدادرنگی و قیچی).

برنامهٔ کودکان در ساعت ۹:۳۰ صبح آغاز می‌شود. آنها از فعالیت‌های خودـ انتخابی در بخش‌های مختلف یادگیری لذت می‌برند. کودکان ابتدا برنامه‌ریزی می‌کنند که با چه ابزاری می‌خواهند کار کنند، کارشان چه خواهد بود، و همراه چه کسی می‌خواهند آن کار را انجام دهند.

ایزابل کودکان را مشاهده می‌کند. با آن‌ها سخن می‌گوید. گاهی نکته‌ای روی تابلو یادداشت می‌کند و به آنها کمک می‌دهد که کار را شروع کنند. «مت» کار خود را در بخش مکعب شروع می‌کند و می‌خواهد یک برج بسازد. بعد از اتمام کار، ماریا راجع به این که کار انجام شده چه اندازه شباهت یا تفاوت با آنچه برنامه‌ریزی شده است، دارد با «مت» بحث می‌کند.

کودکان در ادامهٔ روز برنامه‌های مختلفی مثل بازی در فضای بیرون و غیره دارند، گروه کوچکی آموزش ریاضی و موسیقی داشتند. در ساعت ۱۱:۱۵ مهمانی وارد می‌شود و برایشان قصه می‌خواند. پس از آن کودکان برای صرف ناهار کلاس را ترک کردند.

پس از ناهار، ایزابل فعالیت کتاب‌خوانی را با شش کودک هدایت کرد. به این صورت که برای بچه‌ها از یک کتاب بزرگ، مطالبی راجع به قورباغه‌ها را قرائت کرد (کتابی که به قدر کافی بزرگ چاپ شده بود تا کودکان درحالی که روی زمین و روبروی ایزابل نشسته‌اند بتوانند متن و تصویر کتاب را ببینند). ایزابل گاهی هنگام کتاب خواندن مکث می‌کرد تا توجه بچه‌ها را به نوشته‌ها یا عکس‌های کتاب جلب کند. آن‌ها متوجه می‌شدند که کلمات از چپ به راست (در انگلیسی) نوشته می‌شوند و صفحه به ترتیب شماره دارد، نوشته‌ها توضیحاتی دربارهٔ تصاویر کتاب است و این که هر جمله‌ای با حرف بزرگ شروع می‌شود. کودکان واژه‌های مربوط به حیوانات خانگی و چگونگی مراقبت از آن‌ها را بررسی می‌کنند. سپس والدین می‌آیند و در گروه‌های کوچک برای بچه‌ها کتاب می‌خوانند

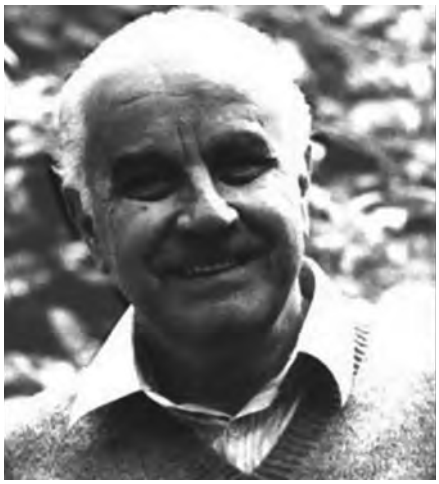
هدف توانمند سازی ۱۰ـ۴: اصول رویکرد رجیو امیلیا را بیان کند.

رجیو امیلیا [۱]

برنامهٔ اوایل کودکی رجیو امیلیا برگرفته از شهر رجیو امیلیا واقع در ایتالیاست، شهری که این برنامه در آن طراحی شد. مردم ایتالیا تاریخچه‌ای از ارائهٔ خدمات و حمایت از خانواده‌های دارای خردسال دارند که قدمت آن به اوایل قرن نوزدهم می‌رسد (کدول[۲]، ۱۹۹۷). در ایتالیا مباحثی تحت تأثیر مربیان بزرگی مانند جان دیویی مطرح شد که تغییرات لازم را در برنامه‌های دوران اولیهٔ کودکی درپی‌داشت.

لوریس مالاگازی[۳] (۱۹۹۴ـ۱۹۲۰)

مالاگازی مدرسهٔ رجیو امیلیا را برای حمایت از کودکان و خانواده‌ها، در دورهٔ بازسازی پس از جنگ جهانی دوم، در ایتالیا تاسیس کرد. مالاگازی نیز تحت تأثیر نظریه‌های پیاژه، ویگوتسکی و مونته سوری بر این باور بود که انرژی و توانمندی‌های کودکان باید از طریق آموزش آزاد شود. او از مربیان خواست به بچه‌ها گوش دهند و آن‌ها را در مسیری که برگزیده‌اند، راهنمایی کنند. (شکل۹).



شکل ۹ـ لوریس مالاگازی

اصول رویکرد رجیو امیلیا

اصول آموزشی از دیدگاه مالاگازی:

- کودکان قوی و توانمند هستند.
- آموزش باید بر ارتباط کودکان خردسال با خانواده، مربیان و همسالان متمرکز باشد.
- آموزش باید تفکر نمادین را از طریق نقاشی، واژه‌ها، تحرک، بازی‌های نمایشی، موسیقی و غیره آنها پرورش دهد.
- محیط، خود یک مربی است.
- مربیان راهنما، پرورش دهنده و یاور کودک‌اند.
- مربیان باید پژوهشگر باشند و در بحث‌های مربوط به کار و کودکان مشارکت کنند.
- مربیان دقیقاً مواظب باشند که چگونه تفکر کودکان را آماده می‌سازند.
- والدین نقش فعالی در آموزش کودکان خود دارند.

۱- Reggio Emilia

۲- Cadwell

۳- Loris Malaguzzi

هدف توانمند ساز ی۱۱ـ۴: ویژگی‌های رویکرد رجیو امیلیا را شرح دهد.

ویژگی‌های رویکرد رجیو امیلیا

براساس این رویکرد کودکان باید خودشان از طریق فعالیت‌های مورد علاقه‌شان، واقعیت را دوباره کشف یا بازسازی کنند. فلسفهٔ زیربنایی این رویکرد، نظریهٔ «جان دیویی» است که اعتقاد داشت کودکان از طـریق تجارب می‌آموزند و به‌طور مداوم این تجارب را دوباره‌سازی می‌کنند و همچنین مفهوم ویگوتسکی از منطقه تقریبی رشد را (که اظهار می‌دارد تعامل اجتماعی زمینهٔ رشد فردی را فراهم می‌کند) شامل می‌شود. مربیان این رویکرد، کودکان را سازندگان کنجکاو علم می‌دانند زیرا وقتی فعالانه با وسایل و مواد موجود، همچنین با محیط خود، کودکان دیگر و بزرگ‌ترها در ارتباط باشند، بیشترین یادگیری را خواهند داشت. مشخصه‌های کلی این رویکرد عبارت‌اند از:

- والدین در یادگیری کودکان مشارکت دارند.
- کودکان و مربیان، همان‌طور که در دنیای پیرامون خود می‌آموزند، در پروژه‌های تحقیقی نیز مشترکاً فعالیت می‌کنند.
- برنامهٔ درسی براساس مشاهدات و گوش دادن به کودکان و توجه به علایق و نیازهای آنها آغاز می‌گردد سپس به مسائل و دغدغه‌های فردی و گروهی کودکان توجه می‌شود. مربیان از طریق مشاهدات خود و همفکری با سایر مربیان، موضوعات را به پروژه‌های فردی و گروهی تبدیل می‌کنند.
- خلاقیت، مخصوصاً از طریق هنر، برجسته می‌شود.
- کودکان برای ابراز عقاید و احساسات خود، تشویق می‌شوند.
- فضای کلاس بازتابی از کل اجتماع تلقی می‌شود.
- مربیان معمولاً با گروه ثابتی از کودکان به مدت سه سال کار می‌کنند.
- مربیان با هم کار می‌کنند.

در این رویکرد، به کودکان همچون افرادی توانمند نگریسته می‌شود که مهارت‌ها و دانش را با فعالیت‌های یادگیری خود درمی‌آمیزند. در یک کلاس بیست و پنج نفره معمولاً دو مربی به عنوان دو کمک مربی کار می‌کنند. آن‌ها به جای این که هدایت کنندگان پروژه‌های تحقیقی باشند، کودکان را در بررسی و تحقیق یاری می‌کنند، پروژه‌های تحقیقی، برنامهٔ درسی یکپارچه را خلاصه می‌کند و در یک کار متمرکز می‌سازد. همان‌طور که پروژه‌های تحقیقی ادامه می‌یابد، بزرگ‌ترها و کودکان افکارشان را دائماً با هم مبادله می‌کنند. نقش‌های متقابل مربیان و کودکان نباید بد تعبیر شود. این طور نیست که مربیان صرفاً منتظر بیان علایق از سوی کودکان شوند و سپس با کودکان همراهی کنند. پس واحد درسی بر اساس علایق کودکان و با استفاده از روش بارش فکری[۱] برای بررسی موضوعات مورد علاقه بنا می‌شود تا موضوعات متنوع به کودکان پیشنهاد شود، مورد بحث قرار گیرد، اصلاح گردد و کنار گذاشته یا دنبال شود.

موضوع مورد بررسی‌ای که دنبال می‌شود شامل مواد بسیاری چون کتاب، گردش‌های علمی و تعاملات اجتماعی است. مثلاً ممکن است کودکان عقاید خود را نقاشی کنند، قصه‌های مرتبط با موضوع را بشنوند، چیزهای واقعی را از نزدیک ببینند و مشاهدات خود را مورد بحث قرار دهند. سپس به زمان پیش از نقاشی

۱- Brainstorm

ایده‌هایشان برمی‌گردند و تفکر اولیهٔ خود را با یافته‌هایشان مقایسه می‌کنند. مربیان، افکار کودکان را با یادداشت، عکس و کار کودکان مستند می‌سازند. این رویکرد تأکید فراوانی بر هنر دارد.

نکته

منطقهٔ تقریبی رشد اهمیت تعامل اجتماعی را در رشد و یادگیری نشان می‌دهد. کودکانی که به تنهایی از عهدهٔ اجرای پاره‌ای تکالیف یادگیری بر نمی آیند به کمک بزرگسالان یا دوستان بالغ تر و آگاه تر از خود اجرای آن کارها را یاد می گیرند. توانایی کودک در مستقلانه حل مسائل معرف سطح کنونی رشد او و توانایی اش در حل مسائل به‌کمک دیگران نشان دهندهٔ سطح رشد بالقوهٔ اوست. منظور از منطقهٔ تقریبی رشد، تفاوت بین سطح کنونی یا سطح رشد واقعی کودک و سطح رشد بالقوهٔ اوست. به‌عبارت ساده تر منطقهٔ تقریبی رشد به دامنه ای از تکالیف گفته می‌شود که کودک به تنهایی از عهدهٔ اجرای آنها بر نمی آید اما به کمک بزرگسالان یا دوستان بالغ تر از خود قادر است آنها را انجام دهد.

نقش مربیان در رویکرد رجیو امیلیا

در روش «رجیو» کار مربیان دونفره است. آنها با هم برنامه ریزی می‌کنند و از بازی و کار گروهی کودکان پشتیبانی می‌کنند. این گروه دونفره از زمان آغاز دوره همچنان با کودکان هستند تا زمانی که به دبستان وارد شوند. این کار به مربیان امکان می‌دهد که با کودکان و خانواده‌ها پیوندی استوار برقرار کنند.

نقش مربی در این رویکرد:

۱ **مربی به‌عنوان همراه و یادگیرنده:** مربیان خود را در فرایند یادگیری شریک می‌دانند. این تبادل دوطرفه پرورش می‌یابد و باعث تولید دانش می‌گردد. یکی از مهم‌ترین نقش‌های مربی، همراهی او با کودکان است. همراهی‌ای که شکل تصنعی ندارد و کودکان در کشف دنیا، مربی را همراه خود می‌دانند و سعی می‌کنند از او کمک بگیرند و زیبایی‌هایی را که یافته‌اند به او نیز نشان دهند. همچنین، نقش مربی به‌عنوان همراه و یاور فقط محدود به کودکان نمی‌شود، بلکه او با دیگر مربیان و اولیاء نیز چنین همکاری و نقشی دارد (نمودار ۶).



نمودار۶ـ نقش معلم در رویکرد رجیو

۲ **مربی به عنوان راهنما و تسهیل‌کننده:** مربیان با به وجودآوردن فضای پرسش‌گری و ایجاد امکان برای بازنمایی ایده‌های کودکان، ضمن حمایت از یادگیری آنها و تسهیل یادگیری این فرصت را به کودکان می‌دهند تا آن‌چه را در ذهن دارند پیاده کنند.

۳ **مربی به‌عنوان محقق:** مربی در این رویکرد به نوعی محقق و پژوهشگر نیز هست، زیرا کودک را دائماً مورد بررسی، شناخت و ارزیابی قرار می‌دهد. همچنین از طریق شنیدن و مشاهدهٔ دقیق علایق و فعالیت‌های کودکان می‌کوشد تا نیازهای کودک را کشف کند.

هدف توانمند ساز۱۲ـ۴: محیط یادگیری رویکردهای آموزشی امیلیا را توضیح دهد.

محیط در رویکرد رجیو امیلیا

کیفیت محیط در مهدکودک ها، یکی از ارزش‌های کلیدی رویکرد رجیو امیلیاست و آن‌قدر اهمیت دارد که ساختاربندی مناسب آن به معنای داشتن مربی سوم است.. این موضوع در چگونگی بازی و یادگیری کودکان نقشی بنیادین دارد. محیط، شامل ساختمان، و چگونگی ساختار اتاق‌ها، ظاهر ساختمان و آنچه در آن قرار دارد، می‌باشد. مربیان با طرح ریزی دقیق محیط نشان می‌دهند که به کودکان و خانواده هایشان تا چه اندازه احترام می‌گذارند. بخش ورودی، که پاکیزه، آرام و لذت‌بخش است، به استقبال آنها می‌رود. وجود منابع بی پایان[۱] و ابزارها سبب تشویق کنجکاوی، خلاقیت و برقراری ارتباط می‌شوند. عکس‌ها و گزارش‌های روی دیوار از فعالیت‌های یادگیری کودکان خبر می‌دهد و برداشت کلی همه از این محیط، زیبا بودن فضای آن است. (شکل ۱۰).



شکل ۱۰ـ محیط یادگیری

۱ـ منابعی مانند چوب، صدف، سنگ... منابعی هستند که کودکان آنها را، بدون محدودیت و به شکل های مختلف، کشف می‌کنندو خلاقانه به‌کار می‌برند.

هر فضایی در این رویکرد دارای هدفی است. سه نوع فضا را می‌توان در این روش متمایز ساخت:

۱ـ فضای کودکان: فضای کودکان باید به شکلی باشد که آنها بتوانند:

- خلاق باشند؛
- پژوهش کنند؛
- با پروژه‌های خود سرگرم باشند؛
- حریم خصوصی داشته باشند.

۲ـ فضای مربیان: فضای مربیان باید به شکلی باشد که آنها بتوانند:

- با همکاران خود دیدار داشته باشند و در برنامه‌ها با هم سهیم شوند؛
- حریم خصوصی داشته باشند؛
- مطالعه کنند.

۳ـ فضای والدین: فضای والدین باید به شکلی باشد که آنها بتوانند:

- در یادگیری کودکان سهیم شوند؛
- نظرهای خود را بیان کنند؛
- همدیگر را ببینند.

تمرین کنید

فعالیت ۱۳: در چه‌صورتی چیدمان محیط مهدکودک، سبب پرورش خلاقیت و کنجکاوی کودکان می‌شود؟ راجع به آن در گروه کلاسی گفت‌وگو کنید و ویژگی‌های چنین محیطی را به‌صورت نقاشی طراحی کنید.

نکته

در این رویکرد دورهٔ تولد تا شش سالگی نه تنها به‌عنوان دورهٔ آمادگی برای آینده اهمیت دارد، بلکه در ذات خود نیز پر اهمیت است. مربیان و والدین، سخنی از آمادگی کودکان برای آموزشگاه به‌میان نمی‌آورند، بلکه به آنها این امکان را می‌دهند تا از یک سالگی، سه سالگی یا پنج سالگی خود لذت ببرند و آنها را تجربه کنند. به اعتقاد آنها این سنین از اهمیت بسیاری برخوردار است.

وسایل و منابع آموزشی در رویکرد رجیو امیلیا

در این رویکرد برای پشتیبانی از بیان خلاق کودکان، به منابعی که برای کودکان فراهم می‌آورند بسیار توجه می‌شود. در مراکز رجیو امیلیا کمتر می‌توان اسباب‌بازی‌هایی یافت که تنها دارای یک هدف باشند. مراکز دارای منابع بی پایانی است و کودکان می‌توانند بدون محدودیت آنها را کشف کنند.

نمونه‌ای از این منابع عبارت‌اند از: ابزار آشپزخانه، انواع پارچه ها، اشیای طبیعی(صدف و برگ و پوست درخت و دانه‌ها...)، مصالح (سنگ و چوب و چینی و ظروف یک‌بار مصرف)، ابزار نقاشی و سازهای موسیقی، گل رس و.... برای این منابع خلاق گسترده، اصطلاح «ابزارهای هوش» به کار برده می‌شود. کاربرد این اصطلاح سبب می‌شود که کودکان آنها را ارزشمند به‌شمار آورند (شکل ۱۱).



شکل۱۱ــ وسایل و منابع آموزشی در رویکرد رجیو امیلیا

هدف توانمندسازی ۱۳ــ۴: برنامهٔ آموزشی رجیو امیلیا را بیان کند.

برنامهٔ آموزشی رجیو امیلیا

مربیان و کودکان از چارچوب مشخصی پیروی نمی‌کنند. بلکه پرسش‌ها و ایده‌های کودکان نقطه آغاز روند یادگیری است و مربیان از تجارب آنها برای برنامه‌ریزی استفاده می‌کنند. کودکان و بزرگسالان با هم به بررسی ایده‌ها می‌پردازند، از یکدیگر یاد می‌گیرند و درک و دانش خود را با کمک هم پایه‌ریزی می‌کنند. این فرایند به‌نوعی سیاست‌های کلی کار با کودکان را در اختیار مربیان کودک قرار می‌دهد.

۱ **رشد یکپارچه:** در نظام آموزشی رجیو املیا این اعتقاد وجود دارد که کودکان از صدها زبان برای ارتباط‌گیری استفاده می‌کنند، به صدها زبان با ما حرف می‌زنند و به صدها شیوه می‌شنوند. به همین دلیل لازم است آموزش‌هایی تدارک دیده شود که رشد یکپارچهٔ کودکان را پوشش دهد. کودک فقط عقل نیست بلکه مجموعه‌ای از عقل، احساس، حرکت و فیزیک است و ترکیب آنها به انسانی شدن کودک کمک می‌کند.

۲ **محیط به‌عنوان مرکز آموزشی:** در این سیستم آموزشی محیط زندگی کودک نقش مهمی‌در فرایند آموزش کودک دارد. محیط یعنی فضای خانه، کلاس، محله، شهر و حتی فضای برنامه‌هایی که از سوی جامعه برای مردم تدارک دیده می‌شود. مجموعهٔ این محیط در آموزش کودک مؤثر است. این اشتباه بزرگی است که فکر کنیم کودک فقط در کلاس آموزش می‌بیند بلکه این آموزش در تداوم فضایی است که در پیرامون او جریان دارد.

آنچه در محیط خانه رخ می‌دهد در آموزش کودک مؤثر است. آنچه کودک در فضای شهری می‌بیند نیز در

آموزش او بسیار نقش دارد. حتی برنامه‌هایی که کودک از طریق تلویزیون، رادیو، کتاب‌های داستان، مجله و نمایش‌های مختلف با آنها روبه‌رو می‌شود در این آموزش سهم به سزایی دارد.
نمی‌توان انتظار داشت که کودک در فضای خالی از محرک‌های ارزشمند باشد و احتمالاً در کلاس چیزی را بیاموزد یا فضای اطراف کودک ضد هنر باشد و او در کلاس آموزشی چیزی به‌نام هنر بیاموزد. به‌همین دلیل، این سیستم به کل جامعهٔ پیرامون کودک حساس است و برایش اهمیت دارد. هم از آن تأثیر می‌گیرد و هم اصرار دارد که بر محیط پیرامون کودک تأثیر بگذارد.

۳ **پروژه‌هایی که کودک دنبال می‌کند:** یکی دیگر از اصولی که در الگوی رجیو امیلیا بسیار رعایت می‌شود توجه به پروژه هاست. نوع نگاهی که در این سیستم به پروژه می‌شود بسیار خاص است. پروژه فقط طرح اجرایی یا عملیاتی نیست و پروژه فقط یک کار تحقیقاتی محسوب نمی‌شود. پروژه در این سیستم فعالیتی است که کودک به تنهایی یا به کمک گروه‌ها برای به سرانجام رساندن موضوع مورد علاقهٔ خود انجام می‌دهد. نکتهٔ مهم این است که پروژه در این سیستم یک فرایند است؛ فرایندی که با یک موضوع یا یک مسئله مورد توجه کودک یا کودکان شروع می‌شود و سپس ادامه می‌یابد. به هر کودک کمک می‌شود تا موضوع مورد علاقهٔ خود را شناسایی کند و برای اجرا و تحقق آن، فعالیت‌های مرتبطی را انجام بدهد. طبیعی است که در این مسیر تحقیق، اجرا و تولید نیز وجود دارد. هر موضوع مورد بررسی می‌تواند در حین کار به موضوعات دیگری تقسیم شود و موضوعات جدید دیگری نیز در آن شکل بگیرد.

نکته

از نظر رجیو امیلیا، برنامهٔ درسی از پیش طراحی شده‌ای وجود ندارد. این به آن معنی است که مربی و سیستم آموزشی به تأثیرگذاری کودکان برآنچه قرار است یاد بگیرند معتقدند. در برنامهٔ درسی ازپیش طراحی شده تمام سلسله مراتب آموزشی (موضوعاتی که امروز باید درخصوص آنها کارکرد، شیوهٔ تدریس آنها، امکانات مورد استفاده و...) از قبل مشخص می‌گردد. در این صورت استفاده از فرصت‌های زمان حال، افکار کودکان و ایده‌های جدید مقدور نخواهد شد.

۴ **هنر و رشد عاطفی:** توجه به رشد عاطفی کودکان در این سیستم موجب شد که هنر، به عنوان یکی از روش های مهم برای بیان احساس، نقش ایفا کند در مراکز رجیو امیلیا از هنر به عنوان الگویی برای بیان خود و بیان احساس استفاده می‌شود. به عبارت دیگر مراکز رجیوامیلیا مراکز آموزشی هنر و یا هنرستان‌های هنری نیستند و هیچ اصراری ندارند که کودکان را تبدیل به هنرمند کنند. بلکه سعی دارند با کمک هنر، کودکان را هرچه بیشتر و بهتر بشناسند تا بتوانند در زمان لازم یاری‌رسان آنها باشند. در این سیستم هنر بهترین ابزار برای شناخت کودکان محسوب می‌شود.

۵ **روابط خانه و مدرسه:** در الگوی رجیوامیلیا ارتباط خانه و مدرسه بسیار تنگاتنگ و درهم تنیده است. در ابتدای این بخش آمده است که خانواده‌ها به‌عنوان یک رکن مهم تأثیر به‌سزایی در تعیین محتوای آموزش دارند. یعنی تعامل خانواده‌ها با برنامه‌های مراکز آموزشی موجب می‌شود که نظرات خانواده در محتوا، اصول و برنامه‌ها شکل بگیرد. این تعامل فقط با حضور در یکسری جلسه‌های عادی به‌وجود نمی‌آید و خانواده‌ها این تعامل را در گروه‌های کاری مختلف نشان می‌دهند. دیدگاه‌های والدین نیز در بخش‌های مختلف از طریق نظرخواهی، کارگاه‌های هم فکری، مشارکت در برنامه‌ها و... استخراج می‌شود.

۶ مستندسازی: در برنامه‌های آموزشی رجیو امیلیا مستند سازی نقش مهم و اساسی دارد. مستندسازی در واقع ثبت متنوع فعالیت‌های انجام شده کودکان در مراحل مختلف است. با مستندسازی، یادگیری کودکان برای خودشان، آموزشگران و مادران و پدرانشان قابل مشاهده می‌شود. از آنجا که این سیستم، امتحان، نمره، سطح‌بندی و امتیازبندی ندارد طبیعی است که سعی می‌کند از مراحل مختلف کار، نمونه و شواهدی برای روند رو به رشد کار هر کودک یا گروه‌های کودکان جمع‌آوری کند. تنوع مستندسازی این مراکز آموزشی آن قدر گسترده است که گاه بخش عمده‌ای از مربیان یا گروهی از مربیان را به این کار اختصاص می‌دهند.

گزارش تهیه کنید

فعالیت ۱۴: در بازدید از یک مهد کودک، دربارهٔ چگونگی مستندسازیِ[1] فعالیت‌های کودکان گزارشی تهیه کنید و نتیجه را در کلاس ارائه دهید.

نکته

زمانی که مالاگازی دربارهٔ یادگیری کودکان سخن می‌گفت، از اصطلاح «صد زبان کودکی» استفاده می‌کرد. این بدان معناست که کودکان خلاق برای بیان افکار خود مانند گفتار، آواز، نقاشی، نمایش‌و... روش‌های بسیاری دارند و لازم است بزرگسالان به دقت به این روش‌های متفاوت (زبان‌های مختلف) کودکان گوش فرا دهند.

بخش هایی از شعر صد زبان کودکی:

کودک از صد ساخته شده است
کودک دارد
یک صد زبان
یک صد دست
یک صد ذهن
یک صد شیوهٔ فکر کردن
بازی کردن،صحبت کردن

نگاهی به کلاس

کودکان شیرخوار و نوپا با بررسی فعالانه درک می‌کنند که اشیاء چه کاری انجام می‌دهند. در محیط رجیو امیلیا یک مربی به نام میا به دو کودک به نام‌های «جف» بیست ماهه و جاماییکای بیست و سه ماهه در پروژهٔ نقاشی کمک می‌کند.

«میا» با جف سر میز نقاشی بودند که روی آن چندین برگ بزرگ کاغذ و شش لولهٔ (تیوب) رنگ، هر یک با رنگی مختلف قرار داشت. هر لولهٔ رنگ یک سرپوش داشت با سوراخی روی آن، که قلم‌مو را می‌شد وارد آن کرد. میا همین‌طور که جف قلم‌مو را روی کاغذ می‌کشید با او صحبت می‌کرد: «حالا این قلم را امتحان کن که ببینی چه رنگی در داخل لوله است». با راهنمایی او، جف رنگ‌های مختلف را امتحان کرد. این تعامل توجه جاماییکا را به خود جلب کرد.

۱ـ با روش‌های مستندسازی در کتاب دانش فنی سال دهم آشنا شده‌اید.

جاماییکا با رنگ کردن انگشتان برروی کاغذ به بازی ملحق شد. جاماییکا درحالی که به نقاشی خود اشاره می‌کرد گفت: جف، ببین! در این موقع میا چند مهر لاستیکی با شکل‌های گوناگون (دایره، مثلث، مربع، ماه و ستاره) نشان داد. وقتی او مهری را که به شکل ماه بود، بالا آورد گفت: «اگر پشت این را رنگ کنی با آن چه کار می‌توان بکنی؟».
جاماییکا، همان‌طور که شکل را می‌گرفت جیغ زنان، پشت مهر را قرمز رنگ کرد و آن را روی کاغذ چسباند. میا گفت: «نگاه کن! یک ماه روی کاغذ درست کردی!» جف، میا و جاماییکا را تماشا کرد ولی به رنگ‌کردن با قلم مو روی کاغذ خود ادامه داد. جاماییکا از رنگ کردن و چسباندن هریک از مهرها خرسند و شاد بود.
میز نقاشی برای هر دوی آن‌ها مطلوب بود. هر دوی آن‌ها ویژگی‌های رنگ و آنچه را می‌توانستند با رنگ انجام دهند، یاد می‌گرفتند. در نهایت، جف نیز رنگ کردن با مهرها را امتحان کرد و آن‌ها را روی کاغذ چسباند.
بعد از چند روز نقاشی و مهر زدن، میا و جف مجدداً پشت میز نقاشی بودند. هرچند در این موقع، به جای برداشتن مهرها، جف در حالی که متفکر به‌نظر می‌رسید، قلم موی سبز را برداشت و شروع کرد به رنگ کردن دستش، بعد دست خود را روی کاغذ گذاشت و آن را بلند کرد تا اثر دستش ظاهر شود. او با خوشحالی فریاد زد: «ببین!» میا گفت: «جف! تو از رنگ استفاده کردی که اثری از دست خودت درست کنی.» روز بعد جف با رنگ کردن نوک انگشتان و ایجاد اثر انگشت تجربهٔ جدیدی خلق کرد.
وقتی جف و جاماییکا کاملاً درگیر بازی با رنگ بودند، یاد گرفتند که با رنگ چه کارهایی می‌توان انجام داد. با چارچوبی که میا ایجاد کرد آن‌ها فهمیدند که می‌توانند اشیاء را با رنگ بپوشانند و روی کاغذ نشان به جا بگذارند. به دنبال آن جف نظریهٔ خود را با رنگ کردن دست و نوک انگشتانش و اثر گذاشتن روی کاغذ امتحان کرد. میا به آرامی‌با پیشنهاد مواد جدید و صحبت با آن‌ها در هنگامی‌که کاری انجام می‌دادند، به این کند و کاو آن‌ها کمک کرد.

هدف توانمند ساز ی۱۴ـ۴: اصول نظریه والدورف را بیان کند.

رویکرد والدورف

در اوایل قرن بیستم، از رادولف اشتاینر[۱] (۱۹۲۵ـ۱۸۶۱) درخواست شد تا برای فرزندان کارگران کارخانهٔ سیگار والدورف[۲] استوریا، مدرسه‌ای در آلمان تأسیس کند. به‌این ترتیب در سال ۱۹۱۹ اولین مدرسهٔ والدورف در اشتوتگارد آلمان تأسیس شد؛ مدرسه‌ای که بعدها الگوی سایر مدارس والدورف در سراسر دنیا گردید و به همین دلیل هم والدورف نامیده شد.
در این مدرسه اشتاینر مسئولیت آموزش و راهنمایی معلمان را برعهده داشت و این کار را تا زمان مرگش

۱- Steiner
۲-Waldorf



شکل ۱۲ــ رادولف اشتاینر

ادامه داد. مدارسی که والدورف لقب گرفته‌اند تاکنون خدمات خود را به کودکان پیش‌دبستان تا دانش‌آموزان دبیرستان ارائه می‌کنند (شکل ۱۲).
اشتاینر بر این باور بود که جسم و روان، هماهنگ رشد می‌کنند و انسان از کودکی تا بزرگسالی مراحل تحول مشخصی را طی می‌کند. وی اظهار داشت برنامه‌های آموزشی دورهٔ خردسالی باید به نیازهای کل کودکی توجه کند و کودکان خردسال باید از همهٔ بدی‌ها در امان باشند. او برای کودکان خردسال آموزش بسیار رسمی و ساختار بندی شده‌ای ارائه کرد.

اصول رویکرد والدورف

اصول فلسفهٔ آموزشی برنامهٔ درسی مدارس والدورف عبارت است از:

۱ اساس روش آموزشی والدورف بر پایهٔ آنتروپوزوفی[۱] گذاشته شده است. در این روش فرد شخصاً مورد توجه است، زیرا انسان‌ها متفاوت‌اند و نمی‌توان همه را به‌طور مشابه آموزش داد.

۲ آموزش نباید تحت تأثیر هنجارهای اجتماعی قرارگیرد. برای آموزش باید، با توجه به نیازهای کودک و نوع پیشرفتش، برنامه‌ریزی کرد.

۳ آموزش باید کنجکاوی کودک را برانگیزد و قدرت ابتکار دانش‌آموز را رشد و گسترش دهد.

۴ باید امکاناتی فراهم کرد که هر کودک با علاقه به یادگیری بپردازد.

۵ آموزش باید همراه با انضباط و احترام باشد.

۶ یادگیری باید با عمل همراه باشد. با این روش، آموزش زنده و فعال می‌ماند.

۷ کودکان و دانش‌آموزان طوری آموزش ببینند که آموخته‌هایشان تا بزرگسالی باقی بماند.

ویژگی مدارس رویکرد والدورف

مدارس این رویکرد، که بر مبنای اندیشه‌های رادولف اشتاینر بنیان گذاشته شده است، در سرتاسر دنیا وجود دارد. مربیان والدورف همانند اشتاینر معتقدند که دورهٔ کودکی باید بسیار پر ارزش شمرده شود و نباید در آموزش این دوره عجله کرد. مدارس والدورف فضایی مشابه با خانه دارند. کودکان در آن فضا در کنار گروه‌های سنی متفاوت‌اند و در تمام تجربه‌هایشان با یک مربی کار می‌کنند.
برنامهٔ تحصیلی مدرسهٔ والدورف چند حسی (استفاده از حواس برای دریافت اطلاعات از محیط) است و نیازهای فردی و همچنین نقاط قوت و علایق کودکان موردتوجه قرار می‌گیرد. محیط یادگیری به‌گونه‌ای سازمان‌دهی شده است که نیازهای یادگیرندگان را با توجه به سطح تحولی آن‌ها برآورده می‌سازد.
مشخصات پیش‌دبستان‌ها و کودکستان‌های والدورف عبارت‌اند از:

- بازی در فضای باز و در فضای داخلی؛
- استفاده از هنرهای دستی، قصه و آواز؛
- تأکید بر موضوعات علمی در کودکستان و پیش از کودکستان.
- یادگیری در جریان تکالیف روزمره (مثل آشپزی‌کردن) در این فرایند مربیان الگوسازی می‌کنند و کودکان کمک می‌کنند.

۱- Anthroposophy: علم شناسایی طبیعت و ماهیت انسانی است

بازی در دوران اولیهٔ کودکی اساس برنامهٔ درسی است، کودکان در بطن بازی خود خلاقانه می‌اندیشند، گفت‌وگو می‌کنند و به حل‌مسئله می‌پردازند. بسیاری از وسایل و مواد بازی در محیط طبیعی وجود دارد (مثلاً قطعات چوبی، صدف‌های دریایی). کودکان همچنین از پیاده‌روی در طبیعت، فعالیت‌های حرکتی و ابراز وجود خلاقانه با استفاده از وسایل هنری لذت می‌برند. برنامهٔ درسی هنرهای زبانی شامل خواندن، قصه‌خوانی، عروسک‌های خیمه شب بازی، آواز و شعر است.

نکته

هماهنگی، تکرار و احترام سه اصل کلیدی، آموزش والدورف را تشکیل می‌دهند، با این هدف که کودک احساس امنیت کند.

نقش مربیان در رویکرد والدورف

نخستین کاری که مربی در مدرسهٔ والدورف، انجام می‌دهد، ساختن محیطی گرم و صمیمی‌مانند خانه برای کودکان است. مهدکودک و پیش‌دبستانی والدورف دارای محیطی امن و حمایت‌کننده است و همه چیز در یک روند متوالی و منظم به‌پیش می‌رود. در چنین محیطی، مربی والدورف، با کمک دو شیوه اصلی به نیازهای رشد کودکان پاسخ می‌دهد:

۱ مربی فعالیت‌های روزانهٔ خانگی، عملی و هنرمندانه‌ای را برای کودکان ترتیب می‌دهد. فعالیت‌هایی که کودکان به سادگی می‌توانند آنها را تقلید کنند. کارهایی مانند پختن، نقاشی کردن، باغبانی کردن و ساختن کاردستی. این فعالیت‌ها، بسته به تغییر چهرهٔ طبیعت و جشن‌ها و مناسبت‌های هر فصل سال، تغییر می‌کند.

۲ مربی می‌کوشد تا توانایی تخیل کودکان را بر اساس سن آنها پرورش دهد. او این کار را با گفتن قصه و ترتیب دادن بازی آزاد انجام می‌دهد. مربی قصه‌ها را با دقت بسیار برمی‌گزیند. بازی‌های آزاد یا تخیلی در واقع سناریوهایی هستند که کودکان خودشان آنها را می‌سازند و بازی می‌کنند. این بازی‌ها به کودکان کمک می‌کنند تا زندگی را با نمودهای گوناگون و به شکل عمیق تر تجربه کنند.

تمرین کنید

فعالیت۱۵: تصور کنید مربی مهد کودک هستید و می‌خواهید محیطی گرم و صمیمی‌مانند خانه را برای کودکان در کلاس خود ایجاد کنید. به‌نظرتان چه اقداماتی یا تغییراتی باید در کلاس انجام دهید؟ راجع به آنها در گروه‌های کلاسی گفت و گوکنید و نتیجه را در کلاس گزارش دهید.

محیط آموزشی در رویکرد والدورف

مدارس والدورف باید در محیط وسیعی قرار گیرد تا امکان پرداختن به کارهای عملی در داخل کارگاه فراهم شود. همچنین، استفاده از محیط باز برای کارهای باغبانی کودکان لازم است. ضمناً برای اجرای کارهای هنری مثل تئاتر محیط مناسبی برای نمایش این نوع فعالیت‌ها ضروری است. والدورف به معماری محیط آموزشی بسیار توجه داشت و معتقد بود برنامهٔ آموزشیِ صحیح وقتی عملی است که محیط وسیع و مناسب داشته‌باشد.

فضای اتاق‌های مهد کودک از لحاظ هنری تزیین شده است تا در هنگام روز برای کودکان محیطی الهام بخش باشد. این مکان، که گاه خانه‌ای دیگر خوانده می‌شود، باید تا حد ممکن مانند خانه باشد.اتاق‌ها با رنگ صورتی

کم رنگ نقاشی شده‌اند (اشتاینر از آن به شکوفهٔ هلو یاد می‌کرد). در کل، محیط آرام، مرتب و دوستانه است.

مواد آموزشی در رویکرد والدورف

اسباب بازی‌های کودکان از مواد طبیعی ساخته می‌شوند، از جمله میوه درخت کاج، چوب، پنبه، ابریشم، صدف، سنگ و دیگر ابزار طبیعی. این مواد طبیعی را کودکان خود گرد آورده‌اند، هم با آنها بازی می‌کنند و هم برای زیبا کردن اتاق آنها را مورد استفاده قرار می‌دهند. برای شکل گرفتن پایه‌های رشد تحصیلی در مهدکودک تکرار و ترتیب، یکپارچگی حس‌ها، هماهنگی بین چشم و دست‌ها، تجربهٔ زیبایی‌های زبان و دیگر مهارت‌های لازم پرورش داده می‌شود.

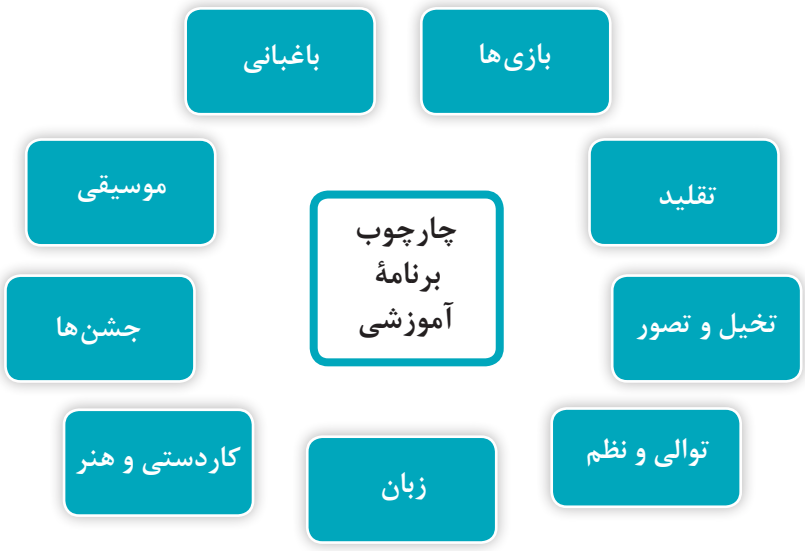
در این فضای کاملاً طبیعی، دوست داشتنی و خلاق، کودکان با فعالیت‌ها و ساختاری روبه‌رو هستند که به آنها کمک می‌کند برای ورود به مدرسه آماده شوند. برخی از اسباب بازی‌های پیشنهادی در مهد کودک عبارت‌اند از:

- سبدهای حاوی میوه‌های کاج، پوست درختان، انواع سنگ‌ها؛
- انواع جعبه‌ها، تخته‌های چوبی، آجرهای ساختمانی؛
- وسایل منزل؛
- انواع عروسک.

هدف توانمندسازی ۱۵ـ۴: برنامه آموزشی رویکرد والدورف را توضیح دهد.

برنامه آموزشی رویکرد والدورف

برنامهٔ آموزشی در مراکز والدورف شامل موارد زیر است (نمودار ۷):



نمودار ۷ـ چارچوب برنامهٔ آموزشی والدورف

بازی‌ها: محیط کودکستان والدورف به وسیلهٔ بازی و کشف موارد مختلف به یادگیری کودکان کمک می‌کند. کودکان از بازی برای کشف و درک جهان، تقلید کردن از آن، برقراری ارتباط با آن، و جامعه‌پذیری استفاده می‌کنند.

تقلید: در مدارس و مهدهای والدورف، یادگیری کودکان با تقلید کردن از اتفاقات زیبا و با ارزش صورت می‌گیرند. توانایی کودکان با برنامه‌هایی از پیش تعیین شده و در محیط مناسب تقویت می‌شود. مربیان دراین محیط با رفتار و حرکات مناسب خود الگویی برای تقلید هستند و آداب اجتماعی را به کودکان می‌آموزند. مربیان رفتاری صلح‌آمیز دارند و آن را در همه فعالیت‌های خود نشان می‌دهند. مربیان می‌دانند رفتارشان به دقت از سوی کودکان مشاهده و سپس تقلید می‌شود. آن‌ها مهارت‌های گوناگونی مانند پخت و پز، کاردستی، خیاطی و ... را برای ایجاد ارتباط با زندگی واقعی، به کودکان می‌آموزند.

تخیل و تصور: کودکان در مراکز والدورف به شیوه های متفاوت توانایی تخیل، تصور و ذهنیت خود را رشد و افزایش می‌دهند. یکی از این روش‌ها داستان‌گویی به وسیلهٔ مربی هاست. داستان بیش از یک بار در روز تکرار می‌شود تا کودکان بتوانند مفاهیم آن را در ذهن خود به تصویر بکشند. کودکان در هنگام کار مربی، به او بسیار توجه می‌کنند و کلاس کاملاً آرام و ساکت است.

فعالیت داستان‌گویی مربی و تکرار آن سبب می‌شود تا کودکان تصویر ذهنی ـ تخیلی خود و مهارت خواندن را افزایش دهند. در عین حال این فعالیت به آن‌ها یاری می‌دهد تا در بزرگسالی افرادی خلاق و متفکر بار بیایند و برای مسائل به سادگی راه حل پیدا کنند.

توالی و نظم: یک‌پارچگی و هماهنگی حواس مختلف، هماهنگی بین چشم و دست، استفاده از زبان و مهارت‌های اصلی دیگر، برای پی‌ریزی آموزش سطوح بالاتر و پیشرفت کودکان در مهدهای کودک والدورف ضروری است. در این محیط جذاب، خلاق و طبیعی، کودکان می‌توانند برای مراحل بعدی تحصیل به خوبی آماده شوند.

زبان: هدف از آموزش زبان رشد توانایی برقراری ارتباط است. مهارت برقراری ارتباط کمک می‌کند تا رشد و آگاهی اجتماعی کودکان افزایش یابد. برای دوست داشتن دیگران و ایجاد ارتباط خوب و انسانی با آنها لازم است بر میزان توانایی، تجربه و آگاهی و دانش کودکان افزوده شود.

کاردستی و هنر: کاردستی و هنر دارای جایگاه ویژه و با ارزشی در آموزش به روش والدورف است. کودکان از طریق برنامهٔ کاردستی، فرصت خلق اشیای زیبا و کاربردی را به‌دست می‌آورند و با انواع کارهای دستی (قلاب‌دوزی، بافتنی، بخیه دوزی و سایر دوخت و دوزها) آشنا می‌شوند. برنامه‌های هنری سبب خودشناسی کودکان می‌شود. آنها با این ابزار می‌توانند خود را بیان کنند. بنابراین برنامه‌هایی نظیر نمایش خیالی، نقاشی، طراحی، نجاری و مجسمه‌سازی در مدارس والدورف، ساعات خوب هنر را پر می‌کنند. همچنین کودکان در هر فرصتی، به ویژه در تعطیلات، می‌توانند نمایش اجرا کنند و فعالیت‌های هنری خاص داشته باشند.

جشن‌ها: برگزاری جشن‌ها به مناسبت‌ها و در فصول مختلف فرصتی است تا کودکان با نظم موجود در محیط اطراف و در طبیعت آشنا شوند. همچنین جشن‌های محلی و مذهبی، کودکان را با آیین مربوط به آنها در شکلی طبیعی آشنا می‌کند. در همه مدارس و مراکز آموزشی والدورف جشن‌ها بر اساس سنت‌ها و آیین، فرهنگ و مذهب آن کشور تنظیم می‌شود. در این‌گونه مراسم، قصه‌گویی، آوازخوانی و انواع فعالیت‌های جمعی، شادی جشن را چند برابر می‌کند.

موسیقی: در مراکز آموزشی والدورف، آموزش موسیقی در برنامه‌های روزانه گنجانده می‌شود. مربیان روز کاری خود را با خواندن آواز و پخش نوارهای موسیقی آغاز می‌کنند، سپس از کودکان می‌خواهند گروهی

به یک نغمه (ملودی) گوش کنند و به‌تنهایی و یا همراه با دوستان‌شان نغمه را همراهی کنند. موسیقی نقش مهمی در کلاس‌های بازی کودکان دارد. بیشتر کلاس های موسیقی یک مربی و استاد برجسته دارند. افزون بر برنامه‌های روزانهٔ موسیقی، تعدادی از کلاس‌ها چند روز در هفته ساعات موسیقی را در برنامهٔ هفتگی خود دارند.

باغبانی: کودکان از طریق باغبانی موجودات زندهٔ گیاهی را می‌بینند و با زمین و آنچه روی آن زندگی می‌کنند، آشنا می‌شوند و ارتباط برقرار می‌کنند. آنها می‌آموزند چگونه با محیط و طبیعت هماهنگ شوند. باغ مدرسه دنیای وسیعی برای کودکان است تا به کمک مربی با نظم موجود در آن آشنا شوند. در این باغ مربی به‌کودکان دستوراتی می‌دهد و آنها دستورات را اجرا می‌کنند. در هنر باغبانی کودکان می‌آموزند هر گیاه به‌دست انسان و در جایی که او بخواهد کاشته می‌شود و رشد می‌کند. کودکان دراین فعالیت با نیروهای گوناگون طبیعت نیز آشنا می‌شوند.

تمرین کنید

فعالیت ۱۶: برنامهٔ درسی رویکرد «والدورف» و «مونته سوری» را با هم مقایسه و شباهت‌هایشان را مشخص کنید. براساس نتیجهٔ به‌دست آمده فضایی برای مهد کودک خود طراحی نمایید.

نگاهی به کلاس

«جانت» مربی مرکز والدورف است. او تجربیاتی را که برای کودکان جذاب و مناسب است در برنامه‌ریزی خود لحاظ می‌کند. برنامه‌ریزی او در مورد موضوعاتی است که برای کودکان جالب است ضمناً به علایق خاصِ کودکان در کلاس نیز توجه دارد.

اخیراً، «دارسی» عکسی از بچه گربه‌ای گرفته است. او در مورد حیوان با کودکان صحبت کرد و جانت عکس را به تابلوی اعلانات چسباند تا همه ببینند. موضوع حیوان اهلی در مکالمات بعدی و در بازی نمایشی کودکان مطرح شد. کودکان علاقه‌مند شده بودند و جانت برای یادگیری بیشتر در مورد حیوانات اهلی، واحدی را در نظر گرفت.

جانت از کودکان خواست که عکسی از حیوانی که دارند یا به آن علاقه‌مند هستند، ترسیم کنند. زمانی که کودکان نقاشی‌شان را تمام کردند دایره‌وار نشستند و تصاویر را دیدند. جانت آنها را تشویق کرد که از زبان توصیفی استفاده کنند و در مورد حیواناتی که دوست دارند، صحبت کنند. هر کودکی یک نمودار از حیوانات مورد علاقهٔ خود ایجاد کرد و زیر عکس حیوان مورد علاقهٔ خود علامت گذاشت.

جانت برای بررسی دنیای حیوانات، چندین کتاب تصویری در مورد حیوانات خواند. وی، پس از خواندن اولین کتاب در مورد ماهی طلایی، تعدادی ماهی طلایی برای کلاس خرید و کودکان دربارهٔ تغذیهٔ ماهی طلایی و اندازهٔ مناسب غذای ماهی اطلاعاتی کسب کردند.

جانت برای بررسی بیشتر مراقبت از حیوانات، از یک دامپزشک محلی دعوت کرد تا با کودکان دربارهٔ مراقبت از حیوانات صحبت کند. او تقاضا کرد، دامپزشک دربارهٔ حیواناتی سخن بگوید که مورد علاقهٔ کودکان است. جانت با خواندن چندین کتاب تصویری در خصوص دامپزشک‌ها، محل بازی نمایشی را در یک ادارهٔ دامپزشکی شناسایی کرد.

کودکان برای استفادهٔ بیشتر از مطالعهٔ حیوانات، اطلاعات جدید خود را از طریق چند کتاب داستان تقسیم کردند. هرکودک داستان حیوانی را به جانت و همکارش ارائه کرد. مربیان، کودکان را تشویق کردند تا آنچه را یاد گرفتند، همان‌طور که داستان‌هایی را بیان می‌کنند، یادآوری نمایند.

تمرین کنید

فعالیت ۱۷: هر گروه، یکی از رویکردهای پیش‌دبستانی موجود را مورد بررسی قرار دهد و سپس بروشوری دربارهٔ رویکرد تهیه کند و آن را در کلاس ارائه دهد.

جدول ۳ــ مروری بر برنامه‌های رویکردهای موجود برای کودکان سه تا پنج سال

عنوان	تأکیدات اصلی
مونته‌سوری	■ مهیا و آماده بودن محیط؛ ■ مواد و ابزار خود تصحیح گر؛ ■ تعقیب علایق کودکان؛ ■ محرک‌های حسی؛ ■ داشتن فعالیت مستقل.
های‌اسکوپ	■ کودکان را به تجربه‌های یادگیری فعال مشغول می‌سازد. ■ بین فعالیت‌های کودک محور با فعالیت‌های معلم محور تعادل برقرار می‌کند. ■ «برنامه‌ریزی کن ـ انجام بده ـ مرور کن» را اجرا می‌کند.
رجیو امیلیا	■ علایق کودک، هدایت‌کنندهٔ واحد درسی است. ■ هنر در برنامهٔ تحصیلی در درجهٔ اول اهمیت است. ■ کودکان و بزرگسالان با هم یاد می‌گیرند.
والدورف	■ در رشد شتاب نکردن. ■ باهم بودن گروه‌های متفاوت. ■ مشابه خانه بودن ■ داشتن برنامهٔ درسی چند حسی (استفاده از حواس گوناگون).

تمرین کنید

فعالیت ۱۸:

در گروه‌های کلاسی، با توجه به فرهنگ ایرانی اسلامی کشورمان نقاط قوت و ضعف هر یک از رویکردهای چهارگانه گفته شده در این پودمان را مورد نقد و بررسی قرار داده و نتایج آن‌را گزارش دهید.

تمرین کنید

۱ ویژگی های رویکرد آموزشی مونته سوری را فهرست کنید.

۲ اهداف رویکرد آموزشی مونته سوری را بررسی کنید.

۳ ویژگی های رویکرد آموزشی والدورف را بررسی کنید.

۴ رویکرد آموزشی والدورف و مونته سوری را با هم مقایسه کنید.

۵ اهداف رویکرد آموزشی رجیو امیلیا را بررسی کنید.

۶ محیط یادگیری(فضا، امکانات، تجهیزات و...) رویکرد آموزشی رجیو امیلیا را بررسی کنید.

۷ رویکرد آموزشی رجیو را بررسی کنید.

۸ اهداف رویکرد آموزشی «های اسکوپ» و «رجیو امیلیا» را با هم مقایسه کنید.

۹ تفاوت‌های محیط یادگیری(فضا، امکانات، تجهیزات و...)در رویکردهای آموزشی مونته سوری و والدورف را فهرست کند.

۱۰ شباهت‌های برنامهٔ درسی رجیو امیلیا و های اسکوپ با یکدیگر را فهرست کنید.

۱۱ نقش مربی در رویکرد آموزشی رجیو امیلیا را بررسی کنید.

۱۲ نقش مربی در چهار رویکرد آموزش و پرورش کودکان در دورهٔ پیش از دبستان را با هم مقایسه کنید.

۱۳ یک برنامه درسی با رویکرد رجیو امیلیا برای مرکز پیش از دبستان طراحی کنید.

۱۴ یک برنامه آموزشی تلفیقی، با توجه به چهار رویکرد آموزشی، تهیه کنید.

۱۵ یک محیط یادگیری، با توجه به چهار رویکرد آموزشی، طراحی کنید.

خودارزیابی پایانی پودمان ۴				
واحدیادگیری: به کارگیری رویکردها در آموزش و پرورش پیش از دبستان				
این کاربرگ برای ارزیابی دانش و مهارت شما در زمینهٔ به کارگیری رویکردها و روش های تلفیقی در آموزش و پرورش پیش از دبستان تهیه شده است. در هر سؤال بیشترین امتیاز سه و کمترین امتیاز یک است. بر این اساس خود را ارزیابی کنید و به خود امتیاز دهید.				
ردیف	**موارد**	**۳**	**۲**	**۱**
۱	تا چه حد می‌توانید برنامه های آموزشی دورهٔ پیش از دبستان را در رویکردهای آموزشی بررسی کنید؟			
۲	تا چه حد می‌توانید اهداف آموزشی دورهٔ پیش از دبستان را در رویکردهای آموزشی بررسی کنید؟			
۳	تا چه حد می‌توانید محیط یادگیری را در رویکردهای آموزشی بررسی کنید؟			
۴	تا چه حد می‌توانید نقش مربی پیش از دبستان را در رویکردهای آموزشی تحلیل کنید؟			
۵	تا چه حد می‌توانید یک برنامهٔ آموزش تلفیقی را با توجه به رویکردهای آموزشی تهیه کنید؟			
۶	تا چه حد می‌توانید اهداف آموزشی را برای دورهٔ پیش از دبستان، براساس رویکردهای آموزشی تهیه کنید؟			
۷	تا چه حد می‌توانید محیط یادگیری را براساس رویکردهای آموزشی طراحی کنید؟			

ارزشیابی پودمان۴

عنوان پودمان ۴	تکالیف عملکردی (شایستگی ها)	استاندارد عملکرد (کیفیت)	نتایج	استاندارد (شاخص ها، داوری، نمره دهی)	نمره
به کار گیری رویکردها در آموزش و پرورش پیش از دبستان	تحلیل رویکردهای آموزشی پیش از دبستان	به‌کار گیری رویکردها در آموزش و پرورش پیش از دبستان براساس منابع معتبر علمی‌و آموزشی سازمان بهزیستی و آموزش و پرورش پیش از دبستان	بالاتر از حد انتظار	توانایی تحلیل چهار رویکرد آموزشی پیش از دبستان و به کارگیری این رویکردها در آموزش و پرورش پیش از دبستان و نوآوری در روش های آموزش	۳
			در حد انتظار	توانایی تحلیل چهار رویکرد آموزشی پیش از دبستان و به کارگیری رویکردها در آموزش و پرورش پیش از دبستان	۲
	به کارگیری رویکردها در آموزش و پرورش پیش از دبستان		پایین تر از انتظار	توانایی انجام دادن یکی از شایستگی‌ها	۱
نمرهٔ مستمر از ۵					
نمرهٔ شایستگی پودمان از ۳					
نمرهٔ پودمان از ۲۰					

پودمان ۵

کاربرد متون تخصصی در آموزش‌های پیش از دبستان



یادگیری یک زبان جدید، افق‌های نوینی را به روی ما جهت آشنایی با فرهنگ و تمدن سایر ملل می‌گشاید.

هدف توانمندسازی ۱ــ ۵: رشد کودک را توضیح دهد.

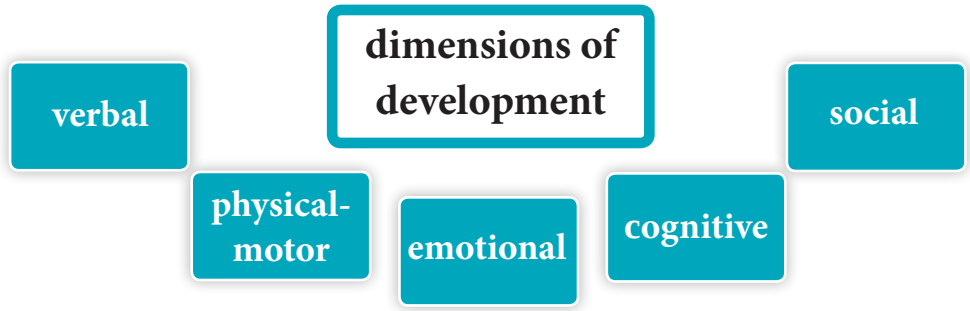
Child's development

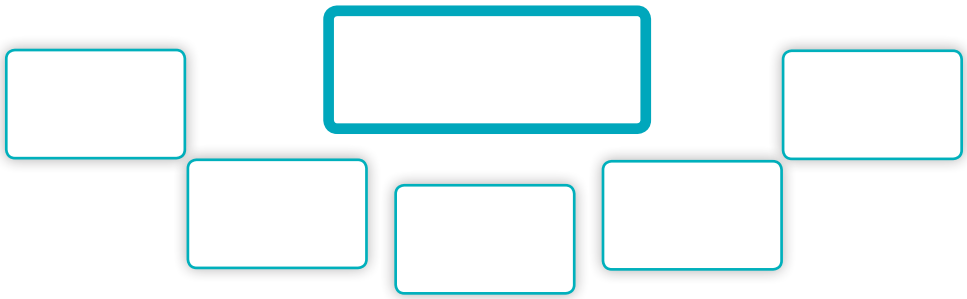
What is child's development?

Perhaps at first glance, child's development may seem simple, and many of us have a simple answer to this question. If you think deeply about this question, it might not be easy to answer it because this question can have different answers depending on individual differences. In this regard child's development has many aspects which includes the Physical- motor, cognitive, emotional, social and Verbal development. There is a strong relationship among dimension of human development. All of these areas of development have their unique traits, but they are all dependent on each other as well. Development in one domain influences, and is influenced by the development in the other domains.

تمرین کنید

A) نمودار زیر در ارتباط با ابعاد رشد می‌باشد. لطفا آن را ترجمه کنید و معادل آن را در نمودار خالی بنویسید.





B) صحیح یا غلط بودن عبارات زیر را مشخص کنید.

1 Dimensions of development are all dependent on each other. T F

2 Physical development influences both cognitive development and social-emotional development. T F

C) لغات زیر را ترجمه کنید.

لغت	ترجمه
Aspects	.....
Cognitive development	.....
Dimension	.....
Emotional development	.....
Humans	.....
Individual differences	.....
Physical- motor development	.....
Relationship	.....
Social development	.....
Traits	.....
Verbal development	.....

هدف توانمندسازی ۲ـ۵: اصطلاحات و متون تخصصی رشد جسمی ـ حرکتی کودک را به‌کار بندد.

Section 1

Physical-motor development



Fig.1- Physical development

What is Physical- motor development?

Physical development is the dimension of development that is related to basic physiological changes such as height, weight and motor capabilities. Children are developing rapidly during the preschool years. Although more slowly than the first two years of their lives. Young children are capable of many physical activities(Fig.1). So physical- motor development includes the following:

1 **Fine motor skills** are finger and hand skills such as writing, cutting, and tying shoelaces. The development of these skills relies upon the age appropriate development of physical skills (such as core trunk control and shoulder strength) (Fig.2).



Fig.2- fine motor skills

2 **Gross motor skills** are those which require whole body movement and which involve the large muscles of the body to perform everyday functions, such as standing, walking, running, and sitting upright.(Fig.3).



Fig.3- Gross motor skills

3 **Balance** refers to the ability to keep a controlled position or posture during a specific task. Walking, climbing or even sitting all require balance. There are two types of balance. Dynamic balance refers to the ability to stay in a position during activities that require movement, such as walking, running and bike riding. Static balance refers to the ability to maintain position during stationary tasks such as standing, sitting and “statue” games (Fig.4).



Fig.4-Balance skill

4 **Coordination** refers to the ability to correctly interpret multiple signals to do more complex physical tasks. Hand-eye coordination, for example, requires children to correctly interpret visual information in a way that allows them to catch or kick a ball (Fig.5).



Fig.5-Coordination

تمرین کنید

A) به سؤالات زیر پاسخ دهید.

1 What are the four kinds of child's Physical Development?

..... .

2 Define gross motor skills considering details.

..... .

3 Define static balance giving a proper example.

..... .

B) کلمات داخل کادر را باتوجه به نوع مهارت در سه گروه زیر قرار دهید.

running	**catching a ball**
walking	**kicking**
climbing stairs	**Jumping**
writing	**tying shoelaces**
playing dough	

Fine motor skills	**Gross motor skills**	**Coordination**
.....	.....	.....
.....	.....	.....
.....	.....	.....

C) در جای خالی کلمات مناسب قرار دهید.

1 Physical development is the dimension of growth that is related to basic ……changes

2 Children are developing rapidly during the……. years

3 Fine motor skills are finger and hand skills such as……., cutting and tying...

D) به تصاویر نگاه کنید و مهارت مربوط به هر کدام را در جای خالی بنویسید.

1. ……. skill.





2……..skill.



3……..skill.



4……skill.



E) لغات زیر را ترجمه کنید.

لغت	ترجمه
Balance	.....
Capabilities	.....
Coordination	.....
Fine motor skills	.....
Gross motor skills	.....
Large muscles	.....
Movement	.....
Physical- motor development	.....
Shoulder strength	.....

هدف توانمندسازی ۳ـ۵: اصطلاحات و متون تخصصی رشد عاطفی ـ اجتماعی کودک را به کار بندد.

Section 2

Social - emotional development



Fig.6- Social - emotional development

What is Social-emotional development?

Social-emotional development is a child's ability to understand the feelings of others, control their own feelings and behaviors, and get along with peers. In order for children to attain the basic skills, they need some other development such as feelings of trust, confidence, pride, friendship, affection and humor which are all parts of a child's social-emotional development. Social and emotional development involves several interrelated areas of development, including social interaction, emotional awareness and self-regulation. Below are examples of important aspects of social and emotional development for young children(Fig.6).

Social interaction focuses on the relationships we share with others, including relationships with adults and peers. As children develop socially, they learn to take turns, help their friends, play together and cooperate with others.

Emotional awareness includes the ability to recognize and understand our own feelings,actions and those of other people, and how our own feelings, actions affect ourselves and others.

Self-regulation is the ability to express thoughts, feelings and behaviors in socially appropriate ways. Learning to calm down when angry or excited and persisting at difficult tasks are examples of self-regulation

تمرین کنید

A) به سؤالات زیر پاسخ دهید.

1 What is Social-emotional development?

..... .

2 Name the basic skills that children need to acquire social-emotional development?

..... .

3 What are the important aspects of social and emotional development?

..... .

B) در جای خالی کلمات مناسب قرار دهید.

1 Social-emotional development is a child's ability to get along with .....

2 As children develop socially,they learn to take turns, help their ....., play together, and ..... with others.

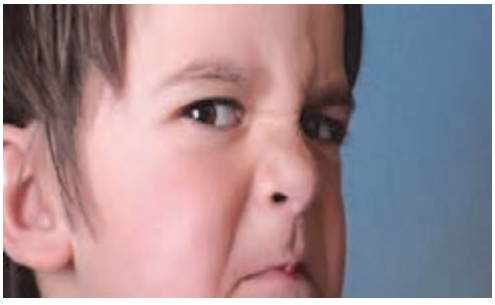
3 ..... is one of the most important aspects of social and emotional development.

C) هرکدام از کلمات را زیر تصویری بنویسید که با آن هم‌خوانی دارد.

Happy - sad - angry - anxious









D) به نظر شما در موقعیت‌های زیر افراد چه احساساتی نشان می‌دهند؟

1 Teacher engages student in interactive questioning.

..... .

2 Teacher and children model same emotion while looking in their mirror.

..... .

E) وقتی کارهای زیر را انجام می دهید چه احساسی دارید؟ آن را بنویسید.

1 Visiting your grandparents: .....

2 Going out with your friends: .....

2 Cleaning your room: .....

F) کلمات را با توجه به معانی به یکدیگر وصل کنید.

1	Hopeless	A feeling of worry, nervousness.
2	Anxiety	A feeling pleasure or joy.
3	Happiness	A feeling of despain.

G) به تصاویر زیر نگاه کنید و به سؤالات جواب دهید.





1 What differences do you see in the behavior of children?

.....

..... .

2 Which one do you think has a greater social growth? Why?

.....

..... .

H) لغات زیر را ترجمه کنید.

لغت	ترجمه
Social-emotional development	.....
Ability	.....
Affection	.....
Behavior	.....
Confidence	.....
Feelings	.....
Friendship	.....
Emotional awareness	.....
Relationships	.....
Social interaction	.....
Self-regulation	.....

هدف توانمندسازی ۴ـ ۵: اصطلاحات و متون تخصصی رشد شناختی کودک را به کار بندد.

Section 3

Cognitive development



Fig.7-Congnitive development

What are the main theories of child cognitive development?

Cognitive development relates to knowledge and how it is acquired. This category of growth includes mental abilities, thinking, memory, problem solving, creativity, metacognition and divergent thinking, language, literacy and attention(Fig.7).

There are several main types of theories of child cognitive development such as Piaget's stage theory .

Jean Piaget published a theory that the cognitive development of children occurs in four distinct stages.

Here are Piaget's four cognitive stages during childhood development:

Stage	Age	
Sensorimotor (Birth to 2 years)		During this stage, children learn about the world through their senses and the manipulation of objects
Preoperational (2 to7 years)		Children develop memory and imagination. They are also able to understand things symbolically.
Concrete Operational (7 to 11 years)		Children become more aware of external events, as well as feelings other than their own. They become less egocentric.
Formal Operational (Ages 11 and older)		Children are able to use logic to solve problems, view the world around them, and plan for the future

تمرین کنید

A) به سؤالات زیر پاسخ دهید.

1 Name the aspects of the cognitive derelopment.

..... .

2 At which stage do chirdren use their senses and manipulation to learn about the world?

..... .

3 Name the four distinct stages of Piaget's stage theory of child's cognitive development.

..... .

B) در جای خالی کلمات مناسب قرار دهید.

1 Cognitive development is related to …….and how it is acquired

2 Cognitive development includes …… abilities, thinking and memory.

3 During ……. stage, children develop memory and imagination.

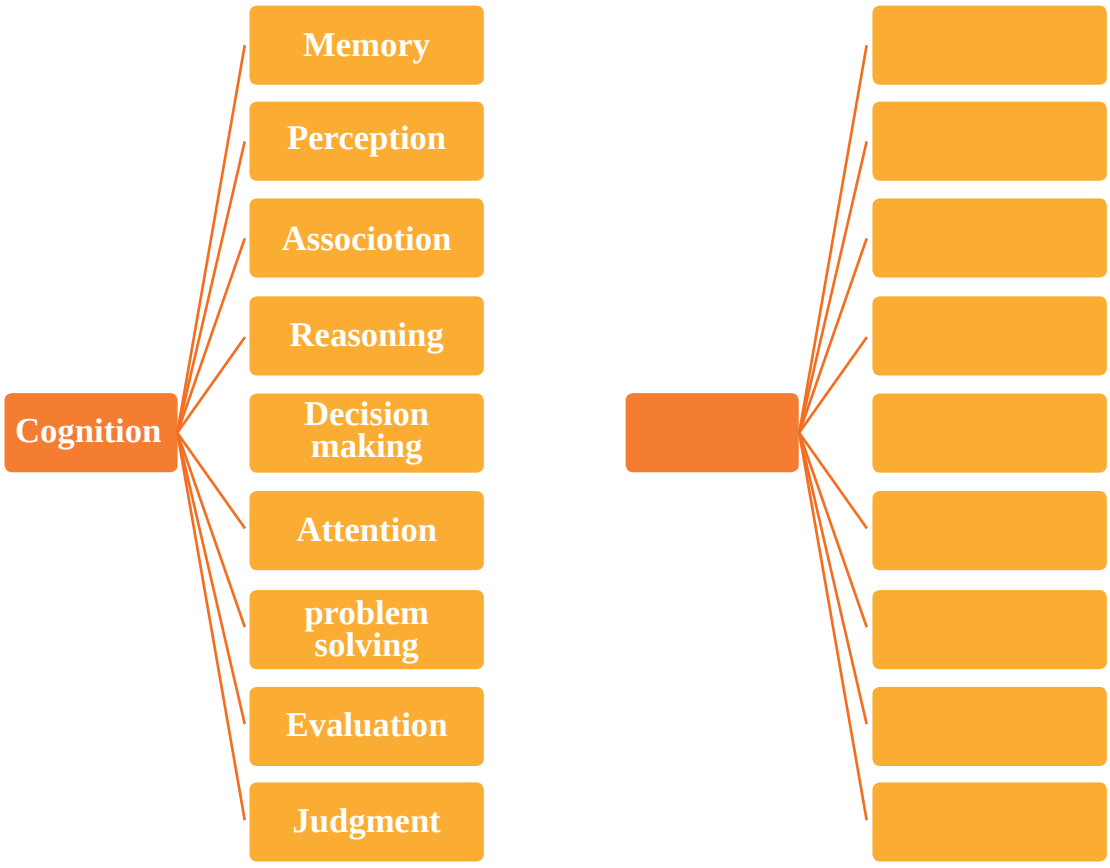
C) در ارتباط با کلمات زیر هر جمله‌ای به ذهنتان می‌رسد بنویسید.

1 Memory .....

2 Cognitive .....

3 Attention .....

D) نمودار زیر مربوط به ابعاد اساسی شناخت می باشد. آن را ترجمه کنید و معادل فارسی واژه‌های آن را در نمودار روبه‌روی آن بنویسید.



E) لغات زیر را ترجمه کنید.

لغت	ترجمه
Cognitive development	.....
Concrete operational stage	.....
Creativity	.....
Formal operational stage	.....
Egocentric	.....
Imagination	.....
Manipulation	.....
Memory	.....
Preoperational stage	.....
Sensorimotor stage	.....
Problem solving	.....
Thoughts	.....

هدف توانمندسازی ۵ـ۵ : اصطلاحات و متون تخصصی رشد کلامی کودک را به کار بندد.

Section 4

Verbal development



Fig.8- Verbal development

What is verbal development?

Verbal development is the way in which children begin to both understand and produce language as a form of communication. The toddler years are a very exciting time for language development - from your child's first word to his or her first sentences to the interesting and funny comments he or she begins to make about the world (Fig.8).

Parents are an important part of this amazing process. Many parents instinctively help to promote their child's linguistic development by talking, and reading. (This is just the thing to do!) Through these daily interactions, children learn to talk by learning new words, using phrases and sentences, and engaging in conversation.

Word learning which a fundamental part of verbal development is depends upon:

1 **The amount of talking:** Your child wants to communicate with you even before she can use words.

2 **The type of talking:** Children develop their oral language skills through conversations with others, and will always learn more by talking with real people than by watching television or interacting with other media.

3 **The ability to use language:** This ability effectively communicate with others is a key component in a child's early development, and of course, to her (or his) long-term success in school and beyond.

تمرین کنید

A) به سؤالات زیر پاسخ دهید.

1 Define child's Verbal development.

..... .

2 Elaborate the role of Parents in the process of child's Verbal development

..... .

3 What is dependent on the learning of words as a fundamental part of verbal development?

..... .

B) در جای خالی کلمات مناسب قرار دهید.

1 Verbal development is the way in which children begin to …… and ……. as a form of communication

2 Children develop their …….. skills through conversations with others.

C) صحیح یا غلط بودن عبارات زیر را مشخص کنید.

1 The toddler years are a very exciting time for language development. T F

2 Children develop their oral language skills by watching television. T F

3 Many parents instinctively help to promote their child's linguistic development by talking to them. T F

D) با توجه به شکل ۸ ترجمهٔ کلمات روی تصویر را به ترتیب از بالا به پایین بنویسید.



E) لغات زیر را ترجمه کنید.

لغت	ترجمه
Competence	.....
Fundamental	.....
Interactions	.....
Oral language	.....
Sentences	.....
Amazing	.....
Liguistic	.....
Conversation	.....
Success	.....
Verbal development	.....

هدف توانمندسازی ۶ـ۵: اصطلاحات و متون تخصصی مهارت‌های ارتباطی کودکان را به کار بندد.

Section 5

Development of communication skills in children



Fig.9-development of communication skills

What is communication skills in children?

Learning to communicate is the key for children to interact with the people in their world and to have their needs met. Few tasks in early childhood are as important as this one! Communication development for young children includes gaining the skills to understand and to express thoughts, feelings, and information. Understanding communication begins before birth (during pregnancy) and continues through life, as a child hears, sees, and interprets information from other people. The expression of communication or a child's language begins with head, eye, and body movements (Fig.9)

تمرین کنید

A) به سؤالات زیر پاسخ دهید.

1 What does the Communication development in clude for young children?

..... .

2 When does Understanding communication begin in children?

..... .

B) در جای خالی کلمات مناسب قرار دهید.

1 Learning to communicate is to interact with others and to have their …… met.
2 Understanding communication begins before ……
3 The expression of communication or a child's language begins with ……, eye, and ……movements

C) جاهای خالی را با کلمات داده شده کامل کنید.

understanding feelings movements

1 The expression of communication or a child's language begins with head, eye, and body ……
2 Communication development for young children includes expressing thoughts,…… and information .

D) لغات زیر را ترجمه کنید.

لغت	ترجمه
Communication skills	.....
Functional	.....
Information	.....
Body movements	.....

هدف توانمندسازی ۷ـ۵: اصطلاحات و متون تخصصی فضای ایمن و سالم محیط آموزشی کودک را به کار بندد.

Section 6

Health and safe environment



Fig.10-healtha and safe environment

A preschool environment should be safe, above all things, and ensuring safety in a preschool setting encompasses a number of considerations. Follow these guidelines for how to provide a safe environment at preschool (Fig.10).

1 **Qualified staff members.** You should have enough employees to supervise all of the children in your preschool, and to ensure that all of the areas in the preschool where children congregate are monitored at all times by staff members.

2 **Check the play area regularly.** It means Employees need to have references checked.

3 **Arrange the classroom in a way that allows you to see all of the children, at all times.** Make sure there are no blind spots so that you can see the children at all Time.

4 **Safeguard the outdoor play area:**

- Ground covering must be soft to cushion falls.
- The height of swings, slides and other playground equipment must be a safe distance from the ground.

5 **Keep all chemicals locked away from children.** In a preschool environment, cleaners, insecticides, first aid solutions, medications and all other toxic substances should be kept in a high, locked cabinet.

تمرین کنید

A) به سؤالات زیر پاسخ دهید.

1 Name the ensuring safety considerations in preschool settings.

..... .

2 What will happen if a blind spot exists and children get lost from your sight in preschool setting.

..... .

3 Explain why it is necessary to see all of the children, at all times in preschool setting.

..... .

B) در جاهای خالی کلمات مناسب قرار دهید.

1 In a preschool environment, cleaners and first aid solutions should be kept in a safety…… cabinet.

2 Make sure there are no ..... spots so that you can see the children at all times.

C) تصاویر را با جملات مناسب مطابقت دهید. (یک مورد اضافه است).

1 All chemicals are locked/out of children's reach.
2 All electrical outlets are covered.
3 All hygiene supplies are available (soap, paper towels)
4 There is a risk of falling objects





D) کدام یک از موارد جدول زیر به سلامتی و بهداشت مربوط می‌باشد؟ در قسمت بله یا خیر علامت بگذارید.

items	yes	no
All entrances/exits are kept clear of clutter.		
Appropriate expressions of emotions		
Air fresheners are not used.		
First aid kit is available in each room.		
Active listening		
All chemicals are locked/out of reach of children.		

E) لغات زیر را ترجمه کنید.

لغت	ترجمه
Arrange	.....
Checked on	.....
First aid	.....
Cleaners	.....
Equipment	.....
Guidelines	.....
Monitored	.....
Qualified	.....
Outdoor play	.....
Playground	.....
Safety	.....
Staff members	.....

خودارزیابی پایانی پودمان۵				
واحد یادگیری:کاربرد متون تخصصی در آموزش‌های پیش از دبستان				
این کاربرگ برای ارزیابی دانش و مهارت شما در زمینه کاربرد متون تخصصی در آموزش‌های پیش از دبستان تهیه شده است. در هر سؤال بیشترین امتیاز سه و کمترین امتیاز یک است. بر این اساس خود را ارزیابی کنید و به خود امتیاز دهید.				
ردیف	**موارد**	**۳**	**۲**	**۱**
۱	تا چه حد می‌توانید اصطلاحات و متون تخصصی در آموزش‌های پیش از دبستان پایه دهم را تحلیل کنید؟			
۲	تا چه حد می‌توانید اصطلاحات و متون تخصصی در آموزش‌های پیش از دبستان پایه یازدهم را تحلیل کنید؟			
۳	تا چه حد می‌توانید اصطلاحات و متون تخصصی در آموزش‌های پیش از دبستان پایه دوازدهم را تحلیل کنید؟			
۴	تا چه حد می‌توانید به‌کارگیری اصطلاحات و متون تخصصی در طراحی فعالیت‌های آموزشی بر اساس رشد همه جانبه کودک را به‌کار گیرید؟			

ارزشیابی پودمان۵

عنوان پودمان ۵	تکالیف عملکردی (شایستگی‌ها)	استاندارد عملکرد (کیفیت)	نتایج	استاندارد (شاخص ها، داوری، نمره‌دهی)	نمره
کاربرد متون تخصصی در آموزش‌های پیش از دبستان	تحلیل اصطلاحات تخصصی در آموزش و پرورش پیش از دبستان	کاربردهای متون تخصصی در آموزش‌های کودکان پیش از دبستان بر اساس منابع معتبر علمی و آموزشی سازمان بهزیستی و آموزش و پرورش پیش از دبستان	بالاتر از حد انتظار	- توسعه شناخت اصطلاحات تخصصی در آموزش و پرورش پیش از دبستان - کاربرد متون تخصصی در آموزش و پرورش پیش از دبستان براساس کتاب‌های تخصصی پایه۱۰، ۱۱و ۱۲ - به‌کارگیری اصطلاحات و متون تخصصی در طراحی فعالیت‌های آموزشی بر اساس رشد همه جانبه کودک	۳
	به‌کارگیری متون تخصصی در آموزش و پرورش رشد همه جانبه کودک		در حد انتظار	- توسعه شناخت اصطلاحات تخصصی در آموزش و پرورش پیش از دبستان - کاربرد متون تخصصی در آموزش و پرورش برخی از جنبه‌های رشد کودک در پایه ۱۲،۱۱،۱۰	۲
			پایین‌تر از انتظار	توانایی انجام یکی از شایستگی‌های مورد انتظار	۱
نمره مستمر از ۵					
نمره شایستگی پودمان از ۳					
نمره پودمان از ۲۰					

منابع و مآخذ

۱ افروز، غلامعلی، (۱۳۸۹)، مقدمه‌ای بر روان‌شناسی آموزش و پرورش کودکان استثنایی، تهران، دانشگاه تهران.

۲ امیری، مسلم، (۱۳۹۶)، روان‌شناسی کاربردی ویژه معلمان، تهران، انتشارات مدرسه.

۳ اولسون، متیو ، هرگنهان، بی.آر. (۱۳۸۹)، مقدمه ای برنظریه‌های یادگیری، مترجم، سیف، علی‌اکبر، تهران، نشر دوران.

۴ فردوسی پور، سیما و همکاران، (۱۳۹۴)، بهداشت روانی (کد۴۸۳)، تهران، انتشارات شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.

۵ پارسا، محمد، (۱۳۹۴)، روان‌شناسی عمومی(کد۳۵۹/۱۱)، تهران، انتشارات شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.

۶ لارنس و جان، الیور،(۱۳۹۴)، شخصیت (نظریه و پژوهش)، ترجمه جوادی، محمدجعفر، کدیور، پروین، انتشارات آییژ.

۷ تورنتون، لیندا. (۱۳۹۶)، به‌کارگیری رویکرد رجیو امیلیا در آموزش پیش دبستان، ترجمهٔ: آیدا محمدی، مؤسسه پژوهشی تاریه ادبیات کودکان.

۸ جعفری ، نوید، راتوس، اسپنسر (۱۳۹۵)، بهداشت روانی ، ترجمه: سید محمدی، یحی، چاپ دهم، انتشارات ارسباران.

۹ دریکودس، رودلف و کاسل، پرل (۱۳۹۲)، انضباط بدون اشک ، ترجمه مریم داداش‌زاده و مینو. واثقی، انتشارات رشد .

۱۰ دیوینی، جویس، (۱۳۹۰)، بچه‌های خوب، رفتارهای بد، ترجمه مریم داداش‌زاده و مینو واثقی، انتشارات رشد.

۱۱ رابینسون، جیمز و کورمیک، دبورامک ، (۱۳۹۵)، راهنمای جامع بهداشت روانی و سلامت جسمانی، ترجمه پزشک، شهلا ، هاشمی آذر، ژانت، انتشارات ارجمند .

۱۲ رایت کوبهز، آرتور، (۱۳۷۰)، آموزش تخصصی معلمان، ترجمه عبدالرحیم جواهرفروش، انتشارات رشد.

۱۳ زارع، حسین و همکاران، (۱۳۹۶)، روان‌شناسی(کد ۱۱۱۲۲۴) ـ پایهٔ یازدهم دورهٔ دوم متوسطه، تهران، شرکت چاپ و نشرکتاب‌های درسی .

۱۴ سانتراک، جان.دیلو، (۲۰۰۱)، روان‌شناسی تربیتی، (ترجمه مرتضی امیدیان ۱۳۸۵) یزد،انتشارات دانشگاه.

۱۵ سیف، علی‌اکبر، (۱۳۹۶)، روان‌شناسی پرورشی نوین (روان‌شناسی یادگیری و آموزش)، نشر دوران .

۱۶ شاملو، سعید،(۱۳۸۵)، بهداشت روانی انتشارات چهر ،چاپ ششم.

۱۷ شعاری‌نژاد، علی‌اکبر، (۱۳۹۲)، روان‌شناسی رشد. تهران: اطلاعات.

۱۸ شولتز ،دوان و شولتز، سیدنی الن، (۱۳۹۶)، نظریه های شخصیت ، ترجمه یحیی سیدمحمدی و همکاران، نشر ویرایش.

۱۹ صادق، معصومه و همکاران، (۱۳۹۳)، سند استاندارد شایستگی رشته تربیت کودک، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه ای و کاردانش، تهران.

۲۰ صادق، معصومه و همکاران، (۱۳۹۳)، سند استاندارد ارزشیابی رشته تربیت کودک، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه ای و کاردانش، تهران .

۲۱ صادق، معصومه و همکاران، (۱۳۹۴)، سند راهنمای برنامه درسی رشته تربیت کودک، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش، تهران.

۲۲ صادق، معصومه و همکاران، (۱۳۹۵)، برنـامه درسی درس دانش فـنی تخصصی، سازمـان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش، تهران.

۲۳ فاطمه قاسم زاده و همکاران (۱۳۹۱)، روش‌های یاددهی ـ یادگیری مبتنی بر رویکرد رشد محور، انتشارات فنی ایران.

۲۴ فونتانا، دیوید، (۱۳۸۱)، روان‌شناسی در خدمت معلمان (تعاملات اجتماعی) ترجمه دکتر ابراهیمی قوام، تهران، نشر مؤسسه فرهنگی منادی تربیت.

۲۵ کاست‌زان، آنت، (۱۳۹۱)، هر کودکی می‌تواند رفتار صحیح را بیاموزد، ترجمه شیده کرمانشاهی، انتشارات جوانه رشد

۲۶ کریمی،یوسف، (۱۳۹۲)، روان‌شناسی اجتماعی (نظریه‌ها، مفاهیم و کاربردها)، انتشارات ارسباران.

۲۷ کلیک، فیلیس و همکاران، (۱۳۹۷)، مدیریت و برنامه‌ریزی برای دوران اولیه کودکی. مترجمان: سکینه راه پیما، دکتر منصوره کریم زاده، انتشارات دانژه.

۲۸ گلاس، جودو و ریچمن، نائومی، (۱۳۷۰)، راهنمای عملی برای پرورش کودکان، ترجمه نیره توکلی و فرزانه یاسائی، نشر تندر.

۲۹ گنجی، حمزه، (۱۳۸۶)، بهداشت روانی، انتشارات ارسباران.

۳۰ مارتا تیلوردیور و رنه. سی. فالکنر، (۱۳۹۲)، مبانی و تحولات اساسی دوران اولیه کودک. مترجمان: سکینه راه پیما، دکترفرزانه معتمدی، انتشارات فرهنگ.

۳۱ مشایخی، نازلی وترابی میلانی، فریده، (۱۳۹۱)، کودکان استثنایی، تهران، انتشارات فاطمی .

۳۲ مفیدی، فرخنده، (۱۳۹۴)، اصول و مفاهیم آموزش و پرورش پیش از دبستان (کد۳۵۸/۲۴)، تهران انتشارات شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.

۳۳ نی تابر، روبرت، (۱۳۸۰)، الفبای مدیریت کلاس درس، ترجمه محمدرضا سرکارآرانی، انتشارات مدرسه، چاپ دوم.

۳۴ نیکول، جانی، (۱۳۹۵)، به‌کارگیری رویکرد والدورف در آموزش پیش دبستانی.ترجمۀ: آیدا محمدی. مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان.

۳۵ هولت، نیکی، (۱۳۹۵)، به‌کارگیری رویکرد «های اسکوپ» در سال‌های پیش دبستان. ترجمۀ: شیما الهی. مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان.

۳۶ هیلگارد، ارنست و همکاران، (۱۳۹۶)، زمینه روان‌شناسی هیلگارد، ترجمه، محمدنقی براهنی و همکاران، تهران، انتشارات رشد.

۳۷ وید، کرول و همکاران، (۱۳۹۵)، روان‌شناسی عمومی، ترجمه آوادیسیانس، هامایاک و همکاران، تهران انتشارات رشد.

۳۸ یاسایی، مهشید، (۱۳۷۶)، رشد شخصیت کودک، تألیف گروه نویسندگان، ترجمۀ نشر مرکز.

۳۹ کریمی، یوسف، (۱۳۹۰)، روان شناسی شخصیت، تهران ،پیام نور.

۴۰ یوسفی، ناصر، (۱۳۹۱)، رویکردهای آموزشی. مؤسسه پژوهشی کودکان دنیا.

۴۱ Ann S. Epstein. (2000). All about High Scope. Ypsilanti, Michigan: High Scope Press. Received from: http://www.highscope.org/Content.asp?ContentId=291

۴۲ Epstein, A.S.(2007).Essentials of Active Learning in Preschool: Getting to know the Highscope Curriculum Eillustrated],pp.91-94. Highscope Press.

۴۳ Malaguzzi, L. (1998). History, ideas, and basic philosophy: An interview with Lella Gandini. In C. Edwards, L. Gandini, & G. Forman (Eds.), The hundred languages of children: The Reggio Emili a approach – Advanced reflec ti on s (2nd ed., pp. 49-97). Greenwich, CT: Ablex. ED 425 855.

۴۴ Murphy, P.(2012,spring). Arranging the Active Learning Environment: Setting up the Preschool Classroom. Highscope Resource Magazine 31(1), 11-14.

۴۵American Academy of Pediatrics 2013. Organized Sports for Children and Bergen, D. & Pronin Fromberg, D. 2009. Play and social interaction in middle Blakemore, S.J. 2007. Brain development during adolescence. Education Review.

۴۶ Castelli, D. M., Hillman, C. H., Buck, S. M., & Erwin, H. E. (2007). Physical fitness and academic achievement in third- and fifth-grade students Journal of Sport & Exercise Psychology, 29, 239-252.

۴۷ Cress, C., Arens, K., & Zajicek, A. (2007). Comparison of engagement patterns of young children with developmental disabilities between structured and free play. Education and

Training in Developmental Disabilities, 42(2), 152-164.

۴۸ Cress, C., Moskal, L., & Hoffmann, A. (2008). Parent directiveness in free play with young children with physical impairments. Communication Disorders Quarterly, 29(2), 99-108.

۴۹ Iverson, J. M. (2010). Developing language in a developing body: The relationship between motor development and language development. Journal of Child Language, 37, 229-261.

۵۰ Labiadh, L., & Golomer, E. (2010). Preschool-aged children's jumps: Imitation performances. Journal of Electromyography & Kinesiology, 20, 322.

۵۱ Laplante, D. P., Zelazo, P. R., Brunet, A., & King, S. (2007). Functional play at 2 years of age: Effects of prenatal maternal stress. Infancy, 12, 69–93.

۵۲ Lloyd, M., Burghardt, A., Ulrich, D. A., & Rosa, A. (2010). Physical activity and walking onset in infants with Down syndrome. Adapted Physical Activity Quarterly, 27, 1-16.

۵۳ Nichols, S. R., Svetlova, M. & Brownell, C. A. (2010). Toddlers' Understanding of Peers'Emotions. The Journal of Genetic Psychology, 2010, 171(1), 35–53.

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی جهت ایفای نقش خطیر خود در اجرای سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، مشارکت معلمان را به‌عنوان یک سیاست اجرایی مهم دنبال می‌کند. برای تحقق این امر در اقدامی نوآورانه سامانه تعاملی بر خط اعتبارسنجی کتاب‌های درسی راه‌اندازی شد تا با دریافت نظرات معلمان دربارهٔ کتاب‌های درسی نونگاشت، کتاب‌های درسی را در اولین سال چاپ، با کمترین اشکال به دانش‌آموزان و معلمان ارجمند تقدیم نماید. در انجام مطلوب این فرایند، همکاران گروه تحلیل محتوای آموزشی و پرورشی استان‌ها، گروه‌های آموزشی و دبیرخانهٔ راهبری دروس و مدیریت محترم پروژه آقای محسن باهو نقش سازنده‌ای را بر عهده داشتند. ضمن ارج نهادن به تلاش تمامی این همکاران، اسامی دبیران و هنرآموزانی که تلاش مضاعفی را در این زمینه داشته و با ارائهٔ نظرات خود سازمان را در بهبود محتوای این کتاب یاری کرده‌اند به شرح زیر اعلام می‌شود.

اسامی دبیران و هنرآموزان شرکت کننده در اعتبارسنجی کتاب دانش فنی تخصصی رشته تربیت کودک ـ کد ۲۱۲۳۱۱

ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت	ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت
۱	سیده مهناز حاجی‌کاظمی	قزوین	۱۴	مهناز رضائی‌فرد	خراسان جنوبی
۲	فاطمه اصغری	گیلان	۱۵	کبری کشاورز	قزوین
۳	نسرین اسکندریان	آذربایجان غربی	۱۶	مهشید محمدیاری	مرکزی
۴	سمیه محمودآبادی	کرمان	۱۷	مهناز فرهادی	البرز
۵	گیتا بهار	اردبیل	۱۸	نسا نیکنام	سیستان و بلوچستان
۶	نوشین لطف ا...نسب	کردستان	۱۹	زهرا برزویی	سمنان
۷	معصومه السادات حسینی رکن‌آبادی	قم	۲۰	نفیسه تقوی‌کیش	گلستان
			۲۱	نرجس نوری	همدان
۸	منصوره صاعد نیا	اصفهان	۲۲	مریم نوبهاری	خراسان رضوی
۹	مهری خسرویانی	شهر تهران	۲۳	زهره محبوبی‌زاده	کرمان
۱۰	اعظم رستمی	هرمزگان	۲۴	معصومه اسماعیلی	ایلام
۱۱	فاطمه زمانی‌مود	خراسان جنوبی	۲۵	راحله سپاهی‌سیب	سیستان و بلوچستان
۱۲	خدیجه بهرامی‌فر	فارس	۲۶	رویا جهانمردی	خوزستان
۱۳	حوری دهقان	گلستان	۲۷	مریم نصیری‌پور	یزد

هنرآموزان محترم، هنرجویان عزیز و اولیای آنان می‌توانند نظر اصلاحی خود را درباره مطالب کتاب‌های درسی از طریق سامانه «نظرسنجی از محتوای کتاب درسی» به نشانی «nazar.roshd.ir» یا نامه به نشانی تهران ـ صندوق پستی ۴۸۷۴ ـ ۱۵۸۷۵ ارسال کنند.

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

Www.IranEstekhdam.Ir

«لینک‌های مفید و مرتبط»

دانلود منابع آزمون استخدامی هنرآموز کودکیاری

خرید و دانلود

دانلود نمونه سوالات عمومی و تخصصی استخدام آموزش و پرورش

خرید و دانلود

سرویس خصوصی خدمات عام المنفعه اخبار شغل و استخدام

Www.IranEstekhdam.Ir

خواننده گرامی؛ در جهت بهبود کیفیت این فایل؛ لطفاً هرگونه انتقاد و پیشنهاد خود در مورد مطالب آن

و یا گزارش مشکل را به آدرس ایمیل و یا با شماره تلفن زیر مطرح نمایید:

شماره تلفن تماس: ۰۲۱-۹۱۳۰۰۱۱۳ آدرس ایمیل: soal@iranestekhdam.ir